

# کتاب مقدس ترسیان

(ترجمه خاص)

مقدمه و توضیحات طبق  
ترجمه بین‌الکلیسائی کتاب مقدس  
(TOB) 1997

## چهار انجیل

# کتاب مقدس ترسیان

(ترجمہ خاص)

مقدمہ و توضیحات طبق  
ترجمہ بین الکلیسائی کتاب مقدس

## چهار انجیل

Intoduction, notes & margin:

(TOB) 1997

# پیشگفتار

## انجیل متی

### آغاز و پایان انجیل

متی به جای مقدمه ای که لوقا به انجیل خود افزوده، پیش از آغاز انجیل، منظور و مفهوم اثر خود را ذکر کرده و در طی آن روایت زندگی آشکار عیسی را می نگارد (۱-۲) همچنان که در پایان انجیل نیز در جریان تنها موردی که عیسی پس از رستاخیز پدیدار می شود مفهوم اثر خود را بیان می کند (۲۸:۱۶-۲۰): «قدرت کامل در آسمان و بر زمین به من عطا شده است. پس بروید و از میان همه ملت ها مردم را جزو پیروان درآورید و به نام پدر، پسر و روح القدس آنان را تعمید داده آنچه را به شما سفارش کرده ام به ایشان تعلیم دهید و من هر روز تا پایان روزگار با شما خواهم بود.» در این «بیانیه» که عیسی پس از برخاستن از مرگ اظهار می کند بر دو نکته مهم تأکید شده است، یکی اقتدار مسیح و دیگری نقش شاگردان او.

۱- انجیل متی نظیر انجیل های دیگر، بیانگر زندگی و آموزه های عیسی است ولی متی به شیوه مخصوص خود و بیشتر از دیگران مسیح شناسی ساده و ابتدایی را توضیح داده و مفهوم آن را بیان می کند. در آغاز، تولد عمانوئیل - به معنی «خدا با ماست» - به یوسف اعلام می شود (۱:۲۳) و او کسی است که تا پایان روزگار به عنوان «استاد و آموزگار» برای ایمانداران حاضر خواهد بود (۲۸:۲۰) چنانکه در زندگی بر روی زمین هم

استاد و آموزگار بود و همچنان بوسیله شاگردان و پیروانش این نقش را ادامه خواهد داد، با قدرتی کامل که نه از شیطان بلکه از خدا دریافت کرده است (۴:۸-۱۰) زیرا خدای پدر همه چیز را به او عطا نموده است (۱۱:۲۷). یادآوری این نکته به انجیل متی جنبه اخلاقی می دهد که از اختصاصات این انجیل است.

بر طبق نوشته های مقدس، یهودیان عیسی را طرد کرده او را نپذیرفتند و بدین گونه مژده به مشرکان ابلاغ گردید و این موضوع به اختصار در سرآغاز انجیل نشان داده می شود زیرا سرآغاز انجیل کمتر به منظور نشان دادن وقایع دوران کودکی عیسی است و بیشتر برای آن است که از روی روایات کهن معنی و مفهوم سرنوشت زمینی کسی بیان شود که از میان مردگان برخاسته است. گرچه یوسف کودکی را که بوسیله روح القدس بارور و از مریم عذرا زاده شده است به نام اسرائیل و به عنوان اولاد و نسل داود می پذیرد و سپس مغان یعنی نمونه مشرکانی که انجیل آنها را به نجات دعوت می نماید از او دیدار می کنند با این همه اورشلیم، کاهنان اعظم و هیروдіس پادشاه وجود او را انکار می نمایند و وی را طرد کرده به شکنجه می کشند. هیروдіس به جای اینکه او را پرستش کند می خواهد وی را با کودکان بیت اللحم به قتل برساند ولی عیسی از مهلکه جسته و به جلیل که نماد سرزمین مشرکان است

پناه می برد. این سرگذشت غم انگیز که بالاخره منجر به اعلام انجیل به مشرکان می شود علائم و مشخصات مرگ و رستاخیز آینده او را دارد.

بنابراین عیسی مسیح تاریخ قوم اسرائیل را به تحقق می رساند ولی متی به طریق دیگری یعنی بوسیله نوشته های مقدس هم این موضوع را اظهار نموده است: بدین معنی که در سرتاسر نوشته خود به طور پراکنده مطالبی از کتاب مقدس نقل کرده تا نشان دهد که طرز رفتار عیسی همواره بوسیله نوشته های مقدس روشن می شود و سپس می نویسد: «به این ترتیب پیام خدا که پیامبر اعلام کرده بود بایستی تحقق می یافت» (۲۲:۱) توضیح (k). کسانی که عیسی را نپذیرفته بودند درباره شخصیت او اشتباه می کردند: عیسی واقعاً همان مسیح موعودی است که یهودیان انتظار می کشیدند.

۲- همین عیسی با قدرت و اقتدار یازده نفر را مأمور می کند که مژده را اعلام کنند و همه ملت ها را پیرو سازند. این مژده بر طبق اصطلاحی که مختص نخستین انجیل است بدو اعلام «ملکوت آسمانها» است، اصطلاحی که در روایات یهود «ملکوت خدا» ثبت شده است. زیرا خدا فرمانروایی است که در میان ملت خود حضور دارد و در لحظات معینی در جریان تاریخ با قدرت دخالت می نماید. این طرز سخن گفتن درباره خدا بدون شک تا اندازه ای از شیوه حکومت اسرائیل در طی قرون ناشی می شود زیرا یهودیان همواره آرزوی فرمانروایی و دخالت قاطع خدا را داشتند و بر اثر اشغال رومیان امید و انتظارشان تشدید شده بود. بسیاری از یهودیان آن دوران به سادگی می گفتند: «فقط خدا پادشاه ما است!» اگر چه عیسی اصطلاح «ملکوت آسمانها» را بکار برده به نظر متی کمتر به این معنی می باشد زیرا متی این

کلمات را پس از مرگ عیسی بکار برده و بنابراین انتظار نداشته چنین رویایی تحقق یابد.

به نظر متی اصطلاح «ملکوت آسمانها» معنی خاص و فنی داشته و به مفهوم تسلط و نفوذ خدا بر قوم خود می باشد و وقتی که عیسی «رازهای ملکوت» را اعلام می نماید (۱۳:۱۱) آن را به صورت کلی و مطلق بکار می برد. در موارد دیگر در انجیل های لوقا یا یوحنا این اصطلاح مجدداً تعبیر و تفسیر شده و به معنی زندگی جاودان و آسمان آمده است. بدین سبب در انجیل متی این اصطلاح مبهم است و بایستی معمولاً به واژه «سلطنت» برگردانده شود ولی گاه به علت استثنای قواعد دستور زبان یونانی (۲:۳) توضیح (g) بایستی به کلمه «ملکوت» ترجمه شود. بدین گونه منظور از ملکوت آسمانها فقط مربوط به آینده نیست بلکه شامل زمان حاضر هم می شود. مثل هایی که در باب ۱۳ درباره ملکوت آمده مختصات آن را به این ترتیب تعیین می کنند: ملکوت که با عمل بذرافشان آغاز شده، علی رغم عدم موفقیت هایی که با آنها مواجه می شود بایستی به طریقی اسرارآمیز تا برداشت محصول نهایی ثمر بدهد. به دلیل این منظره که توصیف پایان روزگار است ملکوت خدا را نمی توان با کلیسا یکی دانست حتی اگر کلمه «کلیسا» (۱۶:۱۸؛ ۱۸:۱۸) به مفهوم جامعه پیروانی باشد که ملکوت را بشارت داده نشانه های آن را اعلام می نمایند. ضابطه این جامعه خدمت متقابل است (۱۸:۱۲-۱۴) و این جامعه همراه بطرس کلیدهای ملکوت را در دست دارد (۱۶:۱۹؛ ۱۸:۱۹) و با اینکه افراد این جامعه می دانند ملکوت آغاز شده باز هم همواره دعا می کنند: «ملکوت تو بیاید!» (۶:۱۰).

ما منظور او از این کلمات آزادی سیاسی

## نگارش ادبی

متی در نگارش انجیل خود از همان مدارک و مأخذی استفاده کرده که مرقس و لوقا در دست داشته اند، ولی با وجود این تشابه کلی، روایتی که متی ارائه می‌کند با روایت مرقس تفاوت بسیار دارد. این تفاوت از نظر تعداد مطالب و شرح و تفصیل آنها در انجیل متی است که مختص به این انجیل می‌باشد (مثلاً ۱-۲: ۵-۷؛ ۱۱: ۳۰-۳۰: ۱۳-۲۴؛ ۳۰: ۳۶-۵۲؛ ۱۰: ۱۸-۳۵؛ ۲۸: ۹-۲۰). به علاوه متی نکاتی را که در انجیل مرقس و متی مشترک هستند با آزادی بیشتری بکار می‌برد (مثلاً این موارد را با یکدیگر مقایسه کنید: مت ۱: ۴-۱۱ با مر ۱۲: ۱۳-۱۳؛ مت ۲۳: ۲۷-۲۷ با مر ۳۵: ۴۱-۴۱؛ مت ۹: ۹-۱۳ با مر ۲: ۱۷-۱۷؛ مت ۱۴: ۱۳-۲۱ با مر ۶: ۳۲-۴۴؛ مت ۱۶: ۱۳-۲۰ با مر ۸: ۲۷-۳۰؛ مت ۱۸: ۱۸-۱۹ با مر ۱۲: ۱۴-۱۴؛ مت ۲۱: ۳۳-۴۶ با مر ۱۲: ۱-۱۲؛ مت ۲۴: ۱-۳۶ با مر ۱۳: ۱-۳۷). بالاخره متی سلسله مطالبی را روایت می‌کند که ظاهراً منبع و مأخذ آنها مجموعه‌ای از گفتارهای عیسی بوده و لوقا هم از آن مجموعه استفاده کرده است (مثلاً ۷: ۳-۱۰؛ ۷: ۷-۱۱؛ ۱۱: ۴-۶؛ ۱۲: ۴۳-۴۵). مشکل بتوان گفت منابع و مأخذ مورد استفاده متی قبلاً تا چه اندازه به صورت مجموعه‌های بزرگتری وجود داشته است ولی اگر انجیل متی با انجیل‌های مرقس و لوقا مقایسه شود می‌توان دریافت که روش انشا و نگارش متی چه بوده است.

۱- در ذکر وقایعی که روایت شده بجز در مورد ۱۷: ۴ و ۲۱: ۱۶ معمولاً ارتباط و پیوستگی‌های زمانی فاقد ارزش است (ر.ک. ۱: ۳ توضیح C). اطلاعات جغرافیایی نسبتاً مبهم هستند و با این اطلاعات نمی‌توان خط سیر مشخص و دقیقی را تعیین نمود، با این همه نیست

خواننده به کمک آنها در برابر سرنوشتی تاریخی قرار می‌گیرد. در واقع این اطلاعات فقط مجموعه‌ای از وقایع و شرح و تفصیل آنها نیستند. متی علاقمند است یک کلمه را در آغاز روایت یا حکمت و اندرزی آورده و همان کلمه را در پایان آن تکرار نماید. این شیوه ادبی را در زبان فارسی ادخال (به معنی داخل کردن) می‌گویند (۶: ۱۹ و ۶: ۲۱؛ ۷: ۱۶ و ۷: ۲۰؛ ۱۶: ۶ و ۱۲: ۱۶). وی کلمات مترادف یا نظریات مختلف و متضاد را با یکدیگر و در برابر یکدیگر به شیوه ادبی لف و نشر (به معنی درهم پیچیدن و گستردن) بکار می‌برد (۱۶: ۲۵). متی ابایی ندارد که عبارتهایی را مرتباً تکرار کند (۸: ۱۲؛ ۲۲: ۱۳؛ ۲۵: ۳۰) یا اینکه برای بیان یک واقعیت همواره ترکیب کلام معینی بکار ببرد (۸: ۲ و ۹: ۱۸؛ ۹: ۴ و ۱۲: ۲۵) یا سخن معینی را از زبان گویندگان مختلفی ذکر نماید (۳: ۲؛ ۴: ۱۷؛ ۱۰: ۷). ایجاز و اختصار از مختصات روایت‌های متی است: روش نگارش مرقس که به صورت داستان نویسی است در انجیل متی جای خود را به روش آموزش مذهبی داده و حتی جنبه تقدس دارد (روایت‌های مربوط به شفا دادن مادر زن پطرس را در مت ۸: ۱۴-۱۵ و مر ۲۹: ۳۱ با یکدیگر مقایسه کنید).

متی بسیار علاقمند است که با کاربرد برخی اعداد ترکیب‌هایی ایجاد کند (در این مورد اعداد ۷، ۳ یا ۲ جایگاه خاصی دارند) یا بوسیله واژه‌هایی قلاب مانند، مطالب را به یکدیگر پیوند داده و ترکیب‌هایی بوجود آورد (مثلاً ۱۸: ۴-۶). در حالی که مرقس و لوقا مطالبی را که از منابع مختلف هستند در کنار یکدیگر ذکر می‌نمایند متی این گونه گفتارها و روایت‌ها را ترکیب نموده و یکجا جمع می‌کند (مثلاً موضوع مربوط به ۸: ۵-۱۳ را با لوقا ۷: ۱-۱۰ و ۱۳: ۲۸-۲۹ مقایسه و

بزرگی ایجاد و تحمیل گردد. با این همه منتقدان سه نوع تقسیم بندی پیشنهاد کرده اند که «طرح های» متی نامیده می شوند.

**الف)** ساده ترین طرح ظاهراً طرح جغرافیایی و نظیر طرحی است که در انجیل مرقس وجود دارد و شامل رسالت عیسی در جلیل (۴: ۱۲-۵۸: ۵)، فعالیت عیسی در نواحی پیرامون جلیل و سپس در راه به سوی اورشلیم (۱۴: ۱-۲۰: ۳۴) و بالاخره آموزش، رنجها، مرگ و رستاخیز عیسی در اورشلیم (۲۱: ۱-۲۸: ۲۰) می باشد. اشکالی که در پیشنهاد این طرح وجود دارد این است که کسی نتوانسته نشان دهد که متی در ذکر این محلهای جغرافیایی قصد و نیت مخصوصی از نظر الهیاتی داشته است، بنابراین ممکن است ذکر محلهای جغرافیایی فقط چهارچوب و زمینه ای برای جمع آوری مطالب باشند.

**ب)** نویسندگان دیگری طرح انجیل متی را بر مبنای پنج «خطابه» تدوین و تنظیم می کنند، خطابه هایی که متی آنها را با عبارتهای پایانی مشابهی از یکدیگر مشخص و جدا کرده است که قبلاً ذکر گردید. زیرا در حقیقت قسمت اساسی آموزشهای عیسی در پنج گروه مطالب جمع شده است. آیا می توان این مطالب را به صورت یک رشته متناوب از روایت و خطابه طبقه بندی کرد؟ چنین ارتباطی را علی رغم تصور کسانی که معتقد به وجود آن هستند نمی توان به آسانی نشان داد مگر در مورد باب های ۱۱-۱۲ و باب ۱۳. آیا ممکن است باب های ۱۱-۱۲ را روایت به شمار آورد و حال آنکه از یک رشته گفتارهای کوتاه تشکیل شده اند و زمان و مکان آنها مبهم و نامشخص است؟ و اما در مورد گروه بندی های دیگر، نمی توان رابطه نزدیکی بین باب های ۳-۴ با بابهای ۵-۷ و نیز بین باب های ۱۴-۱۷ با

نمایید) تا معنی و مفهوم عمیق تری داشته باشند. متی همچنین آموزشهای عیسی را که مشابه یکدیگر هستند دسته بندی می کند مثلاً دعای «ای پدر ما» را در مجموعه ای از مطالب که قبلاً ترتیب یافته است جای می دهد (۶: ۷-۱۵ در داخل ۶: ۱-۱۸)، وی «خطابه هایی» تألیف و انشاء می کند تا به آنها جنبه تمامیت و کمال بدهد (مثلاً ۱۰: ۱۷-۴۲: ۱۳-۳۵: ۲۵). به مجموعه معجزاتی که در ۱: ۸-۱۷ ذکر شده دو مجموعه معجزه دیگر می افزاید (۸: ۲۳-۹: ۸ و ۹: ۱۸-۳۴). در مورد سرنوشت پسر انسان که سه بار اعلام شده است شرح و توضیحاتی می افزاید تا دامنه آموزشهای عیسی وسیع تر گردد (مثلاً ۵: ۱۸-۳۵: ۱۹-۲۰: ۱۶).

بالاخره از لحاظ ترتیب انشای ادبی، در این اثر پنج مجموعه به نظر می رسد که آنها را به سبب فقدان نامی بهتر، «خطابه های» عیسی می نامند که بافت کلی انجیل را تشکیل می دهند. این خطابه ها مجموعه ای از گفتارها و سخنان عیسی هستند که در پایان هر مجموعه این عبارت می آید: «باری، هنگامی که عیسی به این آموزشها پایان داد» (ر.ک ۷: ۲۸ توضیح j). خطابه های مذکور به ترتیب عبارتند از: «عدالت ملکوت» (۵-۷)، «کارگزاران ملکوت» (۱۰)، «رازهای ملکوت» (۱۳)، «فرزندان ملکوت» (۱۸)، «هوشیاری و وفاداری لازم در انتظار ظهور نهایی ملکوت» (۲۴-۲۵).

۲- خواننده پس از ملاحظه ویژگی های بارز روش و شیوه نگارش انجیل متی، در صدد برمی آید که انجیل را به مجموعه ها و بخشهای بزرگتری تقسیم کند. البته این گروه بندی خواست متی نبوده و پیشنهاد خود خواننده است و به همین سبب در این ترجمه سعی نشده در انجیل تقسیمات

(۱۳). بالاخره بستگان عیسی او را طرد می نمایند (۱۳:۵۳-۸۵).

در بخش دوم (۱۴-۲۸) عیسی قدم در راهی می گذارد که او را به وسیله صلیب به شکوه رستاخیز می رساند. در این روایت دو حرکت وجود دارد که آن را روایتی زنده ساخته اند: حرکت اول بر مبنای جغرافیایی (۱۴:۱-۲۰:۱۶) و سپس بر مبنای آموزه ای است (۱۶:۲۱-۲۰:۳۴) و این امکان را فراهم می سازد که عیسی تعلیمات مخصوصی به جامعه خود بدهد. حرکت دیگر در اورشلیم می گذرد که عیسی با جلال و شکوه به آنجا وارد شده معبد را بدست می گیرد (۲۱:۱-۲۲); سپس با دشمنان خود روبرو می شود: با ذکر سه مثل اراده و مشیت خدا را آشکار می کند (۲۱:۲۸-۲۲:۱۴)، از بحث و مجادله با دشمنان و از دامهایی که گسترده اند پیروز بیرون می آید (۲۲:۱۵-۴۶) و ریاکاری کاتبان و فریسیان را برملا می سازد (۲۳); سپس عیسی داوری همه دنیا را اعلام کرده (۲۴-۲۵) و می گذارد آدمیان او را داوری نموده محکوم سازند (۲۶-۲۷). بالاخره خدا او را از مرگ برمی خیزاند (۲۸).

بدین ترتیب متی واقعه ای مهیج و غم انگیز را شرح می دهد. عیسی قوم یهود را ملزم می کرد بدون هیچ قید و شرطی به شخص او بگروند و پذیرفته شدن غیریهودیان در ملکوت آسمانها را اعلام می کرد. این ملاقات که می بایست موجب تحقق و تمامیت هدف قوم خدا گردد بر اثر امتناع قوم اسرائیل به جدایی و گسیختگی منجر می شود. از آن پس شاگردان و پیروانی که به آموزش عیسی برخاسته از مرگ وفادار ماندند قوم واقعی خدا به حساب می آمدند که از تسلط کارگزاران یاغی رها شده بودند و بایستی ثمرات مورد انتظار خدا را بوجود آورند (۲۱:۴۳).

باب ۱۸ برقرار کرد. بالاخره برای این که باب های ۸-۹ با باب ۱۰ و باب های ۱۹-۲۳ با باب های ۲۴-۲۵ پیوند داده شود بایستی در متن آنها تغییرات کلی ایجاد نمود. لازم به یادآوری است که انجیل متی جزوه آموزش دینی نیست که بوسیله شواهد و مثالهایی تشریح و تفسیر شده باشد بلکه بیانگر وجودی تاریخی است که از نظر آموزه ای اهمیت دارد.

ج) کسان دیگری تصور کرده اند که متی خواسته است زندگی غم انگیز عیسی را بر روی بافت جغرافیایی بنگارد ولی با توجه به قسمتهای مشروحه زیر می توان مجموعه این اثر را به دو بخش مهم تقسیم کرد: مطالبی که بطور «چکیده و مختصر» ذکر شده است (۴:۱۷-۱۲:۱۵؛ ۱۵:۲۱-...)، تسلسل مطالب و پیوستگی آنها (۱۲:۱۵-۲۱ و ۳:۱۷-۱۳:۳؛ ۱۱:۱-۱۲:۵۰ و ۸:۱-۹:۳۴)، نکات واضح و روشن درباره سرزمین (۸:۱-۹:۳۴؛ ۱۴:۱-۱۶:۲۰؛ ۲۰:۲۸-۲۹:۲۰) یا نکاتی که وضوح کمتری دارند (۱۱:۱-۱۲:۵۰؛ ۱۶:۲۱-۲۰:۲۸); تنوع شنوندگان، ویژگی جمعیت (۸:۱-۹:۳۴); ویژگی دشمنان (۱۱:۱-۱۲:۵۰؛ ۲۱:۲۳-۲۳:۳۹)، ویژگی شاگردان (۱۴:۱-۲۰:۳۴؛ ۲۴:۱-۲۵:۴۶).

در بخش اول (۳:۱-۱۳:۵۸) عیسی خود را معرفی می کند ولی قوم یهود از ایمان آوردن به او امتناع می ورزند. عیسی که در اعمال و سخنان خود قدرت کامل دارد (۴:۱۲-۹:۳۴) شاگردان خود را می فرستد تا مژده را اعلام نمایند (۹:۳۵-۱۰:۴۲); آنگاه اختیار داده می شود که موافق یا مخالف عیسی باشند بدین معنی که از شنوندگان دعوت می شود تا آنچه را به هنگام معجزه های قبلی روی داده (۱۱-۱۲) یا آموزش جدیدی را که به صورت مثل ها ارائه می شود درک کنند

## جامعه وابسته به متی

مطالبی که برای نگارش انجیل متی انتخاب شده و نیز ترتیب آنها نشان می‌دهد که اندیشه و اشتغال خاطر محافل و کسانی که این انجیل در میان آنان بوجود آمده چه بوده است. در این مورد می‌توان به سه نکته اشاره کرد:

۱- متی انجیل نگاری است که بیش از هر چیز بر شریعت، نوشته‌های مقدس و آداب و رسوم یهود تأکید می‌کند، مثلاً سه فریضه بزرگ آیین یهود را (یعنی صدقه دادن، دعا کردن و روزه گرفتن) می‌پذیرد، تفاوتی که در اینجا با مطالب انجیل مرقس به نظر می‌رسد (۷:۳-۴) این است که متی نیازی نمی‌بیند این آداب و رسوم را توضیح دهد. بالاخره در این انجیل خطاب عیسی در ابتدا ترجیحاً به قوم خود است (۱۰:۶؛ ۱۵:۲۴) ولی تأکید و اصرار در این مورد با یادآوری نکته دیگری ترمیم و تصحیح شده است بدین معنی که تأکید می‌شود قوانین یهود بایستی تحقق پذیرد و نوشته‌های مقدس در شخص عیسی تجلی یابد. سرانجام یادآوری می‌شود که سنت‌ها و روایات فریسیان موجب افراط و سوءاستفاده گشته است. در این انجیل همه چیز مجدداً و بطور اصولی تفسیر می‌شود چنانکه در موعظه عیسی بر روی کوه (باب ۵) مشاهده می‌شود و مطالبی در مقابل و متضاد آنها ارائه می‌گردد. متی بر انتقال و اعلام مژده به مشرکان اصرار می‌ورزد و علاقمند است که انجیل در ابعاد جهانی انتشار یابد و می‌گوید که همه آدمیان را پسر انسان داوری خواهد کرد (۲۵:۳۱-۴۶) و از همه ملت‌ها دعوت می‌شود که آموزش عیسی را بپذیرند (۲۸:۱۹).

۲- تفاوت دیگری که انجیل متی با مرقس دارد این است که در متی شاگردان عیسی نه تنها بی بصیرت و ناتوان از درک مطالب نیستند بلکه

جایگاه منحصر به فردی در تدارک مکاشفه الهی دارند: بدین معنی که ایشان انبیاء، حکیمان و کاتبان شریعت جدید به شمار می‌آیند (۱۳:۵۲؛ ر.ک. ۲۳:۳۴) ولی گرچه متی تصویر شاگردان را از نظر تاریخی کم‌رنگ تر جلوه می‌دهد سعی کرده آنان را افرادی ثابت و پایدار نشان دهد، کسانی که رفتارشان حتی موقعی که همانند مردمان کم ایمان ظاهر می‌شوند درخور شاگردان آینده باشد (۸:۲۶؛ ۱۴:۳۱؛ ۱۶:۸؛ ۱۷:۲۰).

۳- بالاخره تصویری که در این انجیل از مسیح ترسیم شده تحت تأثیر جامعه مسیحیان وابسته به متی است. قبلاً نشان دادیم که چگونه عیسی نوشته‌های مقدس را به تحقق رسانید و بدین وسیله نقشه خدا را توجیه کرده دفاعیه مسیحیت را پایه گذاری نمود. به علاوه متی با تأکیدی که مختص به اوست عیسی را همچون استاد و آموزگاری والا معرفی می‌کند (۵:۲؛ ۱۹:۷؛ ۲۹:۲۱؛ ۲۳:۲۲؛ ۱۶:۲۲؛ ۴:۲۳؛ ۹:۳۵؛ و غیره). در انجیل مرقس کلمه «استاد» به همان مفهوم کلی که در دنیای کهن داشته بکار رفته است؛ در انجیل لوقا مشاهده می‌شود که عیسی به شاگردان خود طرز دعا کردن را می‌آموزد (لوقا ۱۱:۱)؛ در انجیل یوحنا آموزش عیسی بویژه درباره شخص خودش می‌باشد (یوحنا ۸:۲۰، ۲۸). در انجیل متی استاد «عدالتی نو» یعنی وفاداری جدید به قانون خدا را تعلیم می‌دهد (۵:۱۹-۲۰؛ ۷:۲۹؛ ۱۵:۹؛ ۲۰:۲۸)؛ او مفسر «آخرت شناسی» است، «اقتدار» نهایی خدا دست اوست تا شنوندگان خود را از «آداب و رسوم انسانی»، از «سنت بشری» که کاتبان نگهبان آنها هستند جدا ساخته (۱۵:۹) به آنان کمال و فضیلت جدیدی بیاموزد (۵:۴۸؛ ۱۹:۲۱).

از همان آغاز انجیل اعلام شده که عیسی مسیح است، پسر داود و پسر خدا. ضمناً وی به عنوان پسر



خدا و مسیح، مفسر نهایی مشیت خدا و «آموزگار سخنان خدا» است. بدین سبب به خوبی می توان دریافت که چرا شاگرد عیسی بمانند فردی مسیحی او را «خداوند» می نامد و چرا متی از ذکر حالات نفسانی او خودداری نموده در صورتی که مرقس خشم عیسی، هیجان یا رقت قلب او را توصیف می کند. در اینجا مسیح با وقاری بیشتر و مناعتی محکم تر از آنچه در انجیل مرقس نشان داده شده پدیدار می شود (مت ۱۳: ۳۵ و مرق ۳: ۶؛ نیز مت ۱۵: ۳۳ و مر ۴: ۸... را با هم مقایسه کنید).

### مقصد و مخاطبان، تاریخ نگارش و نویسنده انجیل

در نظر پدران کهن کلیسا موضوع ساده بود: نخستین انجیل را رسولی به نام متی برای «ایمان دارانی که قبلاً یهودی بودند» نوشته است (اوریجن). عده زیادی هنوز چنین تصویری دارند در صورتی که منتقدان جدید به پیچیدگی این مسئله بیشتر توجه کرده اند، عوامل متعددی وجود دارد که بوسیله آنها می توان محل نگارش نخستین انجیل را تعیین نمود. در ظاهر به روشنی پیداست که متن کنونی انجیل انعکاسی از روایات آرامی یا عبری می باشد: کلماتی که بکار برده شده از نوع کلمات فلسطینی است (پیوند دادن و گشودن ۱۶: ۱۹؛ تحمل یوغ؛ ملکوت آسمانها...). اصطلاحاتی وجود دارد که متی توضیح و تشریح آنها را برای خوانندگان خود لازم نمی بیند و نیز آداب و رسوم مختلفی که ذکر شده است (۵: ۲۳؛ ۱۲: ۵؛ ۲۳: ۵، ۱۵، ۲۳). از سوی دیگر چنین به نظر می رسد که این انجیل فقط ترجمه ساده ای از اصل آرامی نیست بلکه نشانه هایی از طرز انشاء یونانی دارد و با این که مملو از روایات یهودی است نمی توان گفت مبدأ و محل اصلی نگارش

آن فلسطین است. معمولاً تصور می کنند در سوریه و احتمالاً در انطاکیه (ایگناتیوس در حدود اوایل قرن دوم میلادی این انجیل را به انطاکیه مربوط می داند) یا در فینیقیه نگارش یافته است زیرا در این مناطق تعداد زیادی از یهودیان می زیسته اند. بالاخره در این انجیل آثاری از بحث و مجادله با یهودیان وابسته به کنایس و بنیادگرایان فریسی دیده می شود، همان گونه که در مجمع کنیسه ها در جامنیا در حدود سالهای ۸۰ میلادی این بحث و مجادله ها در گرفت. با توجه به این موضوع تعداد زیادی از نویسندگان، تاریخ نگارش نخستین انجیل را سالهای ۸۰ یا ۹۰ میلادی و حتی زودتر از آن تعیین کرده اند ولی به هر صورت در این مورد نمی توان با اطمینان کامل نتیجه گیری نمود. در این انجیل چیزی درباره نویسنده آن گفته نشده است. قدیمی ترین روایت کلیسا (پاپیاس اسقف هیراپولیس در نیمه قرن دوم میلادی) آن را منسوب به متی - لاوی رسول می داند و تعدادی از پدران کلیسا (اوریجن، ژروم و اپیفان) نیز به همین عقیده اند و بعضی از نویسندگان چنین نتیجه گرفته اند که متی انجیل خود را به همین صورت انجیل یونانی که در دست داریم در ابتدا به زبان آرامی یا عبری نوشته است ولی بررسی انجیل بدون اینکه این فرضیه را به کلی رد کند آن را تأیید نمی نماید. به هر صورت نام نویسنده انجیل بطور قطعی مشخص نیست و بایستی به آثار و شواهد چندی که در خود انجیل وجود دارد اکتفا کنیم: از محتوای انجیل چنین برمی آید که نویسنده در موضوع نوشته های مقدس و روایات یهود وارد و زبردست است، رؤسای مذهبی قوم خود را به خوبی می شناخته و برای آنان احترام قائل بوده ولی آنان را به شدت مورد استیضاح قرار داده است، در فن آموزش و «تفهیم» عیسی به

شنوندگان خود مهارت داشته و همواره درباره نتایج عملی آموزش خود اصرار ورزیده است. با توجه به این اطلاعات مختصات نویسنده انجیل با مشخصات فرد یهودی دانشمند و با سوادى که مسیحی شده باشد تطبیق می کند، کسی که بمانند «ارباب خانه ای از گنجینه خود چیزهای نو و کهنه بیرون می آورد» (۵۲:۱۳).

### ارزش و اهمیت کنونی انجیل اول

از قرن دوم میلادی به بعد انجیل متی به عنوان انجیل کلیسا به شمار می آمد، شاید به علت روایاتی که درباره «کلیسا» دربردارد (۱۸:۱۶؛ ۱۸:۱۸) ولی بیشتر محتمل است به دلیل غنای مطالب و ترتیب زیبای مدارک مربوطه باشد. حتی امروز هم می توان آن را انجیل کلیسا نامید مشروط بر این که در این انجیل در پی اطلاعات و مطالبی نباشیم که نمی خواهد و نمی تواند به ما بدهد. متی هنگامی که به کلیسای خود خطاب می کند پروایی ندارد که عیناً همان لحن دوران عیسی را بکار برد. وی به اندازه ای با صدای کلیسای خود یکی می شود و با آن کلیسا هم آهنگ و هم آواز است که به دشواری می توان صدای خودش را که «شاهد عینی» بوده است تشخیص داد. بنابراین هرگاه بخواهند تاریخ دوران گذشته را بازسازی کنند به جای مراجعه به او بایستی اطلاعات مربوطه را در انجیل جامعه و کلیسای متی بخوانند و بهترین طرز شنیدن سخنان او آن است که هیئت و رفتار ایمانداران را بگیرند که متی توصیف کرده است. خواننده نباید از روش نگارش متی که جنبه سامی دارد شگفت زده شود، مثلاً تأسف بخورد از اینکه در کارگاه پُر پیچ و خَم نقل قولهایی از نوشته های مقدس فرو رفته است. آنگاه در صورتی که این نکات و ملاحظات در نظر گرفته

شود مشاهده می شود که متی خیلی خوب به صورت فرد مسیحی امروزی سخن می گوید.

متی که انجیل خود را به عنوان تحقق قوم اسرائیل بوسیله عیسی اعلام کرده نشان می دهد که ریشه کلیسا در روایات و سنن اولیه و اصلی است، کلیسا یک «اسرائیل جدید» نیست بلکه «اسرائیل واقعی» است. جانشین اسرائیل نشده بلکه به قوم اسرائیل که به عیسی نگرویده نشان می دهد در چه طریقی پیش برود تا به تحقق و تمامیت برسد و متقابلاً کلیسا بایستی در این اسرائیل اصل و ریشه خود را کشف نماید.

متی کلیسا را با ملکوت آسمانها یکی نمی داند اما به کلیسای امروزی چهره واقعی را یادآوری می کند. شکی نیست که وجود سازمان کلیسا ضرورت دارد تا جامعه عیسی به زندگی ادامه دهد ولی این سازمان موقتی است؛ فقط ملکوت خداست که به کلیسا مفهوم واقعی داده محل و موقعیت آن را نسبت به خدا و عیسی مسیح که در تاریخ آدمیان دخالت دارد تعیین می نماید.

متی از فرد مسیحی امروزی دعوت می کند هیئت و رفتار پیروان و شاگردان عیسی را داشته باشد زیرا با شاگردان عیسی می تواند خداوند قادر مطلق خود را بشناسد و حتی صدای او را بشنود که به سبب بی ایمانی ملامتش می کند، همچنین مأموریت اعلام نوید را به دورترین نقاط دنیا دریافت کند.

در دنیایی که در تغییر و تحول است آن که از میان مردگان برخاسته، همواره حضور خود را نشان می دهد و از ایمانداران دعوت می کند مدام به آموزشهایی که در دوران زندگی زمینی خود داده است روی آورند: یکی بودن هویت مسیح برخاسته از مرگ و عیسی ناصری که در انجیل آمده روح و معنای شهادت متی است.

# انجیل متی

## شجره نامه عیسی مسیح (لوقا: ۳-۲۳)

۱-توا: ۱۷-۱۱	۱ کتاب پیدایش عیسی مسیح <sup>a</sup>
پید: ۲۲-۱۸	پسر داود، پسر ابراهیم:
پید: ۳۰-۲۹، ۳۱-۱۲	۲ ابراهیم اسحاق را آورد،
۲۶: ۲۵	و اسحاق یعقوب را آورد،
۳۵: ۲۹	و یعقوب یهودا و برادرانش را آورد،
۳۴: ۱۱-۱۰	۳ و یهودا فارص و زارح را از تمار آورد،
پید: ۳۰-۲۹، ۳۱-۱۲	و فارص حصرون را آورد،
۹: ۵، ۴، ۳، ۲، ۱	و حصرون آرام را آورد،
روت: ۴: ۱۲	۴ آرام عمیناداب را آورد،
۱۹-۱۸	عمیناداب نحشون را آورد،
	نحشون شلمون را آورد،
روت: ۴: ۱۳	۵ شلمون بوغز را از راحاب آورد،
۲۲-۱۷	بوغز عوبید را از راعوت آورد،
۱۲-۱۰: ۲-۱	عوبید یسا را آورد،

روت: ۴: ۱۷-۲۲	۶ و یسا داود پادشاه را آورد،
۱-توا: ۱۳-۱۵	و داود سلیمان را از زن اوریا آورد،
۲-سمو: ۱۲-۲۴	۷ سلیمان رحبعام را آورد،
۱-توا: ۱۰-۱۴	و رحبعام ابیا را آورد،
	و ابیا آسا را آورد،
	۸ و آسا یهوشافاط را آورد،
	یهوشافاط یورام را آورد،
	یورام عزبیا را آورد،
	۹ عزبیا یوتام را آورد،
	یوتام آحاز را آورد،
	آحاز حزقیا را آورد،
	۱۰ حزقیا منسی را آورد،
	و منسی عاموس را آورد،
۱-توا: ۱۵-۱۶	و عاموس یوشیا را آورد،
۱-عز: ۱: ۳۲ (یونانی)	۱۱ یوشیا یکنیا و برادرانش را
۲-باد: ۲۴: ۱۲-۱۶	در دوران تبعید بابل آورد،
۲-توا: ۳۶: ۱۰	
۲۰: ۲۷-۲۰	

a- مقدمه انجیل متی پس از شجره نامه عیسی (۱: ۱-۱۷) شامل پنج صحنه است که به ترتیب درباره رؤیاهای یوسف (۱: ۱۸-۲۵)، ۲: ۱۵-۱۳؛ ۲: ۱۹-۲۳) و دخالت های هیروдіس (۲: ۱۲-۱۶، ۱۶-۱۸) می باشد و چنین به نظر می رسد که دو روایت مذکور، یکی درباره هیروдіس و دیگری درباره یوسف از نظر روش نگارش، ترکیب جملات و فحوای مطالب کاملاً از یکدیگر مجزا و متمایز هستند.

b- کتاب پیدایش یعنی شجره نامه. متی این عنوان را از روایتی گرفته که آغاز نسل اولین انسان را نقل می کند (اینک کتاب پیدایش آدم: پید: ۱) تا بگوید که عیسی با گشودن کتاب پیدایش جدید، جای آدم را می گیرد (ر. ک. لوقا: ۳: ۳۸). با این همه در اینجا نه از اولاد عیسی بلکه از اجداد و نیاکان او صحبت می شود: تاریخ دوران گذشته قوم اسرائیل در عیسی معنی و مفهوم خود را می یابد. در مورد مقایسه شجره نامه ای که متی نوشته و آن که لوقا آورده ر. ک. لوقا: ۳: ۲۳ توضیح f.

c- فعلی که در متن یونانی به کار رفته [و می توان آوردن یا فرزند آوردن ترجمه نمود] به مفهوم انتقال تصویر خود، تصویر خدا است (پید: ۱-۳). این عمل یا از طریق خون و وراثت (یعنی به طریق معمولی و مستقیم پدر فرزندی، پید: ۱۱: ۱-۲۷: ۲۹) یا به وسیله فرزند خواندگی انجام می گردد (ر. ک. پید: ۱۰). متی برای ارائه اصل و نسب کسی که از مرگ برخاسته و تا پایان روزگار در کلیسای خود حاضر است (مت: ۲۸: ۱۶-۲۰) روشی به کار برده که همان نگارش ادبی شجره نامه های کتاب مقدس است تا نشان دهد که اصل و ریشه عیسی در قوم برگزیده می باشد.

ضمناً در این شجره نامه از چهار زن نام برده شده است: تمار، راحاب، راعوت و زوجه اوریا که متی سه تن از آنان را که بیگانه می باشند به رخ می کشد (درسی در باب جهان گرایی). این زنان در اوضاع و شرایطی کاملاً نامشروع فرزند آورده اند (درس و نشانه ای از لطف و مرحمت خدا).

<sup>۱۷</sup> پس جمعاً از ابراهیم تا داود چهارده<sup>d</sup> نسل و از داود تا تبعید بابل چهارده نسل و از تبعید بابل تا مسیح چهارده نسل می باشد.

### بشارت به یوسف

<sup>۱۸</sup> اینک پیدایش عیسی مسیح چنین بود<sup>e</sup>. مادرش مریم که در عقد یوسف بود پیش از آنکه زندگی مشترک آغاز کنند از روح القدس باردار شد. <sup>۱۹</sup> شوهرش<sup>f</sup> یوسف که مردی عادل می بود<sup>g</sup> و نمی خواست او را رسوا کند تصمیم گرفت وی را مخفیانه طلاق دهد<sup>h</sup>. چون به آن فکر می کرد

<sup>۱۲</sup> پس از نفی بلد بابل، یکنیا سالتیئیل را آورد، سالتیئیل زرو بابل را آورد، <sup>۱۳</sup> زرو بابل ابیهود را آورد، ابیهود ایلیاقیم را آورد، ایلیاقیم عازور را آورد، <sup>۱۴</sup> عازور صادق را آورد، صادق یاکین را آورد، یاکین ایلیهود را آورد، <sup>۱۵</sup> ایلیهود ایلعازر را آورد، ایلعازر متان را آورد، متان یعقوب را آورد، <sup>۱۶</sup> یعقوب، یوسف شوهر مریم را آورد که از او عیسی موسوم به مسیح زاده شده است. ۲۲، ۱۷: ۲۷

d- در مورد عدد چهارده که در اینجا سه بار آمده چندین توضیح پیشنهاد شده است: ۱- ممکن است این رقم جمع حروف کلمه داود به حساب ابجد باشد زیرا در زبان عبری داود را با سه حرف دال، واو و دال می نویسند که به حساب ابجد چهارده می شود (۱۴=۴+۶+۴) ولی معلوم نیست نام داود را در آن دوران چگونه می نوشته اند، به علاوه اینکه متی اهمیت بیشتری برای ابراهیم قائل است. ۲- طبق تقویم های مکاشفه ای که در آن ایام وجود داشته، با توجه به اینکه تاریخ مقدس با ابراهیم آغاز می شود عیسی در پایان هفته ششم تاریخ مقدس می آید (۴۲=۶×۷=۳×۱۴) و با آمدن عیسی فرارسیدن پری روزگار تحقق می یابد. ولی این توضیح به طور مصنوعی بر مبنای عدد «۷» می باشد که متی آن را ذکر نکرده است. ۳- توضیح ساده تر این است که متی متوجه شده در شجره نامه کتاب روت ۱۸:۴-۲۲ (که در ۱-توا: ۲-۱۰-۱۳ مجدداً ذکر شده) ده نام وجود دارد که از فارص شروع شده به داود می رسد و هرگاه نام پدر فارص و آن سه پدر قوم به آن افزوده شود از ابراهیم تا داود چهارده نسل می شود. متی این رقم را به عنوان مبنا برای دو دوران دیگر پذیرفته تا شجره نامه اش شکل و قالبی کتاب مقدسی داشته باشد حتی اگر مجبور شود نام سه تن از پادشاهان بین یهورام و عزریا را حذف نماید.

e- تحت اللفظی: «باری درباره عیسی چنین بود پیدایش وی» (ر.ک ۱:۱). [کلمه یونانی که «پیدایش» ترجمه شده می توان به مفاهیم تحت اللفظی «به وجود آمدن، متولد شدن، زاده شدن» به کار برد.] واقعه تولد مشروع عیسی که در شجره نامه ذکر شده موضوع و مضمون روایتی است که می گوید: یوسف، پسر داود، عیسی را در سلاله خود می پذیرد. به احتمال قوی این روایت نتیجه بررسی و نوشته های طولانی است و احتمال دارد که متی این نکته را از روایتی دفاعی که قبلاً وجود داشته گرفته و مطرح نموده باشد (یک رؤیا: ر.ک ۱۳:۲، ۱۹). در روایت مذکور خدا در بین اعتراض های یوسف افتراهای مربوط به تولد عذرائی را ذکر می نماید و متی با استفاده از نقل قول اش ۱۴:۷ که ضمناً بیان ایمان کلیسا درباره بارداری مریم عذرا است این روایت را از نظر علم الهی مطرح می کند (ر.ک لوا: ۲۶-۳۸) و بدین گونه به سؤالی که در شجره نامه پیش می آید پاسخ داده می شود یعنی «چگونه عیسی که فرزند دختری باکره است پسر داود می باشد؟»

f- جوانانی که نامزد می شدند حتی پیش از آن که زندگی مشترک خود را آغاز کنند زن و شوهر به حساب می آمدند و این رابطه پس از متارکه و طلاق قانونی قطع می شد.

g- آیا یوسف با مراعات قوانین یهود که طلاق را فقط در مورد زنا مجاز می دانست عادل به شمار می آید؟ یا به سبب اینکه این وضعیت را پذیرفته و تحمل کرده است؟ یا به این دلیل که نسبت به زنی بی گناه رعایت عدالت و انصاف را نموده یا به سبب این که نمی خواهد خود را پدر فرزند الهی معرفی نماید؟ پاسخی قطعی به این مطالب داده نشده و این سؤالات همواره مطرح هستند.

h- در هیچ یک از نوشته های عهد عتیق نکته ای نمی توان یافت که مکتوم نگهداشتن این متارکه و طلاق را توجیه نماید بلکه برعکس برای اینکه طلاق شرعی و قانونی باشد بایستی به وسیله گواهی رسمی ثبت گردد (تث ۲۴:۱). بدین سبب ژروم قدیس می پرسد: «چگونه می توان یوسف را مردی عادل به شمار آورد در صورتی که جرم همسرش را مخفی می کند؟» پاسخ این سؤال به ترجمه و تفسیر آیات ۱۸ و ۲۱ مربوط می شود. برای این که یوسف عمل عادلانه ای انجام دهد بایستی در مورد اصل و نسب کودک نظریه ای پیدا کرده و مطمئن شده باشد که این کودک، الهی است و نه ثمره عمل زنا.

گذاشت» یعنی «خدا با ما».<sup>۲۴</sup> یوسف چون از خواب قیام نمود همان کرد که فرشته خداوند به او امر کرده بود و همسرش را نزد خود نگاه داشت.<sup>۲۵</sup> و او را شناخت تا پسری زائید<sup>m</sup> و نامش را عیسی گذاشت.<sup>۲۱:۱</sup>  
لو: ۳۱:۱-۲

## دیدار مغان

۲. «چون عیسی به روزگار هیروдіس<sup>n</sup> ۱:۳:۵:۱۰ پادشاه در بیت لحم یهودیه زاده ۷-۴:۲ شد، اینک مغانی<sup>o</sup> از شرق در اورشلیم پیش آمدند. ۲ درحالی که می گفتند: «پادشاه یهودیان که متولد شده کجاست؟

اینک فرشته خداوند<sup>i</sup> در خواب بر او پدیدار شد و گفت: «ای یوسف، پسر داود، از گرفتن همسرت مریم نزد خود مترس زیرا آنچه در او به وجود آمده از روح القدس است،<sup>۲۱</sup> او پسری خواهد زائید ۲۵:۱ و تو نامش را عیسی خواهی گذاشت زیرا ۲۱:۲:۳۱:۱ لو: ۴:۱۲ هم او است که قوم را از گناهایش نجات خواهد داد.»<sup>۲۲</sup> همه اینها فرا رسید تا آنچه خداوند به وسیله پیامبر گفته بود تحقق یابد<sup>k</sup> وقتی می گوید: «اینک اش: ۸:۱۰ دوشیزه باردار خواهد شد و پسری خواهد (یونانی) ۷:۲:۳ آورد و نامش را عمانوئیل<sup>l</sup> خواهند

i- فرشته خداوند نامی است که در عهد عتیق نیز به کار برده شده و نشان می دهد که خود خدا دخالت می کند (پید: ۷:۱۶-۱۳: خروج ۲:۳). نباید «فرشته خداوند» را با فرشتگان اشتباه کرد.

j- از نظر لغوی نام عیسی (یسوع) یعنی «خداوند نجات می دهد» (ر. ک یو: ۱:۶ توضیح i). ضمناً می توان پیام فرشته را به دو گونه تفسیر کرد: ۱- فرشته باردار شدن عذرای مریم را به یوسف اظهار کرده و به او مأموریت می دهد که نام عیسی را بر کودک بگذارد. ۲- فرشته اظهار می دارد گرچه باردار شدن مریم از روح القدس می باشد با این همه یوسف نقشی برجسته بر عهده دارد به این معنی که با نام نهادن بر کودک، فرزندی داود را به او می دهد.

k- اولین نقل قول متی درباره «تحقق یافتن» که به وسیله آن وقایع مهم زندگی عیسی را تفسیر می کند (۱:۲۲:۲:۱۵، ۱۷، ۲۳: ۴:۱۴:۸:۱۷:۱۳:۳۵:۲۱:۴:۲۷:۹). تمام این نقل قول ها به صورتی یکنواخت آورده شده اند: «تا آنچه پیامبر گفته است تحقق یابد». در مورد فعل تحقق یافتن ر. ک ۱۷:۵ توضیح o.

l- این نقل قول از متن یونانی اش: ۱۴:۷ گرفته شده به استثنای عبارت «نامش خواهی گذاشت» که متی «نامش خواهند گذاشت» ترجمه کرده و احتمالاً برای تطبیق دادن نقل قول با متن عبارت می باشد. در حقیقت نام عمانوئیل را یوسف به عیسی نداده است. توضیح دیگر این که متی از روایتی از اش: ۷:۱۴ استفاده کرده که با مدارک مکشوفه در قبران تطبیق می نماید و در آن مدارک «او را خواهند نامید» آمده است. در آیه ۲۴ فعل «برخاست» به صورت تحت اللفظی «قیام کرد» می باشد.

m- در زبان کتاب مقدس فعل «شناختن» ممکن است به مفهوم روابط جنسی باشد (پید: ۱:۴، ۱۷: ر. ک لو: ۱:۳۴ توضیح j). منظور متی از «پسری زاید» آن است که پادآوری و تأکید نماید مریم به هنگام تولد عیسی باکره بوده است. در این مورد می توان به یاد آورد که در عهد عتیق چگونه خدا بارداری سارا و رفقه را تا تولد اسحاق و یعقوب، پدران قوم برگزیده، محافظت نمود (پید: ۲۰:۲۶). ضمناً از مطالب این نوشته نمی توان نتیجه گرفت که مریم بعداً با یوسف روابط زناشویی داشته است.

n- هیروдіس کبیر متولد حدود سال ۷۳ قبل از میلاد، پسر آنتیپاتر رئیس دربار هیرکان دوم بود (۶۳ تا ۴۰ ق. م). وی در سال ۴۷ ق. م به سمت فرمانده نظامی جلیل و سپس فرمانده نظامی قسمتی از سوریه تعیین گردید. در سال ۴۱ ق. م فرماندار ناحیه یهودا شد و در همان سال از طرف سنای رم به عنوان پادشاه یهودیه منصوب شد. در سال ۳۷ ق. م اورشلیم را تصرف کرد و سلسله و خاندان هاسمونیان را برانداخت و از سوی اغسطوس امپراتور رم حکمرانی نوحی تراخونیست، بتانیه و حورانیه را دریافت کرد. هیروдіس کبیر سیاستمداری زبردست به شمار می رفت و شهرهای زیادی به سبک یونانی بنا نهاد و در ضمن از پشتیبانی فرقه فریسیان برخوردار بود. وی در سال ۴ ق. م درگذشت ولی تاریخ تولد واقعی عیسی دو سال پیش از درگذشت هیروдіس می باشد. متی هیروдіس پادشاه را در برابر عیسی ذکر نموده تا اختلاف و برخورد بین پادشاه واقعی و نجات بخش قوم خود را با مقامات رسمی اعلام نماید (۱:۲۱:۲:۲). نکته دیگر این که متی نشان می دهد کسی را که رؤسای قوم برگزیده نفی کرده و نپذیرفته اند ملت های مشرک و نمایندگان آنان که مغان هستند ستایش و پرستش می نمایند.

o- مغان. کلمه یونانی magos مفاهیم مختلفی دارد از جمله: پیشوای مذهبی ایرانیان، ساحر، مبلغ مذهبی، حقه باز... و غیره. در ترجمه یونانی کتاب مقدس این کلمه فقط در دان: ۲:۲، ۱۰ آمده است. در اینجا ممکن است منظور ستاره شناسانی باشند که از ناحیه بین النهرین آمده و احتمالاً از نظریات یهودیان در مورد آمدن مسیح موعود اطلاع داشته اند. به هر صورت دلیلی در دست نیست که افراد مذکور پادشاه بوده باشند.

می رفت تا بر فراز جایی که کودک می بود ایستاد. <sup>۱۰</sup> آنان به دیدن ستاره با شادی بزرگی شادمان شدند. <sup>۱۱</sup> و به خانه وارد شده کودک را با مادرش مریم دیدند و [به لوقا ۱۶:۲، مز ۱۰:۷۲، ۱۵، ۱۱، خاک] افتاده او را سجده کردند و خزائن خود را گشوده به او زر، کندر و مر <sup>۱۲</sup> به عنوان هدیه تقدیم کردند. <sup>۱۳</sup> و چون در خواب خبر یافتند که به سوی هیروдіس <sup>۲۲:۲</sup> برنگردند از راه دیگری به سرزمین خود بازگشتند.

### فرار به مصر

<sup>۱۳</sup> چون ایشان بازگشتند اینک فرشته خداوند در خواب به یوسف <sup>۱۴</sup> پدیدار شد و <sup>۲۰:۱، ۱۹:۲</sup> گفت: «قیام کن! کودک و مادرش را با خود بگیر و به مصر فرار کن و در آنجا بمان تا به تو بگویم، زیرا هیروдіس برای هلاکت طفل به جستجوی او خواهد پرداخت.» <sup>۱۴</sup> او قیام کرده، شبانگاه کودک و مادرش را با خود برداشته به

اعد ۱۷:۲۴ زیرا ستاره او را در شرق <sup>P</sup> دیده ایم و آمده ایم تا او را سجده کنیم.» <sup>۳</sup> با این سخنان، هیروдіس پادشاه و همه اورشلیم با او پریشان شدند. <sup>۴</sup> و تمام کاهنان اعظم و کاتبان قوم <sup>۹</sup> را گرد آورده از آنان تحقیق کرد کجا باید مسیح زاده شود. <sup>۵</sup> به او یو ۴۲:۷ گفتند: «در بیت لحم یهودیه، زیرا به وسیله پیامبری چنین نوشته شده است: <sup>۶</sup> و تو ای بیت لحم سرزمین یهودیه مسلماً در بین بزرگان یهودیه، کمترین آنها نیستی، زیرا از تو آن رهبر بیرون خواهد آمد که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد کرد.» <sup>۷</sup> آنگاه هیروдіس مخفیانه مغان را فراخوانده از آنان زمان دقیق پدیدار شدن ستاره را پرسید. <sup>۸</sup> و آنان را به بیت لحم فرستاده گفت: «بروید درباره کودک دقیقاً بپرسید، به محض اینکه یافتید به من نوید دهید تا من نیز بیایم و او را سجده کنم.» <sup>۹</sup> ایشان با <sup>۲:۲</sup> این سخنان پادشاه رفتند و اینک ستاره ای که در شرق <sup>S</sup> دیده بودند در برابرشان پیش

p- در شرق. گاهی آن را «در طلوع آن» ترجمه کرده اند، همچنین در ۹:۲.

q- هیروдіس کسانی را گرد می آورد که رسماً مسئول زندگی مذهبی قوم هستند از جمله کاهنان اعظم که اعضای خانواده های بزرگ کهنات اورشلیم بودند و کاتبان که مفسر رسمی شریعت به شمار می آمدند. به طوری که در ۱۵:۲۱ ذکر شده این دو گروه بر ضد عیسی متحد می شوند. متی اکثراً کاهنان اعظم و مشایخ قوم را شریک یکدیگر معرفی می کند (۳:۲۶، ۴:۷، ۱:۲۷؛ و غیره) و به هر صورت در هر دو مورد مفهوم آن است که مسئول واقعی این فاجعه سران قوم می باشند.

t- این نقل قول از میک ۱:۵ که به طرز بدیعی با ۲- سمو ۵:۲ ترکیب و تلفیق شده با متن عبری عهد عتیق یا ترجمه یونانی آن به طور کامل تطبیق نمی نماید. بر طبق این نقل قول مشاوران هیروдіس درباره بیت لحم پیشگویی کرده اند و متی اهمیت آن را یادآوری نموده است.

s- در مورد اصطلاح «در شرق» ر. ک ۲:۲ توضیح p. این ستاره با ستاره هایی که طبق نظریات کهن اکثراً سرنوشت قهرمانان را تعیین می کرده اند تطبیق نمی نماید بلکه ستاره ای است از سوی خدا که عیسی را به عنوان پادشاه و مسیح موعود جهت پرستش مغان معرفی می کند (همچنین ر. ک اعد ۱۷:۲۴).

t- گذر و مرچیزهای گرانها و عطریات معموله در عربستان می باشند. یهودیان در انتظار مسیح موعود امیدوار بودند همه ملت ها مسیح پادشاه را احترام و ستایش کرده به او هدایایی تقدیم نمایند (ر. ک اش ۶:۶۰).

u- این روایت از نظر کلمات و روش نگارش شبیه به روایات کهن الوهستی است که در آنها خدا به نام الوهیم ذکر شده است مانند روایت رؤیاهای ابی ملک (پید ۲۰:۳-۷)، رؤیای لابان (۲۴:۳۱) و مخصوصاً رؤیای مربوط به یعقوب در شبی که می خواست به سوی مصر رهسپار شود (۴۶:۲-۴). این روایت ها به طور کلی به صورت صدور دستور و اجرای آن می باشد (ر. ک ۱۸:۱ توضیح e)، بدین معنی که خدا قوم خود را هدایت می نماید و در رؤیا دستورات او دریافت می شود. همین طرز تفکر در اعمال رسولان آمده (۹:۱۶؛ ۹:۱۸؛ ۹:۲۳؛ ۱۱) بدون این که در اینجا بمانند رؤیاهای پولس جنبه تشویق داشته باشد.

### بازگشت از مصر، سکونت در ناصره

<sup>۱۹</sup> چون هیروودیس مُرد اینک فرشته

خداوند در مصر در خواب به یوسف پدیدار <sup>۱:۲۰:۲۰</sup>  
شد. <sup>۲:۱۲:۱۳</sup> و گفت: «قیام کن! کودک و

مادرش را با خود بردار و به سرزمین خروج <sup>۴:۱۹</sup>  
اسرائیل برو زیرا آنان که قصد جان کودک  
را داشتند مرده‌اند.» <sup>۲۱</sup> او قیام کرده،  
کودک و مادرش را با خود برداشت و به  
سرزمین اسرائیل وارد شد. <sup>۲۲</sup> ولی چون  
شنید ارکلاؤس <sup>a</sup> به جای پدرش هیروودیس  
بر یهودیه فرمانروائی می‌کند ترسید به آنجا

برود و در خواب خبردار شده به ناحیه جلیل <sup>۲:۱۲</sup>  
رفت. <sup>۲۳</sup> و رفته در شهری به نام ناصره  
سکونت گزید تا آنچه توسط پیامبران اعلام  
شده بود تحقق یابد که او ناصری <sup>b</sup> خوانده  
خواهد شد.

مصر <sup>v</sup> رفت. <sup>۱۵</sup> و تا مرگ هیروودیس در  
آنجا بود تا آنچه خداوند به وسیله پیامبری  
اعلام کرده بود تحقق یابد وقتی می‌گوید:  
«از مصر پسر مرا فراخواندم» <sup>w</sup>.

### قتل عام کودکان بیت لحم

<sup>۱۶</sup> پس هیروودیس چون دید که به وسیله  
مغان به تمسخر گرفته شده است سخت  
غضبناک شد و فرستاد تا همه کودکان  
بیت لحم و سراسر قلمرو آن از دو ساله به  
پائین را طبق زمانی که مغان دقیقاً تعیین  
کرده بودند بکشند. <sup>x</sup> <sup>۱۷</sup> آنگاه آنچه توسط  
ارمیای نبی اعلام شده بود به تحقق پیوست  
وقتی می‌گوید:

<sup>۱۸</sup> «صدایی در رامه شنیده شد، گریه‌ها و  
ندبه بسیار. راحیل است که بر فرزندان  
می‌گرید و نمی‌خواهد تسلی یابد زیرا دیگر  
نیستند.» <sup>y</sup>.

v- انشاء و طرز ترکیب این عبارات نظیر روایت‌های مربوط به فرار یعقوب (پید۲۷:۴۳-۴۵)، فرار لوط (پید۱۹:۱۵) و فرار  
موسی (خروج۲:۱۵) می‌باشد. در این مورد مخصوصاً روایت مربوط به پربعام را که به مصر فرار می‌کرد بخوانید (۱-  
پاد۱:۴۰). لازم به یادآوری است در کتاب مقدس از مصر به عنوان مأمن و پناهگاه مرسوم یاد می‌شود.

w- این جمله ترجمه متن عبری هو۱:۱۱ است و متی به درستی مفهوم محلی آن را حفظ کرده (ر. ک هو۱۲:۱۴). منظور متی آن  
نیست که هدف مسافرت را توجیه نماید بلکه تا با یادآوری خروج، تبعید عیسی را بر مبنای پیشگویی اعلام نماید.  
x- این روایت احتمالاً قبل از متی وجود داشته است. روش نگارش و جمله بندی آن نظیر مت ۷:۲۲ می‌باشد. امکان دارد متی به  
علت نقل قولی که در ۱۸:۲ آورده آن را تغییر داده و عبارت «بیت لحم و سراسر قلمرو آن» را افزوده باشد. این روایت با ذکر  
کلمه «مغان» با مجموعه مطالب تطبیق داده شده و البته لازم به یادآوری است که از نظر تاریخی با روحیه و عادات هیروودیس  
تطبیق می‌نماید.

y- این نقل قول ترجمه آزاد از متن عبری ار۱۵:۳۱ با یادآوری نکاتی از متن یونانی آن می‌باشد. راحیل که مادر یهودیان شمالی  
است بر فرزندان خود [اسرائیل] که اسیر و تبعید شده‌اند می‌گرید. بیت لحم بر طبق روایات، مدفن راحیل است و رامه محل  
تجمع اسرایی بوده که به تبعید فرستاده می‌شدند (ار۱:۴۰).

z- در این متن مسلماً روایت مربوط به تبعید موسی به مدیان تأثیر گذاشته است (خروج۱۹:۴-۲۳).

a- ارکلاؤس بین سالهای چهارم ق.م و ششم. از طرف رومیان حکمران یهودیه، سامره و ادومیه بوده است. وی بنا به تقاضای  
نمایندگان اهالی یهودیه و سامره، به دستور اغسطوس امپراتور رم از کار برکنار شد و به شهر وین در سرزمین گل (فرانسه  
امروزی) تبعید گردید. ضمناً حوزه مأموریت او به یک حکمران رومی واگذار شد.

b- Nazoreen. عیسی در اعمال رسولان نیز چنین نامیده شده است (اع۲۲:۲۲)، ولی نمی‌توان دقیقاً تعیین نمود متی به کدام  
نوشته پیامبران اشاره می‌نماید. وانگهی این کلمه نه با Nazareen (اهل ناصره) و نه با Nazorenien که عضو فرقه خاصی  
است مطابقت نمی‌کند. به نظر متی این کلمه همان طور که در ۷۱:۲۶ به کار رفته به مفهوم «اهل جلیل» می‌باشد (۶۹:۲۶)  
و می‌توان آن را «کسی که از ناصره است» درک نمود (۱۱:۲۱؛ ر. ک یو۴۵:۱۰؛ اع۳۸:۱۰). ضمناً امکان دارد متی خواسته  
از کلمه Nazireen که به معنی «قدوس خاص خدا» است (داور۵:۱۳؛ ر. ک ۱۷:۱۶) یاد کند. بعضی معتقدند که این کلمه  
با واژه‌های عبری nazirs و nazireat ارتباط دارد که ریشه کلمات نذر و نذرکردن (مانند مثال شمشون) در زبانهای عربی و  
فارسی است.

یحیی تعمید دهنده  
(مرقس ۱:۲-۶؛ لوقا ۳:۱-۶؛ یوحنا ۱:۱۹-۲۳)  
۱ باری در آن روزها<sup>c</sup> یحیی تعمید  
دهنده پیش می‌آید که در صحرای  
یهودیه<sup>e</sup> ندا داده می‌گفت<sup>d</sup>: «توبه کنید<sup>f</sup>» مر ۱:۱۵  
زیرا فرمانروائی آسمانها<sup>g</sup> خیلی نزدیک  
است!<sup>h</sup> در واقع او همان کسی است که  
توسط اشعیای پیامبر اعلام شده وقتی  
می‌گوید: «صدای آن کس که در صحرا ندا اش ۳:۴۰»

۳

- c- «در آن روزها» اصطلاحی است که در زبان یونانی معمولاً برای آغاز واقعه دیگری می‌آید و از نظر ترتیب زمانی با آنچه قبلاً گفته شده چندان ارتباطی ندارد. ضمناً این اصطلاح در عهد عتیق زیاد به کار برده شده است.  
مقدمه روایت زندگی عیسی در بین مردم در این انجیل و اناجیل مرقس و لوقا در سه قسمت ارائه می‌شود که عبارتند از: موعظه یحیی (۱:۳-۱۲)، تعمید عیسی (۱۳:۱-۱۷) و تجربه عیسی (۱۷:۱-۴۱). (در مورد نام یحیی ر. ک یو ۱:۶ توضیح i).  
d- ندا دادن ترجمه فعل یونانی *ssēin* است که اسم به معنی «اولین اعلام» از آن مشتق شده است. کاربرد معمول این کلمه، و اعلام فرمان پادشاه به وسیله جارچی (ر. ک پید ۴۱:۴۳) و سپس در موارد مذهبی بکار می‌رفت (اعلام کردن و ندا دادن به نام خدا ر. ک یول ۱:۲). در اینجا کلمه ندا دادن ابتدا در مورد موعظه یحیی تعمید دهنده به کار رفته و سپس در مورد موعظه عیسی (۱۷:۴) و شاگردانش (۲۷:۷:۱۰) و در مورد کلیسای اولیه به کار خواهد رفت (اع ۵:۸). در انجیل متی محتوای مطالبی که اعلام می‌شود (به استثنای ۱:۱۱) به طور خلاصه ذکر می‌گردد (۳-۲:۳؛ ۴:۱۷؛ ۷:۱۰) و یا در اصطلاح «انجیل ملکوت» (۲۳:۴؛ ۲۳:۹؛ ۲۴:۱۴) و یا در کلمه «انجیل» خلاصه می‌شود (۱۳:۲۶). لازم به یادآوری است که افعال ندا دادن و نوید دادن در ترجمه یونانی کتاب مقدس (هفتاد تنان) تقریباً مترادف می‌باشند (ر. ک ۲-سمو ۱:۲۰؛ اش ۴۰:۹).  
e- یهودیه کلمه‌ای مختص انجیل متی و فقط در اینجا آمده است. این کلمه به ناحیه‌ای اطلاق می‌شود که به خوبی مشخص نیست و در فاصله بین سلسله کوههایی که از اورشلیم تا حبرون امتداد دارند و بحرالمیت یا قسمت سفلی اردن قرار دارد (ر. ک ۶:۳ که در آنجا محل فعالیت یحیی بطور دقیق تری مشخص شده است). به طوری که از آیه ۳ برمی‌آید متی بیش از آن که موقعیت دقیق جغرافیایی را در نظر داشته باشد به معنی و مفهومی که کلمه صحرا در کتاب مقدس دارد توجه نموده است (ر. ک ۱:۴؛ ۷:۱۱؛ ۱۳:۱۴؛ ۲۶:۲۴). این منطقه در آن دوران کم جمعیت بوده ولی البته به مفهوم امروزی به طور کامل غیرمسکون و بیابانی نبوده است. از سال ۱۹۴۷ در این منطقه بقایا و آثار تأسیسات و نوشته‌هایی به دست آمد که آنها را نوشته‌های بحرالمیت [قمران] می‌نامند. ر. ک ۱-مک ۲:۲۹: «عده‌ای از مردمان که اندیشناک و در قید عدالت بودند به صحرا رهسپار شدند تا در آنجا اقامت گزینند».  
f- توبه کنید. این فعل و کلمه توبه در انجیل متی در جملات و عباراتی به کار برده شده‌اند که اهمیت زیادی دارند (۲:۳؛ ۱۷:۴؛ ۲۰:۱۱؛ ۲۱:۲۱؛ ۲۱:۱۲؛ ۴۱:۴). این کلمه گرچه از نظر لغوی در زبان یونانی به معنی تغییر روحیه است ولی بایستی به مفهوم تغییر سمت و بازگشت بی‌قید و شرط به سوی خدای عهد تعبیر شود چنانکه در عهد عتیق و مخصوصاً از زمان ارمیای نبی موضوع مهم و اساسی به شمار می‌رفته است. متی موعظه و گفتارهای یحیی تعمید دهنده و عیسی را به یکدیگر تشبیه نموده (۲:۳؛ ۱۷:۴) ولی در مورد منظور و هدف نهایی تعمید، رسالت آنان را از یکدیگر متمایز می‌سازد (۱۱:۳): توبه‌ای که بایستی به وسیله رفتار و اعمال تأیید و تثبیت شود (۸:۳ توضیح o) یا امتناع یهودیان از توبه کردن است (۲۱:۲۰؛ ۲۱:۱۲؛ ۴۱:۱۲؛ ر. ک لو ۵:۳۲؛ ۷:۱۵).  
g- بر طبق رویه و عادت یهودیان که همواره از بر زبان آوردن نام خدا احتراز می‌کردند متی بجای فرمانروائی خدا، فرمانروائی آسمانها می‌آورد (فقط مت ۱۲:۲۸؛ ۱۹:۲۴؛ ۲۱:۲۱؛ ۳۱:۴۳). ولی کلمه آسمانها بدان معنی نیست که این فرمانروائی آسمانی است بلکه خدایی که در آسمانها است بر سراسر جهان فرمانروایی دارد (۴۸:۵؛ ۹:۶؛ ۲۱:۷). متی که از مکتب عهد عتیق می‌باشد به خوبی می‌داند که فرمانروایی همواره از آن خداوند بوده است (مز ۲۲:۲۹؛ ۱۰۳:۱۹؛ ۱۴۵:۱۱-۱۳؛ و غیره) ولی می‌خواهد اعلام کند که این فرمانروایی ابدی در شخص عیسی به آدمیان نزدیک شده است. ضمناً ترجمه ملکوت فقط در مواردی مناسب است که سیاق جمله و عبارت، مفهوم مکان را دربرداشته باشد (مثلاً ورود به... ۲۰:۵؛ ۲۱:۷؛ ۳:۱۸؛ ۲۳:۱۹) و در جاهای دیگر بهتر است به کلمه «فرمانروایی» ترجمه شود.  
h- نزدیک است یا نزدیک شده است. همین اصطلاح در ۱۷:۴ و ۷:۱۰ (و همین فعل در ۲۱:۱۲؛ ۳۴:۲۶؛ ۴۵:۴۶) بکار رفته است. این کلمات امروزه چنین تفسیر می‌شوند: ۱- فرمانروایی خدا نزدیک است یا خیلی نزدیک است (عیسی فرا رسیدن یا رسیدن ناگهانی، قریب الوقوع و جهانی این فرمانروایی را اعلام می‌نماید). ۲- فرمانروایی حاضر و موجود است (ر. ک ۲۸:۱۲ که با فعل دیگری ذکر شده و به معنی «هم اکنون به شما رسیده است» می‌باشد). ولی این حضور را می‌توان به طرق مختلفی درک کرد: یا فرمانروایی در حال حاضر کاملاً تحقق یافته یا مخفیانه در وجود شخصیت و فعالیت عیسی آغاز گردیده ولی به زودی بر همه آشکار خواهد شد. به هر صورت فرا رسیدن فرمانروایی خدا مستلزم توبه است.



<sup>۸</sup> پس میوه ای شایسته توبه<sup>۹</sup> بیاورید، و<sup>۱۰</sup> مپندارید در خود بگویند: ما ابراهیم را همچون پدر داریم، زیرا به شما می گویم که خدا قادر است از همین سنگها فرزندان<sup>۱۱</sup> برای ابراهیم قائم سازد. <sup>۱۲</sup> هم اکنون تیشه بر ریشه درختان نهاده شده است<sup>۱۳</sup>. پس هر درختی که میوه نیکو نیاورد بریده شده در آتش افکنده می شود.

می دهد: راه خداوند را آماده سازید، کوره راههای او را راست گردانید<sup>۱۴</sup>.<sup>۱۵</sup> «همین یحیی لباسی از پشم شتر و لنگی چرمین بر کمر داشت. خوراکش ملخ و عسل وحشی<sup>۱۶</sup> می بود. آنگاه اورشلیم و همچنین سراسر یهودیه و تمام مرز و بوم اردن نزد او بیرون آمده<sup>۱۷</sup> و با اعتراف به گناهان<sup>۱۸</sup> خود به وسیله او در نهر اردن تعمید<sup>۱۹</sup> می یافتند.

### تعمید آب و تعمید آتش

(مرقس ۱: ۷-۸؛ لوقا ۳: ۱۵-۱۸؛

ر.ک یوحنا ۱: ۲۴-۲۸)

### دعوت یحیی به توبه

(لوقا ۳: ۷-۹)

<sup>۲۰</sup> چون بسیاری از فریسیان و صدوقیان<sup>۲۱</sup>

را دید که برای تعمید می آمدند به آنان

می گفت: «ای افعی زادگان چه کسی گریز

از خشم<sup>۲۲</sup> آینده را به شما نشان داده است؟

<sup>۲۳</sup> من برای توبه شما را در آب<sup>۲۴</sup> تعمید می دهم ولی آن که پس از من می آید از من توانا تر<sup>۲۵</sup> است و من شایسته آن نیستم

i- اناجیل نظیر [متی، مرقس و لوقا] ترجمه یونانی اش ۳:۴۰ را نقل کرده اند که در آن «در صحرا» به «صدا» مربوط می باشد در صورتی که در متن عبری ارتباط آن با «آماده کنید» است. در این انجیلها به جای راههای خدای ما، راههای او آمده است و به این وسیله انطباق متن به شخص عیسی مقدور می گردد.

j- یحیی پوشاک معمولی پیامبران را بر تن دارد (زک ۴:۱۳)، مخصوصاً الیاس (۲-پاد ۸) که در شخص یحیی تعمید دهنده بازگشته است (ر.ک مت ۱۷:۹-۱۳؛ ملا ۲۳:۳).

k- تعمید دادن. تعمیدی که یحیی می دهد با شست و شوهای مذهبی فرقه اسنیا به کلی متفاوت است زیرا تعمید یحیی فقط یک بار و به همگان داده می شد در صورتی که شست و شوی اسنیا هر روز انجام می گرفت. همچنین ارتباطی با تعمید کسانی که به آیین یهود می گرویدند ندارد زیرا آنان تعمید می یافتند تا «تطهیر شده» بتوانند یا یهودیان تماس بگیرند: ر.ک مرا ۴: توضیح h. تعمید یحیی که با توبه ارتباط دارد افراد را برای تعمیدی که عیسی می آورد آماده می سازد (مت ۳:۱۱).

l- ر.ک مرا ۵: توضیح j. نهر اردن که ۳۹۲ متر پائین تر از سطح دریاست، پست ترین رود جهان به شمار می رود. m- متی در اینجا و در ۱۶:۱، ۱۱:۱۲، صدوقیان و فریسیان را با هم ذکر کرده و در ۲۲:۳۴ در موقعیت و معنی دیگری آنها را با هم آورده است. در جایی فریسیان و کاتبان را با هم ذکر کرده است (باب ۲۳). لوقا در روایتی موازی فقط از انبوه جمعیت نام برده است (لو ۷:۹). این تفاوت را می توان به این گونه توضیح داد که انجیل نگاران مطالب خود را به جوامع مختلفی خطاب می کردند.

n- در این داوری که فرارسیدنش اعلام شده، خشم عبارت از واکنش خدای قدوس در برابر گناه می باشد (ر.ک اش ۲۷:۳۰-۳۳). یحیی فرا رسیدن قریب الوقوع داوری نهایی را اعلام می کند در صورتی که عیسی چون خادمی مهربان و فروتن نمایان می شود (۱۸:۱۲-۲۱) و کسی است که بنا به نوشته پولس، از خشم نجات می بخشد (۱-تسا ۱:۱۰).

o- تحت اللفظی: «میوه ای در خور توبه شما». همین توصیف در مت ۱۰:۱۰، ۱۱:۱۳، ۳۷:۳۸، ۲۲:۸ آمده است. کلمه ثمره که به صورت مفرد آمده به معنی مجموعه اعمال و رفتار آدمی است و منحصر به ابراز و نشان دادن مورد بخصوصی از تقوا یا اخلاق نیست. توبه ای که حاصل می شود ثمره موعظه یحیی تعمید دهنده نیست، خواه یحیی ملزم کند توبه حقیقی در اعمال و طرز رفتار ظاهر گردد و خواه آشکار سازد که توبه شنوندگان بیهوده و فاقد ارزش واقعی است. تفسیر اخیر از ۳:۹-۱۰ استنباط می شود.

p- تحت اللفظی: برضد ریشه گذاشته شده است.

q- ترجمه دیگر: با آب و با روح القدس.

r- برخلاف آنچه در ترتیب حرکت ملتزمین رکاب رسمی معمول است در اینجا مهمترین شخصیت در رده دوم می آید. فقط در اینجا و در ۲۹:۱۲ عیسی با صفت «توانا» توصیف شده است در صورتی که این صفت در عهد عتیق مختص خدا بوده است (دان ۴:۹؛ ارا ۳۲:۱۸). در دوران عیسی نیز این صفت را در مورد مسیح موعود به کار می بردند (ر.ک مزامیر سلیمان). متی کلمه «اقتدار» را بر «توانایی» ترجیح می دهد (۲۹:۷؛ ۶:۹؛ ۱۸:۲۸).

می خواست وی را مانع شود و می گفت: «منم که نیاز دارم به وسیله تو تعمید یابم و تو نزد من می آیی<sup>w</sup>!»<sup>۱۵</sup> عیسی در پاسخ به او گفت: «فعلاً بگذار [چنین کنیم] بدین گونه مناسب است تمام عدالت<sup>x</sup> را به تحقق برسانیم.» پس او را وا گذاشت.<sup>۱۶</sup> همین که عیسی تعمید یافت همان دم از آب درآمد و اینک آسمانها گشوده شدند<sup>y</sup> و روح خدا را دید که چون کبوتری<sup>z</sup> نازل شده بر او آمد.<sup>۱۷</sup> و اینک صدایی از آسمانها آمده می گفت: «این است پسر من و آن محبوب<sup>a</sup> که از او خوشنودم<sup>b</sup>».

پید ۲۲:۲؛  
مت ۱۲:۱۸؛  
۵:۱۷

پای پوشهای او را بردارم<sup>s</sup>: او شما را در روح القدس و آتش<sup>t</sup> تعمید خواهد داد.<sup>۳۳:۱۶؛ ۵:۱۱</sup> او چارشاخ در دست دارد و خرمنگاه خود را پاک کرده گندم را در انبار جمع خواهد کرد اما گاه را در آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزانید<sup>u</sup>».

### تعمید عیسی

(مرقس ۱: ۹-۱۱؛ لوقا ۳: ۲۱-۲۲؛

ر.ک یوحنا ۱: ۲۹-۳۴)

۳ آنگاه عیسی از جلیل به اردن نزد یحیی پیش آمد تا به وسیله او تعمید یابد<sup>v</sup>.<sup>۱۴</sup> او

s- در اینجا منظور به پا کردن پای پوشهای او نبوده بلکه منظور درآوردن آنها است. این عمل وظیفه بردگان بوده است.  
t- برخلاف آب که برای تصفیه و طهارت ظاهری به کار می رود آتش به طرز پوشیده تری نماد عمل خدا است که تصفیه و تطهیر می کند (ملا ۳: ۲؛ زک ۱۳: ۹؛ ر.ک ۱- پطرا ۷). بنابراین معنی جمله را می توان چنین استنباط کرد: «روح القدس به مانند آتش تصفیه می کند» (حرف عطف «و» می تواند جنبه توضیحی داشته باشد). اما چنین می نماید که مفهوم آتش از آیه ۱۱ تا ۱۲ تغییر نمی کند زیرا در مورد اخیر کیفر و مجازات به شمار می آید؛ بنابراین آتش نشانه و نماد خشم است (ر.ک ۷: ۳ توضیح m) و ارتباط بین این دو برای مشارکت و سهیم شدن در قدوسیت خدا لازم است (ر.ک روم ۱: ۱۶-۱۸) (در این تفسیر حرف عطف «و» اختلاف معنی را مختصری می افزاید).

u- در عهد عتیق و عهد جدید برداشت محصول تصویری از داوری نهایی در زمان آخر است زیرا در آن موقع بذر خوب (یا قسمت خوب گندم) از قسمت بد جدا خواهد شد (یول ۱۲: ۴-۱۳؛ اش ۲۷: ۱۲-۱۳؛ مکا ۱۴: ۱۴-۱۶؛ ر.ک مت ۱۳: ۳۰؛ توضیح o). [چارشاخ، ابزار کشاورزی برای باد دادن گندم جهت جدا کردن گاه از دانه. در برخی لهجه های محلی «شنه» هم گفته اند.]

v- روایات انجیل برای پذیرش این نکته که عیسی در میان گناهکاران تعمید یافته از یک سخن پیامبرانه یاد می کند (۱۷: ۳): عیسی که خود را در ردیف گناهکاران قرار داده در حقیقت پسر خدا می باشد.

w- اعتراض یحیی تعمید دهنده برتری عیسی را یادآوری و تأیید می نماید. چنان که قبلاً در گفتار خود برتری تعمید آینده را نسبت به تعمید با آب نشان داده بود (ر.ک یو ۳: ۲۳-۳۰).

x- در انجیل متی کلمه عدالت، وفاداری اصولی و جدید به اراده خدا است (۵: ۶، ۱۰، ۲۰؛ ۶: ۱۰، ۳۳؛ ۲۱: ۳۲). یحیی تعمید دهنده و عیسی، با هم از اراده خدا تبعیت می کنند، اراده ای که مفهوم آن به وسیله تمام انجیل آشکار خواهد شد. در اینجا یا عیسی خود را با گناهکاران شریک می سازد تا آنان را نجات دهد یا اینکه این تعمید با فروتنی کامل به عنوان نخستین اعتراض علنی عیسی بر ضد تصور و رؤیای یهودیان است که خواهان مسیح موعود پیروزمند بودند (ر.ک ۴: ۱-۱۱؛ ۱۱: ۲-۶؛ ۱۶: ۱۳-۲۳).

y- در بعضی نسخه های خطی: «برای او گشوده شدند»، اصطلاحی که به معنی اتحاد زمین و آسمان است (ر.ک اع ۵۶: ۷؛ ۱۱: ۱۰-۱۶؛ یو ۵۱: ۱۰) و مکاشفه ای آسمانی می باشد (اش ۶۳: ۱۹؛ حزق ۱: ۱؛ مکا ۴: ۱؛ ۱۱: ۱۹).

z- کبوتر. هیچگونه تفسیر قطعی درباره این نماد داده نشده است. احتمالاً اشاره به کبوتری نیست که به کشتی نوح برگشته بود (پید ۸: ۱۲). بعضی از مفسران با توجه به روایات یهود کبوتر را نمادی از اسرائیل می شمارند و در نظر بعضی دیگر نشانه محبت خداست (ر.ک غل ۲: ۱۴؛ ۵: ۲) که بر روی زمین فرود می آید. بالاخره مفسران دیگری برابر برخی روایات که روح خدا را به صورت کبوتری می دیدند که بر روی آبها در پرواز بوده است (پید ۲: ۱) تصور می کنند از پیدایش و آفرینش نوینی یاد شده که در تعمید عیسی روی داده است.

a- این کلمات مخلوطی از اصطلاحات مز ۷: ۲ است که با پیشگویی کهن ناتان در ۲- سمو ۷: ۱۴ (تو پسر من هستی...) و پیشگویی اش ۱: ۴۲ (من که از برگزیدن او خوشنودم) تلفیق شده است. در عبارت اخیر هنوز سخنی از خدمتگزار رنج دیده در اش ۵۳ نیست بلکه سخن از خدمتگزاری است که صدای خود را بلند نمی کند (۲: ۴۲؛ ر.ک مت ۱۸: ۱۲-۲۱) و متزلزل نیست و خرد نشده است (۴: ۴۲). متی با ترکیب و تلفیق این متون کتاب مقدس در وجود عیسی، دو چهره پیامبرانه را جمع کرده است: چهره پسر پادشاه و چهره خدمتگزار.

b- خوشنودی، دلخواه و بدون دلیل نیست بلکه انتخاب و برگزیدگی می باشد.

تجربه شدن عیسی<sup>c</sup>

(مرقس ۱: ۱۲-۱۳؛ لوقا ۴: ۱-۱۳)

۴<sup>a</sup> آنگاه عیسی توسط روح [القدس]

عبر ۱۸:۲؛ ۴: ۱۵

به صحرا برده شد تا به وسیله

ابلیس تجربه شود.<sup>۲</sup> و پس از چهل روز وچهل شب روزه گرفتن<sup>d</sup>، سرانجام گرسنهشد.<sup>۳</sup> و تجربه کننده<sup>e</sup> نزدیک شده به اوگفت: «اگر تو پسر خدا هستی<sup>f</sup> بگو تا اینسنگها نان شوند.»<sup>۴</sup> در پاسخ گفت:

«نوشته شده است: آدمی فقط به نان

زندگی نخواهد کرد بلکه به هر کلامی که

از دهان خدا برمی آید<sup>g</sup>.»<sup>۵</sup> آنگاه ابلیساو را با خود به شهر مقدس می برد و او را  
بر کنگره معبد قرار داده<sup>h</sup> و به او گفت:

«اگر تو پسر خدا هستی خودت را به زیر

افکن، زیرا نوشته شده است: به خاطر تو

به فرشتگانش فرمان خواهد داد و آنها تو

را بر روی دستهایشان خواهند برد مبادا

پایت به سنگی بخورد<sup>i</sup>.»<sup>۷</sup> عیسی به او

فرمود: «باز هم نوشته شده است: خداوند

خدای خود را تجربه نخواهی کرد<sup>j</sup>.»<sup>۸</sup> باز

ابلیس او را به کوهی بسیار بلند برگرفت و

تمام ممالک جهان و شکوه آنها را به او

نشان داده به او گفت: «اگر در برابر من

نخ ۱:۱؛  
اش ۱:۵۲؛  
مت ۲۷:۵۳؛  
مکا ۲:۱۱؛  
۲۱:۲؛ ۱۰؛  
۲۲:۱۹؛  
۴:۳۰؛  
۲۷:۴۰

۱-قرن ۱۰:۹

c- این روایت از سنتی اقتباس شده که قسمت اعظم آن مربوط به دوران عیسی می باشد (ر.ک مر ۱: ۱۲-۱۳) زیرا نکته اصلی

این روایت امتناع عیسی از پذیرفتن مسیح گرایی دنیوی است و این نکته مربوط به دوران پیش از واقعه رستاخیز عیسی است.

ضمناً مبارزه با شیطان نیز با مرگ و رستاخیز عیسی پایان یافته است. متی و لوقا این موضوع را به روش مباحثه و جدل ذکر

کرده اند تا برتری عیسی را بر رقیبش نشان دهند. به طوری که از نقل قولهای صریح و دقیق کتاب تثنیه برمی آید (۳: ۸)؛

۱۶: ۶؛ ۱۳: ۶) در اینجا عیسی به عنوان اسرائیل جدیدی نشان داده شده که در صحرا مورد تجربه قرار می گیرد. عیسی

نمی خواهد نیروهای معنوی و روحانی را به منظور نیل به هدفهای دنیوی به کار برد، به علاوه قصد ندارد خدا را وادار کند تا او

را با معجزه های شگفت انگیز نجات دهد و نیز نمی خواهد به تابعیت شیطان درآمده از نظر سیاسی بر جهان تسلط یابد. عیسی

برخلاف قوم برگزیده در زمان صحرا از این مبارزه پیروز بیرون می آید به این معنی که اجازه نمی دهد شیطان او را از خدا جدا

کند. متی در این متن عیسی را به صورت نمونه ای از اسرائیل جدید و موسای جدید معرفی می کند که به این وسیله موضوع

تجربه های عیسی را مسیحائی جلوه می دهد. صحنه وسوسه عیسی که متصل به وقایع تعمید یافتن او ذکر گردیده ممکن است

بیانگر معنی و مفهوم زندگی هر فرد مسیحی نیز باشد به این معنی که اصولاً تک تک فرزندان خدا بر شیطان پیروز شده اند.

d- عدد چهل (تعداد سالهای عمر یک نسل) زمانی نسبتاً طولانی است و مدت واقعی آن معلوم نیست (پید ۴: ۴؛ خروج ۱۸: ۲۴).

در اینجا ممکن است یادآور مدت زمانی باشد که موسی بر روی کوه گذرانیده بود (خروج ۳۴: ۲۸؛ تث ۹: ۹؛ ۱۸: ۱۸) و احتمالاً

نماد چهل سالی است که قوم اسرائیل از صحرا عبور می کرد (اعد ۳۴: ۱) چنانکه چهل شبانه روز راه پیمایی الیاس نیز با آن

تطبیق می کند (۱-پاد ۸: ۸).

e- «تجربه کننده». تعداد تجربه کنندگانی که در مدت زندگی عیسی بر او ظاهر شدند زیاد بوده اند (۱۶: ۱؛ ۱۹: ۳)؛

f- تکرار گفتار آسمانی که در هنگام تعمید عیسی گفته شده بود (۱۷: ۳) و به این معنی است: «(زیرا چنانچه تو پسر خدا

هستی...)»

g- متی در اینجا ترجمه یونانی تث ۸: ۳ را نقل کرده است. متن عبری به این صراحت نیست: «... به هر چه از دهان خداوند

بیرون می آید.»

h- معادل کنگره در زبان یونانی به معنی زاویه بیرونی ساختمان است که در اینجا می تواند اشاره به سر در یکی از بزرگترین

دروازه های معبد باشد که شیطان به عیسی گفت خود را از آنجا پرتاب کند تا مسیح بودن خود را به انبوه مردمانی که در آن

محل ازدحام می کردند ثابت نماید.

i- ر.ک مز ۱۱: ۹-۱۲، این عبارت از متن یونانی نقل شده است. مطالب مز ۹۱ نظیر مطالب تث ۸: ۳ اختصاصاً درباره مسیح

نیست بلکه مربوط به هر فرد اسرائیلی با ایمانی است که فقط از جانب خدا انتظار کمک دارد. هنگامی که شیطان نوشته های

مقدس را کلمه به کلمه نقل می کند عیسی مفهوم اساسی آنها را جدا کرده پاسخ می دهد.

j- تث ۱۶: ۶. تجربه کردن یا آزمودن و به آزمایش گذاشتن خدا موضوعی معمولی و عادی در عهد عتیق است (خروج ۱۷: ۲-۷؛

اعد ۲۲: ۱۴؛ تث ۱۶: ۶؛ مز ۷۸: ۱۸؛ و غیره) و به دو معنی به کار رفته که مکمل یکدیگرند: یکی این که از خدا اطاعت نکنند

تا ببینند صبر و حوصله او تا کجاست و مفهوم دوم که در اینجا بکار رفته این است که از لطف و مرحمت خدا برای استفاده

شخصی بهره برداری کنند.

کرده آمد در کفرناحوم که در کنار دریا در یو:۲  
نواحی زبولون<sup>r</sup> و نفتالیم است اقامت گزید.  
۱۴ تا آنچه به وسیله اشعیای پیامبر اعلام  
شده بود به تحقق رسد وقتی که گفت:  
۱۵ سرزمین زبولون و نفتالیم،  
راه دریا، ماوراء اردن،  
جلیل ملت ها،  
۱۶ قومی که در تاریکی نشسته می بود،  
نوری بزرگ دید

و برای کسانی که در سرزمین تاریک  
مرگ نشسته بودند  
نوری طلوع کرده است.<sup>s</sup>  
۱۷ از آن پس آغاز به ندا دادن و گفتن

افتاده سجده کنی<sup>k</sup> همه اینها را به تو  
خواهم داد. ۱۰ آنگاه عیسی به او گفت:  
«برو! ای شیطان! زیرا نوشته شده است:  
تو خداوند خدای خود را سجده خواهی کرد  
و فقط او را عبادت خواهی نمود<sup>m</sup>.»  
۱ آنگاه ابلیس او را ترک می کند و اینک  
فرشتگان پیش آمده او را خدمت  
می کردند<sup>n</sup>.

### بازگشت عیسی به جلیل

(مرقس ۱: ۱۴-۱۵؛ لوقا ۴: ۱۴-۱۵)

۱۲ چون شنید یحیی را تسلیم کرده اند<sup>o</sup> به  
جلیل بازگشت<sup>p</sup>. ۱۳ و ناصره<sup>q</sup> را ترک  
یو:۳:۱۴  
مر:۱۷:۶  
یو:۲۴:۳

k- تحت اللفظی: «اگر [به پاهای من] افتاده مرا پرستش کنی». در اینجا مفهوم پرستش کردن اطاعت محض با نتایج عملی و فوری  
مربوط به آن می باشد (ر. ک ۲: ۲: ۸: ۲: ۹: ۱۸: پید ۷: ۳۷-۱۰). ضمناً در ۱۸: ۲۷ نیز به همین معنی به کار برده شده است.

l- در ۲۳: ۱۶ نیز همین دستور صریح به پطرس خطاب می شود به اضافه دعوت به این که به دنبال او برود (در بعضی نسخه های  
خطی در این آیه هم این دعوت وجود دارد).

m- تث ۱۳: ۶؛ ر. ک خروج ۳۴: ۱۴؛ تث ۳۹: ۳۲؛ اش ۴۳: ۱۰.

n- فعل «خدمت کردن» در اینجا به معنی خدمت بر سر سفره و غذا دادن می باشد (ر. ک ۱۵: ۸). عیسی از فرشتگان یعنی از  
جانب خدا به وسیله پیام آورانش غذایی دریافت می نماید که قبلاً شیطان پیشنهاد کرده و وی از پذیرفتن آن امتناع ورزیده  
بود. بعدها عیسی به شاگردان خود تعلیم خواهد داد که آن را از پدر خود درخواست کرده و بپذیرند (۱۱: ۶).

o- «تسلیم کرده اند» به معنی بازداشت و زندانی کردن است (ر. ک لو: ۳: ۲۰) چنانکه در مورد عیسی نیز گفته شده است (۲۲: ۱۷)؛  
۲۶: ۲: ۲۷: ۱۸، ۲۶). انتخاب این کلمه و به کار بردن فعل به صورت مجهول که فاعل آن مشخص نیست چنین می نماید  
که گرچه آدمیان این فاجعه را انجام می دهند ولی خدا است که برطبق تدبیر خود آنان را هدایت می کند (ر. ک اع ۴: ۲۸).

p- فعلی که در این مورد به کار رفته و «بازگشتن» ترجمه شده متی در مورد پناه گرفتن در مقابل خطر به کار می برد  
(۱۲: ۲، ۱۳، ۱۴، ۲۲، ۱۵: ۱۲، ۱۴: ۱۳، ۱۵: ۲۱؛ ر. ک ۱۳: ۱۴ توضیح g).

q- نام این شهر معمولاً ناصره Nazareth نوشته می شود ولی در اینجا Nazara ذکر شده که به ندرت به این صورت نوشته  
می شود. از مطالب این آیه چنین برمی آید که خانواده عیسی در این محل اقامت داشتند (۲۳: ۲) و پیامبر ناصری (ر. ک  
۱۱: ۲۱) زادگاه خود را ترک کرده همچنان که دشمنان خود (۴: ۱۶) و اورشلیم را ترک می گوید (۱۷: ۲۱).

r- منظور دریاچه جنیسارت است (ر. ک لو: ۵: ۱؛ ۲۲: ۸). محل کفرناحوم را به طور کلی در شمال غربی دریاچه، در جایی که  
امروزه «تل حوم» نامیده می شود تعیین می کنند.

s- متی نه فقط به منظور تعیین محل اقامت عیسی بلکه به این سبب که مأموریت نبوتی او را مشخص سازد آیات ۸: ۲۳-۹: ۱ از  
کتاب اشعیا را نقل نموده است. این نقل قول منحصر به انجیل متی بوده و انجیل نگار آن را تا حدودی تغییر داده است.  
سخنان زیر از مختصات مجموعه انجیل متی است: عیسی در جلیل سخنان خود را به قبیایلی از قوم یهود خطاب می کند که بیش  
از دیگران مورد تهدید «تاریکی» امتهای بودند به همان گونه که پادشاهی شمالی از سوی آشوریان تهدید می گردید. پس این  
رسالت «با تمام ملت ها» تماس می گیرد (۱۹: ۲۸؛ ر. ک ۲: ۱۰ توضیح n)، در حالی که دیگران به صحرا پناه برده (مثل فرقه  
قمران یا یحیی تعمید دهند) یا فعالیت خود را به اورشلیم محدود ساخته بودند، عیسی که اشعیای پیامبر او را عمانوئیل اعلام  
نموده است (اش ۷: ۱۴؛ ۸: ۸، ۱۰) جانب «جلیل ملت ها» را برمی گیرند و متی این نکته را در سراسر انجیل خود ذکر می کند  
(ر. ک ۲: ۲۲؛ ۳: ۱۳؛ ۴: ۲۳، ۲۵؛ ۸: ۱۶).

کرد: «توبه کنید! زیرا فرمانروائی آسمانها خیلی نزدیک است<sup>۱۸</sup>».

قایق و پدرشان را ترک کرده به دنبال او رفتند.

### فراخواندن نخستین شاگردان

(مرقس ۱: ۱۶-۲۰؛ لوقا ۵: ۱-۱۱)

یو: ۴۰: ۲۱<sup>۱۸</sup> چون بر کناره دریای جلیل راه

می رفت، دو برادر، شمعون مشهور به پطرس و بردارش آندریاس را دید که تور به دریا می افکنند زیرا ایشان صیاد بودند.<sup>۱۹</sup> و به آنان گفت: «به دنبال من بیاید<sup>۲۰</sup> و من شما را صیاد<sup>۲۱</sup> انسانها خواهم کرد.»<sup>۲۰</sup> همان دم ایشان تورها را رها کرده به دنبال او رفتند<sup>۲۱</sup>.<sup>۲۲</sup> و چند قدم دورتر، دو برادر دیگر، یعقوب [پسر] زبیدی و برادرش یوحنا را با پدرشان در قایق دید که در حال مرتب کردن تورهای خود بودند و آنان را فراخواند.<sup>۲۲</sup> همان دم ایشان

### عیسی و جمعیت ها

(مرقس ۱: ۳۹؛ لوقا ۴: ۴۴؛

۱۷-۱۸)

<sup>۲۳</sup> و در سراسر جلیل می گشت در حالی که در کنیسه هایشان آموزش داده، مژده<sup>۲۴</sup> فرمائروائی<sup>۲۵</sup> را ندا می داد و هر بیماری و ناتوانی را در قوم شفا می بخشید<sup>۲۶</sup>.<sup>۲۷</sup> و شهرتش در سراسر سوریه پیچید و همه مریضانی که ناتوانی ها و عذاب های مریضانی گوناگون داشتند، دیوانگان، ماه زدگان و مفلوجان را نزد وی آوردند و آنان را شفا داد.<sup>۲۸</sup> و جمعیت های زیادی که از جلیل و<sup>۲۹</sup> از دیکاپولیس و از اورشلیم و از یهودیه و از ماوراء اردن آمده بودند به دنبال او رفتند.

t- عبارت «از آن پس» که فقط یک بار دیگر در ۲۱: ۱۶ آمده فقط به همین مفهوم ساده نیست که عیسی «شروع به... کرد» بلکه بطور رسمی شروع رسالت و موعظه او را اعلام می کند بدین معنی که عیسی خود را به وسیله سخنان (۵: ۱-۷: ۲۹) و اعمال (۸: ۱-۹: ۳۴) معرفی خواهد کرد.

u- ر. ک. ۳: ۲ توضیح h.

v- تحت اللفظی: «عقب من بیاید» و اصطلاح مشابهی در ۱۶: ۲۳-۲۴.

w- در مورد اصطلاح «صیاد انسانها» ر. ک. مر ۱: ۱۷ توضیح c.

x- فعلی که در این مورد به کار رفته و «به دنبال کسی رفتن» ترجمه شده در بین یهودیان سده اول میلادی معمولاً به مفهوم احترام و اطاعتی بود که شاگردان نسبت به استادان خود داشتند و خدمات مختلف بیشماری برای آنان انجام می دادند. در اینجا متی این فعل را در مورد عیسی و شاگردانش به کار برده و مفهوم آن را از چند نظر تغییر داده است: ۱- در اینجا دیگر شاگرد نیست که استاد خود را انتخاب می کند بلکه دعوت از جانب عیسی بوده و به طور کلی با اطاعت فوری پاسخ داده می شد (۴: ۲۲؛ ۹: ۹)؛ ۲- شاگردان نه فقط به مانند شنونده به دنبال عیسی می روند بلکه همکاران، شاهدان ملکوت خدا و کارگران برداشت محصول آن هستند (۱۰: ۱-۲۷) و این شاگردان مانند افراد فرقه غیوران نه تنها به آموزش استاد خود علاقمند می باشند بلکه به شخص او وابستگی دارند؛ ۳- متی غالباً یادآوری می کند که انبوه مردمان به دنبال عیسی می آیند و بدین وسیله نشان می دهد که مردم به طور مبهم در وجود او استادی را جستجو می کنند که در بین استادان رسمی و عنوان دار کنیسه، نیافته اند (۴: ۲۵؛ ۸: ۱؛ ۱۲: ۱۵؛ ۱۴: ۱۳؛ و غیره)؛ ۴- در مرحله دیگری عیسی از این «دنباله روی» انتقاد کرده و نشان می دهد که مفهوم این عمل خیلی وسیع تر از آن است که شاگردان و انبوه مردمان در ابتدا تصور کرده بودند. به دنبال عیسی رفتن چیزی کمتر از آن نیست که صلیب خود را به دوش بکشند (۱۶: ۲۴).

y- «انجیل فرمانروائی» اصطلاحی مختص متی می باشد (۹: ۳۵؛ ۲۴: ۱۴) و دارای دو معنی است: یا اعلام فرا رسیدن ملکوت یا فرمانروایی خدا (ر. ک. ۳: ۲ توضیح g) یا به مفهوم خود این نوید می باشد همراه با تمام تعلیم عیسی که متی آن را به مژده ملکوت ارتباط می دهد، یعنی تمام انجیل متی.

z- شفا دادن ها علاوه بر اعلام انجیل به این معنی است که فرمانروائی خدا در فعالیت است (ر. ک. ۷: ۱-۸؛ ۱۱: ۵ توضیح z). متی با به کار بردن کلمه «هر»، جنبه جهانی رفتار عیسی را نشان می دهد و شاید اشاره به اش ۵۳: ۴ می نماید که در مت ۸: ۱۷ نقل شده است.

## موعظه روی کوه

(مرقس ۳: ۱۳؛ لوقا ۶: ۱۲-۱۳، ۲۰)

۵

۱ عیسی با دیدن انبوه مردم به کوه بالا رفت و چون نشست شاگردانش نزد او آمدند<sup>a</sup>. ۲ و دهان گشوده<sup>b</sup> به آنان آموزش داده می گفت<sup>c</sup>:

## خوشا به حالها

(لوقا ۶: ۲۰-۲۶)

۳ «خوشا<sup>d</sup> بر بینوایان در روح<sup>e</sup> زیرا ملکوت آسمانها از آن ایشان است.

۴ خوشا بر نرم خویان<sup>f</sup> زیرا وارث زمین<sup>g</sup> مز ۳۷: ۱۱ خواهند شد.

۵ خوشا بر ماتمیان<sup>h</sup> زیرا تسلی خواهند یافت.

a- در تنظیم و نگارش این قسمت از انجیل، متی از مطالبی استفاده کرده که اکثراً نظیر همان مطالبی است که لوقا (۲۰: ۶-۴۹) به کار برده است. متی جملات عیسی را دسته بندی نموده و به صورت خطابه ای افتتاحیه در آورده که بیانگر عدالت جدید مسیحی است. در ابتدا موضوع خوشبختی به عنوان مقدمه می آید (۳: ۵-۱۲)، سپس مطالبی درباره موضوعات زیر گفته می شود: ۱- عدالت کامل (کلیات ۵: ۱۳-۲۰ و در پی آن پنج نکته ۵: ۲۱-۴۸)، ۲- اعمال نیکو (کلیات ۶: ۱ و در پی آن سه نکته ۶: ۲-۱۸)، ۳- سه هشدار که هر یک نکته ای به دنبال دارد (۷: ۱۲-۱۳؛ ۷: ۲۰-۲۱؛ ۷: ۲۲-۲۷). موعظه عیسی بر فراز کوه را نمی توان در انجیل به عنوان اساس آیین مسیحیت به شمار آورد زیرا فاقد مطالبی از جمله صلیب، آیین سپاسگزاری، کلیسا و روح القدس می باشد. این موعظه خطاب عیسی به کسانی است که می خواهند از او پیروی کنند.

b- اصطلاح «دهان گشودن» مقدمه ای بر بیانیه ای مهم است، ر.ک اش ۳۴: ۱۰؛ ایوب ۳: ۱۰؛ ۳۲: ۲۰؛ دان ۱۰: ۱۶.

c- آموزش می داد. متی موعظه روی کوه را چون تعلیمی ارائه نموده که پیش از معرفی ملکوت اعلام شده است.

d- خوشا بر. این طرز گفتار در کتاب مقدس معمول است و برای تهنیت گفتن به کسی که از موهبتی برخوردار است (مت ۱۳: ۱۶؛ ۱۷: ۱۶) یا جهت اعلام خوشبختی طبقه ای از مردمان به کار می رود (مت ۶: ۱۱؛ لوقا ۱۱: ۲۸؛ ر.ک لوقا ۶: ۲۰ توضیح m). عیسی با این طرز گفتار اعلام می کند که چه کسانی در وضعیت مساعدتری جهت دریافت ملکوت خدا قرار دارند. متی و لوقا مژده های سعادت را در دو گروه طبقه بندی کرده اند: گروه اول (متی ۵: ۳-۹) درباره بینوایی و طرز رفتار انسان و گروه دوم (۵: ۱۰-۱۲) که درباره جفا می باشد، ممکن است در شرایط دیگری و احتمالاً در واپسین بخش از زندگی عیسی بیان شده باشد. این دو گروه که متی و لوقا تدوین کرده اند ممکن است به دوران پیامبری که دوران شخص عیسی بود اطلاق شود. در این مرحله عیسی نمی گوید برای ورود به ملکوت چه فضایی ضروری است. او خود را به عنوان مسیح موعود معرفی می کند که برای بینوایان فرستاده شده است، یعنی کسانی که بیشتر محبوب خدا هستند (ر.ک مت ۵: ۱۱)، کسانی که در این دنیا مورد توجه نبوده و فقط به خدا توکل دارند. لوقا بینوایان را در برابر ثروتمندان می آورد، چنان که آسمان آینده را در مقابل زمین کنونی قرار می دهد در صورتی که متی نشان می دهد که بینوایی درونی شرط لازم برای ورود به ملکوت می باشد. این دو تفسیر معنی و مفهوم واقعی خود را نمی یابند مگر در صورتی که مربوط به عیسی باشند که سخن می گوید و خود را فدا می کند.

e- «بینوایان در روح»: در اینجا منظور از روح نه روح القدس است و نه هوش و درایت بلکه به مانند دل که در آیه ۸ آمده منظور مرکز و تمام وجود شخص است. «خداوند به شکسته دلان نزدیک است و کسانی را که روحی درمانده دارند نجات می بخشد» (مز ۳۴: ۱۹). این بینوایان جزو خانواده بزرگی هستند که بلایای مادی و معنوی در آنان به طوری اثر کرده که جز کمک خدا چشم امید به چیز دیگری ندارند: «من بیچاره و بینوا هستم ولی خدا به فکر من است» (مز ۴۰: ۱۸). عیسی به فرستادگان یحیی تعمید دهنده علاوه بر معجزات، بشارت انجیل به بینوایان را به عنوان نشانه ارائه کرد تا بدانند که او مسیح موعود است (مت ۵: ۱۱).

f- در بعضی از نسخه های خطی ترتیب آیات ۴ و ۵ برعکس می باشد. همان گونه که در مورد بینوایان گفته شد نرم خویان نیز بیش از جنبه روحی، به سبب مشکلات اجتماعی و مذهبی خود نرم خو و مهربان هستند. عیسی خود را چنین معرفی و توصیف می کند (مت ۱۱: ۲۹؛ ۲۱: ۵) و شاگرد مسیح نیز بایستی چنین باشد (۲- قرن ۱۰: ۱؛ غلا ۵: ۲۳؛ تیط ۳: ۲؛ ۱- پطرس ۳: ۱۶).

g- یعنی سرزمین موعود که اصطلاح دیگری برای ملکوت آسمانها می باشد، چنان که در مز ۳۷: ۱۱ آمده است: «فروتنان مالک سرزمین خواهند بود.»

h- منظور از ماتمیان نه کسانی است که معمولاً محزون و اندوهگین هستند یا کسانی که دستخوش فشار اجتماعی بوده و به جبران آن در زندگی دیگر، مسیح را درمی یابند (لوقا)، بلکه کسانی که در انتظار تسلی قطعی به سر می برند (لوقا ۲: ۲۵)، تسلی که آدمیان را از غم و اندوه نجات خواهد داد (ر.ک اش ۲: ۶۱).

## نمک و نور

(مرقس ۹:۵۰؛ ۴:۲۱؛

لوقا ۱۴:۳۴-۳۵؛ ۸:۱۶؛ ۱۱:۳۳)

۱۳ شما نمک زمین هستید<sup>۱</sup> اما اگر نمک

بی مزه شود با چه چیزی نمکین خواهد شد؟

دیگر به درد نمی خورد مگر اینکه دور

افکنده شود و پایمال مردم گردد.

۱۴ شما نور جهان هستید. شهری که بر

فرز کوهی قرار دارد نمی توان پنهان کرد.

۱۵ هم چنین چراغی را نمی افروزند تا آن را

زیر پیمانه بگذارند بلکه بر روی چراغدان،

و برای تمام کسانی که در خانه<sup>m</sup> هستند

می درخشد. ۱۶ به این گونه نور شما در

برابر انسانها بدرخشد تا کارهای نیک<sup>n</sup>

شما را دیده شکوه پدر شما را که در

آسمانها است بستایند.

## عیسی و شریعت

۱۷ «خیال نکنید که من آمده ام تا تورات

و [کتابهای] پیامبران را نابود کنم. من

مز ۳:۴۲ خوشا بر گرسنگان و تشنگان برای

عدالت<sup>۱</sup> زیرا سیر خواهند شد.

۷ خوشا بر رحم کنندگان زیرا بر آنان رحم

خواهد شد.

۸ خوشا بر پاک دلان<sup>۲</sup> زیرا خدا را خواهند

دید.

۹ خوشا بر آرامش دهندگان زیرا پسران خدا

نامیده خواهند شد.

۱۰ خوشا بر شکنجه شدگان به خاطر

عدالت، زیرا ملکوت آسمانها از آن

ایشان است.

۱۱ خوشحال باشید هنگامی که به خاطر من

شما را ناسزا گویند، شکنجه کنند و

علیه شما به دروغ هرگونه بدی گویند.

۱۲ شادی کنید و خرم باشید زیرا اجر

شما در آسمانها بزرگ است، چون به

این گونه پیامبران پیش از شما را

شکنجه کرده اند<sup>k</sup>.

مز ۳:۴۲

مز ۳:۱۸

یع ۱۳:۲

مز ۴:۲۴

۱۲:۵۱

۱- پاد ۲۶:۵

لو ۷:۹

عبر ۱۴:۱۲

یع ۱۸:۳

۱- پط ۱۴:۳

۱۱- پط ۱۴:۳

۲۲:۱۰

۱- پط ۱۴:۴

۲- توا ۳۶:۱۶

۷۶:۵۲

عبر ۱۱:۳۸-۳۲

یع ۱۰:۵

۱- «عدالت»: در اینجا به احتمال قوی منظور عدالت خدا نیست (یعنی عدالت نجات بخش روز آخر، زیرا عیسی هرگز در این مورد

به غیر از انتظار هوشیارانه تعلیمی نداده است)، همچنین منظور عدالت اجتماعی بر روی زمین نمی باشد بلکه عدالت در اعمال

و رفتار زندگی مسیحی است که همواره بایستی کامل تر شده و منشأ عدالت بین آدمیان باشد (ر. ک ۲۰:۵ توضیح s).

۲- نظیر بینوایی که در آیه ۳ ذکر شده این پاکی مربوط به درون شخص می باشد که در آیه ۳ با کلمه روح توصیف شده است.

ضمناً در اینجا منظور کمال اخلاقی نیست بلکه راستی و درستی شخصی است (ر. ک ۲۲:۶ توضیح m و ۱:۱۵ توضیح o) که

انجیل نگاران آن را با کلمه سادگی توصیف کرده اند. در مورد مفهوم کلمه دل یا قلب در کتاب مقدس ر. ک لو ۱:۶۶ توضیح o.

k- پس از اعلام خوشبختی کسانی که به طور کلی مورد جفا می باشند (آیه ۱۰ که بدون فعل و با کلمه «خوشا بر» آغاز شده)

وضع شاگردان را با آنان انطباق داده (آیه ۱۱ «خوشحال باشید» و آیه ۱۲ «باشید») و از جفای دوران گذشته یاد کرده، یعنی

پیامبران که شاگردان عیسی راه آنان را ادامه می دهند (ر. ک مت ۱۰:۴۱؛ ۱۳:۱۷؛ ۲۳:۳۴).

l- نمک غذاها را لذیذ می کند (ایوب ۶:۶) و چون خاصیت نگهداری غذاها را دارد (بار ۲۷:۶) می توان آن را در توصیف ارزش

قراردادی که با دوام است به کار برد مثلاً پیمان نمک (اعدا ۱۹:۱۸) یا قرارداد مداوم (۲- توا ۱۳:۵). متی گفتار عیسی را

تفسیر نموده (لو ۱۴:۳۴؛ مرق ۵:۹) و می گوید که شخص ایماندار در پیمانی که با خدا دارد بایستی دنیای آدمیان را حفظ

نموده آن را مطبوع و ذلت بخش سازد و گرنه به هیچ درد نمی خورد و سزاوار آن است که دور افکنده شود (ر. ک لو ۱۴:۳۵).

نگیرد به ملکوت آسمانها وارد نخواهد شد.

### جنایت و آشتی

(مرقس ۱۱: ۲۵؛ لوقا ۱۲: ۵۷-۵۹)

<sup>۲۱</sup> شنیده اید که به پیشینیان<sup>۱</sup> گفته شده مت ۱۸: ۱۹ و متون موازی: روم ۱۳: ۹؛ یح ۱۱: ۴ است: قتل نکن؛ کسی که قتل<sup>۲</sup> کند مستوجب محکومیت است.<sup>۳</sup> و من به شما می گویم: هر که بر برادرش خشم گیرد ۱- یو ۱۵: ۳ مستوجب محکومیت باشد. کسی که به برادرش بگوید: راقا<sup>۴</sup>، مستوجب داوری سانهدرین<sup>۵</sup> است. آن کس که بگوید:

نیامده ام واژگون کنم بلکه تحقق بخشم<sup>۶</sup>.  
<sup>۱۸</sup> زیرا آمین به شما می گویم پیش از آن که زمین و آسمان درگذرد یک یوتا یا حتی نقطه ای کوچک<sup>۷</sup> از تورات نخواهد افتاد که همه انجام شده باشد.<sup>۹</sup> پس هر که تنها یکی از کوچکترین این احکام را نابود کند و به مردمان چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمانها کوچکترین نامیده خواهد شد ولی کسی که عمل کرده و تعلیم دهد در ملکوت آسمانها او بزرگ<sup>۱۰</sup> نامیده خواهد شد.<sup>۲۰</sup> زیرا به شما می گویم اگر عدالت شما بر [عدالت]<sup>۱۱</sup> کاتبان و فریسیان فزونی

o- تحقق بخشیدن ترجمه فعل یونانی pleroun ممکن است به معنی تحقق یافتن (مثلاً تحقق یافتن یک پیشگویی: ۲۲: ۱ توضیح k) یا به معنی پر شدن باشد (مثلاً پر شدن تور صیادی: ۴۸: ۱۳ یا پر شدن پیمان: ۳۲: ۲۳). طرز ترکیب عبارتی که در موعظه روی کوه آمده ایجاب می نماید که در اینجا مفهوم اخیر را بپذیریم. عیسی در نظر ندارد فقط پیامبری را به تحقق برساند بلکه می خواهد آن را به کمال برساند و به قواعد زندگی مذهبی که به صورت قوانین در آمده بود مفهوم واقعی بخشد و بدین سان آن را به حد کمال اصلی رسانده سادگی اولیه را به آن بازگرداند (ر. ک ۲۰: ۵).

p- یوتا یکی از کوچکترین حروف الفبای یونانی است. در زبان عبری yod کوچکترین حرف الفبای آن زبان می باشد. خط کوچکی که در اینجا ذکر شده ممکن است علامت کوچکی باشد که دو حرف از الفبای عبری را از یکدیگر مشخص می سازد [مثل نقطه یا علامت کوچکی که ت را از ث یا کاف را از گاف متمایز می کند]. به هر صورت مفهوم عبارت این است که هیچ کدام از جزئیات شریعت نبایستی فرو گذار شود [همانطور که در فارسی می گویم حتی یک واو هم نباید پس و پیش شود یا بیفتد].  
 q- این عبارت دشوار است و احتمالاً منظور این نیست: «تا اینکه من همه چیز را بر روی صلیب به تحقق رسانده باشم» و نه «تا اینکه تمام فرمانها به وسیله شاگردانم به تحقق پیوسته باشد» بلکه «تا پایان جهان». تورات که این چنین توسط عیسی به ارزشهای نوین تحقق یافته دارای همان اعتبار ذاتی است.

t- کلمات «کوچکترین... بزرگتر» بیانگر وجود سلسله مراتبی در ملکوت نیست بلکه ریبی های یهود به وسیله این اصطلاح رفتار مختلف مردمان را تأیید یا تقبیح می کردند.

s- چنان که در ۱۰: ۶، آمده منظور از این عدالت، وفاداری شاگردان به قانون خدا می باشد و عیسی به وسیله تفسیر مستندی (۲۹: ۷) که از قانون می نماید این وفاداری را مقدور و ضروری می سازد. همین کلمه با همین مفهوم در ۱۵: ۳، ۶: ۵، ۱۰: ۶، ۱: ۳۳، ۳۲: ۲۱ آمده است.

t- پیشینیان. کلمه یونانی archaioi که متی در اینجا به صورت جمع به کار برده کسانی هستند که قبل از ما بوده اند، یعنی اجدادی که منشأ سنت می باشند (ر. ک لوقا ۸: ۹، ۱۹) و این کلمه را نبایستی با کلمه presbyteroi [که مشایخ ترجمه کرده ایم] (ر. ک مت ۱۶: ۲۱، ۲۳: ۲۱ و غیره) و به معنی بزرگان قوم می باشد، اشتباه کرد.

u- منظور قتل عمد نظیر انتقام شخصی است که در ده فرمان منع شده است (خروج ۲۰: ۱۳؛ تث ۱۷: ۵).

v- باید در دادگاه پاسخگو باشد. عیسی کیفرهایی را که در شریعت تعیین شده به طور خلاصه بیان می کند بدون اینکه آنها را کلمه به کلمه ذکر نماید (خروج ۱۲: ۲۱؛ لاو ۱۷: ۲۴؛ اعد ۱۶: ۳۵-۱۸؛ تث ۱۷: ۸-۱۳). در واقع عیسی نمی گوید چنین شخصی مستوجب مرگ است بلکه اعلام می کند که قضاوت و اعلام محکومیت دراز آن خدا می باشد (ر. ک روم ۱: ۳۲).

w- ابله. کلمه راقا (raka) که در اینجا آمده احتمالاً آوانویسی ناسازی است که در تلمود به کار برده شده و در زبان عبری به صورت «ریقاح» می باشد که در اینجا یعنی بی مغز و بی شعور.

x- سانهدرین بزرگ [شورای عالی شرع یهود] دادگاهی بوده مرکب از هفتاد و یک عضو که مقر آن در اورشلیم بود. در مقابل دادگاههای عادی (ر. ک ۲۱: ۵-۲۲) که بیست و سه عضو داشته و در سراسر کشور پراکنده بودند (ر. ک ۱۰: ۱۷ توضیح i).



## زنا و لغزش

(متی ۱۸:۸-۹؛ مرقس ۹:۴۳ و ۴۷-۴۸)

مت ۱۸:۱۹ و متون موازی  
 ۲۷ «شنیده اید که گفته شده است: «زنا نکن»<sup>c</sup>. و من به شما می گویم: هر که به طریق تمنا به زنی نگاه کند<sup>d</sup> همانا در قلب خود با او زنا کرده باشد. ۲۹ اگر چشم راست تو را به لغزش وامی دارد<sup>e</sup> آن را برکن و از خود دور انداز<sup>f</sup> زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود و تمام بدنت به جهنم افکنده نشود. ۳۰ و اگر دست راست تو را به لغزش وامی دارد آن را قطع کن و از خود دور انداز، زیرا به سود تو است که یکی از اعضایت از بین برود و تمام بدنت به جهنم نرود.

ابله<sup>y</sup>! مستوجب جهنم<sup>z</sup> آتشین باشد. ۲۳ پس اگر قربانی خود را به قربانگاه پیشکش می کنی و در آنجا به یاد می آوری که برادرت چیزی علیه تو دارد، ۲۴ قربانی خود را در آنجا در برابر قربانگاه بگذار و اول برو و با برادرت آشتی کن و آنگاه بیا و قربانی خود را پیشکش کن! ۲۵ با مدعی خود در مدتی که با او در راه هستی زود مصالحه کن<sup>a</sup> مبادا مدعی تو را به قاضی و قاضی به زندانبان تسلیم کند و به زندان افکنده شوی. ۲۶ آمین به تو می گویم که از آنجا خارج نخواهی شد تا اینکه آخرین بشیز<sup>b</sup> را بپرداز.

y- دیوانه کلمه ناسزای نسبتاً عادی است ولی چنین به نظر می رسد که حیثاً در نظر یهودیان مفهوم شدیدتری داشته و در مورد عصیان در برابر خدا به کار می رفته است (ر. ک. تث ۳۲:۶؛ ۱-قرن ۴:۱۰).

z- عبارت geh henom نام مسیل عمیقی در اورشلیم بوده که در آنجا بت پرستان برای رب النوع خود مولک، کودکان را به عنوان قربانی سوختنی می گذرانیدند (۲-توا ۲۸:۳؛ ۳:۳۳؛ ۶:۳۳). یوشیا این محل را نجس اعلام کرد (۲-باد ۲۳:۱۰) و احتمالاً به صورت زباله دانی عمومی درآمد. به هر صورت نماد لعنت گردید (ار ۷:۳۱؛ ۱۹:۶) و حتی در ادبیات مکاشفه ای به معنی لعنت ابدی به کار برده شده است. در عهد جدید این کلمه به مفهوم اخیر آمده است (در انجیل متی ده بار به کار برده شده است).

a- در اینجا متی تمثیلی را که درباره زمان آخر است (لو ۵۷:۵۹) برای آموزش مذهبی به کار می برد. تمثیل مذکور نشان می دهد پیش از آن که دیر شود لازم است توبه کنند؛ منظور متی آن است که بفهماند هنگامی که آدمی در برابر خدای داور حاضر می شود نیاپستی نسبت به کسی خشمگین باشد زیرا به لعنت ابدی دچار خواهد شد.

b- تحت اللفظی: quadrant که به معنی یک چهارم واحد پول رومی (فلس) می باشد. فلس مبلغ ناچیزی بوده و با آن می توانستند دو پرندۀ کوچک خریداری نمایند (ر. ک. مت ۱۰:۲۹).

c- خروج ۱۴:۲۰؛ تث ۵:۱۸.

d- منظور نگاه کردن به زنی شوهردار یا دختری در عقد برای ربودن او از کس دیگری است. این کلمه در مت ۲۰:۱، ۲۴:۵؛ ۳۱:۱۴ به همین معنی می باشد. عیسی تمایل مرد را نسبت به زن محکوم نمی سازد بلکه طمع بستن فعالانه برای تصاحب زوجه شخص دیگری را محکوم می کند.

e- طبق کتاب مقدس کلمه scandale که در اینجا به کار رفته نه سرمشق بدی است و نه واقعه ای انزجار برانگیز، بلکه از نظر لغوی مانع و تله (مز ۱۲۴:۷) یا سنگی می باشد که بر سر راه بوده و موجب سقوط و لغزش گردد (اش ۸:۱۴-۱۵؛ روم ۹:۳۳؛ ۱-پط ۸:۲). ضمناً امکان سقوط و موجب سقوط خیلی زیاد است: ابتدا عیسی (مت ۱۱:۶؛ ۱۳:۵۷؛ ۱۵:۱۲؛ ۱۷:۲۷؛ ۲۶:۳۱-۳۳) ولی به مفهوم دیگر آدمیان انگیزه سقوط هستند (۵:۲۹؛ ۱۶:۲۳؛ ۱۸:۹-۶). همچنین دنیا (۱۳:۴۱؛ ۱۸:۷) یا جفا (۱۳:۲۱؛ ۲۴:۱۰) ممکن است موجب سقوط گردد.

f- مسلماً خوبی و بدی در قلب جای دارند (مت ۱۲:۳۱) یعنی در باطن آدمی و نه در اعضای بدن که به چشم دیده می شوند. ولی در اینجا عیسی موردی را در نظر دارد که این اعضاء فقط ابزار و وسیله ارتکاب گناه باشند.

## طلاق

(متی ۱۹:۷-۹؛ مرقس ۱۰:۴-۵، ۱۰-۱۲؛ لوقا ۱۶:۱۸)

۳۱ گفته شده بود: «هر کس زنش را طلاق می دهد به او طلاق نامه ای بدهد<sup>g</sup>». و من به شما می گویم: هر کس زنش را، غیر از دلیل روسپی گری<sup>h</sup> طلاق دهد او را وادار به زنا می کند و کسی که با مطلقه ازدواج کند مرتکب زنا می شود.

۷:۱۹  
مر ۴:۱۰

## قصاص

(لوقا ۲۹:۶-۳۰)

۳۸ شنیده اید که گفته شده است: «چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان<sup>k</sup>».

و من به شما می گویم: در برابر شریر

پایداری نکنید<sup>l</sup> بلکه اگر کسی بر گونه<sup>۱۸:۲۲</sup>

راست تو سیلی زند دیگری را نیز به سوی

او برگردان. و به کسی که می خواهد تو

را به دادگاه بکشد و ردای تو را بگیرد جامه ۱-قرن ۷:۶

را نیز به او واگذار<sup>m</sup>. و کسی که تو را

به یک فرسنگ<sup>n</sup> وادار کند دو برابر با او

## سوگند

۳۳ باز شنیده اید که به پیشینیان گفته

شده است: «سوگند دروغ یاد مکن بلکه در

برابر خداوند به سوگندهایت وفا کن<sup>i</sup>».

و من به شما می گویم: هرگز قسم

مخورید، نه به آسمان زیرا که تخت خدا

است؛ ۳۵ نه به زمین زیرا که پله زیر پای او

یع ۱۲:۵  
اش ۱:۶۶  
مت ۲۳:۲۳  
اع ۴:۷

g- در اینجا نیز مانند ۹:۱۹ منظور جدایی و متارکه زن و شوهر به مفهوم جدید کلمه نیست بلکه حقی است که شوهر داشته و می توانسته زوجه خود را طلاق داده از خانه خود بیرون کند. نقل قول از تث ۱:۲۴.

h- تحت اللفظی: غیر از بی عفتی. کلمه یونانی که در اینجا و در ۹:۱۹ آمده و به وصلت غیر قانونی، فحشا، روسپی گری ترجمه می شود ممکن است به سه مفهوم مختلف تعبیر گردد: ۱- چیزی شرم آور (ر.ک ترجمه یونانی تث ۱:۲۴ که با مباحثات ربی ها تطبیق می نماید). در این مورد متن بالا طلاق زوجه را به دلایلی که در اینجا تصریح نشده مجاز می کند. ۲- زنا یعنی عدم وفاداری زن نسبت به شوهر که در این صورت متن این آیه طلاق دادن زانیه را اجازه می دهد. ۳- وصلت و زناشویی غیر شرعی مخصوصاً بر طبق قانونی که در لاو ۶:۱۸-۱۸ ذکر شده و احتمالاً مفهوم آن را در اع ۲۸-۲۹ می توان یافت. در این مورد عیسی هر گونه طلاق را منع می نماید مگر در موارد وصلت غیر قانونی که در لاو ۱۸ پیش بینی گردیده است. در این مورد که به «استثنای متائی» مشهور است احتمالاً انجیل نگار سخن عیسی درباره منع هر نوع طلاق را با وضعیت جدیدی شبیه آنچه در ۱-قرن باب ۷ فرض شده تطبیق داده است. به هر صورت، تازگی این متن در آن است که فسخ ناپذیری اصولی زناشویی را یادآوری می کند. ضمناً برداشت کلیسای ارتودکس از این متن زمینه ای برای امکان طلاق در مورد زنا استنباط می نماید.

i- ر.ک لاو ۱۹:۱۲؛ اعد ۳:۳۰؛ تث ۲۳:۲۲.

j- برابر روایت دیگری که در یع ۱۲:۵ آمده است: «آری شما آری باشد و نه شما نه، بدین سان به زیر ضربه داوری نخواهید افتاد.» معنی این عبارت آن است که زبان چیزی را ادا کند که در دل وجود دارد؛ ولی با توجه به اصطلاحات شرقی بهتر است مفهوم نوشته متی را چنین تعبیر نمود: «گفتار تو باید چنان راست باشد که نیازی به سوگند نداشته باشی» و آنچه مورد نظر عیسی است گفتار می باشد نه اینکه در بعضی موارد سوگند به کار برده شود.

k- خروج ۲۴:۲۱ توضیح o: لاو ۲۰:۲۴؛ تث ۱۹:۲۱.

l- در اینجا منظور آن نیست که در برابر بدی به هیچ وجه مقاومتی به عمل نیاید. فعلی که در زبان یونانی به کار برده شده «مقاومت کردن» به مفهوم «پاسخ دادن، مقابله به مثل فوری و شخصی» یا عکس العمل به صورت مراجعه به دادگاه است.

همین فعل با همین معنی در لو ۱۵:۲۱؛ اع ۱۳:۸؛ روم ۲:۱۳؛ غلا ۱۱:۲؛ یع ۴:۷؛ ۱-پط ۵:۹ آمده است.

m- ردا، لباس زیر و پوشاکی ضروری است و آن را از تن کسی بیرون نمی آورند مگر اینکه آن شخص می بایست به عنوان برده فروخته شود (ر.ک پید ۳۷:۲۳) بنابراین توقع طرف مقابل گزاف و خارج از حد است، با این همه عیسی می گوید بگذارید توقع طرف مقابل به غایت برسد و قیای خود را هم که پوشاک رواست به او بدهید، حال آنکه قبا برای پوشش در شب لازم بوده و به این دلیل شریعت اجازه نمی داده آن را تا غروب بیشتر نگه دارند (خروج ۲۵:۲۲؛ تث ۱۲:۲۴).

برو.<sup>۴۲</sup> به کسی که از تو درخواست می کند  
 بده و از هر کسی که از تو وام می خواهد  
 روی مگردان.

### محبت به دشمن

(لوقا ۶: ۲۷-۲۸، ۳۲-۳۶)

<sup>۴۳</sup> شنیده اید که گفته شده است: «به  
 همسایه خود محبت کن و از دشمنان متنفّر  
 باش<sup>۴۴</sup>». و من به شما می گویم: به  
 دشمنان خود محبت کنید و برای آنان که به  
 شما جفا می کنند دعا کنید،<sup>۴۵</sup> تا پسران  
 پدر خود که در آسمانها است بشوید<sup>۴۶</sup> زیرا  
 او آفتاب خود را بر شریران و نیکان طالع  
 می سازد و باران را بر عادلان و ناعادلان  
 می باراند.<sup>۴۷</sup> زیرا اگر به کسانی محبت

۱۹:۱۹  
 ۳۹:۲۲  
 و متون موازی:  
 روم ۱۳:۹  
 غلا ۵:۱۴  
 یع ۲:۸  
 خروج ۲۳:۴-۵  
 امث ۲۱:۲  
 روم ۱۲:۲۰  
 لوقا ۲۳:۳۴  
 اء ۷:۶۰  
 روم ۱۳:۱۴  
 ۱-قرن ۴:۱۲  
 افس ۵:۱

### صدقه

<sup>۴۸</sup> برحذر باشید که عدالت<sup>۴۹</sup> خود را  
 پیش انسانها به کار مبنید تا شما<sup>۵۰</sup>  
 را مشاهده کنند و اگر نه مسلماً نزد پدرتان  
 که در آسمانها است اجر می نخواهید داشت.  
<sup>۵۱</sup> پس هنگامی که صدقه می دهی آن را در  
 جلو خودت کرنا زن چنان که ریاکاران<sup>۵۲</sup> در

۶

n- آنچه در اینجا فرسنگ ترجمه شده در متن اصلی هزار قدم می باشد که مقیاس طولی رومیان و تقریباً ۱۵۰۰ متر (۱۴۷۸ متر)  
 بوده است. احتمالاً در اینجا اشاره به مواردی است که نظامیان و کارمندان رومی از مردم برای بیگاری استفاده می کرده اند.

o- ر. ک لاو ۱۹:۱۸. در عهد عتیق کینه توزی نسبت به دشمنان توصیه نشده است. در فرقه قمران کسی که جزو گروه فرزندان نور  
 نبود به کینه ای اختصاص داشت که فرزندان ظلمت را به انتقام الهی تسلیم می کرد. احتمالاً در اینجا منظور از دشمن کسی  
 است که مخالف جامعه مذهبی می باشد (ر. ک مز ۳۱:۷؛ ۳۹:۲۱؛ روم ۵:۱۰؛ ۲-تسا ۳:۱۵؛ اشاره هایی که در مت ۵:۱۰،  
 ۴۴ به جفا شده است). این کینه توزی شدید در قلمرو مذهب بیش از آنکه مربوط به احساسات شخصی باشد جنبه دشمنی  
 دسته جمعی دارد (ر. ک ۶:۲۴؛ ۱۰:۲۲؛ ۲۴:۹-۱۰).

p- در اینجا موضوع تحول به وضعیت جدیدی است که در تمام وجود آدمی اثر گذاشته باشد، به طوری که حتی آنچه ظاهر  
 می سازد تغییر یابد (= تا ظاهر شوید، خود را نشان دهید).

q- اصطلاحی که در اینجا اجر ترجمه شده در انجیل متی زیاد به کار برده شده است (۵:۱۲، ۴۶:۱، ۲:۵، ۱۶). در  
 ۴۱:۴۲-۸:۲۰ به مفهوم تحت اللفظی، مزدی است که باید پرداخت شود. در بابهای ۵ و ۶ درباره مغایرت اجر مردمان در  
 برابر اجر خدا تأکید شده است. در این طرز گفتار اجر خدا با اجر آدمیان مقایسه می شود ولی عیسی از تفسیر تحت اللفظی این  
 گفتار برحذر ساخته و متوجه می سازد که اجر خدا برتر بوده و فقط به رحمت او بستگی دارد (ر. ک ۲۰:۱۵).

r- خراج گیران، ر. ک لوقا ۱۲:۳ توضیح q. این افراد را معمولاً تحقیر می کردند زیرا در خدمت رومیان بودند و اکثراً شغل خود را  
 همراه با اختلاس انجام می دادند (ر. ک لوقا ۸:۱۹) و غالباً آنان را با گناهکاران همردیف می دانستند (۹:۱۰، ۱۱:۱۹).

s- تث ۱۸:۱۳، ترجمه یونانی.

t- کمال کامل شاگردان بایستی با کمال خدا تطبیق نماید، خدایی که بخشایش او بر نیکان و بدان گسترده شده چنانکه لوقا ۳۶:۶  
 آن را با کلمه مهربان و دلسوز به خوبی توصیف نموده است، تنها جای دیگری که این کلمه به کار رفته در ۲۱:۱۹ می باشد.

u- عدالت، این کلمه (ر. ک ۵:۲۰ توضیح s) در اینجا بیانگر رعایت سه فریضه اصلی آیین یهود می باشد که عبارتند از صدقه  
 دادن (۶:۲-۴)، دعا کردن (۶:۵-۶) و روزه گرفتن (۶:۱۶-۱۸).

v- کلمه ریاکار فقط به معنی کسی نیست که اعمال او با افکارش تطبیق نداشته باشد (مت ۲:۵، ۱۶:۱۵، ۷:۱۵؛ ۱۸:۲۲؛  
 ۲۳:۱۳) بلکه حاوی معنایی است که احتمالاً از کلمه آرامی hanefa آمده و در عهد عتیق معمولاً به معنی فاسد و بی دین به  
 کار برده شده است. ریاکار در شرف بی دینی است (۲۴:۵۱) و گاهی نابینا نیز می شود (۷:۵) چرا که قوه قضاوت او منحرف  
 و فاسد گردیده است (ر. ک لوقا ۴۲:۱۲؛ ۵۶:۱۳؛ ۱۵:۱۳). اختلافات جزئی در مفهوم این کلمه را فقط از فحوای متن می توان  
 تشخیص داد.

تو چون دعا می کنی به خلوتگاه<sup>x</sup> خود وارد شو، در را ببند و به پدر خود که در جای پنهان [حاضر] است دعا کن و پدر تو که آنچه پنهان است می ببیند آن را به تو باز پس خواهد داد.<sup>y</sup> چون دعا می کنی تکرار بیهوده نکنی<sup>z</sup> به مانند ملتها که می پندارند به زور سخنان بسیار<sup>z</sup> مستجاب خواهند شد.<sup>a</sup> پس چون آنان نباشید زیرا پدر شما پیش از آن که از او بخواهید ۳۰:۶؛ ۳۰:۱۲ لو

می داند به چه چیزی احتیاج دارید.

### نیایش «ای پدر ما»

(لوقا ۱۱:۲-۴)

<sup>a</sup>پس شما چنین نیایش کنید:

کنیسه ها و کوچه ها می کنند تا انسانها آنان را تجلیل نمایند. آمین به شما می گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند.<sup>۳</sup> اما تو چون صدقه می دهی دست چپ تو نداند آنچه دست راست تو می کند؛<sup>۴</sup> تا صدقه تو پنهان بماند و پدر تو که آنچه پنهان است می نگرد آن را به تو باز پس خواهد داد.

### دعا

<sup>۵</sup>و چون دعا می کنید همچون ریاکاران نباشید که دوست دارند ایستاده در کنیسه ها و در گوشه میدانها دعا کنند تا خود را به انسانها بنمایانند.<sup>w</sup> آمین به شما می گویم که ایشان اجر خود را دریافت کرده اند.<sup>۶</sup> اما

<sup>w</sup>- چون دعا کردن می بایست در ساعات معینی انجام گیرد، ریاکاران فرصت می یافتند تا خود را به دیگران نشان دهند.

<sup>x</sup>- منظور از خلوتگاه جای پنهانی و احتمالاً انبار آذوقه می باشد.

<sup>y</sup>- فعل یونانی *battalogen* که در اینجا بیهوده تکرار کردن ترجمه شده به معانی مختلفی تفسیر می شود. بعضی آن را چیزهای بیهوده گفتن ترجمه می کنند، کسان دیگری از اوراق پایبروس سحرانگیز که پر روی آنها عبارات عجیب و تکراری نوشته می شد تا نظر لطف الوهیت را جلب نمایند، یاد می کنند و بالاخره گاهی عیناً می نویسند: *batta...* (یعنی کلمه بی معنی) بلکه: ای پدر ما.

<sup>z</sup>- اشتباه این گونه دعا کردن (یعنی دعای مشرکان: ر. ک ۱-پاد ۲۷:۱۸ و گاهی دعای یهودیان: ر. ک اش ۱:۱۵؛ بنسی ۱۴:۷) در آن نیست که دعا طولانی است بلکه اشتباه در آن است که تصور می کنند به سبب طولانی شدن دعا بر الوهیت فشار می آورند.

<sup>a</sup>- دعای شاگردان عیسی از نظر محتوا و شکل، نظیر دعاها یهودیان مخصوصاً «دعای هجده درخواست» می باشد که تا امروز هنوز هم یهودیان ذکر می کنند. از سوی دیگر به سبب سادگی شگرف و روش آزادانه ای که به خدا توسل جسته می شود از دعاها یهودیان متمایز می باشد. ترتیب درخواست ها نیز بدیع و از مختصات روش آموزش عیسی است. دعا با سه درخواست آغاز می شود که خواستار عمل خدا برای فرارسیدن فرمانروائی او است. در این دعا به هیچ وجه پیروزی سیاسی یا مذهبی مطرح نیست. سپس سلسله درخواست هایی می آید که بیانگر نیازمندی های اساسی شاگردان می باشد. در این قسمت دوم همانند قسمت اول که خطاب دعا به خداست، ضمیر اول شخص جمع (ما) به کار رفته و به این ترتیب ایمانداران را در مشارکت و نیایش جمع می کند.

این دعا را متی و لوقا به دو صورت مختلف آورده اند. نوشته لوقا مختصرتر و شامل پنج درخواست می باشد، در حالی که نوشته متی هفت درخواست دارد. ضمناً در قسمتهای مشترک دعاها ی لوقا و متی دو سه اختلاف جزئی وجود دارد اما نمی توان به طور قطعی تشخیص داد که کدام دعا قدیمی تر است. از سوی دیگر در این دو متن نشانه هایی از تطابق استفاده این دعا در محیط های خاص دیده می شود. بنابراین می توان دریافت که جمعیت های اولیه از اشکال مختلف دعا استفاده می کرده اند.

ترجمه این دعا به زبانهای معاصر مشکلات مخصوصی دربردارد. متن یونانی دعا اثراتی از متن اصلی سامی دارد بنابراین درک بعضی از اصطلاحات مستلزم اطلاعات کافی از عهد عتیق و یهودیت کهن می باشد تا بتوان آن را بطور شایسته تفسیر نمود. حتی متخصصان هم در معنی و مفهوم یک کلمه (ر. ک آیه ۱۱) یا یک عبارت (ر. ک آیه ۱۳) موافق نیستند و بنابراین به آسانی می توان دریافت به چه سبب مترجمان قدیمی اکثراً ترجیح می دادند متن یونانی را کلمه به کلمه برگردانند ولی اتخاذ این راه حل که نخواهند احتمال هیچ گونه اشتباه یا گمراهی را بپذیرند عملاً استفاده کنندگان را در برابر ابهام و تاریکی هایی قرار می دهد که ارتباطی با متن اصلی ندارد. به این سبب لازم آمد ترجمه ای پیشنهاد گردد که بدون در نظر گرفتن آئین نیایشی، به کمک توضیحات، مفهوم صحیح این متن مهم را مقدور سازد.

- ای پدر ما که در آسمانهای<sup>b</sup>،  
 تقدیس شود نام تو<sup>c</sup>!  
 ۲۳:۳۶  
 ۱۰ فرارسد فرمانروائی تو<sup>d</sup>!
- اراده تو چنان که در آسمان<sup>f</sup>  
 بر زمین نیز انجام شود<sup>e</sup>!  
 ۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما بده<sup>g</sup>!

- b- تحت اللفظی: «ای پدر ما، آن که در آسمانها»، شاگردان بدین گونه پدر مشترک خود را که یکتا است خطاب می نمایند (۹:۲۳). اصطلاح «در آسمانها» به این معنی نیست که مکان پدر در آسمانها می باشد بلکه نوعی ترکیب کلام در زبانهای سامی است و بیان می کند که خدا بر سرتاسر زمین مسلط می باشد (در آسمانها) و ضمناً با محبت پدرانه خود کاملاً به آدمیان نزدیک است (پدر ما). ارزش واقعی و وسعت معنی این عبارت را می توان به خوبی در ترجمه «ای پدر آسمانی، ای پدر ما» منعکس نمود. گاهی متی آن را کلمه به کلمه «پدر من، آن که در آسمانها» آورده (۲۱:۷؛ ۳۲:۱۰؛ ۳۳:۱۲؛ ۵۰:۱۶؛ ۱۷:۱۸؛ ۱۹ و گاهی «پدر شما، آن که در آسمانها» بیان نموده است (۱۶:۵؛ ۴۵:۶؛ ۹:۱۱؛ ۱۴:۱۸). به علت وجود عبارت اخیر در مر ۲۵:۱۱ (ر. ک لو ۱۱:۱۳) بسیاری از مفسران میل دارند آن را به خود عیسی منسوب بدانند (گرچه در متن متوازی لو ۱۱:۲ وجود ندارد). متی گاهی آن را با صفت «آسمانی» آورده خواه به جای «پدر شما، آن آسمانی» (۴۸:۵؛ ۱۴:۶، ۲۶، ۳۲؛ ۲۳:۹) خواه به جای «پدر من، آن آسمانی» (۱۵:۱۳؛ ۳۵:۱۸).
- c- نام خدا کلمه ای است که در کتاب مقدس به کار می رود تا وجود خدا به طرز احترام آمیزی مشخص شود مخصوصاً در نوشته هایی که برای انجام آئین نیایشی تهیه شده اند. تقدیس خدا و نام او اصطلاحی معمولی در کتاب مقدس و در آیین یهود می باشد. ضمناً خدا به خدا علی مقدس است، بنابراین تقدیس او چیزی به قدوسیت او نمی افزاید ولی نشان می دهد که او را همان طوری که هست شناخته اعلام می نمایند و حلال او را یاد می کنند (چنان که در یو ۲۸:۱۲ که برابر همین درخواست می باشد).
- در کتاب مقدس و در آیین یهود خدا یا نام او را به دو نوع تقدیس می کنند. ربی ها و کاهنان یهود در موعظه های خود ایمانداران را تشویق می کنند به وسیله اطاعت فرامین خدا او را تقدیس نمایند و به این ترتیب نفوذ و اقتدار او را بر خود بپذیرند (لاو ۲۲:۳۲؛ اعد ۲۷:۱۴؛ تث ۳۲:۵۱؛ اش ۸:۱۳؛ ۲۹:۱۳). پیامبران در الهامات خود درباره فرا رسیدن نجات اعلام می کنند که خدا همچون داور عادل و نجات دهنده در نظر تمام ملت ها تجلی نموده و بدین وسیله تقدیس خواهد شد (اش ۵:۱۶ و مخصوصاً حزق ۴۱:۲۰؛ ۲۲:۲۸؛ ۲۵؛ ۲۳:۳۶؛ ۳۸:۱۶؛ ۲۳؛ ۲۷:۳۹).
- در این دعا در کنار درخواست فرا رسیدن ملکوت خدا که فقط به وسیله او تأمین خواهد شد، موضوع دخالت نجات بخش او مطرح می باشد (ترکیب جمله با فعل مجهول مقدس باد معمولاً در ادبیات یهود به کار برده می شود تا عمل خدا را نشان دهند بدون اینکه نام او را ادا نمایند (ر. ک مت ۵:۶، ۷، ۹؛ ۱۷:۲، ۷، ۸...)). فقط خدا می تواند در قدرت و جلال و عدالت و لطف خود این چنین ظهور و تجلی نماید. در نظر عیسی همچنان که در نظر حزقیال، این ظهور و تجلی برای همه آدمیان است.
- d- ر. ک ۲:۳ توضیح g و h. این فرمانروایی به وسیله عیسی فرا رسیده یا آغاز شده است. در دعای «ای پدر ما» درخواست می شود که فرمانروایی به زودی ظاهر شده و کاملاً در سراسر زمین شناخته شود.
- e- این درخواست، یا دعای عیسی در جستجوی دعاها یا دایر بر تسلیم نیستند (مت ۲۶:۴۲؛ لو ۲۲:۴۲) بلکه ندایی خطاب به خدا می باشند تا چنان کند که مشیت او انجام گردد. بدین سبب می توان جمله را این طور ترجمه کرد: «اراده خود را به انجام رسان» که خدا فاعل می باشد. ضمناً فعلی که بکار رفته متضمن تحقق یافتن کامل تا آخر است و این امر فقط نتیجه عمل خداست. ارتباط این درخواست با دو درخواست قبلی نشان می دهد که قبل از هر چیز موضوع، تحقق یافتن مشیت او است تا فرمانروایی خود را بیاورد (ر. ک اش ۴۴:۲۸؛ ۴۶:۱۰-۱۱؛ ۴۸:۱۴؛ افس ۵:۱، ۹) ولی این مشیت مربوط به آدمیان بوده و بدون پذیرش آنان انجام پذیر نیست و تنها در زمان آخر و با توافق کامل اراده آدمیان با اراده او واقع می شود (ر. ک ارا ۳۱:۳۱-۳۳؛ حزق ۳۶:۲۷) و از هم اکنون نیز به وسیله اجرای فرمانهای او که در انجیل متی اکثراً لزوم آنها تأیید گردیده (۱۷:۵-۲۰؛ ۲۳:۶؛ ۲۴:۷، ۲۱؛ ۲۷-۲۸؛ ۵۰:۱۲؛ ۲۱؛ ۳۰...) امکان پذیر می شود.
- f- در ترجمه معمولی «بر روی زمین همچنان که در آسمان» این اشکال وجود دارد که متضمن مفهوم جمع هر دو است یعنی هم بر روی زمین و علاوه بر آن همچنین در آسمان. در صورتی که درخواست می شود بر روی زمین تحقق پذیرد آنچه هم اکنون در آسمان وجود دارد و نیز در طرح مکاشفه است (ر. ک دان ۴:۳۲؛ ۱-۳ مک ۶۰). آسمان به گونه ای است که فرمانروائی خدا کاملاً تحقق یافته و زمین نیز الزاماً باید به همان صورت درآید. این عبارت را می توان مشروحاً چنین توضیح داد: برای این که زمین چنان باشد که تو می خواهی و چنان که باید باشد. وانگهی احتمال بسیار دارد که این عبارت نه فقط مربوط به آخرین کلمات بلکه به مجموعه سه درخواست متصل باشد که در این صورت ممکن است نوعی نتیجه گیری بوده و در برابر هر کلمه استدعا کلمه ای آمده باشد: بدین صورت این کلمه به صورت نتیجه ای درمی آید و در مقابل «پدر که در آسمان است» در اینجا آسمان در مقابل زمین قرار دارد.
- g- دشواری تفسیر این قسمت در کلمه ای یونانی است که نان درخواستی را توصیف می نماید و آن کلمه را «نان روزانه» ترجمه کرده ایم. معنی این کلمه در خارج از دعای «ای پدر ما» به روشنی تعیین نشده و لذا مجبوریم به ریشه لغوی کلمه مراجعه نماییم

## ۱۲ و دیون ما را ببخش

۱۳ و ما را در وسوسه میاور<sup>i</sup>بنسی ۱:۲۳  
۱:۳۳  
لو ۴:۲۲چنانکه ما نیز مدیونان خود را بخشیده ایم<sup>h</sup>.

که ما را به دو مفهوم راهنمایی می کند: یکی مفهوم امروز و دیگری فردا. با توجه به مفاهیم مذکور این عبارت را می توان به چند شکل ترجمه و تفسیر کرد:

۱- «نان روزی که می آید»: این معنی از اصطلاحی مشتق شده که در مورد روزی که آغاز می شود به کار می رود ولی به نظر می رسد اگر امروز نان فردا درخواست شود چندان با تعلیمات عیسی تطبیق نمی نماید (ر. ک مت ۲۴:۶). به هر صورت ممکن است منظور از فردا آینده دور و دراز بوده و این درخواست نظیر درخواست های قبلی جنبه آخرت شناسی داشته و منظور نان آینده و نان ضیافت در دنیای آینده باشد.

۲- «نان امروز»: در حقیقت گاهی همین اصطلاح یونانی برای تعیین روز حاضر و شب روزی که شروع می شود در برابر روز آینده به کار رفته است (امت ۲۷:۱؛ اع ۲۶:۷). هرگاه این موضوع به «من» مربوط باشد که فقط فردای روزی که می افتاد فاسد می شد (خروج ۱۶:۴) پیشنهاد شده است تا این عبارت «نان تا فردا» ترجمه شود.

۳- «نان لازم برای معاش»: این ترجمه از نظر ریشه لغوی امکان دارد ولی کمتر محتمل می باشد. تفسیر کهن دیگری که ارتباطی با ریشه لغوی ندارد و اکثراً پذیرفته شده، اشاره ای به «شام آخر» و حتی اشاره به سخن خدا دارد. اگر نتوان از این واژه ترجمه مسلکی به عمل آورد روشن است که این درخواست، درخواست تأسی برای آینده نیست. عیسی پیروان خود را دعوت می کند تا روز به روز آن را درخواست کنند به مانند «من» در صحرا که روزانه جمع آوری می شد. (خروج ۱۶).

h- مفهوم «دین» در کتاب مقدس و در زبان معمولی عبارت از الزام حقوقی و تجاری بین آدمیان است و این امر در دنیای کهن اهمیت زیادی داشته زیرا ممکن بود منجر به سلب آزادی بدهکار شود (ر. ک مت ۲۳:۱۸-۳۵). مقایسه و تشبیه وضعیت انسان در برابر خدا به بدهکاری که عاجز از پرداخت باشد در عهد عتیق نیامده ولی در آیین یهود در مورد فرد گناهکار به کار برده شده است (ر. ک مشابیه بین لو ۱۳:۲ و ۴). در دنیای جدید که معمولاً مردم از وام و اعتبار استفاده می کنند ترجمه این کلمه به وام این تشبیه را سست و بی ارزش خواهد کرد در صورتی که کلمه دین، گستاخی نسبت به خدا و بدبختی آدم گناهکار را بهتر نشان می دهد. با این دعا از خدا درخواست می کنیم دین هائی را که به او داریم ببخشد و این امر منتهای فیض رایگان اوست زیرا قادر نیستیم گناهان خود را جبران کنیم.

عیسی وظایف ما را نسبت به خدا با وظایف نسبت به برادرانمان کاملاً مربوط ساخته و برابر «عهدی» که در کتاب مقدس آمده (چنانکه در بنسی ۱:۲۸-۵ گفته شده) بارها اعلام کرده برای اینکه خدا بخشایش خود را نسبت به ما مبذول دارد از ما می خواهد که برادران خود را ببخشیم (مت ۷:۵؛ ۱۴:۶-۱۵؛ ۱۸:۲۳-۳۵؛ ۱۱:۲۵). این گذشت و بخشایش برادرانه به معنی خریداری بخشایش ما نبوده و استحقاق و ارزش آن را هم ندارد ولی گواه بر آن است که درخواست ما صادقانه می باشد (و متی این نکته را با ذکر جمله در زمان گذشته نشان داده است).

i- منظور از وسوسه در اینجا تجربه ای نیست که بر طبق مندرجات عهد عتیق خدا ابراهیم را با آن روبرو ساخته بود (پید ۱:۲۲؛ ۱- مک ۲:۵۲؛ بنسی ۲۰:۴۴؛ یوبیل ۱۶:۱۷-۱۸؛ عبر ۱۱:۱۷) یا قوم او را به تجربه گذاشته بود (خروج ۱۵:۲۵؛ ۱۶:۴؛ ۲۰:۲۰؛ تث ۸:۲؛ ۱۳:۴؛ داور ۲:۲۲؛ ۳:۴؛ حک ۱۱:۹) بلکه مانند اکثر مواردی است که در عهد جدید ذکر شده است: به این معنی که شیطان کسی را وسوسه می کند تا بدان وسیله سعی در هلاک او نماید (۱- قرن ۷:۵؛ ۱- تس ۳:۵؛ ۱- پط ۵:۵-۹؛ مکا ۲:۱۰؛ ر. ک لو ۲۲:۳۱). بدین سبب هرگز در عهد جدید گفته نمی شود که خدا وسوسه می کند و در یع ۱۳:۱ هم این موضوع صریحاً نفی شده است (ر. ک بنسی ۱۵:۱۱-۱۲؛ ضمناً ترجمه «ما را در وسوسه میاور» در این مورد امکان سوء تفاهم در بر دارد). با این همه هیچ چیز حتی وسوسه یا قدرت شیطان از حیطه اقتدار خدا بیرون نیست. به همین سبب ترجمه «ما را در وسوسه میاور» متضمن آن است که خدا فعالانه دخالت می نماید. البته مسئله این نیست که خدا آدمی را در وسوسه وارد کرده یا وادار به ورود در وسوسه نماید مثل تله ای که آدم را در آن گیر بیندازد، ولی می تواند کسی را به وضعیت بحرانی وسوسه هدایت کند چنانکه روح القدس عیسی را به صحرا برده بود تا به وسیله شیطان وسوسه شود (مت ۴:۴ توضیح C). بر طبق این تفسیر، پیرو عیسی نباید درخواستش از خدا این باشد که مورد وسوسه قرار نگیرد (ر. ک مت ۲۶:۴۱ توضیح d) بلکه درخواست نماید تا او را از وسوسه ای که به احتمال زیاد نمی تواند تحمل نماید دور نگه دارد (۱- قرن ۱۰:۱۳). تفسیر دیگر در موردی است که فاعل جمله کسی را وادار به اجرای فعل می کند، در این صورت با توجه به طرز بیان در زبانهای سامی نباید ترجمه کرد: «ما را وادار به ورود در وسوسه مکن» بلکه «چنان کن که ما در وسوسه وارد نشویم» یعنی ما را از ورود در اهداف وسوسه گر و پیمان بستن با او حفظ کن یا برابر اصطلاحی که در ۱- تیمو ۶:۹ ذکر شده ما را از افتادن در وسوسه حراست نما.

### گنج آسمانی (لوقا ۱۲: ۳۳-۳۴)

۱۹ بر روی زمین گنج ها نیندوزید که موریانه و کرم از بین می برد و دزدان سوراخ می ۳:۲۵:۵ کرده می دزدند. ۲۰ در آسمان گنج ها نیندوزید که در آن نه موریانه و نه کرم از بین می برد و نه دزدان دیوارها<sup>۱</sup> را سوراخ کرده و نه می دزدند. ۲۱ زیرا جایی که گنج توست قلب تو نیز آنجا خواهد بود.

### چراغ بدن (لوقا ۱۱: ۳۴-۳۶)

۲۲ چشم، چراغ بدن است. پس اگر چشم تو سالم<sup>m</sup> است جسم تو درخشان خواهد بود. ۲۳ ولی اگر چشم تو بد است تمام بدن تو تاریک خواهد بود. پس اگر نوری که در توست تاریکی باشد، چه تاریکی!

بلکه از شیر ما را رهایی ده!<sup>۱</sup> ۱۴ زیرا اگر شما به انسانها خطاهای ایشان را ببخشید، پدر شما نیز به شما خواهد بخشید. ۱۵ ولی اگر به انسانها نبخشید پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

### روزه

اش: ۵۸:۵ ۱۶ چون روزه می گیرید<sup>k</sup> ترشو نباشید به مانند ریاکارانی که چهره خود را تغییر می دهند تا در نظر انسانها روزه دار نمایند. ۵:۲۳:۵۶ آمین به شما می گویم که آنان اجر خود را دریافت کرده اند. ۱۷ اما تو چون روزه می گیری سرت را معطر کن و صورتت را بشوی؛ ۱۸ تا خود را برای انسانها روزه دار ننمائی بلکه برای پدرت که در نهان [حاضر] است و پدر تو که آنچه نهان است می بیند آن را به تو باز خواهد داد.

ج- ما را از شیریهایی بخش، منظور رهایی از شیطان است. در انجیل متی هر دو مفهوم کلمه (بدی یا شیریر) را می توان استنباط نمود (معنی اولی در ۵: ۱۱؛ ۶: ۲۳: ... و معنی دومی در ۱۳: ۱۹ و احتمالاً در ۵: ۳۷؛ ۱۳: ۳۸). همچنین در ۲-تسا: ۳ و یو: ۱۷: ۱۵ مفهوم شخصی کلمه (شیریر) ترجیح دارد در صورتی که در ۲-تیمو: ۱۸ مفهوم غیر شخصی کلمه (بدی) تصریح شده است. به هر صورت به طوری که برمی آید در اینجا شیریر با قدرتی بدخواهانه ارتباط دارد که شیطان است (ر. ک مت ۳: ۴؛ ۱-تسا: ۵). در اینجا این درخواست با درخواست قبلی ارتباط مستقیم دارد و شیریر به عنوان وسوسه گر معرفی می شود. در نسخه های خطی متعدد، در اینجا عبارتی به شرح زیر آمده که از آیین نیایش کهن مسیحی می باشد: «زیرا فرمانروایی، قدرت و جلال همواره از آن تو است.»

k- یهودیان بر طبق آداب مذهبی در بعضی از روزها موظف به روزه گرفتن بودند (لاو ۱۶: ۲۹؛ ۲۳: ۲۷). ولی یهودیان پارسا علاوه بر روزهای مذکور روزه های اختیاری هم می گرفتند که در اینجا سخن از روزه های مذکور است. با این که عیسی اهمیت زیادی برای این روزه گرفتن قائل نیست (ر. ک مت ۹: ۱۴-۱۷) ولی به این عمل ایراد نمی گیرد بلکه به مانند پیامبران (ر. ک یول ۲: ۱۳؛ زک. ۷: ۵) ایراد او در این است که روزه گرفتن مفهوم خود را از دست داده است: زیرا روزه بایستی گشایش اساسی به سوی خدا باشد که انتظار همه چیز از او است (ر. ک خروج ۳۴: ۲۸؛ دان ۹: ۳؛ مت ۲: ۴؛ اع ۲: ۱۳-۲۳: ۱۴).  
l- اشاره به دیوارهای کاهگلی خانه های روستایی در فلسطین است که سوراخی در پای دیوار می کنند تا از طریق آن به خانه وارد شوند (ر. ک ایوب ۲۴: ۱۶؛ مت ۲۴: ۴۳).

m- تحت اللفظی: ساده. این صفت فقط در اینجا و در لو ۱۱: ۳۴ آمده است. این کلمه که در برابر صفت بد (۲۳: ۶) به کار رفته در ستکاری کسی را توصیف می نماید که نگاهش فقط به سوی خدا و شریعت او دوخته شده است. همین کلمه در کتاب مقدس به مفهوم سادگی آمده و با مطالب متعددی در عهدعتیق و نوشته های ربی های یهود بستگی دارد و در نوشته های پولس نیز ذکر شده است (ر. ک روم ۱۲: ۸؛ ۲-قرن ۹: ۱۱، ۱۳؛ ۱۱: ۳؛ افس ۵: ۶؛ کول ۳: ۲۲؛ یع ۵: ۱).

## یا خدا یا پول

(لوقا ۱۶:۱۳)

<sup>۲۴</sup>هیچ کس نمی تواند در خدمت دو ارباب باشد. در واقع یا از یکی نفرت داشته دیگری را محبت خواهد نمود یا به یکی توجه داشته دیگری را خوار خواهد شمرد. شما نمی توانید در خدمت خدا و ممونا<sup>n</sup> باشید.

## نگرانی ها

(لوقا ۱۲:۲۲-۳۱)

<sup>۲۵</sup>به این سبب به شما می گویم برای جان خود نگران نباشید<sup>o</sup> که چه خواهید خورد و نه برای بدن خود که با چه آن را خواهید پوشانید. آیا جان برتر از خوراک و بدن برتر از پوشاک نیست؟<sup>۲۶</sup> به پرندگان آسمان بنگرید، نه بذر می افشانند، نه درو می کنند و نه در انبارها جمع می کنند و پدر آسمانی شما به آنها روزی می رساند. آیا شما خیلی بیشتر از آنها ارزش ندارید؟<sup>۲۷</sup> کدام یک از شما به زور نگرانیها

مز سلیمان  
۹:۵-۱۱ (یونانی)

می تواند به سن خود یک ذراع بیفزاید؟<sup>p</sup> <sup>۲۸</sup>و برای پوشاک چرا نگرانید؟ به سوسن های<sup>q</sup> کشتزارها نگاه کنید. چگونه رشد می کنند: نه به خود زحمت می دهند و نه می بافند. <sup>۲۹</sup>باری به شما می گویم که حتی سلیمان با تمام شکوهش<sup>r</sup> به مانند یکی از آنها پوشیده نشد. <sup>۳۰</sup>اگر علف کشتزارها که امروز هست و فردا به تنور<sup>r</sup> افکنده خواهد شد، خدا به این گونه آن را می پوشاند، آیا برای شما، ای کم ایمانان<sup>s</sup> خیلی بیشتر نخواهد کرد؟ <sup>۳۱</sup>پس نگران نباشید و نگویید چه بخوریم؟ یا چه بنوشیم؟ یا چه بیوشیم؟<sup>۳۲</sup> در واقع همه اینها را ملتها جستجو می کنند- زیرا پدر <sup>۳۳</sup>آسمانی شما می داند که به همه اینها احتیاج دارید. <sup>۳۳</sup>اول در جستجوی ملکوت<sup>۳۷:۴</sup> و عدالت آن<sup>t</sup> باشید و همه اینها برای شما افزوده خواهد شد. <sup>۳۴</sup>پس نگران فردا نباشید زیرا فردا نگرانی خود را دارد، و خروج<sup>۱۶:۴</sup> برای هر روز، بدیش<sup>u</sup> کافی است.

n- کلمه mamon تصویر پول می باشد که به صورت قدرتی دنیا را اسیر و مطیع خود می کند (ر. ک لوقا ۹:۱۶ توضیح k).

o- عیسی مردم را نه به بی خیالی (ر. ک لوقا ۱۲:۵۰؛ ۳۲:۲۲) بلکه به اعتماد توصیه می نماید که با دعا کردن به درگاه خدا بیان می گردد (مت ۱۱:۶؛ ۷:۷-۱۱؛ ر. ک فی ۴:۶) همان پدر آسمانی که از گرفتاریها نجات می بخشد (مت ۵:۱۶-۱۲؛ ر. ک ۱- پطرس ۵:۷؛ ۱۳:۱۵) بیان می گردد.

p- ر. ک لوقا ۱۲:۲۵؛ توضیح w. ذراع تقریباً برابر نیم متر.

q- این واژه فقط بیانگر گل سوسن به معنی خاص کلمه نیست (هو ۱۴:۶) بلکه به صورت اسم جمع به مفهوم گلهای وحشی گوناگونی می باشد که در مزارع می رویند مانند گل مینا، یاسمن و غیره.

r- شکوه: به عبری، کابود، ر. ک روم ۲۳:۳ توضیح v.

s- این اصطلاح قبل از متی وجود داشته (ر. ک لوقا ۱۲:۲۸) ولی متی که آن را می پسندد زیاد به کار برده است (ر. ک ۲۶:۸ توضیح h: ۳۱:۱۴؛ ۸:۱۶؛ ۲۰:۱۷).

t- منظور عدالت ملکوت نیست زیرا در زبان یونانی ضمیری که به کار برده شده مذکر است در صورتی که کلمه ملکوت مؤنث می باشد، بنابراین به احتمال قوی منظور عدالت خدا است، هر چند در متن تصریح نشده است.

u- این عبارت، ضرب المثلی است که از امثال و حکم مردم عادی اقتباس شده است.



## کاه و تیر چوبی

(لوقا ۶: ۳۷-۳۸، ۴۱-۴۲)

روم ۲: ۱۰؛  
۱۴: ۴، ۱۰؛  
۱۲: ۵؛  
۱۱: ۴؛  
۲۴: ۴

۷

۱ داوری نکنید<sup>۷</sup> تا داوری نشوید.  
۲ زیرا با همان داوری که شما  
داوری می‌کنید داوری خواهید شد و با  
همان پیمان‌ه‌ای که می‌پیمائید برای شما  
پیموده خواهد شد. ۳ چرا پر کاهی را که در  
چشم برادرت هست نگاه می‌کنی و تیر  
چوبی را که در چشم تو هست ملاحظه  
نمی‌کنی؟ ۴ یا چگونه به برادرت خواهی  
گفت: بگذار پر کاه را از چشمت بیرون  
آورم و اینک تیر چوبی در چشم تو است؟  
۵ ای ریاکار! اول تیر چوبی را از چشمت  
بیرون آور آنگاه بهتر خواهی نگریست تا پر  
کاه را از چشم برادرت بیرون آوری.

## مروارید پیش خوکان

۶ آنچه مقدس است<sup>x</sup> به سگان ندهید و  
مرواریدهای خود را پیش خوکان میندازید،  
مبادا آنها را زیر پاهایشان پایمال کنند و  
بازگشته شما را بدرند.

## نیایش به درگاه پدر آسمانی

(لوقا ۱۱: ۹-۱۳)

مر ۱۱: ۲۴؛  
یو ۱۴: ۱۳-۱۴؛  
۲۳: ۱۶؛  
۲۴: ۲۴؛  
۵: ۱؛  
۲۲: ۳؛  
۱۵-۱۴: ۵

۷ درخواست کنید و به شما داده خواهد  
شد. جستجو کنید و خواهید یافت. بگوئید

و بر شما گشوده خواهد شد. <sup>۸</sup> زیرا هر که  
درخواست کند دریافت می‌کند و هر که  
جستجو کند می‌یابد و هر کسی که می‌گوید  
گشوده خواهد شد. <sup>۹</sup> یا در بین شما کدام  
انسانی است که پسرش از او نان درخواست  
کند و او سنگی دهد؟ <sup>۱۰</sup> یا باز اگر ماهی  
درخواست کند به او ماری دهد؟ <sup>۱۱</sup> پس  
اگر شما که شریر هستید می‌دانید چیزهای  
نیکو به فرزندانتان بدهید، پدر شما که در  
آسمانها است چقدر بیشتر چیزهای نیکو به  
کسانی خواهد داد که از او درخواست  
می‌کنند.

## قانون طلایی

(لوقا ۶: ۳۱)

۱۲ پس هر چه می‌خواهید انسانها برای  
شما بکنند به همین گونه شما نیز برای  
ایشان انجام دهید زیرا این است تورات و  
پیامبران.

## دو راه

(لوقا ۱۳: ۲۳-۲۴)

۱۳ از در تنگ وارد شوید زیرا فراخ است  
آن در وسیع است آن راه که به هلاکت  
می‌رساند و بسیاری از آن وارد می‌شوند.

۱۴ چه تنگ است آن در و چه باریک است

۷- در اینجا عیسی قضاوت بی طرفانه درباره رفتار خوب یا بد انسانها را منع نمی‌کند، بلکه منظور محکوم ساختن دیگران است،  
زیرا بدین گونه غضب کردن اقتدار انحصاری خدا به عنوان داور جهان می‌باشد. «خدا داور است...» (مز ۵۰: ۶).

W- ر. ک ۲: ۶ توضیح ۷.

X- مقدس، ر. ک خروج ۲۹: ۳۳-۳۴؛ لاو ۲: ۳. این عبارت مبهم بوده و ممکن است منظور هدیه‌های نذری باشد که در عهدعتیق  
ذکر شده یا به طوری که از ترکیب عبارت برمی‌آید تعلیمات مخصوص عیسی باشد که در بابهای ۵ تا ۷ آمده یا بطور کلی  
منظور انجیل است. احتمالاً این گفتار با توجه به مفاد مت ۱۶: ۱۰ توصیه‌ای برای هشدار می‌باشد، ر. ک امث ۹: ۷.

Y- ترجمه دیگر: که او را نیایش می‌کنند، ر. ک مز ۸۶: ۵؛ یح ۱۷: ۱۷.

Z- دنبای کهن این «قانون طلایی» را می‌شناخت و عیسی این دو نکته آن را تجدید می‌کند: یکی این که خوبی کردن برای آن  
نیست که در عوض خوبی دریافت شود بلکه در خوبی کردن بایستی پیشقدم شد بدون این که انتظار عوض باشد. دوم اینکه این  
قانون به عنوان خلاصه افکار کتاب مقدس یعنی تورات و کتابهای پیامبران ارائه شده است (ر. ک ۵: ۱۷؛ ۲۲: ۴۰).

### شاگردان واقعی (لوقا ۶: ۴۶؛ ۱۳: ۲۷)

نه همهٔ کسانی که مرا خداوند،  
خداوند می گویند به ملکوت آسمانها وارد  
خواهند شد بلکه آن کس که ارادهٔ پدرم را  
که در آسمانها است انجام دهد<sup>d</sup>. <sup>۲۲</sup>چه  
بسیاری در آن روز<sup>e</sup> به من خواهند گفت:  
خداوند، خداوند! مگر به نام تو پیامبری  
نکرده ایم؟ و به نام تو دیوها را بیرون  
نرانده ایم؟ و به نام تو [اعمال] مقتدرانه  
بسیار نکرده ایم؟ <sup>۲۳</sup>و آنگاه به آنان خواهم  
گفت: هرگز شما را نشناخته ام. از من دور  
شوید! شما که بی قانونی می کنید!<sup>f</sup>

### بنا کردن بر روی صخره (لوقا ۶: ۴۷-۴۹)

<sup>۲۴</sup>«پس هر که سخنان مرا می شنود و  
آنها را انجام می دهد<sup>g</sup> به مرد هوشیاری <sup>۱</sup>بع ۲۳: ۲۳، ۲۴

آن راهی که به زندگی هدایت می کند و چه  
اندکند کسانی که آن را می یابند!<sup>a</sup>

### چنین درختی، چنین میوه هائی (متی ۱۲: ۳۳؛ لوقا ۶: ۴۳-۴۴)

<sup>۱۵</sup>برحذر باشید از پیامبران دروغین<sup>b</sup> که  
در لباس گوسفند به سوی شما می آیند و از  
درون گرگهای درنده هستند. <sup>۱۶</sup>آنان را از  
میوه هایشان<sup>c</sup> خواهید شناخت. آیا از خار  
انگور برمی چینند یا از خس انجیر؟  
<sup>۱۷</sup>بدین سان هر درخت خوب میوه های  
خوب می آورد و درخت بد میوه های بد  
می آورد. <sup>۱۸</sup>درخت خوب نمی تواند  
میوه های بد به بار آورد و نه درخت بد  
میوه های خوب به بار آورد. <sup>۱۹</sup>هر درختی که  
میوهٔ خوب نیاورد بریده شده در آتش  
افکنده می شود. <sup>۲۰</sup>پس بنابراین آنها را از  
میوه هایشان خواهید شناخت.

- a- در اینجا عیسی طرح قدیمی وجود دو راه را ذکر کرده که یک روز آدمی باید یکی از آنها را انتخاب کند (ر. ک کتب حکمت کتاب مقدس و نوشته های قمران: ر. ک تث ۲۹: ۱۵-۲۰). در تنگ ممکن است اشاره به تکالیف اساسی باشد که موعظه روی کوه دربر دارد یا موجب تسریع در پیروی از عیسی است، همراه با خطرات و مشقاتی که این امر با خود دارد.
- b- موضوع پیامبران و نبوت ها نقش بزرگی در جوامع مسیحیان اولیه داشته است (ر. ک ۱- قرن ۱۲ و ۱۴)، ضمناً پیامبران دروغینی بودند که اختلالاتی هم ایجاد می کردند که اکثراً به آنها اشاره شده است (مت ۲۴: ۱۱، ۲۴: ر. ک اع ۱۳: ۶، ۲- پطری ۱: ۱-۱۰؛ ۱- یو ۴: ۱؛ مکا ۱۳: ۱۶؛ ۱۳: ۱۹؛ ۲۰: ۱۹؛ ۲۰: ۲۰؛ ۱۰: ۱۰).
- c- تشبیه وضع انسان به درخت میوه در عهدعتیق و مخصوصاً در روایات حکمت، موضوعی آشنا است (ر. ک امث ۳: ۹؛ ۱۶: ۱۰؛ ۳۰: ۱۱). این تصویر در انجیل متی اهمیت دارد (ر. ک ۸: ۳، ۱۰؛ ۱۲: ۳۳؛ ۲۱: ۴۳). تصویر میوه که به صورت مفرد و به معنی مجموعه میوه ها یا به صورت جمع به کار برده شود نشان دهنده رفتار واقعی انسان اعم از اعمال یا سخنان او است، رفتاری که به وسیلهٔ آن می توان صحت اعمال پیامبران را تشخیص داد و آن را شناخت (همین فعل در ۲۷: ۱۱؛ ۳۵: ۱۴؛ ۱۲: ۱۷ آمده است).
- d- گفتن «خداوند... خداوند» به خودی خود کار بدی نیست و حتی شاید لازم باشد ولی کافی نیست؛ به هنگام اعتراف کردن آنچه از زبان برمی آید بایستی با زندگی واقعی تطبیق نماید. اصطلاح ارادهٔ پدر در انجیل متی دو مفهوم مکمل گرفته است: یکی مشیت خدا جهت نجات و دیگری مجموعهٔ وظایفی که برای ادارهٔ امور روزانه مقرر کرده و در اینجا اصطلاح ارادهٔ پدر به مفهوم اخیر بکار رفته است (ر. ک ۶: ۱۰؛ ۱۲: ۵۰؛ ۱۴: ۱۸؛ ۲۱: ۳۱...).
- e- در آن روز. منظور روز داوری آخر است (مت ۲۴: ۳۶) که شکوه و جلال خدا متجلی خواهد شد (اش ۲: ۱۱) و برای آدمی کیفر (اش ۱۰: ۳) یا نجات (اش ۴۹: ۸) در برخواهد داشت.
- f- مز ۹: ۶.
- g- فعلی که در این جمله آمده در انجیل متی فراوان به چشم می خورد و آن را می توان کردن یا انجام دادن ترجمه کرد. کلمهٔ ساده ای نیست (ر. ک ۵: ۱۹، ۴۶؛ ۷: ۱۲، ۲۴؛ ۱۲: ۳۳) زیرا نه به معنی رفتار ظاهری آدمی و نه احساسات درونی او بلکه اعمالی است که آدمی را کاملاً متعهد و درگیر سازد.

اینک یک جذامی<sup>۱</sup> پیش آمده در برابر او سجده کرده می گفت: «خداوندا! اگر بخواهی می توانی مرا پاک گردانی.»<sup>۳</sup> و او دست خود را دراز کرده وی را لمس نموده گفت: «می خواهم. پاک شو!» و همان دم جذام او پاک شد.<sup>۴</sup> و عیسی به او گفت: «مواظب باش این را به کسی نگویی بلکه برو خود را به کاهن نشان بده و قربانی را که موسی امر کرده<sup>m</sup> به عنوان شهادتی<sup>n</sup> برای آنان تقدیم کن.»

۱۶:۱۲:۳۰:۹  
مر ۷:۳۶  
لو ۱۷:۱۴

می ماند که خانه خود را بر روی صخره بنا نماید.<sup>۲۵</sup> و باران باریده و سیل ها<sup>h</sup> آمد و بادهای وزیده و بر این خانه زده اند و فرو نریخته زیرا بر روی صخره پی افکنده شده بود.<sup>۲۶</sup> و هر که سخنان مرا می شنود و آنها را انجام نمی دهد به ابلهی می ماند که خانه خود را بر روی شن بنا نماید.<sup>۲۷</sup> و باران باریده و سیل ها آمده و بادهای وزیده و این خانه را در هم کوبیده و فرو افتاده است و افتادنش عظیم بوده است.»

حزق ۱۳:۱۰-۱۲

### اقتدار عیسی

(مرقس ۱:۲۲؛ لوقا ۴:۳۲)

لو ۷:۱۰<sup>۲۸</sup> باری<sup>i</sup> چون عیسی این سخنان<sup>j</sup> را تمام کرد انبوه مردمان از آموزش او متحیر بودند.<sup>۲۹</sup> زیرا به مانند کسی که اقتدار<sup>k</sup> دارد به آنان آموزش می داد، نه مانند کاتبانشان.

### شفای يك جذامی

(مرقس ۱:۴۰-۴۴؛ لوقا ۵:۱۲-۱۴)

<sup>۱</sup> چون از کوه فرود آمد، انبوه بسیاری به دنبال او آمدند.<sup>۲</sup>

۸

h- در فلسطین پس از بارندگی و رگبار شدید، ناگهان سیلاب جاری می شود.  
i- تحت اللفظی: چنین روی داد که.

j- سخنان (جمع کلمه یونانی logos)، به مفهوم مجموعه سخنان و دستورها برای زندگی است. در انجیل متی این عبارت به عنوان پایان مجموعه سخنان عیسی آمده است، مت ۷:۲۸؛ ۱۱:۱؛ ۱۳:۵۳؛ ۱۹:۱۰؛ ۲۶:۱. بنابراین انجیل متی متشکل از ۵ خطابه است که روایت مجموعه وقایع را از هم جدا می کند. به این ترتیب ترکیب انجیل متی نظیر کتاب تثنیه است که در آن ۵ خطابه موسی آمده و از این رو متی، عیسی را به عنوان موسای جدید معرفی می کند (ر. ک یو ۱:۲۱؛ ع ۷:۲۵؛ ع ۲۶:۱۱).  
k- کاتبان یهودی (ر. ک ۵:۲۰) مفسر روایات کهن بودند و تفاوت عیسی با ایشان در این است که او مظهر اقتداری بود که فقط به خدا تعلق دارد (ر. ک مر ۱:۲۲؛ لو ۴:۳۲).

l- وقتی که عیسی یک جذامی را شفا می دهد بر یک ناپاکی مسری پیروزی می یابد که حد اعلای مجازات الهی به شمار می آمد (ر. ک تث ۲۸:۲۷، ۳۵) و نشانه گناهی بود که جذامی را از اجتماع طرد می کرد (ر. ک لاو ۱۳-۱۴). عیسی با از بین بردن مرز بین پاک و ناپاک نشانه ای از مأموریت خود را ارائه می دهد (۵:۱۱؛ ر. ک ۸:۱۰؛ ر. ک مر ۱:۴۰؛ توضیح t).  
m- قربانی مقرر: ر. ک لاو ۱۴:۲-۳۲.

n- در مورد اصطلاح شهادت ر. ک یو ۵:۱۴ توضیح k.

o- صاحب منصب. سنتوریون (centurion) افسری است که در روم قدیم به یک صد سرباز فرمان می داد. به طوری که از فحوای عبارت برمی آید افسر مذکور غیر یهودی است ولی الزاماً رومی نمی باشد. هیروودیس آنتیپاس نظامیان خود را از تمام نواحی اطراف استخدام می کرد.

p- ترجمه دیگری که از ترکیب عبارت می توان استنباط کرد (۱۷:۸): «آری او را شفا خواهم داد.»

«برو، همان گونه که ایمان داری برای  
انجام شود!» و خدمتگزار در همان ساعت  
شفا یافت.

### شفای مادر زن پطرس

(مرقس ۱: ۲۹-۳۱؛ لوقا ۴: ۳۸-۳۹)

<sup>۱۴</sup> و عیسی که به خانه پطرس رفته بود<sup>u</sup>

مادر زن او را دید که دراز کشیده تب دارد. ۱-قرن ۵:

<sup>۱۵</sup> و دست او را لمس نمود و تب او را

ترک کرد<sup>v</sup> و قیام کرد و او را خدمت

می کرد<sup>w</sup>.

### شفا و بیرون راندن دیوها

(مرقس ۱: ۳۲-۳۴؛ لوقا ۴: ۴۰-۴۱)

<sup>۱۶</sup> شامگاه فرا رسیده دیوانگان<sup>x</sup> زیادی

را به حضورش آوردند و او ارواح را با یک

من شفا خواهد یافت.<sup>۹</sup> زیرا من هم که یک

مرئوس هستم به زیر دست خود سربازانی

دارم و به یکی می گویم: برو! و او می رود و

به دیگری: بیا! و می آید و به برده ام: این

کار را بکن! و آن را می کند.<sup>۱۰</sup> با

شنیدن این، عیسی به حال تحسین در آمد و

به کسانی که به دنبال او می آمدند گفت:

«آمین، به شما می گویم: در اسرائیل نزد

هیچ کس چنین ایمانی نیافته ام.<sup>۱۱</sup> به شما

می گویم بسیاری از مشرق و مغرب خواهند

آمد و با ابراهیم و اسحاق و یعقوب در

ملکوت آسمانها بر سر سفره خواهند

نشست.<sup>۱۲</sup> در حالی که پسران ملکوت<sup>t</sup> در

بیرون به ظلمت<sup>s</sup> افکنده خواهند شد. در

لوقا ۱۳: ۲۸ آنجا گریه ها و فشردن دندانها<sup>۱</sup> خواهد

بود.<sup>۱۳</sup> و عیسی به سنتوریون گفت:

q- ایمان سنتوریون تنها بدان سبب نیست که معتقد است عیسی می تواند بیمار را از فاصله دور شفا دهد (آنچه در آن دوران موجب تعجب عمومی بوده است)، همچنین به این دلیل نیست که عیسی قدرت مخصوصی بر روی بیماری دارد (ر.ک ۲: ۸) ولی احتمالاً بدان سبب که احساس می کند عیسی نیز از اقتداری تبعیت می نماید و همان گونه که سخن سنتوریون از امپراتور منبعث می شود گفتار عیسی نیز از سوی خدا می آید.

r- یعنی وارثان ملکوت (همچنین در ۳۸: ۱۳) یعنی کسانی که حقاً ملکوت به ایشان تعلق دارد و منظور یهودیان هستند. (ر.ک پسران جهنم: ۱۵: ۲۳؛ پسران شیطان: ۲۸: ۱۳). در مورد معرفی ملکوت ر.ک لوقا ۲۸: ۱۳ توضیح y.

s- کلمه ظلمت ها جایی را تعیین می کند که در آنجا کافران مجازات خواهند شد. این محل معمولاً در اعماق زمین تصور می شد و در اینجا خارج از دنیای زندگان تعیین شده است (ر.ک ۱۳: ۲۲؛ ۳۰: ۲۵)، چنانکه کافران یعنی «آنان که در خارج» هستند (مرک: ۱۱: ۴؛ ۱-قرن ۵: ۱۲-۱۳؛ ۱-تسا: ۴: ۱۲).

t- اصطلاحی که در کتاب مقدس به کار رفته و به مفهوم کینه و خشم کافران در برابر خوشبختی عادلان است (ر.ک. ایوب ۹: ۱۶؛ مز ۳۵: ۱۶؛ ۱۲: ۳۷؛ ۱۰: ۱۱۲؛ ۱۰: ۱۱؛ ۲: ۱۱؛ مت ۱۳: ۴۲-۴۳؛ ۵۰؛ ۱۳: ۲۲؛ ۵۱: ۲۴؛ ۳۰: ۲۵).

u- ر.ک مر: ۲۹.

v- تب یا به قول ربی ها «آتش استخوانها» که منشاء آن را غیر طبیعی تصور می کردند (ر.ک لوقا ۲۶: ۱۶؛ تث ۲۸: ۲۲) و بر این باور بودند که به وسیله دعا می توان آن را برطرف کرد (یو: ۴: ۵۲؛ اع: ۲۸: ۸).

w- متی این صحنه را ساده تر توصیف کرده و حضور شاگردان را ذکر ننموده است (مر: ۲۹: ۱)، ضمناً برای فعلیت بخشیدن به موضوع، شمعون را پطرس نامیده است. برابر روایت متی، عیسی موهبت شفای بیمار را داشته و تفاوت این روایت با انجیل های مرقس و لوقا این است که در اینجا زن فقط به عیسی خدمت می نماید. به نظر متی این معجزه نماد عمل خادم خدا است (۱۷: ۸)؛ همین نکته برای مسیحیان اولیه ایمان به رستخیز را یادآوری می کرد: عیسی با قائم ساختن بیمار او را برمی خیزاند (مت: ۲۵: ۹؛ ۲۱: ۱۶؛ ۲۳: ۱۷؛ ۲۰: ۱۹؛ ۲۶: ۳۲؛ ۲۸: ۶؛ ۲۷: ۹؛ ۱۵: ۳۱؛ ۱۳: ۳۷؛ ۱-قرن ۱۵: ۴).

x- انجیلها به مانند یهودیان آن دوران در این باره با چهار اصطلاح آشنایی داشتند که عبارتند از: دیوانه (تحت اللفظی: کسی که گرفتار دیوها است)، دیوها، ارواح و ارواح ناپاک. در اقدامی که عیسی برای بیرون راندن ارواح ناپاک می کرد، نظیر این مورد نقش گفتار و بیان او والا و حکمفرما است و مخصوصاً نکته جالب توجه این است که طرز عمل عیسی با اقدامات پیچیده ای که در آن دوران کسان دیگری برای راندن ارواح می کردند مغایر و به کلی متفاوت است. ضمناً ارتباط روشنی با مندرجات عهدعتیق دارد که شفا دادنهای عیسی به عنوان نشانه های دخالت قطعی خدا برای شفا دادن آدمیان ارائه می شود.

پرنندگان آسمان را آشیانه‌ها است، ولی  
پسرانسان<sup>۲۱</sup> را جایی برای سر نهادن  
نیست. «یکی دیگر از شاگردان به او  
گفت: «خداوندا! اجازه بده اول بروم و  
پدرم را دفن کنم.»<sup>۲۲</sup> و عیسی به او گفت:  
«به دنبال من بیا و بگذار مردگان مردگان  
خود را دفن کنند.»<sup>۲۳</sup>

سخن<sup>۲۴</sup> را ند و تمام کسانی را که مریض  
بودند شفا داد.<sup>۲۵</sup> تا پیشگوئی اشعیای نبی  
تحقق یابد وقتی می‌گوید: «بیماریهای ما  
را برگرفت و ناتوانی‌های ما را  
برداشت.»<sup>۲۶</sup>

### شرایط پیروی از عیسی (لوقا ۹: ۵۷-۶۰)

**فرو نشاندن طوفان**  
(مرقس ۴: ۳۱-۴۱؛ لوقا ۸: ۲۳-۲۵)  
<sup>۲۳</sup> و چون در قایق سوار شده بود  
شاگردانش به دنبال او آمدند.<sup>۲۴</sup> و  
ناگهان دریا به شدت زلزله<sup>۲۵</sup> شد چنان که

<sup>۱۸</sup> عیسی با دیدن انبوهی<sup>a</sup> در اطراف  
خود، دستور داد به کرانه<sup>b</sup> دیگر<sup>c</sup> روند.<sup>۱۹</sup> و  
کاتبی پیش آمده به او گفت: «استاد! به هر  
جا روی به دنبال تو خواهیم آمد.»<sup>۲۰</sup> و  
عیسی به او گفت: «رو بآنها را لانه و

y- همان گونه که کلام خدا مؤثر و فعال است (۱-تسا:۲؛ ۱۳:عبر:۱۲) سخن عیسی آنچه را می‌گوید ایجاد می‌کند (ر.ک.  
مت:۸:۸؛ مر:۱۰:۴؛ لوقا:۳۶).

z- برابر اش ۵۳:۴ «گناهان ما را با خود حمل می‌کند و به خاطر ما رنج می‌کشد.» متی در این عبارت به جای «حمل می‌کند»  
«برمی‌گیرد» گذاشته و بجای «گناهان» «ناتوانی‌ها» به کار برده تا نشان دهد که عیسی فقط خدمتگزار مضرور خدا نیست  
که رنج می‌برد تا گناهان مردم را فدیة دهد (ر.ک ۱-بطر:۲۴) بلکه علاوه بر این کسی است که با شفا دادن بیماران خود را  
به عنوان نجات‌دهنده‌ای که باید گناهکاران را باز خرید کند مکشوف می‌سازد.

a- در بعضی از نسخ خطی کلمه انبوه به صورت مفرد آمده و چون متی مفرد این کلمه را نیز بکار برده تصحیح جمع به مفرد غیر  
ممکن نیست.

b- ر.ک لوقا:۲۲ توضیح p: به کرانه دیگر.

c- عنوان «پسر انسان» که از اصطلاحی سامی گرفته شده غیر از اع:۵۶ و مکا:۱۳؛ ۱۴:۱۴ فقط در انجیلیها آمده و از زبان  
عیسی نقل شده است. جامعه مسیحیان اولیه این کلمه را به عنوان یکی از عناوین خاص عیسی ناصری می‌شناخته و خود او این  
عنوان را بر عناوین دیگری که برای او قائل می‌شدند (خداوند، مسیح، پسر خدا) ترجیح می‌داد. در بعضی موارد چنین  
می‌نماید که عیسی خود را با پسر انسان یکی نمی‌داند (۱۶:۲۷؛ ۲۴:۳۰) و در موارد دیگر خود را به وضوح چنین می‌نامد  
(۸:۲۰؛ ۱۱:۱۹؛ ۱۳:۱۶). برخی منتقدان میل دارند این اصطلاح را با آنچه حزقیال گفته است: انسانی که من هستم  
(حزق:۱، ۲:۳...) یکی بدانند اما بیشتر مفسران آن را به روایات مکاشفه‌ای ارتباط می‌دهند (دان:۷:۱۳) و کتاب خنوخ، به  
توضیح مربوط به دان:۷ توجه نمایند. برابر این روایات پسر انسان در آخرین روز خواهد آمد تا گناهکاران را داوری کرده  
عادلان را نجات بخشد. جامعه مسیحیان اولیه که عیسی را به این عنوان می‌نامید چیز تازه‌ای ابراز کرده که می‌توان به عیسی  
منسوب نمود. به این معنی که عیسی کسی است که پیشاپیش داوری نهایی را با اقتدار انجام می‌دهد، گناهکاران را نجات  
می‌بخشد (مت:۹:۶) و دوران مسیحایی را آغاز می‌نماید (۸:۱۲). عنوان پسر انسان که با توصیف و پیشگویی درباره  
خدمتگزار خدا ارتباط دارد (مر:۸:۳۱؛ مت:۱۷:۹، ۲۲-۲۳؛ ۲۰:۱۸؛ ۲۶:۲، ۲۴، ۴۵) نسبت به آیین یهود مفهوم تازه‌ای  
می‌گیرد زیرا به شیوه‌ای شگفت صلیب را شکوهمند می‌گرداند.

d- به دنبال مسیح رفتن وظایف و تشریفات تشییع جنازه را در درجه دوم قرار می‌دهد (ر.ک ۱۰:۳۷). منظور از مردگان کسانی  
هستند که زندگی ملکوت را نیافته‌اند (۱۰:۳۸؛ ۱۶:۲۵-۲۶).

e- عبارت «به دنبال او رفتن» (۸:۲۲-۲۳) کلید این مطالب است و متی به وسیله این عبارت و نیز وارد کردن واقعه قبلی که  
درباره «شاگردان بود» (۸:۲۱) و موضوع رفتن است (۸:۱۸-۱۹، ۲۱)، نشان می‌دهد که این واقعه درباره مسیحیان و  
مربوط به آنان ذکر شده است که بایستی تعهد خود را در پیروی از عیسی عمیق سازند.

f- این پدیده به همراه وقایع نظیر پدیدار گشتن خدا در صحرای سینا (خروج:۱۸؛ ۱-پاد:۱۹؛ ۱۱)، ظهور و تجلی به ایوب  
(ایوب:۳۸؛ ۱:۴۰)، مرگ و رستاخیز عیسی (مت:۲۷؛ ۵۱، ۵۴؛ ۲۸:۴) روی می‌دهد و یکی از آثار معمولی در توصیف  
وقایع مکاشفه‌ای زمان آخر است (۷:۲۴). در مورد طوفان ر.ک مر:۳۷ توضیح g.

قایق از امواج پوشیده می شد<sup>g</sup>. با این همه او می خوابید.<sup>۲۵</sup> و به سوی او پیش آمده او را قائم ساخته گفتند: «خداوندا! ما را نجات بده که هلاک می شویم.»<sup>۲۶</sup> و به آنان گفت: «چرا هراسان هستید ای کم ایمانان<sup>h</sup>! آنگاه قیام کرده بادها و دریا را نهیب زد<sup>i</sup> و آرامش بزرگی پدید آمد.<sup>۲۷</sup> انسانها<sup>j</sup> به حال تحسین درآمده می گفتند: «این کیست که حتی بادها و دریا از او اطاعت می کنند؟»

### دو دیوانه در سرزمین جرجسیان

(مرقس ۵: ۱-۲۰؛ لوقا ۸: ۲۶-۳۹)

<sup>۲۸</sup> و چون به کرانه دیگر رسید در سرزمین جرجسیان<sup>k</sup> دو دیوانه از قبرها بیرون شده<sup>l</sup> نزد وی آمدند. آنان به

اندازه ای وحشی می بودند که کسی نمی توانست از آن راه بگذرد.<sup>۲۹</sup> و اینک شروع به فریاد کردند: «از ما چه می خواهی<sup>m</sup> ای پسر خدا؟ آیا به اینجا آمده ای که پیش از زمان ما را عذاب دهی<sup>n</sup>؟»<sup>۳۰</sup> دور از آنان گله ای از خوکان<sup>o</sup> بسیار در حال بودند.<sup>۳۱</sup> دیوها از او درخواست کرده می گفتند: «اگر ما را بیرون می کنی ما را به گله خوکان بفرست.»<sup>۳۲</sup> و به آنان گفت: «بروید!» آنان چون بیرون شدند به داخل خوکان رفتند و اینک تمام گله از فراز پرتگاه به دریا پریده در آنها مردند.<sup>۳۳</sup> خوک چرانان فرار کردند و به شهر رفته همه چیز از جمله موضوع دیوانگان<sup>p</sup> را اعلام کردند.<sup>۳۴</sup> و اینک تمام شهر نزد عیسی خارج شدند

g- برخلاف روایت مرقس به نظر می رسد این روایت از سوی کسی که خارج از قایق تماشاچی بوده نگاشته شده است.  
h- متی اصطلاحی را که ظاهراً از روایتی کهن اقتباس شده (لوقا ۱۲: ۲۸ = مت ۳۰: ۶) به کار می برد تا نشان دهد که چگونه شاگردانی که به دنبال عیسی می آیند به علت شک و ناباوری تهدید و دستخوش ترس یا اضطراب می شوند (مت ۱۴: ۳۱؛ ۱۶: ۸؛ ۲۰: ۱۷). شاگرد کم ایمان برطبق روشنائی ایمان خود زندگی نمی کند (ر. ک مر ۱۴: ۴۰ توضیح m).

i- نهیب زد. عیسی در این مورد نظیر موقعی که ارواح ناپاک را می راند رفتار می نماید (مر ۱: ۲۵؛ ۹: ۲۵؛ ر. ک لوقا ۴: ۳۹) ولی در این مورد هدف او نیروهای طبیعت است و به عنوان خداوند فرمان می دهد (یهو ۹). ضمناً دریا همچون مأمّن نیروهای شریر بشمار می رفت (ر. ک اش ۵۱: ۱۰؛ دان ۷: ۲-۷؛ مز ۸۵: ۸؛ ۸۹: ۱۰؛ ۹۳: ۳-۴). ولی مسیح با رستائیز خود کاملاً بر آنها پیروز خواهد شد.

j- متی معمولاً کلمه انسانها را درباره بی ایمانان می آورد (۱۳: ۵؛ ۱۷: ۱۰؛ ۳۲-۳۳) یعنی کسانی که نیاز به مژده دارند (۱۹: ۴؛ ۱۶: ۵، ۱۹؛ ۱: ۶؛ ۲: ۱ و غیره) و آنانی که از عیسی به طوری سخن می گویند که گویی در خارج هستند (۱۳: ۱۶) یا حتی مثل این است که چیزی درباره خدا نمی دانند.

k- جرجسیان. جدره شهری یونانی نشین در ماوراء اردن که به فاصله ده کیلومتری جنوب شرقی دریاچه جنیسارت در دیکاپولیس قرار داشته است. بطوری که از مندرجات این آیه برمی آید سرزمین این شهر تا دریاچه جنیسارت ادامه دارد ولی این نکته قابل بحث می باشد. مر ۵: ۱ و لوقا ۸: ۲۶ در این مورد جراز نیان و جرجز نیان آورده اند ولی نه جراز و نه جرجزا با این روایت تطبیق نمی نماید. در هر صورت، عیسی با شاگردانش در ادامه مأموریت خود بیرون از سرزمین موعود رفته به قلمرو آنها رسیدند.

l- ر. ک مر ۵: ۲ توضیح m.

m- ر. ک مر ۱: ۲۴ توضیح i.

n- کلمات «اینجا» و «پیش از زمان» که در این روایت آمده مختص انجیل متی است. به احتمال زیاد این کلمات اشاره به زمان داوری نهایی است که در آن وقت شیاطین عاجز و ناتوان می شوند. عمل عیسی در راندن ارواح ناپاک، شفا دادن نهایی پیش از موعد به شمار می آید. کلمه اینجا یادآوری می کند که عیسی در سرزمین امتها عمل می نماید و همچنین نجات و آزادی همه ملت ها را اعلام می کند. این دو کلمه ممکن است یادآور مسیحیانی باشد که اصلاً غیریهودی و اعضای کلیسائی باشند که مورد خطاب متی است.

o- ر. ک مر ۵: ۱۱ توضیح r.

p- «موضوع دیوانگان». این عبارت تأیید می نماید که واقعه خوکها جنبه فرعی دارد و موضوع اصلی پیروزی عیسی بر شیطان است.

روی زمین اقتدار بخشیدن گناهان را دارد<sup>۷</sup>  
-آنگاه به مفلوج گفت: «قیام کن! بستر خود را بردار و به خانه ات برو.»<sup>۷</sup> و او قیام کرده به خانه خود رفت.<sup>۸</sup> با دیدن این، جماعت را ترس فرا گرفت و خدا را تجلیل کردند که چنین اقتداری به انسانها داده است.<sup>۹</sup>

### فرا خواندن متی

(مرقس ۲: ۱۳-۱۷؛ لوقا ۵: ۲۷-۳۲)

<sup>۱</sup> و عیسی جلوتر رفته انسانی مسمی به متی<sup>x</sup> را در باجگاه نشسته دید و به او گفت: «به دنبال من بیا» و او برخاسته به دنبال او رفت.<sup>۱۰</sup> باری چون در خانه<sup>۱۱</sup> او بر سر سفره بود اینک بسیاری از خراجگیران و گناهکاران<sup>z</sup> آمده با عیسی و شاگردانش بر سر سفره نشستند.<sup>۱۱</sup> و فریسیان دیده به شاگردانش می گفتند: «چرا استاد شما با

و چون او را دیدند از او درخواست کردند که قلمرو ایشان را ترک کند.

### شفای يك مفلوج

(مرقس ۱: ۲-۱۲؛ لوقا ۵: ۱۷-۲۵)

<sup>۱</sup> و به قایقی سوار شده عبور کرد و به شهر خود آمد.<sup>۲</sup> و اینک

مفلوجی خوابیده بر بستری را به حضورش می آوردند و عیسی با مشاهده ایمان<sup>f</sup> آنان به مفلوج گفت: «فرزندم<sup>s</sup>، اعتماد داشته باش، گناهانت بخشیده شده است.»<sup>۳</sup> و اینک چند نفر از کاتبان با خود گفتند: «این یکی کفر می گوید.<sup>t</sup>» و عیسی با دانستن افکارشان گفت: «چرا این افکار بد در قلبهای شما است؟<sup>۵</sup> زیرا کدام یکی آسانتر است: گفتن اینکه گناهانت بخشیده شده یا گفتن اینکه قیام کن و راه برو؟<sup>۶</sup> پس برای اینکه بدانید پسر انسان<sup>u</sup> بر

q- برابر مر ۲: ۱ منظور شهر کفرناحوم می باشد که در اینجا «شهر خود» ذکر شده و احتمالاً بدان سبب که عیسی در آن شهر مالیات می پرداخته است (ر. ک. ۱۷: ۲۴-۲۷).

f- چنین بنظر می رسد که در اینجا ایمان به معنی روی آوردن بیمار و حاملان او به سوی عیسی می باشد (ر. ک. مر ۲: ۴؛ لوقا ۵: ۱۸-۱۹).

s- فرزند، ر. ک. ۲۸: ۲۱؛ مر ۲: ۵؛ ۱۰: ۲۴؛ لوقا ۴: ۴۸. «اعتماد»: تحت اللفظی «شجاعت» و نیز ۹: ۲۲.

t- در مورد «کفر گفتن» ر. ک. ۶۵: ۲۶ توضیح p.

u- ر. ک. ۸: ۲۰ توضیح c.

v- عیسی که مرد مفلوجی را شفا داده و او را به راه رفتن واداشته نشان می دهد که اقتدار بخشایش گناهان را دارد و در این مورد اتهام کفر به معنی معمولی یا به معنی حقیقی که شاید مسیحیان تعبیر کنند (۳: ۹؛ ۶۵: ۲۶) پایه و اساسی ندارد و بنابراین درباره شخص او این سؤال مطرح شده و باقی مانده که او کیست.

w- این جمله پایانی مایه تعجب است (که در آن کلمه جمع به جای مفرد آمده) شاید مربوط به محافل مذهبی می باشد که در آنجا انجیل متی نوشته شده است: بدین گونه قدرت بخشایش گناهان که در کلیسا به بعضی ها داده شده از اقتدار شخص عیسی ناشی می شود (ر. ک. ۱۶: ۱۹؛ ۱۸: ۱۸).

x- متی که در انجیل مرقس، لاوی پسر حلفی و در انجیل لوقا، لاوی نامیده شده نامش در فهرست رسولان آمده است (مت ۳: ۱۰؛ مر ۳: ۱۸؛ لوقا ۱۵: ۱؛ اع ۱۳: ۱)؛ ولی چیزی درباره زندگی او ذکر نمی کنند. ضمناً از دوران قدیم کسانی درباره هویت متی و لاوی یا لاوی پسر حلفی اظهار شک کرده و در نسبت دادن نخستین انجیل به متی تردید بیشتری داشته اند.

y- منظور از خانه نه خانه عیسی بلکه خانه متی می باشد (ر. ک. لوقا ۵: ۲۹).

z- در مورد کلمه «گناهکاران» ر. ک. ۴۶: ۵ توضیح f.

نمی‌زند زیرا تکهٔ وصله جامه را می‌کشد و پارگی بدتر می‌شود.<sup>۱۷</sup> همچنین شراب تازه را در مشکهای کهنه نمی‌ریزند و گرنه مسلماً مشکها دریده شده و شراب می‌ریزد و مشکها از بین می‌رود، بلکه شراب تازه را در مشکهای نو می‌ریزند و هر دو نگاه‌داری می‌شوند.<sup>۱۸</sup>

خراجگیران و گناهکاران می‌خورد<sup>a</sup>؟<sup>۱۲</sup> ولی او چون شنید گفت: «توانمندان<sup>b</sup> نیستند که به پزشک نیاز دارند بلکه مریضان.<sup>۱۳</sup> پس رفته و یاد بگیرید که معنای این چیست: «آنچه من می‌خواهم رحمت است نه قربانی<sup>c</sup>» زیرا من نیامده‌ام تا عادلان را فراخوانم بلکه گناهکاران را.»

**شفای زن مبتلا به خونریزی و زنده شدن دختر يك سرشناس (مرقس ۵: ۲۱-۴۳؛ لوقا ۸: ۴۰-۵۶)**  
<sup>۱۸</sup> در حالی که به آنان چنین می‌گفت اینک رئیسی پیش آمده در برابر او سجده کرده می‌گفت: «دخترم همین الان مرده ولی بیا و دست<sup>a</sup> را براو بگذار و زنده خواهد شد.»<sup>۱۹</sup> و عیسی قیام کرده به دنبال او می‌رفت، همچنین شاگردانش.<sup>۲۰</sup> و اینک زنی که دوازده سال خونریزی داشت از لاو<sup>۲۵: ۱۵</sup> پشت سر نزدیک شده حاشیه<sup>k</sup> ردایش را

**بحث دربارهٔ روزه، نو و کهنه (مرقس ۲: ۱۸-۲۲؛ لوقا ۵: ۳۳-۳۹)**  
<sup>۴</sup> آنگاه شاگردان یحیی<sup>d</sup> نزد او آمده گفتند: «چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم و شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟»<sup>۱۵</sup> و عیسی به ایشان گفت: «آیا ساقدوش‌های داماد<sup>e</sup> تا زمانی که داماد<sup>f</sup> با ایشان است می‌توانند در ماتم باشند؟ روزهایی فرا خواهد رسید که داماد از آنان گرفته خواهد شد<sup>g</sup> و آن وقت روزه خواهند گرفت<sup>h</sup>.<sup>۱۶</sup> و هیچکس تکه پارچهٔ نشسته را به جامه‌ای کهنه وصله

۱۱: ۱۸؛  
۱۲: ۱۸؛

- a- در دنیای مشرق زمین و مخصوصاً در فلسطین غذا خوردن بر سر سفره بهترین فرصت برای مشارکت مردمان بود. عیسی با پذیرفتن دعوت فردی گناهکار یعنی کسی که ناپاک است به همراه تعداد زیادی از گناهکاران، برخلاف مقررات اساسی کاهنان یهود رفتار می‌کرد خود را چون فردی ناپاک و گناهکار نشان می‌داد.
- b- تحت اللفظی: نیرومندان. کلمهٔ آرامی beri'a که کلمهٔ یونانی از آن اقتباس شده به معنی اشخاص سالم نیز به کار رفته است چنانکه در لوقا ۵: ۳۱ به این مفهوم آمده است.
- c- این نقل قول از هوشی<sup>۶: ۶</sup> در ۷: ۱۲ نیز آورده شده است. در هر دو مورد اصولاً قربانی کردن در آداب مذهبی محکوم نمی‌شود ولی وابستگی به رسوم زندگی مذهبی به اندازه‌ای که فرمان اصلی «رحمت» نادیده گرفته شود محکوم می‌گردد.
- d- یحیی. در پیرامون یحیی تعمید دهنده جمعیتی از ایمانداران تشکیل شده بود، جمعیتی که پس از مرگ او (۱۱: ۲؛ ۲۵: ۳؛ ۱: ۴؛ ۱۸: ۲۵؛ ۱۹: ۱) نیز بلاشک تا قرن دوم میلادی وجود داشته است.
- e- تحت اللفظی: پسران حجله، ر.ک مر ۲: ۱۹ توضیح r.
- f- معمولاً داماد به عنوان نماد خدا به کار برده شده (اش ۴: ۵؛ ۸: ۴؛ ۱۰: ۶۱؛ ۴۲: ۵؛ ۲: ۲؛ ۳: ۳۱؛ حزق ۱۶: ۱؛ هوش ۳-۱ و در تفسیر نمادهایی که یهودیان از غزل غزلها می‌کنند). گاهی این کلمه نماد مسیح پادشاه است (مز ۷: ۸-۸؛ ر.ک عبر ۱: ۸) و در اینجا دربارهٔ خود عیسی است (مت ۲۵: ۱، ۵، ۱۰؛ یوح ۳: ۲۹؛ مکا ۲۳: ۱۸؛ ر.ک ۲-قرن ۱۱: ۲).
- g- احتمالاً اشاره به مرگ عیسی است.
- h- ر.ک ۱۶: ۶ توضیح k.

i- تحت اللفظی: این یکی و دیگری حفظ شده‌اند. نو و کهنه موافق نیستند. نباید انجیل را با دین یهود تطبیق داد.

j- کلمه «دست» به صورت مفرد، در عهدجدید فقط در اینجا و در مر ۷: ۳۲ به کار برده شده و ممکن است در اینجا عطای شخص خود عیسی باشد. در مر ۵: ۲۳ گذاشتن دستها به عنوان اجرای آداب مذهبی مطرح است (ر.ک لاو ۹: ۲۲؛ ۲۱: ۱۶؛ اع ۱۷: ۹؛ توضیح m).

k- عیسی همانند هر یهودی مؤمن حاشیه‌ای به ردای خود داشته است (ر.ک اعد ۳۸: ۱-۴۱؛ تث ۲۲: ۱۲). فریسیان به سبب غرور و به منظور تظاهر به مذهب حاشیه ردای خود را پهن تر می‌کردند (مت ۲۳: ۵). در این حاشیه‌ها نخ بنفشی به کار



آمدند و او به آنان گفت: «آیا ایمان دارید که من قدرت دارم این کار را بکنم؟» ایشان به او گفتند: «آری ای خداوند!»<sup>۲۹</sup> نگاه چشمانشان را لمس کرده گفت: ۳۴:۲۰  
«برابر ایمانتان برای شما انجام شود.» ۲۸:۱۵؛ ۱۳:۸  
و چشمانشان باز شد و عیسی با تندی به آنان گفت: «توجه کنید! کسی این را نداند»<sup>۳۰</sup> ولی ایشان همین که بیرون رفتند شایعه آن را در سراسر آن سرزمین پراکنده کردند.

### شفای يك لال دیوزده (لوقا ۱۱: ۱۴-۱۵)

<sup>۳۲</sup> چون بیرون می آمدند اینک لال دیوزده ای را به حضورش آوردند.<sup>۳۳</sup> و چون دیوارنده شد لال به حرف در آمد و جمعیت به تحسین در آمده می گفتند: «هرگز چنین چیزی در اسرائیل پدیدار نشده است!»<sup>۳۴</sup> ولی فریسیان می گفتند: «به وسیله رئیس ۲۴:۱۲؛ ۲۲:۳؛ ۱۴:۱۱؛ ۱۵:۱۱» دیوها است که دیوها را می راند.

لمس کرد.<sup>۲۱</sup> زیرا با خود می گفت: «اگر فقط ردایش را لمس کنم نجات خواهم یافت!»<sup>۲۲</sup> عیسی برگشته او را دید و گفت: «ای دختر! اعتماد داشته باش! ایمانت تو را نجات داده است.» و آن زن همان ساعت نجات یافت.<sup>۲۳</sup> و عیسی به خانه رئیس رسیده که هیاهو می کردند و نوازندگان نی و انبوه مردم را دیده گفت: «کنار بروید زیرا دخترک نمرده بلکه خوابیده است»<sup>m</sup> و ایشان او را ریشخند می کردند.<sup>۲۵</sup> چون انبوه مردم به بیرون رانده شدند، او داخل شده دست وی را گرفت و دخترک قیام کرد.<sup>n</sup> و شایعه آن در سراسر آن سرزمین پراکنده شد.<sup>o</sup>

### شفای دو کور

<sup>۲۷</sup> و چون عیسی از آنجا می گذشت دو کور به دنبال او رفتند و فریاد زنان گفتند: «به ما رحم کن! ای پسر داود»<sup>p</sup>.<sup>۲۸</sup> وقتی عیسی به خانه رسید کوران به سوی او پیش

می رفت که نماد آسمان و یادآور فرمانهای خدا بود و بدین سبب آن را گرامی می داشتند (ر. ک ۱۴:۳۶؛ ۱۱:۱۵ توضیح ۵؛ مر ۶:۵۶؛ لوقا ۴:۴۴).

l- فعل sozein که معمولاً به معنی نجات دادن می باشد (۱۰:۲۲؛ ۲۴:۱۳؛ ۲:۴۷؛ ۴:۱۲؛ ۱۶:۳۰) بیانگر رابطه نزدیکی است که بین نجات انسان و سلامتی او وجود دارد. نمونه این عبارت در انجیلها به فراوانی آمده است (مر ۱۰:۵۲؛ لوقا ۷:۵۰؛ ۱۷:۱۹؛ ۱۸:۴۲) و می توان مفهوم آن را چنین درک کرد: ۱- ایمانت تو را آماده کرده تا نجات یابی. ۲- ایمانت تو را نجات داده چون تو را در ارتباط با من که مسبب نجات هستم قرار داده است. ۳- ایمان تو عامل نجات تو شده است.

m- ر. ک لوقا ۵۲:۸ توضیح u.

n- ر. ک لوقا ۱۴:۷ توضیح v.

o- تفاوتی که انجیل متی در این مورد با انجیلهای مرقس و لوقا دارد این است که منبع انتشار خبر را ذکر نکرده است.

p- پسر داود. عنوانی که عامه مردم به مسیح موعود می دادند و این نخستین باری است که آن را به عیسی می دهند (ر. ک ۱۵:۲۲؛ ۳۰:۳۱؛ ۳۱:۹؛ ۲۱:۹؛ ۱۵:۱۵؛ ر. ک ۲۳:۳ توضیح g).

q- با اینکه این روایت با شفای نابینایان اریحا ارتباط دارد (مت ۲۹:۳۴) اما پیش از متی وجود داشته است زیرا برخلاف تمایلی که متی دارد در این روایت عیسی به شفا یافتگان شدیداً دستور رازداری می دهد. احتمالاً دستور منع اشاعه خبر به دلیل آن است که نابینایان اریحا عیسی را به عنوان پسر داود تحسین می کردند (۲۷).

r- متی به جهت پایان بخشیدن به معرفی و ارائه سخنان و اعمال مسیح (۴:۲۵-۹:۳۴) روایتی می آورد که مجدداً در ۱۲:۲۲-۲۴ ذکر می نماید. احتمالاً می خواهد تفرقه ای را که در نتیجه فعالیت عیسی به وجود آمده است اعلام نماید (ر. ک یو ۷:۴۰-۴۳).

## عیسی و جماعت بی شبان

(مرقس ۶: ۳۴؛ لوقا ۱۰: ۲)

۳۵ و عیسی تمام شهرها و روستاها را  
در می نوردید در حالی که در کنیسه هایشان  
آموزش می داد و انجیل ملکوت را ندا داده  
و هر نوع بیماری و ناتوانی را شفا می داد.<sup>s</sup>  
۳۶ چون جمعیت را دید بر آنان ترحم نمود  
زیرا خسته و کوفته مانند گوسفندانی بودند  
که شبان نداشتند.<sup>t</sup> ۳۷ نگاه به شاگردانش  
گفت: «محصول<sup>u</sup> فراوان است ولی  
کارگران اندک.<sup>۳۸</sup> پس از خداوند  
محصول خواهش کنید تا کارگرانی برای  
محصول خود بفرستد.»

## رسالت دوازده تن

(مرقس ۳: ۱۶-۱۹؛ لوقا ۶: ۱۴-۱۶)

۱۰ عیسی دوازده شاگرد خود را  
فراخوانده به آنان اقتدار بر ارواح  
ناپاک داد تا آنها را رانده و هر بیماری و  
ناتوانی را شفا دهند.<sup>v</sup>  
۱۱ اینک نام های دوازده رسول<sup>w</sup>:  
اول شمعون که پطرس نامیده شد  
و برادرش آندریاس<sup>x</sup> و یعقوب  
[پسر] زبیدی و برادرش یوحنا،  
۱۲ فیلیپس و برتولما، توما و  
متی خراجگیر، یعقوب [پسر]  
حلفی و تدی<sup>y</sup>،<sup>۴</sup> شمعون

s- متی با ذکر خلاصه فعالیت عیسی که آیات ۲۳: ۴-۲۵ را به یاد می آورد فصل جدیدی مبتنی بر دستوراتی که به مناسبت  
مأموریت رسولان داده شده را آغاز می نماید (۱۰: ۵-۱۵). ضمناً توصیه هایی را که در اوضاع و موارد دیگر داده شده به این  
دستورات می افزاید (۱۰: ۱۶-۴۲).

t- ۱- پاد ۲۲: ۱۷. متی طرز رفتار عیسی را ذکر می نماید که خود را فرستاده ای بسوی گوسفندان گم شده اسرائیل می داند  
(مت ۲۶: ۱۵؛ ۱۰: ۶؛ ۱۰: ۱۹). همین یادآوری در مر ۳۴: ۶ در مورد واقعه ازدیاد ناهای آمده است. در اینجا معنی مأموریت  
شاگردان را می رساند که عبارت از ترحم شبان نیکو است. عیسی آنچه را که عهدعتیق انتظار دارد به انجام می رساند  
(حزق ۳۴: ۲۳؛ زک ۱۳: ۷).

u- تصویر معمولی داوری نهایی در زمان آخر است (ر. ک مت ۱۲: ۳ توضیح u). در اینجا محصول مربوط به زمان خود عیسی است  
(ر. ک مر ۴: ۲۹؛ یو ۴: ۳۵-۳۷). داوری به وسیله مأموریت عیسی و شاگردانش انجام می شود (ر. ک مت ۱۵: ۱۰) زیرا ملکوت  
خدا فرا رسیده است (مت ۳: ۲؛ ۱۷: ۴؛ ۱۰: ۷).

v- راندن ارواح ناپاک و شفا دادن مربوط به قدرت واحدی هستند. بیماری نشانه ای از فرمانروایی شیطان و گناه است و شفا  
دادن نشانه پیروزی بر شیطان (ر. ک مت ۱۷: ۱۸).

w- دوازده رسول: این اصطلاح که در عهدجدید تقریباً منحصر به فرد است (ر. ک اع ۱: ۲۶؛ مکا ۲۱: ۱۴) ترکیبی است که از  
پیوستن دو عنوان حاصل شده و نخستین شاگردان عیسی را با این عناوین مشخص می کردند: در بعضی موارد آنان را با عنوان  
دوازده خوانده اند (ر. ک مت ۱۴: ۲۶) و در موارد دیگر رسولان نامیده اند (ر. ک لو ۱۳: ۶ توضیح c؛ مر ۶: ۳۰). رسول به  
معنی فرستاده و برابر ریشه اصلی کلمه سامی، دقیقاً نماینده و سفیر مختار می باشد (به ۱۰: ۴۰ توضیح u توجه نمایید). ضمناً  
عدد دوازده با تعداد قبایل اسرائیل تطبیق می نماید (ر. ک مت ۱۹: ۲۸). بنابراین اگر کمتر از ۱۲ باشند از دیدگاه یهودیان،  
قوم جدید خداوند ناقص می بود (ر. ک اع ۱: ۲۲ توضیح v).

x- صورت اسامی رسولان که در انجیل های متی، مرقس، لوقا و نیز در اعمال رسولان ذکر شده با یکدیگر تفاوت دارند مخصوصاً  
در ترتیب توالی سه نامی که پس از پطرس آمده است. به احتمال قوی ترتیب اسامی رسولان همان است که در انجیل متی و  
لوقا ۶: ۱۴ روایت شده است. در مر ۳: ۱۷ پیش از نام آندریاس نام پسران زبیدی ذکر گردیده که با پطرس گروه سه نفری  
شاگردان ممتاز را تشکیل می دهند (مت ۱۷: ۱؛ ۲۶: ۳۷؛ مر ۵: ۳۷). در اع ۱۳: ۱ نام یوحنا پیش از نام یعقوب و بلافاصله پس  
از پطرس آمده است و این احتمالاً به دلیل نقش مهمی بوده که وی در کلیسای اولیه داشته است.

y- تدی. نسخه های معتبر قدیمی انجیل متی در مورد نام این رسول تفاوت دارند. در بعضی از آنها نظیر بیشتر نسخه های خطی  
انجیل مرقس «تدی» ذکر شده؛ در تعداد زیادی از نسخه ها لِبِی (lebbee) یا لِبِی (lebbee) «ملقب به تدی» نوشته شده و  
بعضی دیگر «یهودا پسر یعقوب» (لو ۶: ۱۶) یا «یهودای غیور» نوشته اند. ساده ترین راه حل این است که در هر یک از سه  
انجیل نظیر در مورد نام یازدهمین رسول اختلاف دارند: به نوشته متی «لِبِی»، مرقس او را «تدی» نامیده و لوقا «یهودا پسر

غیور<sup>z</sup> و یهودای اسخربوطی<sup>a</sup> همان کسی که او را تسلیم خواهد کرد.  
 مر ۳:۲۷؛ ۲۵:۲۶  
 یو ۶:۶؛ ۶۴:۱۲؛ ۴:۱۲  
 ۱۱:۱۳  
 ۵:۲؛ ۱۸

(مرقس ۶:۷-۱۱؛ لوقا ۹:۲-۵؛

ر.ک لوقا ۱۰:۳-۱۲)

<sup>۵</sup> این دوازده [تن] را عیسی با دستورهای زیر فرستاد: <sup>b</sup> «راه امته را در پیش نگیرید و در هیچ شهر سامریان<sup>c</sup> وارد نشوید. <sup>۶</sup> ترجیحاً به سوی گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل بروید. <sup>۷</sup> در راه خود ندا دهید که فرمانروائی آسمانها خیلی نزدیک است. <sup>d</sup> <sup>۸</sup> بیماران را شفا دهید، مردگان را قیام

ار ۵:۵۰  
 مت ۲۴:۱۵  
 ۱۷:۴  
 لو ۱۱:۹؛ ۱۰

بخشید، جذامیان را پاک گردانید، دیوها را برانید. رایگان دریافت کرده اید، رایگان بدهید. <sup>۹</sup> نه زر فراهم آورید نه سیم، نه پول خرد در کمربندهایتان. <sup>۱۰</sup> نه خورجین برای راه، نه دوردا، نه پاپوش، نه لو ۴:۱۰ چوبدستی، زیرا کارگر سزاوار خوراک خود اعد ۳۱:۱۸ است. <sup>۱۱</sup> در هر شهر و روستائی که وارد می شوید جويا شوید در این محل چه کسی شایسته است <sup>f</sup> و تا وقتی که عزیمت می کنید در آنجا بمانید. <sup>۱۲</sup> چون به خانه وارد می شوید بر آن سلام کنید. <sup>g</sup> <sup>۱۳</sup> اگر خانه شایسته باشد آرامش شما بر آن آید و

یعقوب» ذکر کرده است. وانگهی کمتر احتمال دارد این اسامی مختلف فقط به یک نفر تعلق داشته باشد زیرا سه نام مذکور نامهای سامی هستند (در آن دوران اگر کسی نامهای متعددی داشت معمولاً نامهای او یهودی و یونانی یا رومی بوده است مانند شاول و پولس). به هر صورت روایتی که با این اعتبار تعداد رسولان را دوازده ذکر کرده و حفظ نموده است فقط درباره نام یکی از ایشان تردید دارد. در مورد نوما ر.ک یو ۱۶:۱۱ توضیح q.

<sup>z</sup> تحت اللفظی: کنعانی. آوانویسی کلمه ای آرامی به معنی وفادار (غیور) که به غیوران اطلاق می شده است. غیوران فرقه ای از یهودیان ملی گرای دینی بودند که با اشغال رومیان شدیداً مخالفت می کردند. ممکن است شمعون پیش از آن که عیسی را ملاقات نماید جزو یکی از این گروهها بوده باشد.

a - اسخربوطی. برای این کلمه تفسیرهای مختلفی پیشنهاد شده است: ۱) موطن او kerioth دهکده ای در جنوب فلسطین است (ر.ک هو ۲۵:۱۵؛ عا ۲:۲). این کلمه در صورتی که آن را از ریشه واژه ای آرامی بگیریم به معنی دروغگو می باشد که صفتی توهین آمیز است که بعد از خیانت به او داده شد. ۳) هرگاه کلمه sicarius را با الفبای سامی بنویسند برابر لاتینی ze-lot (غیور) می باشد (ضمناً zelot هم توصیف یهودا و هم شمعون است). با توجه به تفسیر اخیر می توان دریافت که یهودا به عیسی خیانت کرد زیرا عیسی دیدگاه غیوران را نپذیرفت (ر.ک ۱۷:۲۴-۲۷).

b - کلمه رسول به معنی فرستاده و رسالتی که بر عهده دارد از یک فعل مشتق شده است (ر.ک مخصوصاً ۱۰:۱۶، ۴۰:۱۵). در کنیسه یهودیان فرستادگان رسمی را می شناختند و درباره آنان این اصل پذیرفته شده بود که فرستاده برابر فرستنده است. در مت ۲۴:۱۵ و مخصوصاً در انجیل یوحنا عیسی خود را به عنوان فرستاده پدر یا رسول پدر معرفی می نماید (یو ۳:۱۷، ۳۴؛ ۵:۳۶-۳۷؛ ۱۷:۳؛ ۱۸؛ و غیره).

c - سامریان. پس از سقوط سامره در سال ۷۲۱ پیش از میلاد، سامریان متشکل از تبار گوناگون معبد مخصوص به خود داشتند که بالای کوه جرزیم قرار داشت (یو ۴:۲۰). یهودیان، سامریان را حقیر می شمردند چنان که آنان نیز یهودیان را پست می دانستند. در این مأموریت که اولین مأموریت رسولان است گویا عیسی این شکاف عمیق را پذیرفته ولی در جاهای دیگر این موضوع را زیر سؤال می برد (لو ۱۰:۳۰-۳۷؛ یو ۴:۴۸-۴۹) و پس از رستاخیز این شکاف را از بین می برد (ر.ک اع ۸:۱).

d - ر.ک ۲:۳ توضیح h.

e - متی در اینجا اشاره به حقی می کند که ربی ها می توانستند در بعضی شرایط از هدایای پیروان خود زندگی کنند (ر.ک ۱- قرن ۹:۱۴؛ ۱- تیمو ۵:۱۸). در لو ۷:۱۰ ذکر شده است: کارگر سزاوار مزد خود می باشد (ر.ک اع ۳۱:۱۸؛ دیداکه ۱:۱۳ «هر پیامبر راستین که بخواهد نزد شما بماند مستحق غذای خود است و نیز هر معلم مانند کارگر سزاوار غذای خود می باشد.»)

f - یعنی اگر شخص شایسته ای وجود دارد. لوقا اضافه می کند: «از خانه ای به خانه ای نروید.»

g - طرز سلام دادن یهودیان عبارت از آرزوی صلح و آرامش است (shalom) چنان که در بسیاری از نسخه های خطی به تقلید از لو ۵:۱۰ اضافه شده: آرامش بر این خانه باد! همچنان که در آیه بعدی نیز ذکر شده است.

h - این عمل نشانه رویگردانی می باشد (ر.ک اع ۱۳:۵۱) که مرسوم دوران قدیم بود که به معنای نبردن چیزی با خود از شهری یا

لو ۱۰:۱۰-۱۲ اگر شایسته نباشد آرامش شما به سوی شما باز گردد. <sup>۱۴</sup> اما کسی که شما را نپذیرد و سخنان شما را گوش ندهد، چون از آن خانه یا از آن شهر بیرون می آید گرد و خاک پاهایتان را بتکانید <sup>h</sup>. <sup>۱۵</sup> آمین! به شما می گویم در روز داوری برای سرزمین سدوم و عموره قابل تحمل تر خواهد بود تا برای این شهر. <sup>۲۴:۱۱</sup> <sup>لو ۱۲:۱۰</sup> <sup>پی ۱۸:۲۰-۱۹:۸</sup> <sup>۲- پط ۲:۶</sup> <sup>یهو ۷</sup>

### مأموریت توأم با جفا

(مرقس ۹:۱۳-۱۳؛ لوقا ۱۲:۲۱-۱۹)

لو ۱۰:۳۰ اینک شما را چون گوسفندان به میان گرگان می فرستم پس مانند مارها هوشیار و چون کبوتران ساده باشید. <sup>۱۶</sup> <sup>۲۹:۲۰</sup> <sup>یو ۱۲:۱۰</sup> <sup>روم ۱۹:۱۶</sup> <sup>۱۷</sup> از انسانها بر حذر باشید زیرا شما را به سانهدرین ها<sup>۱</sup> تسلیم خواهند کرد و در کنیسه های خود شما را تازیانه خواهند زد. <sup>۱۸</sup> و نزد رهبران و پادشاهان به خاطر من برای شهادت به ایشان و امتها برده خواهید شد. <sup>۱۹</sup> چون شما را تسلیم کنند پروای آن

نداشته باشید چه و چگونه بگوئید. زیرا در آن ساعت آنچه باید بگوئید به شما داده خواهد شد. <sup>۲۰</sup> درواقع شما نیستید که سخن خواهید گفت بلکه روح پدر شما است که در شما سخن خواهد گفت. <sup>۲۱</sup> برادر برادر خود را به مرگ تسلیم خواهد کرد و پدر فرزند خود را و فرزندان علیه والدین خود میک ۷:۶ بر خواهند خاست و آنان را به مرگ خواهند سپرد. <sup>۲۲</sup> و به خاطر نام من متفور ۹:۲۴ همگان خواهند شد ولی کسی که تا پایان پایبندی کند او نجات خواهد یافت. <sup>۲۳</sup> چون در شهری به شما جفا کنند به دیگری فرار کنید زیرا آمین به شما می گویم شهرهای اسرائیل را تمام نخواهید کرد <sup>k</sup> که پسر انسان آمده باشد. <sup>۲۴</sup> شاگرد برتر از استاد نیست و نه برده بالاتر از خداوند خود. <sup>۲۵</sup> شاگرد کافی است مانند استادش شود و برده مانند خداوندش. اگر ارباب خانه را بعزبول<sup>۱</sup> خوانده اند چقدر بیشتر افراد خانه اش را!

لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶  
لو ۲۷:۲۴-۲۸:۱۶

لو ۴۰:۶  
یو ۱۶:۱۳  
لو ۲۰:۱۵

محلی که شایستگی ندارد و در اینجا شایستگی پذیرش انجیل را ندارند.

i- فقط در این مورد است که در عهدجدید کلمه سانهدرین به صورت جمع دیده می شود و اشاره به سانهدرین های کوچک محلی است که از بیست و سه نفر بزرگان کنیسه تشکیل می شده است. این محاکم در مواردی که مربوط به سانهدرین مرکزی اورشلیم نبود عمل می کردند (ر. ک ۲۲:۵ توضیح X: ۵۹:۲۶). این صحنه های خشونت آمیز در کنیسه روی می داده که محل مخصوصی برای این منظور داشتند. پس از سقوط اورشلیم در سال ۷۰ میلادی سانهدرین های محلی اهمیت شایانی یافتند و شاید متی به این دوران اشاره می نماید.

j- مقاومت تا آخرین لحظه (ر. ک ۱۳:۲۴) که درملاء عام و رسماً در برابر همه قوم انجام شود (۱۴:۲۴) گواه بر آن است که داوری خدا و تجربه های زمان آخر هم اکنون آغاز شده است.

k- این جمله اشاره به فعالیت رسالتی شاگردان در اسرائیل دارد که پیشگویی می شود طولانی یا کوتاه خواهد بود یا اشاره به آن است که شاگردان به سبب تعقیب و شکنجه از شهری به شهر دیگر فرار خواهند کرد. در مورد آمدن پسر انسان احتمالاً منظور این نیست که به هنگام ویران شدن اورشلیم در سال ۷۰ میلادی می آید و نه آمدن شکوهمندانه او در روز تجلی یا رستاخیز، بلکه منظور آمدن شکوهمندانه او در آخر زمان می باشد. عیسی مانند پیامبران عهدعتیق وقایعی را که در آینده رخ می دهد به صورت زمان قریب الوقوع اعلام می کند (ر. ک مر ۱:۹ توضیح v).

l- در مورد بعزبول ر. ک ۲۴:۱۲ توضیح c.

## از هیچ مترسید

(مرقس ۸: ۳۸؛ لوقا ۹: ۲۶؛ ۱۲: ۹-۹)

مر ۴: ۲۲؛  
لو ۱۷: ۸

<sup>۲۶</sup> «پس از آنان مترسید زیرا هیچ پوشیده‌ای نیست که آشکار نگردد و هیچ پنهانی نیست که شناخته نشود. <sup>۲۷</sup> آنچه در تاریکی به شما می‌گویم آن را در روشنایی بگویید و آنچه به گوش می‌شنوید آن را بر روی بامها ندا دهید<sup>m</sup>. <sup>۲۸</sup> و هیچ از آنان مترسید که جسم را می‌کشند ولی نمی‌توانند جان<sup>n</sup> را بکشند. بیشتر از آن کس بترسید که می‌تواند هم جان و هم جسم را در جهنم تباه کند. <sup>۲۹</sup> مگر دو گنجشک به فلسی<sup>o</sup> فروخته نمی‌شوند؟ و یکی از آنها بدون [اجازه] پدر شما<sup>p</sup> به زمین نخواهد افتاد.

<sup>۳۰</sup> اما شما، حتی موهای سرتان هم شمرده شده است. <sup>۳۱</sup> پس مترسید! شما از انبوه گنجشکان برتر هستید. <sup>۳۲</sup> پس هر آن که در مکا: ۵ برابر انسانها مرا اقرار کند<sup>q</sup> من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را اقرار

۱- سمو ۱۴: ۴۵؛  
اع ۲۷: ۳۴؛  
۱۲: ۲۶؛ ۱۲: ۶

خواهم کرد <sup>۳۳</sup> ولی کسی که در برابر انسانها <sup>۲۶: ۹</sup>؛  
۲- تیمو ۲: ۱۲ مرا انکار کند من هم در برابر پدرم که در آسمان‌ها است او را انکار خواهم کرد.

شمشیر به جای آرامش  
(لوقا ۱۲: ۵۱-۵۳)

<sup>۳۴</sup> «خیال نکنید که من آمده‌ام تا آرامش را بر روی زمین بیاورم. من نیامده‌ام آرامش را بیاورم بلکه شمشیر را. <sup>۳۵</sup> زیرا من برای جدا کردن مرد بر ضد پدرش و دختر بر ضد مادرش و عروس بر ضد مادر شوهرش آمده‌ام. <sup>۳۶</sup> و دشمنان انسان افراد خانه او خواهند بود<sup>r</sup>.

انکار خویشان برای پیروی از عیسی  
(مرقس ۸: ۳۴-۳۵؛

لوقا ۱۴: ۲۶-۲۷؛ ۹: ۲۳-۲۴)

<sup>۳۷</sup> «کسی که پدر یا مادرش را بیش از <sup>۹: ۳۳</sup> ثن من دوست دارد شایسته من نیست و کسی

m- شاید در اینجا عیسی یکی از ضرب‌المثل‌های شایع بین مردم را گرفته است که می‌گوید: عاقبت همه چیز روشن می‌شود، ولی آن را تغییر داده است. بدین معنی که ساعت (ساعت ملکوت: ۷: ۱۰) فرا رسیده تا آنچه عیسی به شاگردانش مکشوف کرده است به همگان اعلام شود. نخستین کسانی که به آنان خطاب می‌شود افراد خاندان اسرائیل می‌باشند (۶: ۱۰) ولی در اینجا از ترکیب عبارت برمی‌آید که محدودیتی وجود ندارد و به تمام آدمیان اعلام می‌گردد.

n- جان. کلمه psyche که در اینجا جان ترجمه شده اغلب به معنی زندگی است (مت ۱۰: ۳۹؛ ۱۶: ۲۵-۲۶). در اینجا متی تن و جان را از هم متمایز می‌سازد (لو ۱۲: ۴-۵ فقط از جسم سخن می‌گوید). ضمناً متی جان را با زندگی یکی نمی‌داند زیرا می‌بایست دو نوع زندگی را از هم متمایز سازد که هیچ‌جا چنین نکرده است. جسم ابزاری است که آدمی بوسیله آن فکر خود را بیان می‌کند، اما جان اصلی است که او را در ارتباط با خدا، سرچشمه حیات قرار می‌دهد.

o- فلس کوچکترین بخش پول رومی بوده است (ر. ک ۲۶: ۵).

p- تحت اللفظی: بدون پدرتان. به طوری که از ترکیب جمله برمی‌آید منظور از این اصطلاح یا این است که خدا در هنگام مرگ شاگردان دور نخواهد بود (مرگی که علت یا عامل آن مشخص نشده است) یا اینکه بدون اراده خدا شاگردان به خاطر انجیل نخواهند مرد و مرگ آنان حادثه‌ای بشمار نخواهد آمد بلکه معنی خاصی خواهد داشت.

q- منظور شهادت تا بای جان می‌باشد (۱۰: ۲۶-۳۱؛ ر. ک لو ۱۲: ۸-۹)، یعنی سرنوشت خود را به سرنوشت عیسی پیوستن. منکر شدن (۱۰: ۳۳) عیسی عبارت از این است که بگویند من این مرد را نمی‌شناسم (۲۶: ۳۴، ۳۷). عیسی به کسانی که او را منکر می‌شوند خواهد گفت: من شما را نمی‌شناسم (۷: ۲۳؛ ۱۲: ۲۵) ولی با این همه پطرس را بخشید (۱۵: ۱۹-۱۹). بر عکس کسانی که طرفدار او هستند یعنی در ملاء عام و در عمل خود را شریک و وابسته به او اعلام کرده‌اند، عیسی آنان را در برابر پدرش از آن خود اعلام خواهد نمود.

r- ر. ک میک ۷: ۶.

عنوان عادل می پذیرد اجر عادل<sup>v</sup> را دریافت خواهد کرد.<sup>۴۲</sup> کسی که به یکی از این کمترین ها<sup>w</sup> به عنوان شاگرد فقط یک پیاله آب خنک برای نوشیدن بدهد آمین به شما می گویم اجر خود را از دست نخواهد داد.»

که پسر یا دختر خود را بیش از من دوست دارد<sup>s</sup> شایسته من نباشد.<sup>۳۸</sup> و کسی که صلیب خود را بر ندارد و به دنبال من نیاید شایسته من نباشد.<sup>۳۹</sup> کسی که جان خود را ببازد<sup>t</sup> آن را از دست خواهد داد و کسی که جان خود را به خاطر من از دست دهد آن را خواهد یافت.

۱۱ پس هنگامی که عیسی دستورهای ۵۳:۱۳:۲۸:۷ خود را به دوازده شاگردش به پایان رسانید روانه شد تا در شهرهایشان آموزش داده ندا دهد.<sup>x</sup>

هر که شما را می پذیرد مرا می پذیرد (مرقس ۹:۳۷-۴۱؛ لوقا ۹:۴۸؛ یوحنا ۱۳:۲۰)

پرسش یحیی و پاسخ عیسی (لوقا ۷:۱۸-۳۵)

۵:۱۸ «هر که شما را می پذیرد مرا می پذیرد

و هر که مرا می پذیرد آن کسی را می پذیرد

که مرا فرستاده است.<sup>u</sup> ۴۱ هر که پیامبری را

به عنوان پیامبر می پذیرد اجر پیامبر را دریافت خواهد کرد و هر که عادل را به

۲ یحیی که در زندان اعمال مسیح را مت ۱۴:۳: یوحنا ۲۴:۲۰ شنیده بود شاگردان خود را نزد او فرستاد تا به او بگوید: ۳ «آیا تو همان کسی هستی که

s- کلمه philein به معنی «دوست داشتن» با کلمه agapan (۴۳:۱۵؛ ۱۹:۱۹؛ ۳۷:۲۳-۳۹) به معنی محبت در انجیل نظیر یکی نیست. کلمه philein در انجیل متی دارای مفهوم منفی است (۶:۲۳؛ ۵:۶). این گفتار که در لوقا ۲۶:۱۴ لحن شدیدتری دارد نشان می دهد که وابستگی های خانوادگی هر چند صحیح و مشروع باشند ممکن است در راه کسانی که می خواهند به دنبال عیسی بروند مانع بشمار آیند (۱-قرن ۷:۲۶-۲۷).  
t- ر. ک ۱۶:۲۵، (لوقا ۱۷:۳۳؛ یوحنا ۱۲:۲۵؛ فی ۳:۸-۹).

u- اصطلاح مشابهی در ۵:۱۸ آمده است. این نظریه که «فرستاده با فرستنده برابر است» برای یهودیان به خوبی شناخته شده بود. اگر رسول (apostolos) به یک معنی برابر فرستنده (apostellein) است، این موضوع به دلیل شخصیت او نیست بلکه به سبب مأموریت، وظیفه یا گفتاری است که بوسیله عیسی و بوسیله خدا از طریق عیسی به او محول گردیده است. بنابراین قبول و پذیرش رسول مفهومی بیشتر از مهمان نوازی دارد و به معنی توجه به سخن و اطاعت از کلام فرستادگان عیسی است.  
v- کلمات پیامبر و عادل که در اینجا آمده در ۷:۱۳ و ۲۹:۲۳ نیز به یک قیاس آمده اند. این واژه ها به فرهنگ عهد عتیق و آیین یهود دوران عیسی تعلق دارند. از این کلمات می توان درک کرد که منظور یا اشاره به پیامبران یا عادلانی می باشد که در جامعه مسیحیان قرن اول میلادی به این عنوان شناخته می شدند یا اینکه بیشتر محتمل است که این کلمات به جای «شما» (آیه ۴۰) آمده و منظور خطاب به رسولان است: بنابراین برابر پیامبران و عادلان عهد عتیق می باشند.

w- احتمالاً منظور رسولان هستند (مفهومی که از مر ۹:۴۱ استنباط می شود) یا اینکه اشاره به تمام شاگردان به عنوان شاهدان ملکوت خدا است (این معنی با تصریح: «به عنوان شاگرد» نشان داده شده است) یا اینکه بیشتر محتمل است در بین جمعیت پیروان، کوچکترین و محروم ترین و شاید بینواترین آنان به سبب جفا باشد (در ۱۸:۵-۱۰ کلمه کوچکان بیشتر به این معنی است ولی مربوط به شرایط زندگی در جامعه مسیحیان است و موضوع جفا مطرح نیست).

x- در اینجا نتیجه گیری قسمتی است که از ۳۵:۹ تا ۴۲:۱۰ ادامه دارد و آغاز قسمت دیگری است که شرح می دهد واکنش یحیی (۱۹:۲-۱۱)، اهالی جلیل (۲۰:۱۱-۲۴) و واکنش فریسیان (۱۲:۱-۴۵) در برابر عیسی چه بوده است زیرا به وسیله گفتارها (۵:۱-۲۹) و به وسیله اعمال (۸:۱-۹:۳۴) خود را به عنوان مسیح معرفی کرده است.

خانه‌های پادشاهان هستند. <sup>۹</sup> اما برای چه بیرون رفتید؟ تا پیامبری را مشاهده کنید؟ آری به شما می‌گویم و حتی بیش از یک پیامبر. <sup>۱۰</sup> این همان کسی است که درباره‌اش نوشته شده است: اینک من نوید دهنده خویش را پیش روی تو (مرا: ۱:۲؛ لوقا: ۱۷:۳۶؛ خروج: ۲۳:۲۰؛ ملاکی: ۳:۱) می‌فرستم تا راه تو را در برابرت هموار کند. <sup>۱۱</sup> آمین به شما می‌گویم در میان کسانی که از زنان زاده شده‌اند کسی بزرگتر از یحیی تعمید دهنده قیام نکرده است اما کوچکترین در ملکوت آسمان‌ها بزرگتر از او است. <sup>b</sup> <sup>۱۲</sup> از روزگار یحیی تعمید دهنده تاکنون ملکوت آسمان‌ها متحمل زور بوده و زورمندان آن را می‌ربایند. <sup>c</sup> <sup>۱۳</sup> زیرا همه پیامبران و تورات تا یحیی پیامبری <sup>d</sup> کرده‌اند. <sup>۱۴</sup> و اگر بخواهید

باید بیاید <sup>۱۵</sup> یا بایستی در انتظار کس دیگری باشیم؟ <sup>۱۶</sup> و عیسی در پاسخ به آنان گفت: «بروید به یحیی آنچه را می‌شنوید و می‌نگرید نوید دهید: <sup>۱۷</sup> کوران می‌نگرند و لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌شوند و کران می‌شنوند و مردگان قیام می‌کنند و به درماندگان نوید داده می‌شود؛ <sup>۱۸</sup> و خوشا به آن که درباره من دچار لغزش نشود. <sup>a</sup>» <sup>۱۹</sup> و در حالی که اینان می‌رفتند عیسی به انبوه مردم درباره یحیی آغاز سخن نموده گفت: «چرا به صحرا بیرون رفته‌اید؟ آیا برای مشاهده شاخه نی که در باد لرزان است؟ <sup>۲۰</sup> اما برای چه بیرون رفتید؟ برای مشاهده مردی که لباس فاخر پوشیده است؟ اینک کسانی که لباس فاخر دارند در

y- «آن کسی که باید بیاید» عنوان مسیح موعود است (ر. ک ۱۱:۳؛ یو: ۲۷). بین رفتار آن داور که یحیی از پیش اعلام کرده (۱۱:۳-۱۲) و رفتار عیسی (بابهای ۸-۹) به قدری فاصله وجود دارد که سؤال مطرح شده کاملاً بجا است؛ حتی اگر هدف این سؤال واداشتن عیسی به عمل باشد.

z- پاسخ عیسی ترکیبی از متون کتاب اشعیا است: ۱۹:۲۶ (درباره مردگان)، ۱۸:۲۹-۱۹ (ناشنوایان)، ۳۵:۵-۶ (نابینایان، ناشنوایان و لنگان)، ۶۱:۱ (مژده به بینوایان)، در مت ۵:۱-۳۴ نشان داده شده که چگونه عیسی این پیشگویی‌ها را به انجام می‌رساند یعنی نجات خدا عطا شده است (ر. ک لوقا: ۱۸-۱۹).

a- (ر. ک ۲۹:۵ توضیح e). تصمیم‌گیری برای پیروی از عیسی یا مخالفت با او منجر به داوری می‌شود (ر. ک ۱۰:۳۲-۳۳). در اینجا تقریباً ملکوت و عیسی یکسان هستند.

b- ملکوت با عیسی گشایش یافته و یحیی در آستانه آن باقی مانده است. مابین یحیی و عیسی همراه با شاگردانش فاصله‌ای عمیق وجود دارد به خاطر تازگی مطلق که عیسی آورد.

c- دو تفسیر مهم‌تر این عبارت به شرح زیر است: ۱) برابر لوقا: ۲۴:۱۳ که از شاگردان دعوت می‌شود کوشش کنند تا از در تنگ وارد شوند و با توجه به لوقا: ۱۶:۱۶ که هر کس نیروی خود را به کار می‌اندازد تا در ملکوت وارد شود، در این جا منظور شدت عمل عادلان یا شدت عمل ملکوت آسمانها است که راه خود را با شدت عمل باز می‌کند. این تفسیر که با استفاده از انجیل لوقا است فقط با قسمت اول این آیه در انجیل متی صدق می‌نماید زیرا کلمه زورمندان همواره در توصیف دشمنان و برای محکومیت آنان استفاده می‌شود. ۲) بنابراین بیشتر محتمل است که منظور عیسی مخالفان او باشد که از ورود مردم به ملکوت جلوگیری می‌کنند زیرا با آمدن او ملکوت، زور و شدت عمل را برمی‌انگیزد. حتی بعضی تصور می‌کنند می‌توان گفت این مخالفان چه کسانی هستند: مثلاً غیوران که می‌خواهند ملکوت را به وسیله اسلحه برقرار کنند یا نیروهای شیطانی که مدعی هستند بر دنیا تسلط دارند و بدین طریق آن را از دست عادلان خارج کنند.

d- یحیی به عنوان پیشگام آمده است تا دوران عهد عتیق را به کمال رساند. وی جانشین آخرین پیامبران یعنی ملاکی می‌باشد و آخرین نبوت او را به تحقق می‌رساند وقتی که گفته است: «اینک به سوی شما الیاس پیامبر را می‌فرستم...» (ملاکی: ۳:۲۳؛ ر. ک مت ۱۱:۱۴).

مر: ۱۱-۱۳؛ لو: ۱۷؛ یو: ۲۱؛  
 بیاید.<sup>e</sup> هر که گوشها دارد بشنود. این<sup>۱۶</sup> نسل را به چه کسی می توانم تشبیه کنم، به مانند کودکانی است که در میدان ها نشسته به سوی دیگران فریاد برآورده می گویند:

<sup>۱۷</sup> برای شما نی زده ایم

و شما نرقصیده اید!

نوحه سرایی کرده ایم

و شما سینه زده اید.

<sup>۱۸</sup> درواقع یحیی آمده است که نه

می خورد و نه می نوشید و می گویند: او دیو

دارد!<sup>f</sup> <sup>۱۹</sup> پسر انسان آمده که می خورد و

می نوشد و می گویند: اینک مردی پرخور و

میخواره، دوست خراجگیان و گناهکاران!

لو: ۱۱-۱۵؛ مر: ۲-۷؛ مک: ۹؛ یو: ۱۳؛  
 حکمت خدا به وسیله اعمالش، عدالت

شناخته شده است.<sup>g</sup>»

بر توای خورزین، وای بر توای  
 بیت صیدا<sup>h</sup> زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که

در شما انجام شده در صور و صیدون

می شد از مدتها پیش زیر پلاس و خاکستر

توبه کرده بودند.<sup>i</sup> <sup>۲۲</sup> وانگهی به شما

می گویم در روز داوری برای صور و صیدون

قابل تحمل تر خواهد بود تا برای شما.

<sup>۲۳</sup> و توای کفرناحوم!

آیا تا به آسمان افراشته خواهی شد؟ اش: ۱۴، ۱۳، ۱۵

به وادی مردگان نزول خواهی کرد،

زیرا اگر اعمال مقتدرانه ای که در تو

انجام شد در سدوم شده بود امروز هنوز

اینجا می بود. <sup>۲۴</sup> همچنین به شما می گویم

که در روز داوری برای سرزمین سدوم قابل

تحمل تر خواهد بود تا برای تو.»

### پدر و پسر

(لوقا ۱۰: ۲۱-۲۲)

<sup>۲۵</sup> در آن وقت عیسی به سخن درآمده

گفت: «تورا سپاس می گویم ای پدر! ای طو: ۵: ۸؛ ۱۲: ۶

خداوند آسمان و زمین زیرا این را از اع: ۱۷: ۲۴

حکیمان و عاقلان پنهان داشته و به بچه ها ۱- قرن: ۲۶-۲۹

### ماتم برای شهرهای جلیل

(متی ۱۵: ۱۰؛ لوقا ۱۰: ۱۲-۱۵)

<sup>۲۰</sup> آنگاه آغاز به نکوهش شهرهایی کرد

که در آنها بیشتر اعمال مقتدرانه اش انجام

شده بود زیرا توبه نکرده بودند.<sup>۲۱</sup> «وای

e- ر.ک ملا: ۲۳ (= ۴: ۴)، از همین نبوت در مت: ۱۱-۱۳ یاد شده است، ر.ک ۱۷: ۳ توضیح d.

f- این اصطلاح نظیر یو: ۷: ۲۰ معنی مجازی دارد و منظور این نیست که واقعاً دیوانه باشد.

g- در اینجا وقتی از حکمت این نسل سخن می گوید سه معنی می توان در نظر گرفت: ۱) مفهوم استهزا دارد زیرا اعمال این نسل، نپذیرفتن یحیی تعمید دهنده و سپس عیسی بوده است؛ ۲) منظور خود عیسی می باشد که حکمت خود خداست (ر.ک ۱۲: ۴۲؛ ۱- قرن: ۲۴: ۳) مشیت نجات بخش خدا که عادل شناخته شده است یعنی بر مبنای اعمال یحیی تعمید دهنده و عیسی با وجود مخالفت این نسل پذیرفته و اعلام شده است که حق است (آیه ۱۶).

h- محلی که خورزین نامیده شده تا دوران نگارش عهدجدید ناشناخته بود و فقط در اینجا و در لو: ۱۰: ۱۳ نامی از آن برده شده است. نام این شهر سه بار در تلمود ذکر شده و اوزیبوس مؤلف تاریخ کلیسائی (۲۶۵-۳۴۰) محل این شهر را در سه کیلومتری کفرناحوم تعیین کرده است. بیت صیدا شهری در مصب رودخانه اردن، در شمال دریاچه طبریه در ناحیه جولان است. این شهر در اوایل تاریخ میلادی به وسیله هیروودیس فیلیپس بازسازی شد و به نام جولیا خوانده می شد. در مورد عبارت «وای بر تو» ر.ک ۱۳: ۲۳ توضیح j.

i- زیر پلاس و خاکستر بودن نوعی اقرار و اعتراف در ملاء عام است که به وسیله آن خود را گناهکار اعلام می کنند (ر.ک ۲۶: ۶؛ یون: ۳-۵: ۸).



آشکار کرده ای. آری! ای پدر، زیرا

خوشنودی تو چنین بوده است.<sup>۲۷</sup> همه چیز به وسیله پدرم به من سپرده شده و هیچکس پسر را نمی شناسد مگر پدر و هیچکس پدر را نمی شناسد مگر پسر و کسی که پسر بخواهد بر او مکشوف گرداند.<sup>۱</sup>

یو: ۳:۳۵:۳۳:۱۳:۳  
۱۸:۲۸  
۲:۱۷  
۹:۲  
یو: ۱۸:۱۸  
۱۵:۱۰

### یوغ مرا بر خود گیرید

ای همه شما که زحمت می کشید و زیر بار خم می شوید به سوی من آیید و من به شما آرامش خواهم داد.<sup>۲۹</sup> یوغ مرا بر خود گیرید و از من تعلیم یابید زیرا من قلباً نرم خو و فروتن هستم و شما برای جانهای خود آرامش خواهید یافت.<sup>۳۰</sup> زیرا یوغ<sup>m</sup> ۱۶:۶۱-۳:۵۰ من سهل و بار من سبک است.»

### چیدن خوشه های گندم (مرقس ۲: ۲۳-۲۸؛ لوقا ۶: ۱-۵)

**۱۲** در آن وقت عیسی در یک روز سبت<sup>n</sup> از میان کشتزارها می گذشت. شاگردان او گرسنه شدند و شروع به کندن سنبله ها و خوردن آنها<sup>۱</sup> کردند. فریسیان با دیدن این به او گفتند: «اینک شاگردان تو کاری می کنند که در روز سبت مجاز نیست.<sup>۲</sup>»<sup>۳</sup> به ایشان گفت: «آیا نخوانده اید که داود وقتی گرسنه بود چه کرد، او و همراهانش؟<sup>۴</sup> چگونه در خانه خدا وارد شد و چگونه نان های تقدیمی را خوردند که خوردن آنها برای او و همراهانش مجاز نبود بلکه فقط برای کاهنان<sup>p</sup>.<sup>۵</sup> یا در تورات نخوانده اید

مت: ۲۳:۲۵-۲۶

خروج: ۲۰:۱۰  
مت: ۱۴:۵

ج- چنین به نظر می رسد که لحن این عبارت بیش از آن که نظیر کتب حکمت عهدعتیق و با بنسی ۵۱، امث ۸، بنسی ۲۴ یا حک ۶-۸ ارتباط داشته باشد بیشتر مانند کتاب دانیال لحن مکاشفه ای دارد. در حالی که حکما نتوانسته بودند خواب نموکد نصر را تعبیر کنند (دان ۲: ۳-۱۳)، راز بر دانیال مکشوف گردید زیرا از خدای آسمان استغاثه کرده بود (۱۸: ۲)؛ (۲۸: ۱۹) و خدا را که به او حکمت عطا کرده بود ستایش نمود (۲۳: ۲). در اینجا صحبت از ملکوتی است که خدا بر پا کرده است (۴۴: ۲). به نظر متی در اینجا منظور از بچه ها شاگردان هستند (مت ۱۰: ۴۲) که این چیزها (دان ۲: ۲۹) یعنی راز ملکوت آسمانها (ر.ک مت ۱۱: ۱۳) به آنان مکشوف شده است.

k- تحت اللفظی: در جلو تو خیرخواهی وجود دارد. این اصطلاح صدای پدر آسمانی را به یاد می آورد که به هنگام تعمید عیسی شنیده می شود (۱۷: ۳) همچنین نقل قول اش ۱: ۴۲ را که در مت ۱۸: ۱۲ آمده است.

l- در ادامه مطالب آیه قبلی در این جا منظور از همه چیز ملکوت و اسرار آن است. باید گفت که این گفتار بیش از آن که با روایات کتب حکمت (بنسی ۲۴ و ۵۱) یا کتابهای یونانی تطبیق نماید لحنی مکاشفه ای دارد (دان ۲: ۲۲، ۲۸-۲۹: ۷-۱۰-۲۷). ضمناً این گفتار یکی از سه موردی است که با ۳۷: ۲۱؛ ۳۶: ۲۴؛ عیسی به طریق غیر مستقیم بیان می کند که ارتباطی نزدیک و منحصر به فرد با پدرش، خدا دارد (ر.ک مر ۱۴: ۳۶؛ لوقا ۲۴: ۴۹؛ یو: ۲۰: ۱۷).

m- تصویر یوغ در نوشته های عهدعتیق از دیرباز شناخته شده بود (ار ۲۰: ۵؛ هو ۱۰: ۱۱) و معمولاً در آیین یهود کنایه از شریعت خدا، اعم از کتبی یا شفاهی می باشد (بنسی ۶: ۲۴-۳۰؛ ۵۱: ۲۶-۲۷). این یوغ را همواره طاقث فرسا احساس نمی کردند، حتی در آیین یهود سخن از «شادی یوغ» بود (بنسی ۵۱: ۲۶-۲۷). در اینجا با توجه به همان نظری که در موعظه روی کوه آمده (بابهای ۵-۷) که با اعلام خوشبختی ملکوت خدا آغاز می شود، عیسی تفسیر نجات بخش خود را در مقابل قانون گرائی یهودیان قرار می دهد زیرا وی در ضمن شریعتی که نوشده شادی ملکوت را به انسانها می دهد.

n- در اینجا بحث دیگری درباره مقررارت روز سبت مطرح می شود (۹: ۱۲-۱۴؛ لوقا ۱۰: ۱۳-۱۷؛ ۱۴: ۱-۶؛ یو: ۵: ۱۸-۱۹: ۷-۲۴). عیسی در این مورد اقتداری را که بر شریعت و مخصوصاً مقررات روز سبت دارد نشان می دهد و اعلام می نماید ریشه این اختیارات در عهدعتیق و مخصوصاً در هو: ۶ (ر.ک مت ۱۹: ۳) می باشد؛ معنی آیه ۸ همین است.

o- آنچه فریسیان سرزنش می کنند عمل دزدیدن و ربودن نیست و نه اعتراض آنان به خوردن خوشه های گندم بلکه کار کردن در روز سبت را که ممنوع می باشد سرزنش می نمایند زیرا به نظر کسانی که اجرای دقیق و مو به موی شریعت را می خواستند کندن چند خوشه گندم برابر عمل درو کردن بود (ر.ک خروج ۳۴: ۲۱).

p- درباره این واقعه ر.ک ۱- سمو ۲: ۷ و درباره مقررات مذکور ر.ک لاو: ۵: ۹-۲۴.

<sup>۱۲</sup> باری چقدر ارزش انسان بیشتر از  
گوسفند است! بنابراین جایز است در روز  
سبت کار نیک کرد. <sup>۱۳</sup> آنگاه به آن  
انسان گفت: «دست را دراز کن!» و او آن  
را دراز کرد و مثل دیگری به حالت اول  
برگشته بهبود یافت. <sup>۱۴</sup> وقتی فریسیان  
خارج شدند شورایی علیه او برپا کردند تا  
او را از بین ببرند.<sup>۷</sup>

که در روز سبت کاهنان در معبد سبت را  
بی حرمت می دارند و مقصر نیستند؟<sup>۹</sup>  
<sup>۶</sup> باری به شما می گویم که در اینجا بزرگتر  
از معبد هست. <sup>۷</sup> اگر می دانستید [معنای]  
«من رحمت می خواهم و نه قربانی»<sup>۱</sup>  
چیست، کسانی را که مقصر نیستند محکوم  
نمی کردید. <sup>۸</sup> زیرا پسر انسان خداوند سبت  
است.»

### عیسی خدمتگزار خدا

<sup>۱۵</sup> عیسی چون این را دانست از آنجا  
کناره گرفت<sup>۱۶</sup> و بسیاری به دنبال او رفتند  
و همه را شفا داد. <sup>۱۶</sup> و آنان را ملزم نمود  
که او را نشانسانند.<sup>۱۷</sup> تا آنچه اشعیای  
پیامبر گفته بود تحقق یابد وقتی  
می گوید:<sup>۱۸</sup>  
«اینک خدمتگزار من که برگزیده ام،  
محبوب من که خشنودی جان من است.  
روح خود را بر او خواهم گذاشت.

### شفای مردی با دست خشکیده

(مرقس ۳: ۱-۶؛ لوقا ۶: ۶-۱۱)

<sup>۹</sup> و آنجا را ترک کرده به کنیسه ایشان  
آمد. <sup>۱۰</sup> و اینک مردی که دستی خشکیده<sup>۸</sup>  
لوقا ۳: ۱۴ داشت و از [عیسی] پرسیده گفتند: «آیا در  
روز سبت شفا دادن مجاز است؟» و این  
برای متهم کردن او می بود. <sup>۱۱</sup> به ایشان  
لوقا ۵: ۱۴ گفت: «در بین شما کدام انسانی است که  
فقط یک گوسفند داشته و روز سبت در  
گودالی بیفتد نرود آن را گرفته بلند کند؟<sup>۱۲</sup>

q- در مورد فعالیت مهمتر کاهنانی که وظیفه اجرای مراسم مذهبی روز سبت را دارند، ر. ک لاو ۲۴: ۸؛ اعدا ۲۸: ۹.  
r- ر. ک ۱۳: ۹ توضیح c.

s- تحت اللفظی: مفلوج، ر. ک ۱- پاد ۱۳: ۴؛ مرقس ۱: ۳ توضیح c.  
t- تحت اللفظی: پرستاری کرد، فعالیتی که در روز سبت ممنوع است.

u- تحت اللفظی: قائم سازد. در زمان عیسی بنابر عقیده کاهنانی که قوانین را مو به مو و دقیقاً رعایت می کردند هرگاه کسی در  
خطر مرگ باشد نمی توان مقررات روز سبت را رعایت نکرد و به کمک او شتافت و هیچ عمل و فعالیت پزشکی مجاز نیست و  
مخصوصاً حق ندارند چهارپایی را هم نجات دهند. در اینجا عیسی با توجه به کاری که روستائیان عملاً انجام می دادند در حالی  
که به آنان خطاب می کند استدلال می نماید: برای نجات یک گوسفند تردیدی به دل راه نمی دهند که از تعالیم استادان تخطی  
نمایند و بنابراین چقدر بهتر درک می کنند که عیسی با وجود نظریه رسمی کسی را معالجه نموده شفا دهد.

v- منظور تهیه وسایل یا انجام اقداماتی به منظور تباه ساختن او است. شکی نیست که در اینجا اجتماعی پنهانی تشکیل شده که  
در آن توطئه می کنند و مجمعی رسمی نیست.

w- عیسی بر اثر فشار دشمنانش «عقب نشینی می کند» (ر. ک ۱۳: ۱۴ توضیح n). متی از طریق نبوت اشعیا در مورد خدمتگزار  
خدا، این رفتار عیسی را توجیه می کند.

x- تحت اللفظی: هویت او را علنی نسازد، هویتی که بسیار فراتر از آن است که اظهار کند عامل این شفاها می باشد.

y- این نقل قول که از اش ۴: ۱-۴۲ است با متن عبری یا ترجمه یونانی هفتاد و دو ساله کاملاً تطبیق نمی کند، ممکن است متی از متن  
دیگری استفاده کرده باشد یا از نسخه ای که در آن تغییراتی داده بودند و در محیط او متداول بوده است. ضمناً خادم مورد نظر  
وی هنوز آن خدمتگزار رنجوری نیست که در اش ۵۳ از او سخن به میان آمده بلکه می توان گفت خدمتگزاری «رازدار» است  
(آیه ۱۹ با دستور سکوتی که در آیه ۱۶ داده شده تطبیق می نماید). از سوی دیگر در اینجا نکته ای ذکر شده که به نظر متی  
نکته ای اساسی است یعنی رسالت عیسی برای «امتها» (آیات ۱۸ و ۲۱).

و او حق<sup>z</sup> را به امت ها نوید خواهد داد،  
<sup>۱۹</sup>مباحثه نخواهد کرد  
 و فریاد بر نخواهد آورد  
 و صدای او را کسی در میدان ها نخواهد  
 شنید.  
<sup>۲۰</sup>نی خرد شده را نخواهد شکست  
 و فتیله ای را که هنوز دود می کند  
 خاموش نخواهد کرد  
 تا داوری حق را به پیروزی برساند  
<sup>۲۱</sup>و امت ها به نام او امید خواهند بست.»

### عیسی و بعزبول

(مرقس ۳: ۲۲-۳۰؛

لوقا ۱۱: ۱۴-۲۳؛ ۱۲: ۱۰)

<sup>۲۲</sup>آنگاه دیوانه ای کور و لال را به  
 حضورش آوردند و او را شفا داد به طوری  
 که لال حرف می زد و می دید.<sup>a</sup> <sup>۲۳</sup>و تمام  
 جماعت حیرت زده می گفتند: «آیا این  
 پسر داود<sup>b</sup> نیست؟» <sup>۲۴</sup>فریسیان چون

شنیدند گفتند: «این یکی دیوها را بیرون  
 نمی راند مگر به وسیله بعزبول، رئیس  
 دیوها<sup>c</sup>.»  
<sup>۲۵</sup>او افکار آنان را دانسته به آنان گفت:  
 «هر مملکتی که بر ضد خود تجزیه شود  
 ویران است و هر شهر و خانه ای<sup>d</sup> که بر  
 ضد خود تجزیه شود پایدار نخواهد ماند.  
<sup>۲۶</sup>و اگر شیطان را شیطان می راند بر ضد  
 خود تجزیه شده است، پس چگونه مملکت  
 او پایدار خواهد ماند؟<sup>۲۷</sup> و اگر من به  
 وسیله بعزبول دیوها را می رانم پسران<sup>e</sup> شما  
 به وسیله چه کسی آنها را می رانند؟ به این  
 سبب ایشان داور شما خواهند بود.<sup>f</sup> <sup>۲۸</sup>ولی  
 اگر من به وسیله روح خدا دیوها را می رانم  
 پس فرمانروائی خدا بهر شما فرارسیده  
 است.<sup>g</sup> <sup>۲۹</sup>یا چگونه کسی می تواند در خانه  
 آن که توانا است داخل شده و اشیاء او را  
 بر باید اگر قبلاً آن توانا<sup>h</sup> را نبسته باشد؟ و  
 آنگاه خانه اش را تاراج کند. <sup>۳۰</sup>کسی که با

z- حق، تحت اللفظی: داوری (در یونانی krisis و در عبری mishpat)، حق یا دین برحق، دینی که از وحی و بنابراین از داوری و مصداقی که خدا داده سرچشمه می گیرد و عبارت از دستوراتی است که خدای عدالت بر مبنای آنها روابط عهد خود را با آدمیان بنا نهاده است (پید ۱۸: ۲۵؛ تث ۴: ۶-۸).

a- این مورد نظیر ۳۲: ۹ است ولی در اینجا مرد دیوانه نابینا هم هست و می توان پرسید آیا برای خلاصه کردن دو معجزه ای است که در ۲۷: ۹-۳۳ آمده است؟

b- پسر داود، درباره این اصطلاح ر. ک ۲۷: ۹. فعالیت عیسی موجب تفرقه یهودیان می شود (ر. ک یو ۱۱: ۱۳-۱۰: ۱۹-۲۱).

c- بعزبول یا بعزبوب (مر ۳: ۲۲)، سلطان شیاطین (۳۴: ۹). ریشه این کلمه مورد بحث است. بعزبوب رب النوع عقرون (ر. ک ۲-یاد ۱: ۲) یا ارباب (بعل) سرگین (کلمه اخیر به معنی پرستش بتهاست)، یا بعل مگس ها. به هر صورت عیسی را متهم می کنند که قدرتی بر شیاطین ندارد مگر به وسیله رئیس خود آنها و به این سبب در آیات ۲۵-۳۷ به آنها جواب داده است.

d- کلمه یونانی که در این مورد بکار برده شده هم به معنی خانواده و خاندان است و هم امکان دارد به مفهوم ساختمان باشد (ر. ک ۲-سمو ۷: ۵-۱۶).

e- پسران یعنی شاگردان فریسیان.

f- شاگردان فریسیان که اعمال بیرون راندن ارواح ناپاک را انجام می دادند حق خواهند داشت استادان خود را که درباره عیسی متعصب بودند محکوم بدانند.

g- در اینجا طرز مباحثه و استدلال وارونه شد و دیگر به صورت رقابت نیست بلکه جنبه مقابله و مخالفت دارد. عیسی با بیرون راندن ارواح ناپاک نشان می دهد که دوران تازه ای با فرمانروایی خدا آغاز شده است: این امر نهاد تازه ای نیست بلکه ظهور ناگهانی عملی می باشد که همان عمل عیسی است و به تسلط شیطان پایان می بخشد (ر. ک لو ۱۰: ۱۸).

h- آن توانا. ر. ک اش ۴۹: ۲۴-۲۵؛ ۱۲: ۵۳.

خوب خود چیزهای خوب بیرون می کشد و آدم بد از گنجینه بد خود چیزهای بد بیرون می کشد. <sup>۳۶</sup> به شما می گویم هر سخن بی حاصل<sup>m</sup> که آدمیان بگویند در روز داوری حسابش را خواهند داد. <sup>۳۷</sup> زیرا از سخنان عادل شناخته خواهی شد و از سخنان محکوم خواهی گردید.»

### نشانه یونس

(متی ۱۶: ۱-۴؛ مرقس ۸: ۱۱-۱۲؛ لوقا ۱۱: ۱۶، ۲۹-۳۲)

<sup>۳۸</sup> آنگاه چند تن از کاتبان و فریسیان به او خطاب کرده گفتند: «استاد! می خواهیم یوحنا<sup>۳۰:۶</sup> نشانه ای<sup>n</sup> از تو ببینیم.» <sup>۳۹</sup> او در پاسخ گفت: «نسل شیر و زناکار که در جستجوی نشانه ای است! . . . و نشانه ای به او داده نخواهد شد مگر نشانه یونس پیامبر. <sup>۴۰</sup> زیرا همان گونه که یونس سه شبانه روز یون<sup>۱:۲</sup> در شکم ماهی بزرگ بوده است همچنین پسر انسان سه شبانه روز در قلب زمین

من نیست بر ضد من است و آن که با من جمع نمی کند پراکنده می سازد<sup>۴۰:۹؛ لوقا ۱۱:۱۳</sup>. <sup>۳۱</sup> به این سبب به شما می گویم هر گناه و هر کفرگوئی بر آدمیان بخشیده خواهد شد ولی کفرگوئی علیه روح [القدس] بخشیده نخواهد شد. <sup>۳۲</sup> و آن که سخنی علیه پسر انسان بگوید بر او بخشیده خواهد شد ولی کسی که علیه روح القدس سخن بگوید بر او بخشیده نخواهد شد، نه در این جهان و نه در جهان آینده<sup>۱</sup>.

### سخنان و دلها

(متی ۷: ۱۶-۱۷؛ لوقا ۶: ۴۴-۴۵)

<sup>۳۳</sup> «فرض کنید<sup>k</sup> درخت خوب باشد میوه اش خوب است، یا فرض کنید درخت بد باشد میوه اش بد است زیرا درخت را از میوه<sup>۱</sup> می شناسند. <sup>۳۴</sup> ای افعی زادگان! شما که بد هستید چگونه می توانید چیزهای خوب بگویید؟ زیرا زبان از فزونی قلب سخن می گوید. <sup>۳۵</sup> آدم خوب از گنجینه

i- پراکنده می سازد. این اصطلاح طرز رفتار شبان را به یاد می آورد (ر. ک. ۲۶: ۳۱؛ یوحنا ۱۲: ۱۱؛ ۵۲: ۱۱؛ ۳۲: ۱۶) که بیانگر رفتار خدا نسبت به قوم خود می باشد (اش ۴۰: ۱۱؛ ۱۸: ۴۹؛ حزق ۱۳: ۳۴، ۱۶) همچنین این عبارت را می توان «کسی که با من جمع نمی کند تلف می نماید» ترجمه کرد که در این صورت عمل کشاورزی را به یاد می آورد که محصول را برمی دارد (ر. ک. ۳: ۱۲؛ ۱۳: ۳۰؛ ۲۴: ۲۵).

j- منظور از این گفتار محکوم ساختن قطعی و بدون تجدید نظر نیست بلکه هشدار می دهد تا محکوم نشوند. ممکن است کسی راز پسر انسان را تشخیص ندهد و آن را نپذیرد ولی اگر عمل بیرون راندن ارواح ناپاک را که عیسی در روح القدس انجام می دهد بد تعبیر نماید عذری نخواهد داشت. قابل توجه است که برای بیان عمل خدا از فعل مجهول و بدون ذکر فاعل استفاده شده است. بالاخره این متن یادآوری می کند که خدا ارباب و صاحب اختیار عفو و بخشایشی است که عطا می نماید.

k- تحت اللفظی: بکنید. گاهی این عبارت را اشتباهاً «درخت را خوب راست گردانید» هم ترجمه می کنند ولی در زبان یونانی طرز بیان «فرض کنید» می باشد.

l- در مورد میوه ر. ک. ۷: ۱۶ توضیح c.

m- تحت اللفظی: بدون تأثیر (ر. ک. ۳: ۲۰، ۶). ترجمه دیگر: بی اساس یا بیهوده (ر. ک. یوحنا ۲: ۲۰؛ ۲- پطرا ۸).

n- این درخواست مطابق روایات یهود انجام می شود زیرا برابر روایات مزبور مسیح موعود بایستی نشانه هایی به انجام رساند تا در نظر قوم خود اعتبار یابد (ر. ک. ۱- قرن ۱: ۲۲؛ مت ۱۶: ۱؛ ۲۴: ۳، ۳۰؛ ر. ک. یوحنا ۱۱: ۲)، ولی درخواست فریسیان از روی سوء نیت است و نشانه را با عمل خارق العاده یکی گرفته اند.

می شوند و در آنجا خانه می کنند و واپسین  
این انسان بدتر از اول می شود. برای این ۲- پطرس: ۲۰  
نسل شریر چنین خواهد بود.<sup>۹</sup>»

### خویشاوندان واقعی عیسی (مرقس ۳: ۳۱-۳۵؛ لوقا ۸: ۱۹-۲۱)

<sup>۴۶</sup> در حالی که هنوز به جماعت سخن ۵۵:۱۳  
می گفت اینک مادرش و برادرانش<sup>۴۷</sup> در ۳:۶  
بیرون ایستاده می خواستند با او حرف ۱۲:۲  
بزنند. <sup>۴۷</sup> کسی به او گفت: «اینک مادرت ۱۴:۱  
و برادرانت در بیرون ایستاده می خواهند با  
تو حرف بزنند<sup>۴۸</sup>». او در پاسخ به کسی  
که با او حرف می زد گفت: «مادر من  
کیست و برادرانم کیستند؟» <sup>۴۹</sup> و دست  
خود را به سوی شاگردانش دراز کرده گفت:  
«اینک مادرم و برادرانم<sup>۵۰</sup>. زیرا هر کس  
اراده پدرم را که در آسمان است انجام  
می دهد او برادر و خواهر من و مادر من  
است.»

یون ۵:۳، ۸ خواهد بود<sup>۵۱</sup>. مردم نینوا به هنگام داوری  
با این نسل برخوانند خاست و او را  
محکوم خواهند نمود زیرا آنان به ندای  
یونس توبه کردند، در اینجا برتر از یونس  
است. <sup>۵۲</sup> ملکه جنوب به هنگام داوری با  
این نسل قیام خواهد کرد و او را محکوم  
خواهد نمود زیرا او از اقصای زمین آمده  
بود تا حکمت سلیمان<sup>۵۳</sup> را بشنود، در اینجا  
برتر از سلیمان است.

### هجوم مجدد روح ناپاک (لوقا ۱۱: ۲۴-۲۶)

<sup>۴۳</sup> «چون روح ناپاک از انسان بیرون آمد  
در جاهای بیابانی سرگردان است در حالی  
که آرامش می جوید و آن را نمی یابد.  
<sup>۴۴</sup> آنگاه می گوید به خانه خود بازخواهم  
گشت، از آنجایی که بیرون آمده ام و چون  
می آید آن را خالی، جاروب شده و آراسته  
می یابد. <sup>۴۵</sup> آنگاه می رود و هفت روح  
شریرتر از خود را با خود برداشته به آن وارد

o- این نشانه که با نشانه یونس تطبیق می کند ممکن است واقعه مرگ عیسی باشد یا رستاخیز عیسی که متی با ذکر سه روز و  
سه شب از آن یاد می کند یا به احتمال قوی تر منظور موعظه عیسی است که با موعظه یونس در نینوا مطابقت دارد (ر.ک  
۴۱:۱۲ = ۳۲:۱۱).

p- ر.ک ۱- پاد ۱۰:۱۰-۱۰.

q- در این تمثیل کوچک که در این اوضاع ذکر شده (ر.ک لوقا ۱۱: ۲۴-۲۶ که تا حدودی متفاوت است) احتمالاً اشاره به زیبایی  
روحی نیست که به وسیله مسیح پاک شده و مجدداً در گناه افتاده است. همچنین منظور روح آدمی نیست که به سبب گناه از  
خدا «بری شده» و بنابراین به نظر شیاطین «زیبا» است بلکه اشاره به آخرین وضعیت این نسل شریر است (آیه ۴۵) که  
لحظه ای به وسیله عیسی «شفا یافته» (آیه ۱۵) ولی بزودی (در روز داوری نهایی؟ یا در هنگام نگارش انجیل؟) به حالتی  
خواهد افتاد که بدتر از حالت قبل از دخالت او خواهد بود.

r- منظور از برادران در کتاب مقدس ممکن است هم به معنی فرزندان باشد که از یک مادر هستند و هم به مفهوم بستگان نزدیک  
بکار برده شود چنان که امروزه هم در مشرق زمین معمول است (ر.ک پید ۱۳: ۸؛ ۱۶: ۱۴؛ ۱۵: ۲۹؛ لاو ۱۰: ۴؛ ۱- تواتر ۲۳: ۲۲).

s- این آیه در برخی از نسخه های خطی وجود ندارد.

t- این واقعه را متی بلافاصله پس از بحث و جدل با فریسیان (۱۲: ۲۲-۴۵) ذکر کرده و در برابر آن بحثها این قسمت به عنوان  
نکته مثبتی به شمار می رود؛ زیرا عیسی با شاگردانش خانواده ای روحانی تشکیل می دهد که منشأ واحدی دارد که همان پدر  
آسمانی می باشد (ر.ک ۲۱: ۷).

## مثل های ملکوت

(مرقس ۴: ۱؛ لوقا ۸: ۴)

لوقا ۱: ۵-۳ **۱۳** در آن روز<sup>u</sup> عیسی از خانه بیرون آمده در کنار دریا نشست. <sup>۲</sup> و جماعت بسیاری نزد او اجتماع کردند به طوری که سوار قایقی شده در آن نشست و جماعت در کرانه ایستاده بودند.

## بذر افشان

(مرقس ۴: ۲-۹؛ لوقا ۸: ۵-۸)

<sup>۳</sup> و با آنان درباره چیزهای زیادی به مثل ها<sup>v</sup> صحبت کرده می گفت: «اینک بذر افشان<sup>w</sup> برای بذر افشانی بیرون آمد<sup>x</sup>. <sup>۴</sup> و چون بذر می افشاند [دانه هایی] در کنار راه افتادند<sup>y</sup> و پرندگان آمده آنها را خوردند. <sup>۵</sup> و بعضی دیگر بر سنگلاخ افتادند که در

آنجا خاک زیادی نبود و همان دم رشد کردند زیرا خاک عمق نداشت. <sup>۶</sup> آفتاب طلوع کرده سوختند و چون ریشه نداشتند خشک شدند. <sup>۷</sup> بعضی دیگر بر خارها افتادند و خارها رشد کرده آنها را خفه نمودند. <sup>۸</sup> بعضی دیگر بر زمین خوب افتادند و ثمر دادند، یکی صد، یکی شصت و یکی سی تا<sup>z</sup>. <sup>۹</sup> تا هر که گوش<sup>a</sup> دارد بشنود.»

## چرا عیسی به مثل ها سخن می گوید

(مرقس ۴: ۱۰-۱۲؛ لوقا ۱۰: ۹-۱۰)

<sup>۱۰</sup> و شاگردان پیش آمده به او گفتند: «چرا به مثل ها با آنان سخن می گویی؟» <sup>۱۱</sup> او به ایشان پاسخ داده گفت: «زیرا شناختن رازهای ملکوت آسمانها<sup>c</sup> به شما داده می شود<sup>b</sup> ولی به ایشان داده نشده کول ۲: ۳: ۴

۱۱: ۱۵؛ ۱۳: ۴۳؛  
مرقس ۴: ۲۳؛  
لوقا ۱۴: ۳۵؛  
مکا ۷: ۱۳؛ ۹:

۱- قرن ۴: ۱؛  
افس ۳: ۳؛ ۴؛  
۱۹: ۶؛

<sup>u</sup>- عبارت «در آن روز» ارزش آموزشی و تعلیمی دارد و بیانگر زمان معینی نیست.

<sup>v</sup>- متی در این باب مثل هایی را که درباره ملکوت آسمانها است یکجا جمع کرده است. این مثل ها فقط مقایسه ای نیستند که از زندگی روزانه گرفته شده باشند تا آموزشی را روشن کرده تشریح نمایند بلکه روایت هایی هستند که ترکیب جملات و کلمات آنها زندگی خود عیسی را به یاد می آورد و از این نظر می توان آنها را کنایه به شمار آورد. متی این مثل ها را به سه بخش تقسیم می کند که برطبق طرح زیر بنا شده اند: مثل / سؤال درباره آن / توضیح مثل. دو بخش اول به این صورت می باشند: مثل بذر افشان (۱۳: ۹-۱۰، ۱۷-۱۸، ۲۳-۲۴)، مثل تلخه (۱۳: ۲۴-۳۰، ۳۶، ۳۷-۴۳)، بخش آخر (۴۴-۵۰) به این سؤال عیسی که آیا همه آنها را فهمیده اید؟ (۵۱) و به نتیجه (۵۲) منتهی می شود. برطبق این طرح، مثل های دیگری (۱۳: ۳۱-۳۳) و نتیجه گیری کهنی (۳۴-۳۵) افزوده شده است.

<sup>w</sup>- موضوع این مثل بیش از آن که آموزشی درباره تفاوت بین آغاز و پایان باشد (ر. ک ۱۳: ۳۱-۳۳) مربوط به بازدهی دانه بذر بر حسب زمین های مختلف است، به این معنی که سه نوع زمین بایر و زمینی خوب با سه نوع بازدهی مختلف نشان داده شده است. عیسی حادثه ای مربوط به آخر زمان را اعلام کرده می گوید دورانی پایانی آغاز شده و برخورد بذر با زمین (زک ۱۲: ۶-۱۳) به وقوع پیوسته است. در این مورد دو تفسیر مهم وجود دارد: یکی این که با وجود شکستهای کنونی به ثمره نهایی اعتماد داشته باشید، در تفسیر دیگر دعوت می شود زمینی خوب و حاصلخیز باشید و بذری را که افشاند می شود به ثمر برسانید.

<sup>x</sup>- ممکن است متی در این عبارت تشابهی با آیه ۱ در نظر گرفته است، آنجا که می گوید: عیسی بیرون آمد.

<sup>y</sup>- در فلسطین در فصل کشت راههای روستایی را مشکل می توان از زمین های مزروعی تشخیص داد بنابراین طبیعی بود قسمتی از بذر ها در کناره راه بیفتد و پرندگان که آنها را بر روی راه می دیدند برچینند.

<sup>z</sup>- سی: به نظر بعضی این رقم بازدهی محصولی استثنایی است و به نظر کسان دیگری بازدهی عالی ولی بی اندازه نیست. ضمناً با توجه به ترتیب نزولی ارقام مذکور می توان نتیجه گرفت که توجهی به افزایش و رشد بذر وجود ندارد. ثمر، تحت اللفظی: میوه.

<sup>a</sup>- گوشها. ر. ک مر ۴: ۹ (تث ۲۹: ۳؛ مز ۱۱۵: ۶).

<sup>b</sup>- فعلی که در این مورد در زبان یونانی به کار رفته فعل کامل نامیده می شود (یعنی نتیجه کنونی عملی را می رساند که در گذشته انجام شده است) [بنابراین به جای این که در فارسی به صورت ماضی نقلی ترجمه شود و بگوییم «به شما داده شده است» ترجمه به صورت مضارع و زمان حاضر می باشد] و نشان می دهد که این عطیه چیزی نیست که به تصرف درآمده باشد بلکه در اینجا ارتباطی که با عطا کننده وجود دارد بیان می گردد.

دهم.<sup>۱۶</sup> اما شما، خوشا به چشمانتان زیرا لوقا ۲۴:۲۳:۱۰  
نگاه می کنند و گوشه‌ای‌تان زیرا  
می شنوند. g.<sup>۱۷</sup> زیرا آمین به شما می گویم  
بسیاری از پیامبران و عادلان می خواستند  
آنچه را شما نگاه می کنید ببینند و  
ندیدند و آنچه را شما می شنوید بشنوند و  
نشنیدند.»

### تفسیر مثل بذرافشان

(مرقس ۴: ۱۳-۲۰؛ لوقا ۸: ۱۱-۱۵)

<sup>۱۸</sup> «پس شما بشنوید مثل کسی را که  
بذر افشانه است. h.<sup>۱۹</sup> هر بار که کسی  
سخن ملکوت را می شنود و نمی فهمد،  
شریر آمده آنچه را در قلبش بذرافشانی  
شده است می رباید<sup>i</sup> و او کسی است که در

مر ۲۵:۴؛ لوقا ۱۸:۸:۲۶:۱۹  
است. <sup>۱۲</sup> زیرا به کسی که دارد خواهند داد  
و فراوان خواهد داشت ولی آن که ندارد  
حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد. d.  
<sup>۱۳</sup> بدین سبب با ایشان با مثل ها سخن  
می گویم زیرا با نگاه کردن نگاه نمی کنند  
و با شنیدن نمی شنوند و نمی فهمند. e.  
<sup>۱۴</sup> و برای ایشان پیامبری اشعیا تحقق  
می یابد وقتی می گوید: f.<sup>۱۵</sup> «با گوشهای خود  
خواهید شنید و نخواهید فهمید و با نگاه  
کردن، نگاه خواهید کرد و نخواهید دید.  
<sup>۱۵</sup> زیرا قلب این قوم سخت گردیده و  
گوششان سنگین شده است. و چشمان  
خود را بسته اند میاداد به چشمان خود  
ببینند و به گوشهای خود بشنوند و به قلب  
خود بفهمند و توبه کنند و من آنان را شفا

c- اصطلاح رازهای ملکوت در نوشته های مکاشفه ای یهودیان زمان عیسی اصطلاحی معمول و آشنا بوده و ترتیبات پنهانی خدا را  
برای زمان آخر تعیین می کرده است. در انجیلها این اصطلاح فقط در اینجا به کار برده شده و منظور از آن یا خود ملکوت  
می باشد (یعنی شناختن ملکوت به شاگردان عطا شده است)، یا این که منظور راز عیسی به عنوان افتتاح کننده ملکوت است؛  
یا بالاخره با توجه به متنی که بلافاصله بعد از این می آید ممکن است اسرار مربوط به خاصیت ملکوت باشد که برابر مثل های  
این باب در ابتدا پنهان و مورد انکار بوده است.

d- همین عبارت در ۲۵:۲۹ آمده و در آن مورد با شرایط مثل بیشتر تطبیق می نماید. در اینجا منظور از «کسی که دارد» شخصی  
است که در ایمان به عیسی شناخت ملکوت را دارا می باشد و به او باز هم شناخت کامل تری عطا خواهد شد. در ۲۹:۲۵  
«کسی که دارد» خدمتگزار وفاداری است که می تواند نتیجه کار خود را به اربابش تحویل نماید.

e- در مر ۴:۱۲ آمده است: تا با نگریستن... ولی متی می گوید: زیرا با نگاه کردن نگاه نمی کنند. چنین به نظر می رسد که این  
تفاوت در طرز بیان، عبارت انجیل مرقس را ملایم تر کرده و مسئولیت کوردلی را بر عهده آدمیان و نه بر خدا گذاشته است ولی  
متی با نقل قول اش ۹:۶-۱۰ نشان می دهد که نوشته او همان مفهوم اساسی نوشته مرقس را دارد به این معنی که عدم تشخیص  
سر ملکوت در عیسی نابینایی نسبت به این ملکوت را تشدید می کند. ورود به ملکوت یا عدم پذیرش در آن، بسته به این است  
که آموزه های مثلی عیسی را پذیرفته یا آن را انکار کنند و در این مورد بی طرفی امکان پذیر نیست.

f- اش ۹:۶-۱۰. با وجود تفاوت هایی که ممکن است بین ترجمه مت ۱۳:۱۴-۱۵ و اع ۲۸:۲۶-۲۷ به نظر برسد بایستی توجه  
نمود که در هر دو مورد متن نوشته یونانی اشعیا عیناً نقل شده است.

g- ر. ک لو ۲۳:۱۰-۲۴؛ یو ۱۰:۲۷؛ ۱ پط ۱۰:۱۰-۱۲.

h- متی واقعه ای را که در مثل به صورت نماد اعلام شده و شاگردان در زندگی خود مجدداً مطرح می کنند، به جای آنکه (همانند  
مرقس و لوقا) نتیجه اخلاقی بگیرد آن را به صورت تفسیر بیان می کند (۱۶:۱۳-۱۷) که مستلزم بازخوانی مجدد این متن با  
توجه به علم خداشناسی و اخلاق می باشد.

i- از هر کس می شنود... شریر می آید و می رباید. در این آیه دو فعالیت متوالی توصیف نمی شود بلکه علت فعالیت اولی (یعنی  
شنیدن و درک نکردن) را به وسیله فعالیت دوم (دخالت شریر) توضیح می دهد. «کسی است که... بذرافشانی شده»: این  
بیان عجیب، از اختلاط در تفسیر شفاهی این مثل در کلیسا قبل از نگارش نهائی آن سرچشمه می گیرد که یا به انسانها با  
زمینه های مختلف خوب و بدی که سخن را می پذیرند یا به بذر خوب یا بدی که گاهی صد، گاهی شصت و گاهی سی ثمر  
می دهد تشبیه شده است. ر. ک ۲۰:۱۳، ۲۲-۲۳.

گندم افشانند و رفت. <sup>۲۶</sup> چون گیاه رشد کرد و میوه آورد آنگاه تلخه نیز پدیدار شد. <sup>۲۷</sup> بردگان صاحب خانه پیش آمده به او گفتند: "خداوندا! مگر بذر خوب در مزرعه ات نیفشانده ای؟ پس از کجا تلخه دارد؟" <sup>۲۸</sup> به آنان گفت: "دشمن این کار را کرده است." بردگان به او گفتند: "آیا می خواهی برویم آنها را برچینیم؟" <sup>۲۹</sup> به ایشان گفت: "خیر! مبادا در برچیدن تلخه گندم را هم با آن از ریشه در آورید. <sup>۳۰</sup> بگذارید هر دو با هم تا درو رشد کنند و در وقت درو <sup>۳۱</sup> به دروکنندگان خواهیم گفت اول تلخه را برچینید و برای سوزاندن آنها را دسته دسته کنید و اما گندم را در انبار من بگذارید." "

کنار راه بذر افشانی شده است. <sup>۲۰</sup> او که بر سنگلاخ بذر افشانی شده کسی است که سخن را می شنود و همان دم آن را با شادی می پذیرد <sup>۲۱</sup> ولی در خود ریشه ندارد بلکه موفقی است و اگر مصیبت یا شکنجه ای به خاطر سخن فرارسد همان دم دچار لغزش می شود. <sup>۲۲</sup> آن که در خارها بذر افشانی شده کسی است که سخن را می شنود و نگرانی این جهان و فریب ثروت، سخن را خفه می کند و بی ثمر می شود. <sup>۲۳</sup> آن که بر زمین خوب بذر افشانی شده کسی است که سخن را شنیده و می فهمد، او ثمر می آورد: یکی صد، یکی شصت، یکی سی می دهد. «

### تلخه

<sup>۲۴</sup> و برای ایشان مثل دیگری آورده گفت <sup>m</sup>: «ملکوت آسمان ها به انسانی می ماند که در مزرعه خود بذر خوب افشانند. <sup>۲۵</sup> ولی به هنگامی که مردم خوابیده بودند دشمنش آمده بذر تلخه <sup>n</sup> در میان

### دانه خردل

(مرقس ۴: ۳۰-۳۲؛ لوقا ۱۳: ۱۸-۱۹)

<sup>۳۱</sup> برایشان مثل دیگری آورده گفت <sup>p</sup>:

«ملکوت آسمان ها مانند دانه خردلی است <sup>۱۷: ۲۰؛ لوقا ۱۷: ۶</sup> که انسانی گرفته در مزرعه اش می کارد.

j- با توجه به شکل فعلی که در زبان یونانی بکار برده شده این عبارت را می توان به دو نوع ترجمه کرد: آن که بذر افشانده است یا آن که بذر افشانی شده است. ترجمه اخیر ظاهراً در ادبیات مکاشفه ای یهود شناخته شده بود (چهارم عزرا ۸: ۴۱).

k- ر. ک. قرن ۴: ۱۸؛ عبری ۱۱: ۲۵؛ مت ۷: ۲۶؛ غلا ۶: ۱۶.

l- می توان به دو صورت ترجمه کرد: آن شخص بی ثمر می شود یا سخن خدا بی ثمر می شود.

m- در این مثل فقط سخن از زمین خوب و حاصلخیز است و زمان را تا موسم برداشت محصول ادامه می دهد. شاید به این وسیله در پاسخ به کسانی که نظیر یحیی تعمید دهنده (۱۳: ۳۰ و ۱۲: ۳ را مقایسه کنید) بی صبر بودند اظهار می کند که زمان بینابینی وجود دارد و دعوت می کند در انتظار داوری و پیروزی خدا صبر داشته باشند.

n- تلخه. کلمه ای که در زبان یونانی به کار رفته و تلخه ترجمه شده اسم جمع می باشد و منظور علف های هرز و مضر برای کشاورزی نظیر گزنه، بوته خار، تیغ و غیره است (اش ۱۳: ۳۴؛ هوی ۶: ۹). احتمال دارد در اینجا منظور علف هرز مخصوصی باشد که نام علمی آن *lolium temulentum* است. معمولاً علف های هرز را خشک کرده به عنوان مواد سوختی می سوزانند.

o- برداشت محصول تصویری است که در کتاب مقدس، نماد داوری در روز آخر می باشد (ر. ک. مت ۱۲: ۳ توضیح u: ۱۳: ۳۹ توضیح u: اش ۱۷: ۵؛ ارم ۲۴: ۱۳؛ مکا ۱۴: ۱۴-۲۰).

p- نکته مهم در این مثل، تفاوتی است که بین کوچکی در آغاز امر و شکوه در پایان وجود دارد و موضوع رشد و نمو درخت در جزء فرعی گفتار ذکر شده است (۳۲: ۱۳). این مثل از حلق ۱۷: ۲۳ (شاخه ای که بریده شده و درخت سرو باشکوهی می شود) و از دان ۹: ۴، ۱۸ (پرندگان آسمان) الهام گرفته است. درسی که از این مثل گرفته می شود منظره ای از ایمان است: به این معنی که از خلال اوایل ناچیز عیسی که بسیار محقرتر از سایر مصلحان در قوم برگزیده بوده است پایان پر جلال او را دریابند.



باز خواهم کرد، چیزهایی که از بنیاد جهان پنهان بوده است برملا خواهم کرد.<sup>f</sup>»

### توضیح مثل تلخه

<sup>۳۶</sup>آنگاه جماعت را ترک کرده به خانه آمد و شاگردانش به سوی او آمده گفتند:

«مثل تلخه در مزرعه را برایمان روشن کن!»<sup>۳۷</sup> وی در پاسخ گفت: «آن که بذر

خوب می افشاند پسر انسان است.<sup>۳۸</sup> مزرعه جهان است، بذر خوب پسران ملکوت هستند و تلخه پسران شریر<sup>۳۹</sup> می باشند.

<sup>۳۹</sup>دشمنی که آن را افشاند ابلیس است، فصل درو پایان جهان و درو کنندگان

فرشتگانند.<sup>۴۰</sup> پس همچنان که تلخه

برچیده شده در آتش سوخته می شود به همین گونه در پایان جهان خواهد بود.

<sup>۴۱</sup>پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنها از ملکوت او همه

لغزش دهندگان و بی قانونان<sup>۷</sup> را برخواهد چید.<sup>۴۲</sup> و آنان را در کوره آتش خواهند

<sup>۳۲</sup>این کوچکترین تمام بذرها است<sup>۹</sup> ولی چون رشد کرد در بین سبزی ها بزرگترین آنها است و درختی می شود به طوری که پرندگان آسمان می آیند و در شاخه هایش آشیانه می گیرند.<sup>f</sup>»

مز: ۱۰:۴  
حزق: ۱۷:۲۳  
۶:۳۱  
دان: ۹:۴، ۱۸

### خمیرمایه

(لوقا ۱۳: ۲۰-۲۱)

<sup>۳۳</sup>به ایشان مثل دیگری گفت: «ملکوت آسمان ها مانند خمیرمایه ای است که زنی آن را گرفته در سه پیما نه آرد پنهان می کند تا اینکه همه آن تخمیر شود.<sup>s</sup>»

۱- قرن ۵: ۶  
غلا: ۹

### دلیلی دیگر برای سخن گفتن به مثل ها

(مرقس ۴: ۳۳-۳۴)

<sup>۳۴</sup>تمام این ها را عیسی به جماعت با مثل ها گفت و بدون مثل چیزی به آنان نمی گفت.<sup>۳۵</sup> تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق

یابد وقتی می گوید: «دهانم را به مثل ها

q- دانه خردل یا گیاه خردل گیاهی است که امکان دارد رشد کرده تا اندازه ای بزرگ شود ولی اینکه گفته شود خردل کوچکترین دانه بین تمام بذرها است مبالغه آمیز می باشد، گرچه اصطلاح «کوچک به مانند دانه خردل» در زبانهای غربی ضرب المثل شده است، همچنین ذکر درختی که پرندگان در آن لانه می گزینند اغراق آمیز است.

r- برخلاف لوقا ۱۹: ۱۳ متی صریحاً نمی گوید هنگامی که خداوند خواهد آمد پایان روزگار برای همه ملت ها درخشان خواهد بود بلکه این موضوع را به صورت فرض اعلام می نماید. ضمناً انتظار عمومی اسرائیل چنین بوده و در حزق ۲۳: ۱۷ و دان ۹: ۴، ۱۸ نیز ذکر شده است.

s- (همان ترکیب کلام دستوری در ۲۵: ۱ به کار برده شده است. ر. ک توضیح m). در اینجا به تفاوتی که بین آغاز و پایان در مثل دانه خردل تعلیم داده شده، فرو بردن خمیرمایه و تغییر خمیر افزوده می شود. نتیجه ای این مثل بر صبر در مدت زمان مابین گذاشتن خمیرمایه و نتیجه آن تأکید ندارد بلکه نکته مهم تفاوت بین مقدار جزئی خمیرمایه و توده زیاد خمیری است که تخمیر می شود.

t- برخلاف نخستین دلیلی که برای ذکر مثل ها داده شده (۱۳: ۱۰-۱۵) برابر این توضیح ثانوی روش آموزش به وسیله مثل برای بیان اسرار الهی ضروری می باشد.

u- یعنی فرزندان ملکوت... فرزندان شیطان که اصطلاحات معمول در زبانهای سامی هستند (ر. ک مت ۲۷: ۱۲؛ ۲۳: ۱۵). «مزرعه جهان است» یعنی عیسی نه تنها به یهودیان بلکه به تمام انسانها اشاره می کند.

v- «بی قانونان» یعنی کسانی که ضد شریعت موسی عمل می کنند (ر. ک ۲۳: ۲۳؛ ۲۸: ۲۴؛ ۱۲: ۲۴؛ روم ۷: ۴؛ ۱۹: ۶). اصطلاح «بی قانونی» در مورد طرز فکر حقوقی در رفتار و انجام وظیفه است.

هر نوع [ماهی] جمع می کند<sup>x</sup>.<sup>۴۸</sup> وقتی پر شد آن را به کرانه بالا می کشند و نشسته در میان سبدها هر چه خوب است برمی چینند ولی هر چه بد است دور می افکنند.<sup>۴۹</sup> در پایان جهان چنین خواهد بود<sup>y</sup>. فرشتگان خواهند رسید و شریران را از میان عادلان سوا خواهند کرد.<sup>۵۰</sup> و آنان را در کوره آتش خواهند افکند، در آنجا گریه ها و فشردن دندان ها خواهد بود.

دان ۳:۶؛  
مت ۱۳:۴۲؛  
۴۲:۱۳؛  
۴۲:۱۳؛  
۵۱:۲۴؛  
۳۰:۲۵؛  
لو ۲۸:۱۳

### نتیجه

<sup>۵۱</sup> «آیا همه اینها را فهمیده اید<sup>z</sup>؟» ایشان به او گفتند: «آری!»<sup>۵۲</sup> به ایشان گفت: «بدین سبب هر کاتبی که شاگرد ملکوت آسمان ها شده مانند ارباب خانه ای است که از گنجینه خود [چیزهای] نو و کهنه بیرون می کشد<sup>a</sup>.»

افکند، در آنجا گریه ها و فشردن دندان ها خواهد بود.<sup>۴۳</sup> آنگاه عادلان در ملکوت پدرشان چون خورشید خواهند درخشید، هر که گوشها دارد بشنود.

۵۰:۱۳؛ ۱۲:۸؛  
۵۱:۲۴؛ ۱۳:۲۲؛  
۳۰:۲۵؛  
لو ۲۸:۱۳؛  
دان ۳:۱۲؛  
مت ۱۱:۱۵؛ ۱۳:۹؛  
مر ۴:۲۳؛  
لو ۱۴:۳۵؛  
مکا ۷:۲؛ ۱۳:۹

### گنج پنهانی و مروارید

<sup>۴۴</sup> «ملکوت آسمان ها مانند گنجی است که در مزرعه ای پنهان شده است. انسانی آن را یافته آن را پنهان می کند و با شادی می رود و هر آنچه دارد می فروشد و این مزرعه را می خرد.<sup>۴۵</sup> باز ملکوت آسمان ها مانند فروشنده ای است که مرواریدهای زیبا می جوید.<sup>۴۶</sup> چون مروارید بسیار گرانبهایی یافت، رفته هر چه داشته فروخت و آن را خرید<sup>w</sup>.

امت ۲:۴

### تور ماهیگیری

<sup>۴۷</sup> «باز ملکوت آسمان ها مانند تور ماهیگیری است که به دریا افکنده شده

w- این دو مثل را بدون توجه به اوضاع و شرایط مربوطه به چند طریق می توان تفسیر کرد: ارزش گنج و مروارید، خوشحالی از کشف آن، لزوم فروختن همه چیز، موضوع آنچه پنهان بوده و کشف شده مهمترین نکته است و با شادی بیان می شود ولی در آغاز و پایان این مثل ها دو تهدید وحشتناک ذکر شده (۵۰:۴۲، ۱۳) که با شادی مذکور تناقض دارد و مثل ها را به صورت پند و موعظه ای در آورده که توصیه می کند همه چیز را بفروشند و به این شادی نائل شوند.

x- این مثل (۴۷:۱۳-۴۸) مانند مثل تلخه تأکید می کند که اشخاص شریر و مردمان نیکوکار تا زمان آخر با یکدیگر خواهند بود؛ ولی برعکس در مورد صبر تأکید نشده (شاگردان دخالتی نکرده اند) بلکه تأکید در مورد تهدیدی است که نسبت به امور بی ارزش می باشد.

y- این توضیح که مثل را به صورت تمثیل درمی آورد با همان کلماتی بیان شده که در توضیح مثل تلخه آمده است (۴۰:۱۳-۴۳) و در حالی که فقط سرنوشت اشخاص شریر را یادآوری می کند در مورد جنبه تهدید آمیز این مثل نیز تأکید می نماید به همان گونه که در ۲۴:۷-۲۷ دعوت می شود تعلیمات عیسی را جدی تلقی نمایند. ضمناً مثل های گنج و مروارید را کامل کرده و توصیه می کند به جای گریه، شادی را انتخاب کنند.

z- در مورد اهمیت کلمه «فهمیدن» در انجیل متی ر. ک ۱۰:۱۵ توضیح n.

a- منظور از این کاتب که آگاه به ملکوت است ممکن است هر شنونده ای باشد که آموزش عیسی را فهمیده است (پذیرفتن این موضوع مستلزم آن است که تصور شود متی مخصوصاً به شنوندگان باسوادی خطاب می نماید که نوشته های مقدس را خوانده و بررسی کرده اند)، امکان دارد منظور از کاتب آگاه خود انجیل نگار است (در این صورت چنین برمی آید که نویسنده نخستین انجیل کاتبی بوده که مسیحی شده است). منظور از گنجینه ممکن است آموزش سنتی کاتبان یهودی باشد که به وسیله ایمان به مسیح تجدید شده است، یا افکار و نظریات مندرج در عهدعتیق است که کاتب مسیحی آنها را به صورت «تحقق یافته» ارائه کرده یا آموزش عیسی می باشد که در زمان نگارش انجیل کهنه شده و انجیل نگار آنها را به عنوان منبع مطالب کهن و جدید به جامعه خود ارائه و تفهیم می کند.

## عیسی رانده از ناصره

(مرقس ۶: ۱-۶؛ لوقا ۴: ۱۶-۲۴)

۵۳ پس چون عیسی این مثل ها را به پایان رسانید از آنجا نقل مکان کرد ۵۴ و به موطن<sup>b</sup> خود آمده به ایشان در کنیسه هایشان آموزش می داد به طوری که حیرت کرده می گفتند: «این حکمت و اعمال مقتدرانه از کجا به او می رسد؟ ۵۵ آیا او پسر آن نجار نیست؟ آیا مادرش مریم نامیده نمی شود؟ و برادرانش<sup>c</sup> یعقوب و یوسف و شمعون و یهوذا؟ ۵۶ و آیا خواهرانش همگی نزد ما نیستند؟ پس همه اینها از کجا به او می رسد؟» ۵۷ و درباره او دچار لغزش می شدند<sup>d</sup> ولی عیسی به ایشان گفت: «به هیچ پیامبری بی احترامی نمی شود مگر در موطن و خانه خود<sup>e</sup>». ۵۸

۱:۱۱:۲۸:۷  
۱:۲۶:۱:۱۹  
لوقا ۱:۷

یو:۱۵:۷

لوقا:۲۳:۳  
یو:۴۲:۶

۱۱:۶:۲۶:۳۱

## قتل یحیی تعمید دهنده

(مرقس ۶: ۱۴-۲۹؛

لوقا ۹: ۷-۹؛ ۳: ۱۹-۲۰)

۱۴ در آن وقت هیروдіس تیتارک<sup>g</sup> درباره عیسی شنید. ۲ و به اطرافیان خود گفت: «این یحیی تعمید دهنده است! از میان مردگان قیام کرده و برای همین قدرتها در او عمل می کنند<sup>h</sup>». ۳ درواقع هیروдіس به خاطر هیروдіا، زن برادرش فیلیپس<sup>i</sup> یحیی را بازداشت کرده او را در بند نموده به زندان افکنده بود. ۴ زیرا یحیی به او می گفت: «برای تو جایز نیست او را داشته باشی<sup>j</sup>». ۵ و با این که

۱۱:۲:۲  
یو:۲۴:۳  
لوقا:۱۶:۱۸

b- موطن، کلمه ای که در زبان یونانی به کار برده شده به مفهوم مجموعه سرزمینهای پدران است (۲-مک:۸:۲۱؛ یو:۴:۴۴) یا چنان که در اینجا به کار برده شده موطن اصلی یعنی شهر یا دهکده ای که خانواده در آن اقامت گزیده است. لوقا ۱۶-۲۴ این نکته را در آغاز کتاب خود قرار داده تا آن را به صورت روایتی نمونه در آورد. در مورد نام ناصره ر. ک ۲۳:۲ توضیح a.

c- در مورد کلمه «برادران» ر. ک ۴۶:۱۲ توضیح i.  
d- ر. ک ۲۹:۵ توضیح e.

e- چنین به نظر می رسد که عیسی ضرب المثل یا قسمتی از نوشته های مقدس را نقل می نماید (ر. ک لوقا:۴:۲۴؛ یو:۴:۴۴) ولی هیچیک از این دو فرضیه اثبات نشده است. اگر این عبارت ضرب المثل باشد چنین نتیجه گرفته می شود که عیسی به اندازه ای انسان عادی است که از قانون روان شناسی که به تجربه ثابت شده یعنی «هیچ کس در موطن خود پیامبر نیست» بر کنار نمی باشد.

f- بی ایمانی فقط قسمتی از قدرت معجزه عیسی را (برخلاف مر:۵:۶) با عدم موفقیت مواجه می سازد (ر. ک ۲:۱۴).

g- هیروдіس آنتیپاس پسر هیروдіس کبیر و مالتاکه و برادر آرکلائوس می باشد. وی پس از مرگ پدرش فرمانروایی بر جلیل و پره را به عنوان میراث خود دریافت کرد. ر. ک لوقا ۷:۲۳، ۱۲. [تیتارک عنوان فرماندهان نواحی متصرفی از سوی روم که به چهار بخش تقسیم شده بود و هر بخش بر عهده یک فرمانده بود (از تترا=۴)].

h- تحت اللفظی: معجزه ها در او عمل می کنند. متی با ذکر مرگ یحیی (۳:۴-۱۲) و سخنی درباره عیسی که ممکن است او یحیی باشد که از مرگ برخاسته (۲:۱۴) شاید می خواهد آغاز قسمت دوم انجیل را که مربوط به مرگ و رستاخیز عیسی است اعلام نماید (۱:۱۴-۲۰:۲۸) ولی در حقیقت قسمت دوم انجیل از ۲۱:۱۶ آغاز می گردد.

i- هیروдіا، دختر آریستوبول و برنیکی و زوجه هیروдіس فیلیپس بوده است (ابن شخص را نباید با هیروдіس تیتارک که از سوی رومیان حکمران بود اشتباه گرفت). هیروдіا بعداً به طریق غیرشرعی به ازدواج هیروдіس آنتیپاس درآمد. دخترش، سالومه با هیروдіس فیلیپس حکمران رومی ازدواج کرد.

j- قوانین یهود ازدواج بین بستگان نزدیک را منع می کرد (لاو ۲۰:۲۱). هیروдіس آنتیپاس برای ازدواج با دختر برادرش، همسر قبلی خود را که دختر حارث پادشاه نبطیه بود طلاق داده بود.

۹:۱۱؛ ۲۶:۲۱؛  
لو: ۷:۲۶؛ ۱۶:۷

می خواست او را بکشد از جمعیت می ترسید، چون او را پیامبر می دانستند.<sup>k</sup> چون سالروز تولد هیروдіس شد، دختر هیروдіا در میان رقصید و هیروдіس را خوش آمد. <sup>l</sup> لذا با سوگند متعهد شد آنچه را بخواهد به او بدهد. <sup>m</sup> او تحت تأثیر مادرش گفت: «در اینجا سر یحیی تعمید دهنده را بر روی یک سینی به من بده.» <sup>n</sup> پادشاه<sup>۱</sup> هر چند غمگین شد به علت سوگندهایش و میهمانان دستور داد آن را به او بدهند. <sup>o</sup> او فرستاد تا سر یحیی را در زندان ببرند. <sup>p</sup> سرش بر روی سینی آورده و به دختر جوان دادند که برای مادرش برد. <sup>q</sup> و شاگردانش پیش آمده جسد را برداشته دفن کردند و سپس آمده به عیسی خبر دادند.<sup>m</sup>

**عیسی پنج هزار مرد را خوراک می دهد**

(مرقس ۶: ۳۰-۴۴؛ لوقا ۹: ۱۰-۱۷؛ یوحنا ۶: ۱-۱۵)

<sup>۱۳</sup> عیسی این را شنیده<sup>n</sup> از آنجا با قایق، جدا به سوی صحرا کناره گرفت و جماعت که آن را شنیده بودند از شهرهای مختلف پیاده به دنبالش آمدند.<sup>o</sup> <sup>۱۴</sup> و چون بیرون آمد<sup>p</sup> جمعیت بسیاری را دید و بر آنان ترحم نمود و دردمندان را شفا داد.<sup>q</sup> <sup>۱۵</sup> چون شب فرا رسید<sup>r</sup> شاگردان نزد او آمده گفتند: «اینجا صحرا است و هم اکنون وقت گذشته است، پس جماعت را روانه کن تا به روستاها رفته برای خود خوراکی بخرند.» <sup>۱۶</sup> عیسی به ایشان گفت: «احتیاجی به رفتن ندارند، خودتان چیزی به ایشان بدهید تا بخورند.» <sup>۱۷</sup> به او گفتند: «در اینجا غیر از پنج نان و دو ماهی <sup>۱۸</sup> چیزی نداریم.» <sup>۱۹</sup> گفت: «آنها را اینجا نزد من بیاورید.» <sup>۲۰</sup> و پس از آن که به جماعت دستور داد بر روی سبزه زار دراز بکشند<sup>s</sup>، پنج نان و دو ماهی را گرفته به

k- ر. ک مر ۶: ۱۵. در مورد واهمه ای که رؤسا از قوم دارند ر. ک مت ۲۶: ۲۱، ۴۶.

l- در حقیقت هیروдіس فقط تیتاراک بود نه پادشاه (۱: ۱۴).

m- کلماتی که در پایان این قسمت آمده مختص روایت متی می باشد و برای ارتباط آن با روایت بعدی است (ر. ک ۱۳: ۱۴).

n- همان گونه که عیسی پس از شنیدن اینکه یحیی تعمید دهنده را به زندان افکنده اند (مت ۴: ۱۲) از آن محل دور شد، وقتی از مرگ پیشگام که پیش بینی مرگ خودش بود اطلاع یافت دور شده به جایی دیگر رفت: زیرا هنوز زمان فرا نرسیده بود تا با فجایع، شکنجه ها و مرگ خود روبرو شود (ر. ک مت ۲۱: ۱۵؛ ۲۶: ۱۶؛ ۲۷: ۴۰؛ ۲۸: ۵۹؛ ۲۹: ۵۴).

o- یعنی در کناره دریاچه پیش می رفتند و قایقی را که عیسی بر آن سوار شده بود با نگاه تعقیب می کردند.

p- تحت اللفظی: از آنجا خارج شده. «ترحم نمود»، ر. ک ۳۶: ۹؛ ۳۰: ۱۵؛ ۳۲.

q- بنا بر آنچه متی نوشته عیسی مطالب زیادی تعلیم نمی دهد (مر ۶: ۳۴) و از ملکوت هم سخنی نمی گوید (لو: ۹: ۱۱) ولی در انجیل متی خیلی روشن تر از انجیل لوقا و مخصوصاً انجیل مرقس ذکر شده است (مر ۸: ۳۴ = لو: ۹: ۲۳؛ مر ۱۰: ۱) که عیسی از این تاریخ به بعد منحصرأ به آموزش کسانی می پردازد که به دنبال او می آیند (۱۴: ۱۳-۲۰).

r- ر. ک مر ۳۵: ۳ توضیح I.

s- ر. ک مر ۱۴: ۲۲؛ ۲۳: ۶؛ ۲۷: ۳۵. «به سوی آسمان نگر بسته»، ر. ک ۱۱: ۴۱. «دعای برکت خواند»، ر. ک ۶: ۲۶؛

مر ۷: ۸؛ «پاره کرد» یا «تقسیم کرد»، ر. ک اع ۲۴: ۲.

به تنهایی به کوه بالا رفت. شب رسیده وی لو ۲۸:۹:۱۲:۶  
در آنجا تنها می بود. <sup>۲۴</sup> قایق، در این موقع  
چندین استاد<sup>۷</sup> از خشکی دور شده تماماً  
درگیر امواج بود زیرا باد مخالف می بود.  
<sup>۲۵</sup> در پاس چهارم شب<sup>۷</sup> بر روی دریا راه  
رفته نزد ایشان آمد. <sup>۲۶</sup> شاگردان چون او را  
دیدند که بر دریا پیش می آید ترسان شده  
می گفتند: «شبحی است» و از ترس فریاد لو ۳۷:۲۴  
برآوردند. <sup>۲۷</sup> ولی همان دم [عیسی] به سخن  
درآمده به ایشان گفت: «شجاعت! من  
هستم، مترسید.» <sup>۲۸</sup> پطرس<sup>۸</sup> در پاسخ به او  
گفت: «خداوند! اگر تو هستی دستور بده  
که بر آبها نزد تو بیایم.» <sup>۲۹</sup> گفت: «بیا!»  
و پطرس از قایق پایین آمده، بر آبها راه یو ۷:۲۱

سوی آسمان نگریست و دعای برکت  
خواند، نانها را پاره کرده آنها را به  
شاگردان داد و شاگردان به جماعت<sup>۹</sup>. <sup>۲۰</sup> و  
همه خوردند و سیر شدند<sup>۱۰</sup> و پاره های  
مانده<sup>۱۱</sup> را که دوازده سبد<sup>۱۲</sup> پُر می شد  
برداشتند. <sup>۲۱</sup> آنان که خوردند در حدود پنج  
هزار نفر، بدون زنان و کودکان بودند.

### عیسی بر روی دریا راه می رود

(مرقس ۶:۴۵-۵۲؛ یوحنا ۶:۱۶-۲۱)

<sup>۲۲</sup> و همان دم شاگردانش را ملزم کرد<sup>x</sup>  
سوار قایق شده و در مدتی که او جماعت را  
روانه می کند به سوی کرانه دیگر بروند.  
<sup>۲۳</sup> و چون جماعت را روانه کرد برای نیایش

t- متی روایت خود را به صورت ترتیب شام آخر (۲۶:۲۶) در آورده و در این امر خیلی بیشتر از لوقا و مخصوصاً مرقس عمل کرده  
است. در ذیل، عبارات و کلمات این روایت (باب ۱۴) با ترتیب شام آخر در باب ۲۶ مقایسه می شود:

مت ۲۶

عیسی نان را گرفت

و ...

دعای برکت خوانده

آن را پاره کرد،

سپس

آن را به شاگردان داده

مت ۱۴

او پنج نان را گرفت

و ... و ...

دعای برکت خواند،

سپس

نانها را پاره کرده

آنها را به شاگردان داد

به علاوه متی بیشتر توجه را تنها به نانها معطوف ساخته است که پاره شده، توزیع گردیده و جمع آوری شده اند.

u- شاید دو کلمه «خوردن» و «سیر شدن» (خروج ۱۶:۱۲) اشاره به خوراکی باشد (ر. ک مز ۷۸:۲۹؛ یو ۶) که در صحرا به قوم  
بنی اسرائیل داده شده بود (خروج ۱۶:۴؛ ر. ک ۱۶:۱۳).

v- این مطلب در معجزه الیشع ذکر شده (۲-پاد ۴۲:۴۴) و در آنجا خادم پیامبر نقشی نظیر نقش شاگردان عیسی برعهده دارد.

w- شاید این رقم اشاره به تعداد شاگردانی است که عیسی برگزیده و به آنان می آموزد تا به توده مردم گرسنه نان بدهند  
(ر. ک ۱۰:۱-۵، ۱۱:۱-۵، ۱۹:۲۸؛ ۲۰:۱۷؛ ۲۶:۲۰). در مورد سبدها ر. ک مر ۶:۴۳ توضیح y.

x- این نکته مایه تعجب است به این معنی که به نظر می رسد عیسی می خواهد به شور و شوق شاگردان که در یو ۶:۱۵ یادآوری  
شده خاتمه دهد.

y- استاد واحد طول رومی و برابر ۱۸۵ متر بوده است. در بعضی نسخه ها آمده است: قایق در وسط دریا بود. لازم به یادآوری  
است عرض دریاچه ۱۲ کیلومتر می باشد. «از خشکی»، تحت اللفظی: «از زمین». «درگیر امواج بود»، تحت اللفظی: «از  
امواج در عذاب بود.»

z- یعنی چهارمین و آخرین قسمت شب.

a- در انجیل متی سه واقعه ذکر شده است که اختصاصاً مربوط به پطرس می باشد: یکی این واقعه است، دیگری مت ۱۶:۱۳-۲۰  
(که در بخش بیان ایمان پطرس در قیصریه منظور شده) و بالاخره مت ۲۴:۱۷-۲۷ (موضوع پرداخت عشریه ای که یهودیان به  
معبد می پرداختند). از این پس توده مردمان مورد توجه نبوده و توجه معطوف به شاگردان می باشد (ر. ک مت ۱۴:۱۴ توضیح

q) و در میان آنان پطرس مورد توجه است که هم به سبب شک و تردیدش و هم از نظر ایمان، نمونه شاگردان می باشد.

بودند نزد وی آوردند. <sup>۳۶</sup> و از او درخواست می کردند فقط بگذارد حاشیه ردایش <sup>e</sup> را لمس کنند و همه کسانی که آن را لمس کردند کاملاً نجات یافتند <sup>f</sup>.

### مجادله درباره سنت (مرقس ۷: ۱-۱۳)

آن گاه فریسیان و کاتبانی <sup>g</sup> از اورشلیم نزد عیسی آمده گفتند:

«چرا شاگردان تو از سنت مشایخ <sup>h</sup> تخلف می کنند، زیرا وقتی غذا می خورند دستهای خود را نمی شویند <sup>i</sup>». <sup>۳</sup> در پاسخ به ایشان <sup>۳۸: ۱۱</sup> گفت: «و شما چرا به خاطر سنت خودتان از حکم خدا تخلف می کنید؟ <sup>۴</sup> زیرا خدا

گفته است: "به پدر و مادرت احترام <sup>۱۹: ۱۹</sup> بگذار" و "آن کس که از پدر یا مادر <sup>۱۰: ۱۹</sup> افس <sup>۲: ۶</sup>

رفته نزد عیسی آمد. <sup>۳۰</sup> ولی با دیدن باد <sup>b</sup> ترسید و چون شروع به فرو رفتن می کرد فریاد کشید: «خداوندا! مرا نجاتم ده.» <sup>۳۱</sup> همان دم عیسی دست را دراز کرده او را گرفت و به او گفت: «ای کم ایمان! چرا شک کردی؟» <sup>۲۶: ۸</sup> و چون سوار قایق شدند باد فرو نشست. <sup>۳۹: ۴</sup> کسانی که در قایق می بودند در برابر او سجده کرده گفتند: «به راستی تو پسر خدایی <sup>c</sup>!»

۶۳: ۲۶؛ ۱۶: ۱۶  
۵۴: ۲۷  
۳۹: ۱۵؛ ۶۱: ۱۴  
لو ۷۰: ۲۲؛ یو ۱: ۴۹

### شفا در جنیسارت (مرقس ۶: ۵۳-۵۶)

و پس از عبور از دریا در جنیسارت <sup>d</sup> به خشکی درآمدند. <sup>۳۵</sup> و اهالی آن محل با شناختن او فرستاده تمام آن مرز و بوم را خبردار کردند و تمام کسانی را که بدحال

b- در نسخه دیگری آمده است: باد شدیدی دید. «دیدن»، تحت اللفظی: «نگریستن».

c- این اظهارات که لحن کلمات آیین نیایش دارند (نظیر فریاد پطرس در ۳۰: ۱۴) در انجیل مرقس و انجیل یوحنا ذکر نشده است. احتمالاً بایستی آن را به واقعه نجات پطرس از دریا مربوط دانست: به این معنی که چون عیسی پسر خداست کسانی را که در قایق هستند و به نظر متی نماد کلیسا می باشند (ر. ک مت ۲۳: ۸-۲۷) از ورطه مرگ و هاویه بیرون می کشد (ر. ک مز ۱۷: ۱۸؛ ۱۷: ۳۲؛ ۶: ۳۲؛ ۷: ۱۴۴؛ اش ۴۳: ۲).

d- همچنین می توان ترجمه کرد: به سوی جنیسارت. این محل در ساحل راست دریاچه، بین مجدل و کفرناحوم قرار دارد (مر ۵۳: ۶؛ لو ۱: ۵).

e- در مورد حاشیه ردا، ر. ک ۲۰: ۹ توضیح k.

f- در انجیلها اکثراً برای مفاهیم نجات و شفا یافتن یک کلمه به کار برده شده است (ر. ک ۲۲: ۹).

g- «فریسیان و کاتبان.» متی اکثراً این دو گروه از یهودیان را در مخالفت با عیسی شریک قلمداد می کند (۵: ۲۰؛ ۲۰: ۱۲؛ ۲۳: ۷-۲۳)، همچنین کاتبان را با سران قوم یا کاهنان بزرگ شریک می داند (۱۶: ۲۱؛ ۲۱: ۱۵). و انگهی اغلب کاتبان، مخصوصاً پس از ویرانی معبد، مقارن زمانی که نسخه نهائی انجیل متی نگارش می یافت جزو فرقه فریسیان بودند. البته متی همواره از کاتبان انتقاد نکرده است (۸: ۱۹؛ ۱۳: ۵۲؛ ۲۳: ۲، ۳۴).

h- «سنت مشایخ»، مجموعه تفسیرها درباره تورات که در مدارس ربی ها به طور شفاهی تدریس می شد و بعدها در رساله میشنا و سپس در تلمود ثبت گردید. این مطالب در مر ۷: ۸ «سنت انسانها» نامیده شده یا در مر ۷: ۹، ۱۳ و مت ۶: ۱۵، ۳: ۱۵ سنت شما خوانده شده و یوسفوس «سنت پدران» نامیده است.

i- شستن دست ها قبل و بعد از صرف غذا احتمالاً جزو مقررات آئین مذهبی کهن اسرائیل بوده است (خروج ۳۰: ۱۸-۲۱؛ تث ۲۱: ۶). اجرای این دستور بدو به کاهنان معبد اختصاص داشت. بعدها در دوران عیسی، بر اثر نفوذ عقاید پرهیزکارانه فریسیان به کلیه ایمانداران تعمیم یافت. افراد فرقه قمران به جای این عمل تمام بدن خود را در حوض هایی می شستند که آثار آنها کشف شده است. نظر به اینکه مرقس (۷: ۳-۴) مطالب خود را به کسانی خطاب می کند که کمتر با این رسوم آشنایی دارند لازم دیده آنها را برای شنوندگان خود تشریح نماید.

### پاکی و ناپاکی (مرقس ۷: ۱۴-۲۳)

۱۰ و جماعت را به سوی خود خوانده به ایشان گفت: «گوش کنید و بفهمید».<sup>n</sup>  
 ۱۱ نه آنچه به دهان وارد می شود انسان را آلوده می کند<sup>o</sup> بلکه آنچه از دهان برمی آید این است که انسان را آلوده می سازد.  
 ۱۲ آنگاه شاگردان پیش آمده به او گفتند: «آیا می دانی که با شنیدن این سخن فریسیان دچار لغزش می شوند؟»<sup>p</sup> ۱۳ در پاسخ گفت: «هر کاشتنی که پدر آسمانی یو ۲: ۱۵ من نکاشته است<sup>q</sup> ریشه کن خواهد شد.  
 ۱۴ ایشان را واگذارید. اینان کورانی ۲۴: ۲۳، ۱۶: ۲۳، ۳۹: ۶، ۱۹: ۲ روم را هنمای کورانند. و البته اگر کوری را هنمای کوری باشد هر دو در گودالی

بدگویی می کند گرفتار مرگ شود.<sup>۵</sup> اما شما می گوید: "هر کسی به پدر یا مادرش بگوید: هر بهره ای که می توانستی از من ببری همان قربانی<sup>k</sup> است." ۶ او موظف به احترام پدر یا مادرش<sup>l</sup> نخواهد بود و شما سخن خدا را به خاطر سنت خود باطل کرده اید. ۷ ای ریاکاران<sup>m</sup>! اشعیا چه خوب در مورد شما پیامبری کرده است وقتی می گوید:

اش ۲۹: ۱۳ این قوم مرا به زبان احترام می کند ولی قلبشان از من بسیار دور است.

۹ بیهوده مرا عبادت می کنند زیرا آموزشهایی که می دهند احکام انسانها است.»

- j- نقل قول ها از خروج ۱۲: ۲۰؛ تث ۱۶: ۵ و خروج ۱۷: ۲۱ (ر. ک لاو ۲۰: ۹) می باشد.  
 k- قربانی، هدیه ای که به خدا (حزق ۲۸: ۲۰) و بعدها به خزانه معبد پرداخت می شده است (مت ۲۷: ۶). به این طریق که جنبه شرعی و حقوقی دارد یهودیان پولی را که بایستی برای امرار معاش والدین پیر یا فقیر خود مصرف نمایند به خدا تخصیص می دادند ولی با توجه به اینکه حس وابستگی خانوادگی در بین یهودیان خیلی شدید است اجرای این مقررات از دوران پیش از آمدن عیسی موجب انتقادهای شدید شده بود.  
 l- در بعضی نسخه ها «یا مادرش» حذف شده است.  
 m- در مورد ریاکاران ر. ک ۲: ۶ توضیح v.  
 n- فعل فهمیدن در انجیل متی اهمیت خاصی دارد. در حضور عیسی، در برابر اسرار ملکوت و به سؤالات روشن و قاطعی که نظیر این مورد مطرح می شود بایستی گوش فرا داد و آنها را دریافت (۱۳: ۱۳، ۱۴، ۵۱: ۱۶، ۱۲: ۱۶). این فهمیدن بر اثر توجهی به دست می آید که نسبت به آموزش عیسی مبذول می گردد و تعهد به تبعیت از آموزشهای جدیدی است که در اینجا موضوع آن درباره پاکی است.  
 o- آلوده می کند یعنی ناپاک می سازد. از تعلیم درباره وضو و شست و شو (آیات ۱-۹) به بررسی مسئله کلی تر طاهر و نجس پرداخته می شود. این موضوع که در زمان عیسی در بین یهودیان فلسطین نقش مهمی داشته است (ر. ک لاو ۱۱-۱۶) فقط در اینجا و در مر ۷: ۱۴-۲۳ ذکر شده است. آیات ۱۲-۱۴ که مختص انجیل متی است احتمالاً در ابتدا مربوط به این روایت نبوده و انعکاس آنها را در لو ۳۹: ۶ می توان یافت. عیسی در مقابل یهودیان که به ملاحظات شرعی سعی می کردند آدمی را از نجاساتی که از بیرون می آید حفظ کنند نظریه تازه ای عرضه می کند: بدی در خود انسان است و آن چیزی که او را نجس می سازد، همان است که بر ضد برادر خود می گوید (آیه ۱۸) یا انجام می دهد (آیه ۱۹)، بنابراین پاکی شخص در ارتباط با دیگران آشکار می شود (ر. ک اع ۱: ۹-۲۸، ۱۶: ۲۸؛ روم ۱۴: ۱۴، ۲۰؛ افس ۲۹: ۴؛ یع ۳: ۶؛ لو ۸: ۴۴ توضیح n).  
 p- دچار لغزش شدند. ر. ک ۲۹: ۵ توضیح e.  
 q- این موضوع که خدا درخت می کارد در عهد عتیق با تصاویر درخت مو شرح داده شده است (اش ۱: ۵-۷؛ حزق ۱۰: ۱۹-۱۴؛ هو ۱: ۱۰) همچنین ذکر شده که خدا برای شکوه خود درخت می کارد (اش ۶۰: ۲۰-۲۲؛ ۶۱: ۳-۱). این نکته نقش مهمی در عقاید فرقه قمران داشته چنانکه در مقررات آن فرقه ذکر شده بود: هنگامی که این چیزها در اسرائیل روی دهد شورای جمعیت به عنوان درختان جاویدان در راستی استوار خواهد شد.

کنعانی<sup>u</sup> از این قلمرو بیرون آمده فریاد می زد: «خداوند! ای پسر داود! بر من رحم کن، دخترم از دیوی به سختی رنج می برد.»<sup>۳۱</sup>  
 ۲۳ به او یک کلمه جواب نداد و شاگردانش پیش آمده از او تقاضا کرده می گفتند: «او را روانه کن<sup>v</sup>! زیرا پشت سر ما فریاد می زند.»<sup>۲۴</sup> در پاسخ گفت: «من جز برای گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل فرستاده نشده ام<sup>w</sup>.»<sup>۲۵</sup> اما او آمده در برابرش سجده کرده می گفت: «خداوند! به من کمک کن.»<sup>۲۶</sup> در پاسخ گفت: «خوب نیست که نان فرزندان را گرفته جلوی توله سگان انداخت.»<sup>۲۷</sup> او گفت: «آری<sup>x</sup> ای خداوند! اما البته توله سگان خرده لو<sup>۲۱:۱۶</sup> نانهای را که از سفره خداوندشان می افتد می خورند.»<sup>۲۸</sup> آنگاه عیسی به سخن درآمد گفت: «ای زن! ایمان تو عظیم<sup>۱۰:۸</sup> است! آنچه می خواهی برای تو انجام شود!»<sup>۲۹:۹:۱۳:۸</sup> و دخترش از آن ساعت شفا یافت.

خواهند افتاد.»<sup>۱۵</sup> بطرس شروع به سخن کرده به او گفت: «این مثل<sup>r</sup> را برای ما توضیح بده.»<sup>۱۶</sup> او گفت: «آیا هنوز شما نیز بی ادراک هستید؟<sup>۱۷</sup> آیا درک نمی کنید هر چه به دهان وارد می شود از شکم گذشته به مبرز افکنده می شود؟<sup>۱۸</sup> ولی آنچه از دهان خارج می شود از قلب برمی آید و این است که انسان را آلوده می کند.<sup>۱۹</sup> زیرا استدلال های شریر، قتل ها، زناها، روسپی گریها، دزدیها، شهادتهای دروغ، کفرگوییها<sup>s</sup> از قلب بیرون می آید.<sup>۲۰</sup> این است که انسان را آلوده می کند، ولی غذا خوردن با دستهایی ناشسته انسان را آلوده نمی کند.»

### ایمان زن کنعانی

(مرقس ۷:۲۴-۳۰)

<sup>۲۱</sup> و عیسی از آنجا بیرون شده به ناحیه صور و صیدون<sup>t</sup> رفت. <sup>۲۲</sup> و اینک زنی

r. ک. مر ۱۷:۷ توضیح a.

s- این گونه «فهرست رذالت ها» یا «فضایل» در آموزشهای فلسفی معمول آن دوران و در بین یهودیان رواج داشت و در عهد جدید از این فهرست ها فراوان آمده است (مثلاً روم ۱:۲۹-۳۰؛ غلا ۵:۱۹-۲۳؛ ۱-پط ۴:۳). البته بایستی توجه داشت کلیه این امور خلاف، به عنوان فساد که آثار آنها متوجه شخص باشد در نظر گرفته نشده اند بلکه به عنوان بدی بر ضد دیگران.

t- عبارت «صور و صیدون» که در اینجا و در ۲۱:۱۱ به کار برده شده از نظر علم خداشناسی نیز ارزشمند می باشد زیرا به مفهوم ملت های مشرک است و در بعضی اوضاع و احوال که در روایت ذکر شده از رسالت عیسی بهره مند خواهند شد.

u- کنعانیان. فیثقیان خود را به نام کنعانی می خواندند. اصولاً در طول تاریخ مناطق مختلفی که کاملاً مشخص نمی باشند به نام کنعان خوانده شده اند مثلاً: سرزمین موعودی که اسرائیلیان کهن اشغال کردند یا قبایل بومی که پیش از ورود اسرائیل در این سرزمین به سر می بردند و بالاخره سرزمین فیثقیه که در دوران عیسی کنعان نامیده می شد. به هر صورت از محتوای این متن بر می آید که این زن مشرک بوده ولی این موضوع مانع از آن نبوده که سخنانی درباره عیسی شنیده باشد.

v- این جمله را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «درباره اش لطف کن» که البته چندان ترجمه خوبی نیست.

w- پاسخ عیسی در این مورد انعکاس دستوری است که در ۶:۱۰ داده شده است، عیسی با مقاومت اولیه خود در برابر تقاضای این زن می خواهد ایمان او را عمیق تر سازد یا اینکه واقعاً خود را فرستاده ای می داند که در درجه اول به قوم اسرائیل خدمت نماید و هنگامی که در پایان امر درخواست زن مشرک را استثنائاً اجابت می کند به این وسیله اعلام می نماید که مشرکان هم پس از مرگ و رستخیز او دسترسی به نجات خواهند داشت. تعداد زیادی از متون انجیل متی تفسیر اخیر را تأیید می کنند (مثلاً ۵:۸-۱۳:۲۱-۳۳:۴۴-۲۸:۱۶-۲۰). منظور از اصطلاح گوسفند گمشده خاندان اسرائیل ممکن است تمامی قوم اسرائیل (ر. ک. ۵:۱۰-۶) یا گناهکاران قوم اسرائیل باشد (ر. ک. ۱۲:۱۸-۱۴).

x- این کلمه را می توان «خواهش می کنم» ترجمه کرد (ر. ک. فی ۳:۴؛ فیل ۲۰). در این صورت آن زن تقدم قوم اسرائیل را در دسترسی و رستگاری نپذیرفته و مجدداً تقاضای خود را تکرار می کند و بنابراین مفهوم روایت به کلی تغییر می نماید.



## شفا یافتن در کنار دریاچه

(مرقس ۷:۳۱)

<sup>۲۹</sup> و عیسی آنجا را ترک کرده به کرانه دریای جلیل آمد و به کوه بالا رفته در آنجا نشست. <sup>۳۰</sup> و جماعت بسیاری به سوی او آمده و لنگان، علیلان، کوران، لالان و بسیاری دیگر را با خود داشتند و آنان را به پاهای او انداختند و آنان را شفا داد. <sup>۳۱</sup> بطوری که جماعت شگفت زده می بودند چون می دیدند لالان حرف می زنند، علیلان بهبود می یابند، لنگان راه می روند و کوران می بینند<sup>۱</sup> و خدای اسرائیل را تجلیل کردند.

عیسی به چهار هزار مرد غذا می دهد

(مرقس ۸:۱-۱۰؛ متی ۱۴:۱۳-۲۱)

<sup>۳۲</sup> عیسی شاگردانش را نزد خود فراخوانده گفت: «برای این جماعت به رحم آمده ام زیرا اکنون سه روز است که نزد من مانده اند و چیزی برای خوردن ندارند و نمی خواهم آنان را روزه دار روانه کنم مبدا در راه ضعف کنند<sup>۲</sup>». <sup>۳۳</sup> و شاگردان به او می گویند: «چگونه می توانیم در صحرا نان

کافی داشته باشیم تا چنین جمعیتی را سیر کنیم؟» <sup>۳۴</sup> و عیسی به ایشان گفت: «چند تا نان دارید؟» گفتند: «هفت و چند ماهی کوچک». <sup>۳۵</sup> و پس از آن که به جمعیت دستور داد بر روی زمین دراز بکشند، <sup>۳۶</sup> هفت نان و ماهی ها را گرفت و به شکرگزاری کرده آنها را پاره کرد و به شاگردانش می داد و شاگردان به جماعت. <sup>۳۸</sup> و همگی خوردند و سیر شدند و پاره هائی که مانده بود جمع کردند: هفت<sup>a</sup> سبد پر! <sup>۳۸</sup> باری آنان که خوردند، بدون حساب زنان و کودکان، چهار هزار مرد بودند. <sup>۳۹</sup> و پس از روانه کردن جماعت سوار قایق شده به قلمرو مجدل<sup>b</sup> آمد.

## نشانه های زمان

(مرقس ۸:۱۱-۱۳؛ متی ۱۲:۳۸-۳۹)

لوقا ۱۱:۱۶؛ ۱۲:۵۴-۵۶)

<sup>۱۶</sup> و فریسیان و صدوقیان پیش آمده برای اینکه او را به تجربه بگذرانند <sup>۱۹:۳</sup> از او درخواست کردند نشانه ای از آسمان<sup>c</sup> نازل شده به ایشان نشان دهد. <sup>۲</sup> وی در پاسخ آنان گفت: «شامگاه که رسید

Y- ر. ک مت ۴:۱۱-۵. «چون می دیدند»، تحت اللفظی: «چون می نگرستند».

Z- این دومین روایت درباره ازدیاد نانها است و چند تفاوت با روایت اولی دارد. در این روایت بیشتر در مورد ترحم عیسی و نیز بر گرسنگی توده مردم تأکید شده است. در اینجا عیسی ابتکار عمل را دارد و دستور می دهد مردم بنشینند. ضمناً روش نگارش این روایت کمتر تحت تأثیر آیین سپاسگزاری است (از جمله دو بار از ماهی ها یاد شده) گرچه در ۳۶:۱۵ فعل یونانی eucharistein که به معنی سپاسگزاری می باشد به کار رفته است (ر. ک ۱-قرن ۲۴:۱۱). بعضی از منتقدان تصور می کنند این روایت در محیط یونانی گرایان نوشته شده است، ر. ک ۲۰:۱۴ توضیح W.

a- هفت. این رقم احتمالاً نمادی است تا تأکید شود معجزه کامل و بی نقص می باشد و بعضی تصور می کنند برای یادآوری هفت خادم یونانی تبار است که مأمور خدمت بر سر سفره ها خواهند بود (اع ۲:۶-۶). ر. ک مر ۸:۸ توضیح S.

b- مگدان. نظیر دالمانوتا که در مر ۸:۱۰ ذکر شده محلی نامعلوم می باشد. ضمناً در بعضی از نسخه ها مجدله آمده است.

c- از آسمان. منظور از کلمات اخیر آن نیست که عیسی می تواند نشانه ای در آسمان ارائه نماید بلکه نشانه ای است که از آسمان بیاید یعنی خدا ظاهر کند تا موجب اعتبار عیسی در نظر قوم خود گردد (ر. ک مر ۱۱:۱۱). عیسی نشانه های بسیاری انجام می دهد ولی نه نشانه هایی که یهودیان مطلع انتظار داشتند و می پذیرفتند (ر. ک مثلاً مت ۱۱:۵).

آن را به خاطر نمی آورید؟ پنج نان برای  
 پنج هزار نفر و چند سبد که برده اید؟<sup>۱۰</sup> نه  
 آن هفت نان را برای چهار هزار نفر و چند  
 سبد که برده اید؟<sup>۱۱</sup> چگونه درک  
 نمی کنید؟ در مورد نانها نیست که به شما  
 گفته ام از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان  
 برحذر باشید.»<sup>۱۲</sup> آنگاه فهمیدند که  
 نگفته بود از خمیرمایه نانها برحذر باشند  
 بلکه از آموزش فریسیان و صدوقیان.

می گویند هوا خوب است زیرا آسمان  
 سرخ قام است.<sup>۳</sup> و صبح، امروز هوا  
 طوفانی، زیرا آسمان سرخ و گرفته است.<sup>d</sup>  
 شما می دانید چهره آسمان را نیکوتر  
 تشخیص دهید و نشانه های زمانها<sup>e</sup> را  
 نمی توانید.<sup>۴</sup> نسل شریر و زناکار که  
 نشانه ای می جوید...! و هیچ نشانه ای جز  
 نشانه یونس<sup>f</sup> به او داده نخواهد شد. و  
 آنان را ترک کرده رفت.

لو ۳۹:۱۲  
 ۲۹:۱۱

**پطرس، عیسی را پسر خدا می داند**  
 (مرقس ۸: ۲۷-۳۰؛ لوقا ۹: ۱۸-۲۱)

<sup>۱۳</sup> عیسی به ناحیه قیصریه فیلیپس<sup>h</sup> آمده  
 از شاگردانش سؤال کرده می گفت: «بنا  
 به گفته مردم پسر انسان<sup>i</sup> کیست؟»  
<sup>۴</sup> گفتند: «برای بعضی ها یحیی تعمید  
 دهنده، برای بعضی دیگر الیاس، برای  
 بعضی دیگر ارمیا یا یکی از پیامبران<sup>j</sup>.»  
<sup>۱۵</sup> به آنان گفت: «اما برای شما من  
 کیستم؟»<sup>۱۶</sup> شمعون پطرس به سخن  
 درآمده گفت: «تو مسیح، پسر خدای زنده

**خمیرمایه فریسیان و صدوقیان**  
 (مرقس ۸: ۱۴-۲۱؛ لوقا ۱۲: ۱-۶)

<sup>۵</sup> و چون به کرانه دیگر آمدند،  
 شاگردانش فراموش کردند نان بیاورند.  
<sup>۶</sup> عیسی به ایشان گفت: «زنهار! از خمیر  
 مایه<sup>g</sup> فریسیان و صدوقیان برحذر باشید!»  
<sup>۷</sup> و ایشان با خود استدلال کرده می گفتند:  
 «برای آن است که نان نیاورده ایم.»  
<sup>۸</sup> عیسی متوجه شده گفت: «چرا با خود  
 بحث می کنید ای کم ایمانان! درباره این  
 که نان ندارید؟<sup>۹</sup> هنوز درک نمی کنید و

مر ۱۴: ۱۵-۱۸  
 لوقا ۷: ۸-۹

- d- در برخی نسخه های خطی مهم، قسمت دوم آیه ۲ و تمام آیه ۳ حذف شده است.  
 e- نشانه های زمانها. این اصطلاح به مفهوم نشانه های مخصوصی است که در روزهای آمدن مسیح موعود پدیدار می شود. با توجه  
 به ترکیب جمله ممکن است منظور معجزه ها و نشانه هایی باشد که عیسی انجام داده است (مثلاً شفا دادن ها و ازدیاد نان ها،  
 ر.ک ۵-۳: ۱۱) یا اینکه منظور خود عیسی است که والاترین و برترین نشانه ها می باشد.  
 f- درباره اصطلاح «نشانه یونس» ر.ک ۴۰: ۱۲ توضیح o.  
 g- فقط متی خمیرمایه را به مانند تعلیمات فریسیان و صدوقیان ارائه می نماید (آیه ۱۲؛ ر.ک لوقا ۱۲: ۱۰؛ ریاکاری و نادرستی؛  
 مر ۱۵: ۸؛ خمیرمایه هیروдіس). در آیین یهود تعبیر خمیرمایه به عنوان قسمت خوب یا قسمت بد شناخته شده بود (همچنین  
 ر.ک ۱-قرن ۵: ۶-۸). منظور از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان احتمالاً شخص آنان نیست بلکه نقش آنان به عنوان آموزگار و  
 رهبر مردم است (ر.ک آیه ۱).  
 h- قیصریه فیلیپس شهری است که در سال ۲ یا ۳ پیش از میلاد مسیح، هیروдіس فیلیپس به افتخار اغسطوس امپراتور روم بنا کرد.  
 این شهر در نزدیکی سرچشمه های رودخانه اردن قرار دارد و امروزه بنی یاس نامیده می شود.  
 i- پسر انسان. در مورد این عنوان عیسی ر.ک مت ۸: ۲۰ توضیح c.  
 j- فقط در انجیل متی نام ارمیا ذکر شده در صورتی که یهودیان دوران متی بازگشت ارمیا را به عنوان پیشگام مسیح موعود انتظار  
 نمی کشیدند. به طوری که در روایات انجیل های نظیر ذکر شده عیسی، پیامبر بشمار آمده است (مت ۲۱: ۱۱ توضیح f؛  
 مر ۱۵: ۶؛ لوقا ۱۶: ۷، ۳۹).

هستی<sup>k</sup>.»<sup>۱۷</sup> عیسی به سخن درآمده به او گفت: «خوشا بر تو! ای شمعون پسر یونا! زیرا تن و خون<sup>۱</sup> بر تو مکشوف نکرده بلکه پدرم که در آسمانها است.<sup>۱۸</sup> و من به تو می گویم که تو پطرس<sup>m</sup> [صخره] هستی و بر افس: ۲۰:۲ روی این صخره کلیسای<sup>n</sup> خود را بنا خواهم کرد و درهای وادی مردگان<sup>o</sup> بر آن استیلا

نخواهد داشت.<sup>۱۹</sup> کلیدهای ملکوت آسمانها را به تو خواهم داد و آنچه را بر زمین ببندی در آسمانها بسته خواهد بود و آنچه را بر زمین باز کنی در آسمانها باز خواهد شد.»<sup>۲۰</sup> آنگاه به شاگردان سفارش کرد به کسی نگویند که او مسیح است.  
مر: ۹:۹  
مر: ۹:۱۷

k- فقط متی این عبارت را از زبان پطرس نقل کرده است، عبارتی که ریشه آن در عهد عتیق می باشد و با ایمان مسیحیت معنی کامل خود را کسب کرده است. در عهد عتیق عنوان پسر خدا در مورد فرشتگان، قوم برگزیده، اسرائیلیان ایماندار و نیز در مورد مسیح موعود به کار رفته است (۲-سمو: ۷؛ مز: ۲: ۷؛ ۲۷: ۸۹) و بیان می کند که ارتباط مخصوصی با خدا وجود دارد که بر پایه انتخاب او و مأموریتی است که به پسرانش محول می سازد. مسیحیت اولیه از همان آغاز که اصول ایمان خود را بیان می کرد موضوع انتخاب توسط خدا و واگذاری مأموریت را بسط داده و درباره جنبه منحصر به فرد و قاطع شخصیت عیسی تأکید کرده است: به این معنی که عیسی با خدا ارتباط پدر فرزندی بی مانندی دارد و به او مأموریتی بی نظیر محول شده که نجات مردمان است (۱: ۲۱؛ ۲: ۱۵؛ ۳: ۱۷؛ ۴: ۱۱؛ ۲۵-۲۷؛ ۲۶: ۶۳).

۱- اصطلاح گوشت و خون به مفهوم تمام وجود آدمی است که در ضعف طبیعی خود در نظر گرفته شده است (بنسی: ۱۴: ۱۸؛ ۱-قرن: ۵۰: ۱۵؛ غلا: ۱۶). پطرس مکاشفه ای الهی دریافت کرده است (همین کلمه در ۲۵-۲۷؛ غلا: ۱۶) و با اینکه عیسی این مکاشفه را کاملاً تأیید نموده معنایی در بردارد که بعداً پطرس نشان می دهد ژرفای آن را درک نکرده است (۲۳-۲۲: ۱۶).

m- پطرس ترجمه یونانی کلمه آرامی kepha (به معنی صخره) می باشد. در آن دوران و محیط این کلمه یونانی به عنوان اسم خاص و نام اشخاص به کار برده نمی شد. در نوشته های عهد جدید گاهی همان کلمه آرامی به خط یونانی نوشته شده است (کیفا: یو: ۴۲: ۱-۱ قرن: ۱۲: ۱۸؛ و غیره).

n- کلیسا که در زبان یونانی ekklesia گفته می شود احتمالاً ترجمه کلمه عبری qahal می باشد که به معنی جمعیت است (با اینکه ترجمه کلمات sod و edah است که فرقه قمران به عنوان جمعیت برگزیدگان خدا در زمان آخر، خود را به این نام می خواندند). در اینجا کلمه کلیسا به معنی جمعیت جدیدی است که عیسی بنا می نهد و پطرس پایه آن بنا خواهد بود. اظهارات عیسی با نقش برجسته ای که پطرس بنا بر مندرجات عهد جدید در نخستین روزهای کلیسا ایفا نموده است تطبیق می کند (۱۸: ۴؛ ۱۷: ۱؛ ۱۳: ۱۵، ۱۳: ۳؛ ۱۰: ۵؛ یو: ۶۷-۶۹؛ ۲۱: ۱۵-۲۳؛ غلا: ۷). کلیسای کاتولیک با توجه به این اظهارات معتقد است که جانشینان پطرس نیز وارث این تقدم هستند در صورتی که به عقیده ارتدکس ها تمام اسقفانی که ایمان حقیقی را ابراز می کنند در حوزه قلمرو خود به عنوان جانشین پطرس و سایر رسولان قلمداد می شوند. اما مفسران پروتستان موقعیت و نقش ممتاز پطرس را در کلیسای اولیه می پذیرند ولی معتقدند که در مورد این اظهارات منظور عیسی فقط شخص پطرس بوده است. عیسی قدرت بستن و باز کردن را به پطرس وعده می دهد که در آیین یهود به مفهوم منع کردن و اجازه دادن است و مآلاً اخراج از جمعیت مذهبی یا پذیرفتن مجدد در آن می باشد. ملکوت خدا مانند وادی مردگان دروازه دارد، بنابراین تصویر کلیدهای ملکوت اشاره به اختیارات و اقتداری است که در آیین یهود بر پایه تفسیر قوانین بوده و در اینجا بیان و اقرار به این است که عیسی پسر خدا می باشد. وعده این اقتدار ابتدا به پطرس و سپس در متون بعدی به کلیه شاگردان یا مجمع رسولان داده می شود (۱۸: ۱۸)؛ همچنین به شاگردان که دور هم جمع شده بودند داده شده است (یو: ۲۰: ۲۳). این اقتدار مخصوصاً در مورد بخشایش گناهان ظاهر می شود و ورود به ملکوت خدا را مقدور می سازد. بنابراین اختیارات مذکور به نوعی مربوط و وابسته به کلیسایی است که گرچه سیمای آن هنوز مشخص نشده ولی با توجه به قدرت کلیدها معلوم می شود دارای نوعی نظام است.

o- تحت اللفظی: درهای هادس. کلمه یونانی hades ترجمه کلمه عبری sheol به معنی جایگاه مردگان می باشد (ر.ک اعد: ۳۳: ۱۶). درهای هادس نشانه قدرت مرگ است (ر.ک ایوب: ۳۸: ۱۷؛ حک: ۱۶: ۱۳)، هادس یعنی جایگاه مردگان نمی تواند اعضای جمعیت مسیحیان را که به وسیله عیسی دور هم جمع شده اند در مرگ نگاه دارد.

## عیسی رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می کند

(مرقس ۸: ۳۱-۳۳؛ لوقا ۹: ۲۲)

۲۱ از آن پس P عیسی q آغاز کرد به شاگردانش نشان دهد که بایستی به اورشلیم برود و از سوی مشایخ و کاهنان اعظم و کاتبان رنج بسیار بکشد و کشته شود و در روز سوم قیام کند. ۲۲ و پطرس او را کنار کشیده شروع به سرزنش کرده گفت: «حاشا خداوند! این به تو فرا نخواهد رسید.» ۲۳ ولی او برگشته به ۱۰:۴ پطرس گفت: «برو، عقب من<sup>s</sup>، ای شیطان! تو باعث لغزش من هستی<sup>t</sup> زیرا اندیشه های تو از آن خدا نیست، بلکه از آن انسانها<sup>u</sup>.»

## شرایط پیروی از عیسی

(مرقس ۸: ۳۴-۳۶؛ لوقا ۹: ۲۳-۲۷)

۲۴ آنگاه عیسی به شاگردانش گفت:

«اگر کسی می خواهد به دنبال من بیاید ۳۸:۱۰ لوقا ۲۷:۱۴ بایستی خود را انکار کند و صلیب خود را برداشته به دنبال من بیاید. ۲۵ زیرا کسی که می خواهد جان خود<sup>w</sup> را نجات دهد آن ۳۹:۱۰ لوقا ۳۳:۱۷ را از بین خواهد برد ولی کسی که جان خود را به خاطر من از دست بدهد آن را خواهد یافت. ۲۶ و چه نفعی برای انسانی دارد اگر همه دنیا را بدست آورد ولی به جان خود ۹-۸:۴ صدمه بزند؟ یا این که انسان در عوض جان خود چه دارد بدهد؟ ۲۷ زیرا پسر انسان در ۳۱:۲۵ شکوه پدر خود با فرشتگانش خواهد آمد و ۱-سمو ۲۶:۶ دان ۳-۲:۱۲ آنگاه به هر کسی برابر رفتارش خواهد ۱-سمو ۲۳:۲۶

p- عبارت «از آن پس...» که فقط در ۱۷:۴ آمده نشان می دهد که عیسی می خواهد رسماً راز پسر انسان رنجور و شکوهمند را مکتشف سازد. سه بار اعلام رنجهای، صلیب و رستاخیز عیسی (۲۱:۱۶؛ ۲۲:۱۷-۲۳:۲۰؛ ۲۰:۱۷-۱۹) به مراحل عزیمت عیسی به اورشلیم اشاره می کند (۲۱:۱۶؛ ۲۰:۳۴).

q- در بعضی نسخه ها «عیسی مسیح» نوشته شده که در انجیل فقط در مت ۱۱:۱-۱۸ و یو ۱۷:۱؛ ۱۷:۳ به کار برده شده است. r- در اعلام مصائب و صلیب عیسی، مرقس متن قدیمی تر روایت را حفظ کرده و متی بر طبق اصطلاحات و طرز سخن گفتن زمان خود تغییری در آن داده و به جای «عیسی پس از سه روز رستاخیز خواهد کرد» (مر ۳۱:۸) نوشته است: «در سومین روز» (ر. ک ۱-قرن ۱۵:۴؛ ضمناً متی طرز بیان مرقس را در ۲۷:۶۳ می پذیرد). به نظر انجیل نگار اعلام هایی که عیسی درباره رنجهای، صلیب و رستاخیز خود می کند بایستی مشیت الهی و اطاعت عیسی را در این وقایع تأیید نمایند و بنابراین سرنوشته مقدر و حتمی نبوده و واقعه ای اتفاقی نیستند. ضمناً متی تنها انجیل نگاری است که تکرار می کند عیسی این مطالب را به شاگردان خود خطاب کرده و یادآوری می نماید که اورشلیم محل عمومی رنجهای او می باشد.

s- «برو» (ر. ک ۱۰:۴ توضیح 1). عیسی پیشنهاد پطرس را نمی پذیرد. «عقب من» به رسول امر می کند که جلو نایستد، بلکه مثل شاگرد از عقب بیاید.

t- ر. ک ۵:۲۹ توضیح e.

u- انسانها. موضوع اختلاف بین فکرها خدا و نظریات انسان ریشه در عهد عتیق و آیین یهود دوران عیسی دارد.

v- درباره کلمه به دنبال آمدن ر. ک ۴:۲۰ توضیح x. در اینجا عیسی با مفهوم سطحی و ظاهری «به دنبال آمدن» مبارزه می کند. به دنبال آمدن کمتر از خود را فدا کردن و صلیب خود را به دوش کشیدن نیست (در مورد این اصطلاح ر. ک مر ۸:۳۴ توضیح q). w- جان خود (ر. ک ۱۰:۲۸ توضیح n). در ترجمه یونانی کتاب مقدس نظیر متن عبری آن اکثراً به جای ضمائر شخصی من، تو، او کلمه جان به کار برده شده است (این کلمه در زبان عبری nephesh است که به یونانی psyche ترجمه می شود). بنابراین در اینجا می توان ترجمه کرد: کسی که بخواهد خود را نجات دهد. ضمناً در ۱۶:۲۴، در جمله «کسی که خود را انکار می کند» ضمیر شخصی به کار برده شده است.

داد<sup>x</sup>. آ<sup>۲۸</sup>مین به شما می گویم که در اینجا  
کسانی حاضر هستند که مرگ را نخواهند  
چشید<sup>۱۰</sup> پیش از آن که آمدن پسر انسان را  
با ملکوتش ببینند<sup>z</sup>».

## تجلی عیسی

(مرقس ۹:۲-۹؛ لوقا ۹:۲۸-۳۶)

## ۱۷

<sup>۱</sup> بعد از شش روز<sup>a</sup> عیسی، پطرس و  
یعقوب و برادرش یوحنا را برداشته  
آنان را جدا با خود بر کوهی بلند<sup>b</sup> برد. <sup>۲</sup>

در برابر ایشان تجلی یافت<sup>c</sup>، صورتش چون  
خورشید درخشید، لباسهایش مانند نور  
سفید شدند. <sup>۳</sup> و اینک موسی و الیاس بر  
آنان پدیدار شدند در حالی که با او سخن  
می گفتند<sup>d</sup>. <sup>۴</sup> پطرس به سخن درآمده به  
عیسی گفت: «خداوندا، چه خوب است که  
ما در اینجا هستیم<sup>e</sup>. اگر بخواهی در اینجا  
سه خیمه<sup>f</sup> خواهیم زد، یکی برای تو، یکی  
برای موسی و یکی برای الیاس.» <sup>۵</sup> در حالی  
که هنوز سخن می گفت اینک ابر درخشانی

x- متی برای اینکه نظریه اجر و پاداش شخصی را بیان کند مز<sup>۲۸</sup>:۴ یا ۱۳:۶۲ را نقل نموده است (ر. ک روم ۲:۶؛ ۲- تیمو<sup>۴</sup>:۱۴؛ مکا<sup>۲۳</sup>:۲۰؛ ۱۲:۲۰؛ ۱۲:۲۲). این نظریه که در عهد عتیق ریشه عمیق دارد (ار<sup>۱۷</sup>:۱۰؛ ۱۴:۲۵؛ ۱۹:۳۲؛ حزق<sup>۱۸</sup>:۳۰؛ هو<sup>۱۲</sup>:۳؛ ایوب<sup>۳۴</sup>:۱۱؛ امث<sup>۲۴</sup>:۱۲؛ بنسی<sup>۱۱</sup>:۲۶؛ ۱۶:۱۶-۱۴:۲۴) در انجیل متی متضمن دو توضیح و تفسیر جدید است: یکی اینکه عیسی، پسر انسان، همه را در روز آخر داوری خواهد کرد (۲۵:۳۱-۴۶)، از سوی دیگر متی مرتباً در مورد اهمیت کارهای خیر اصرار می کند، کارهای خیری که فقط به خاطر خدا انجام شود، خدایی که آن را به تو باز خواهد داد (۴:۶، ۶، ۱۸؛ ر. ک ۱۶:۵).

y- «چشیدن مرگ» اصطلاحی در زبان سامی است؛ ر. ک لوقا ۲۷:۹؛ یو<sup>۵۲</sup>:۸؛ عبر<sup>۲</sup>:۹.  
z- این گفتار عیسی به صراحت متضمن آن است که بعضی از معاصران عیسی نخواهند مرد پیش از آن که شکوه پسر انسان آشکار شود. عیسی مانند همه پیامبران اعلام می کند برای نسل او چه پیش خواهد آمد. ولی مشکل بتوان زمان این ظهور را تعیین نمود. عده ای تصور کرده اند منظور ویران شدن اورشلیم است، بعضی دیگر آن را ظاهر شدن های عیسی پس از رستاخیز و برخی دیگر تجلی عیسی به شمار آورده اند.

a- واقعه تجلی مسیح موضوع رفتن پسر انسان به اورشلیم را روشن می کند (ر. ک ۲۱:۱۶ توضیح p) و طبق روایتی که مربوط به قبل از نگارش انجیل های نظیر است این واقعه در اورشلیم رخ داده است. خدا به شاگردان که نمی توانند دریابند استادشان چه راهی را می خواهد پیروی کند (۲۲:۱۶) گوشه ای از جلال پسر خود را نشان داده آنان را وادار می کند به تعلیمات او گوش فرا دهند (ر. ک ۵:۱۷ توضیح h). متی دقت طرح اولیه را حفظ کرده و این روایت را به الهام مکاشفه ای تعبیر می کند (ر. ک دان<sup>۱۰</sup>:۱۰-۱۲) اما پطرس روایت خاصی از آن ذکر می کند (۲- پتر<sup>۱۷</sup>:۱۸). در مورد شش روز ر. ک مر<sup>۹</sup>:۲ توضیح w.

b- در اینجا محل واقعه به صورت کلی «کوهستان» تعیین نشده (مت<sup>۱۴</sup>:۲۳) بلکه گفته شده بر کوهی بلند، همچنان که در روایت وسوسه عیسی (۸:۴) یا در روایت مأموریت نهایی در جلیل ذکر شده است (۱۶:۲۸). متی که محل دقیق این کوه را تعیین ننموده احتمالاً می خواسته اعلام کند که ظهور نهایی نه بر کوه مقدس صهیون (مز<sup>۲</sup>:۶) بلکه بر کوه زمان آخر روی خواهد داد که همه ملت ها به سوی آن روی آورده جمع خواهند شد (اش<sup>۲</sup>:۳-۳؛ ر. ک ۹:۱۱؛ دان<sup>۹</sup>:۱۶). چون عیسی در منطقه قیصریه فیلیس عبور می کرد، به احتمال زیاد این کوه در مرز شمالی سرزمین فلسطین، کوه حرمون با ارتفاع حدود سه هزار متر بوده است.

c- ر. ک مر<sup>۹</sup>:۲ توضیح y.

d- موسی و الیاس بیشتر از آنکه اولی نماینده تورات و دومی نماینده پیامبران به شمار آیند در اینجا به عنوان پیشگامان و شاهدان عهد جدید ظاهر می شوند. الیاس که مقرر بود پیشگام مسیح موعود باشد (ملا<sup>۳</sup>:۲۳؛ ر. ک بنسی<sup>۴۸</sup>:۱۰) در متنی که بعداً می آید با یحیی تعمید دهنده یکی دانسته شده (۱۲:۱۷) که به وسیله هیرودیس به قتل رسید (۳:۱۴-۱۲). ضمناً با ظهور الیاس (ر. ک مر<sup>۹</sup>:۴ توضیح z) موسی ظاهر می شود (ر. ک مکا<sup>۱۱</sup>:۳-۶) که یهودیان صعود او را به آسمان به مانند الیاس (۲- پاد<sup>۲</sup>:۱۱) و صعود خنوخ (پید<sup>۵</sup>:۲۴) می دانند.

e- ر. ک لوقا ۳۳:۹ توضیح n.

f- ممکن است اشاره به جشن خیمه ها باشد (خروج ۱۶:۲۳؛ لوقا ۲۷:۲۳-۳۴؛ تث<sup>۱۶</sup>:۱۳).

باید بیاید؟<sup>۱۱</sup> او پاسخ داده گفت: «البته الیاس می آید و همه چیز را به حالت اول برخواهد گرداند.<sup>۱۲</sup> باری به شما می گویم که الیاس هم اکنون آمده است و او ۱۴:۱۱ را نشناختند ولی هر چه خواستند با او کردند. همچنین پسر انسان نیز از سوی ایشان رنج خواهد کشید.<sup>k</sup>»<sup>۱۳</sup> آنگاه شاگردان پی بردند که وی از یحیی تعمید ۱۷:۱۰ دهنده با ایشان سخن می گفت.

### شفای مصروع

(مرقس ۹: ۱۴-۲۹؛ لوقا ۹: ۳۷-۴۳)

<sup>۱۴</sup> و چون به نزدیک انبوه مردم آمده بودند مردی به سوی او پیش آمده به زانوی او افتاد<sup>۱۵</sup> و گفت: «خداوندا! بر پسر من ترحم نما چونکه ماه زده است<sup>۱</sup> و بدحال زیرا بارها در آتش یا بارها در آب می افتد.<sup>۱۶</sup> و او را نزد شاگردانت آوردم و نتوانستند

آنان را به زیر سایه خود گرفت<sup>g</sup> و اینک صدایی از ابر آمده می گفت: «این است پسر من، آن محبوب که همه از او خوشنودم. او را بشنوید.<sup>h</sup>»<sup>۶</sup> و شاگردان با شنیدن این، به روی درافتاده بسیار ترسیدند.<sup>۷</sup> و عیسی پیش آمده، آنان را لمس کرده گفت: «قیام کنید و مترسید!»<sup>۸</sup> و چون چشمها را بلند کردند کسی را ندیدند مگر خود عیسی را تنها.<sup>۹</sup> و چون از کوه پایین می آمدند عیسی به ایشان فرمان داده گفت: «تا هنگامی که پسر انسان از میان مردگان قیام نکند از آنچه دیده اید به هیچ کس چیزی نگویید.<sup>i</sup>»

### گفتگو درباره الیاس

(مرقس ۹: ۱۱-۱۳)

<sup>۱۰</sup> و شاگردان از او سؤال کرده گفتند: «پس کاتبان چه می گویند که اول الیاس

g- ابر نشانه تجلی خداوند است (ر. ک ۲-مک ۷: ۸) چنان که در کوه سینا (خروج ۱۹: ۶؛ ۲۴: ۵-۱۶) و بر چادر اجتماع (خروج ۴۰: ۳۴-۳۵) و نیز بر روی معبد (۱-پاد: ۱۰-۱۲) دیده می شد. (ر. ک لوقا ۳۵: ۱ توضیح I)  
h- به هنگام تعمید (مت ۱۷: ۳) صدایی از آسمان عیسی را به عنوان پسر (ر. ک مز ۷: ۲) و خادم (اش ۴۲: ۱) معرفی کرده بود. در واقعه تجلی بیش از هر چیز او را به عنوان پیامبری تعیین می کند که همه قوم بایستی به او گوش فرا دهند (ر. ک اع ۲۲: ۳ که نقل تث ۱۸: ۱۵ می باشد). در موقع تعمید، صدای آسمانی خطاب به عیسی بود و موقع تجلی به شاگردان و به وسیله آنان به «انبوه مردمان» خطاب می شود.

i- در نوشته های مکاشفه ای، توصیه راز نگهداری در مورد آنچه از آسمان الهام می شود موضوعی عادی است (ر. ک دان ۱۲: ۹، ۴). این نکته را اناجیل نظیر و مخصوصاً انجیل مرقس در مورد «سر مسیح موعود» تأکید کرده اند (مت ۸: ۴؛ ۳۰: ۹؛ ۱۶: ۱۶؛ ۲۰: ۲۰؛ ر. ک مر ۳۴: ۱ توضیح p: دستور حفظ سکوت به دیوها: ۱: ۴۴؛ ۸: ۳۰).

j- طبق روایتی بر اساس ملا ۳: ۲۳، الیاس را پیشگام مسیح موعود می دانستند که بایستی قوم را در وحدت و وفاداری گرد هم آورده برای ملاقات با مسیح آماده نماید. در آیات ۱۲ و ۱۳ یحیی تعمید دهنده به عنوان الیاس معرفی می شود که آمده و قومش او را پذیرفته است. سرنوشتی واحد، عیسی و پیشگام او را به یکدیگر پیوند می دهد و مسلماً کاتبان این نکته را می دانستند و از این رو نمی توانستند هیچ عذر و بهانه ای داشته باشند.

k- در مورد اعلام های مربوط به رنجه و صلیب عیسی ر. ک ۲۱: ۱۶ ولی در اینجا ذکری از رستاخیز نمی شود (ر. ک آیه ۹). با این وجود عید گذر به یونانی paska و رنج کشیدن paskein می باشد. ممکن است در این اشاره ای باشد که مسیح با رنج خود به سوی پدر گذر خواهد کرد.

l- چنین به نظر می رسد که منظور شخصی مصروع است. اصولاً در کشورهای غربی تقریباً تا آغاز دوران جدید تصور می کردند حمله بیماری صرع با مراحل مختلف قرص ماه (بدر، هلال و غیره) بستگی دارد. مرقس و لوقا از همان ابتدا این بیماری را مربوط به تأثیر روح پلید دانسته اند ولی متی فقط پس از اینکه عیسی آنها را بیرون می راند وجود روح پلید را می پذیرد.

**عیسی بار دیگر رنج و مرگ و  
رستاخیز خود را اعلام می کند  
(مرقس ۹: ۳۰-۳۲؛ لوقا ۹: ۴۳-۴۵)**

<sup>۲۲</sup> چون در جلیل دور هم گرد آمده بودند ۲۱:۱۶  
عیسی بدیشان گفت: «به زودی پسر انسان  
به دست انسانها تسلیم می گردد. <sup>۲۳</sup> و او را  
خواهند گشت و در روز سوم قیام خواهد  
کرد.» و ایشان بسیار اندوهگین شدند.

**عیسی و پطرس عشریه می پردازند**

<sup>۲۴</sup> چون به کفرناحوم رسیدند گیرندگان  
عشریه <sup>P</sup> نزد پطرس پیش آمده گفتند: «آیا  
استاد شما عشریه نمی پردازد؟» <sup>۲۵</sup> گفت:  
«چرا» و وقتی [پطرس] به خانه وارد شد  
عیسی پیشدستی کرده گفت: «شمعون! چه  
می پنداری؟ پادشاهان زمین از چه کسی  
عوارض یا خراج می گیرند؟ از پسران خود<sup>۹</sup>  
یا از بیگانگان؟» <sup>۲۶</sup> و چون گفته بود: «از  
بیگانگان» عیسی به او گفت: «پس پسران

او را شفا دهند.» <sup>۱۷</sup> عیسی در پاسخ گفت:  
تث ۳۲:۵، ۲۰ «ای نسل بی ایمان و منحرف! تا به کی با  
شما باشم<sup>m</sup>؟ تا به کی شما را تحمل کنم؟  
او را اینجا نزد من آرید.» <sup>۱۸</sup> و عیسی او را  
نهیب زد و دیو از او بیرون آمد که از آن  
ساعت شفا یافت. <sup>۱۹</sup> آنگاه شاگردان نزد  
عیسی آمده جدا به او گفتند: «چرا ما  
یو ۵۳:۵۲، ۴۰:۱۵، ۲۲:۹ نتوانستیم او را برانیم؟» <sup>۲۰</sup> به ایشان گفت:  
«به دلیل کم ایمانی شما. آمین، البته به  
شما می گویم اگر به اندازه یک دانه خردل  
ایمان داشته باشید به این کوه می گوئید: از  
اینجا به آنجا برو و او خواهد رفت و هیچ  
چیز برایتان غیر مقدور نخواهد بود.<sup>n</sup> <sup>۲۱</sup> و  
اما این نوع بیرون نمی رود جز به دعا و  
روژه<sup>o</sup>»

<sup>m</sup>- مشکل بتوان گفت خطاب این سخنان عیسی به پدر بیمار است که به او مراجعه کرده بود بلکه چنین به نظر می رسد که از  
ورای شاگردان خود و انبوه مردمانی که مخاطب او نبودند این مطالب را به تمام بی ایمانان خطاب می کند (ر. ک ۱۶:۱۱؛  
۱۲:۳۹-۴۵).

<sup>n</sup>- فرد ایماندار می تواند به مانند خدا (اش ۴:۴۰) کوهی را جابه جا کند (این کوه). متی روایت خود را صریحاً به صورت  
نصیحت درباره ایمان در آورده است؛ بدین معنی که گفتار عیسی را که در لو ۶:۱۷ در اوضاع دیگری است با تفاوت مختصری  
در اینجا وارد کرده است. از سوی دیگر مت ۲۱:۲۱ (ر. ک مر ۱۱:۲۲-۲۳) دوباره همین گفتار را بدون ذکر دانه خردل آورده  
تا توجه را به این نکته جلب نماید که در دعا کردن تردیدی روا ندارند.

<sup>o</sup>- بعضی از منتقدان بر این باورند که این آیه اضافی است، نه بدان سبب که گواهی و تصدیق نشده بلکه برای هماهنگی با  
مر ۹:۲۹ بعداً در اینجا افزوده شده است. منتقدان دیگری به هیچ وجه این دلیل را نپذیرفته و آن را به همین صورت حفظ  
می کنند. به نظر ایشان در روایاتی که پیش از انجیل نظیر نقل می شده قسمت دوم آیه ۲۰ را در متنی که نزدیک به نوشته  
مرقس است وارد کرده اند. در مورد روزه ر. ک ۱۶:۶ توضیح <sup>k</sup>.

<sup>p</sup>- عشریه: مالیات پرداختی به معبد که مبلغ دو درهم یا نیم شیکل بوده است و کلیه اسرائیلیان ذکور، حتی آنانی که در خارج از  
فلسطین به سر می بردند موظف بودند سالی یک بار این مبلغ را برای هزینه های معبد بپردازند. این مالیات به پول رایج یهودی  
پرداخت می شد و بدین گونه می توان حضور صرافانی را که در میدان جلو معبد مستقر شده بودند توضیح داد (۲۱:۱۲؛ یو ۱۵:۲).

<sup>q</sup>- منظور از پسران پادشاهان زمین ممکن است خانواده آنان یا مجموعه ملت پادشاهان باشد. عیسی به عنوان عضو ملت اسرائیل یا بر  
طبق تفسیری که بهتر با اوضاع و احوال تطبیق می کند به عنوان پسر خدا، خداوند معبد است و می تواند مالیات نپردازد با این همه  
به دلیلی که در آیه ۲۷ توضیح داده شده مالیات خواهد پرداخت و پطرس هم در این عمل شرکت می کند.

این کودک<sup>v</sup> پائین آورد، او در ملکوت ۲۷:۲۶-۲۰:۲۷  
 آسمانها بزرگتر است.<sup>۵</sup> و کسی که به خاطر ۲۶:۲۲-۲۰:۲۷  
 نام من چنین کودکی را بپذیرد مرا ۴۰:۱۰  
 می پذیرد.<sup>w</sup> ۱۶:۱۰-۲۰:۱۳

### بر حذر داشتن

(مرقس ۹:۴۲-۴۸؛ لوقا ۱۷:۱-۲)

«هر کس موجب لغزش یکی از این ۶  
 کوچکان شود<sup>x</sup> که به من ایمان آورده اند به  
 سود او باشد که سنگ آسیابی<sup>y</sup> به دور  
 گردنش آویخته در اعماق دریا غرق شود.  
 وای بر دنیا<sup>z</sup> از این لغزش ها! البته  
 ناگزیر لغزش ها روی دهد، اما وای بر  
 انسانی که لغزش بوسیله او روی می دهد.  
 اگر دست تو یا پای تو تو را می لغزاند آن ۳۰-۲۹:۵  
 را ببر و از خود دور انداز؛ برای تو بهتر  
 است علیل یا لنگ به زندگی وارد شوی<sup>b</sup> تا  
 اینکه با دو دست یا دو پایت به آتش ابدی

از آن آزاد هستند<sup>f</sup>. ولی برای این که  
 موجب لغزش<sup>s</sup> آنان نشویم به دریا برو!  
 قلاب بینداز و اولین ماهی را که بالا بیاید  
 بگیر، دهانش را باز کن و یک سکه<sup>t</sup>  
 خواهی یافت. آن را بگیر و بابت من و تو  
 به ایشان بده!»

### در ملکوت چه کسی بزرگتر است؟

(مرقس ۹:۳۳-۳۷؛ لوقا ۹:۴۶-۴۸)

۱۸ در آن ساعت شاگردان نزد عیسی  
 آمده گفتند: «درواقع چه کسی در  
 ۲۴:۲۲ ملکوت آسمانها بزرگتر است؟»<sup>۲</sup> و او  
 ۱۴:۱۹ کودکی را نزد خود خوانده، او را در میان  
 ۱۵:۱۰ ایشان قرار داد. ۳ و گفت: «آمین به شما  
 ۱۷:۱۸ می گویم اگر شما دگرگون نشوید و مانند  
 کودکان<sup>u</sup> نگردید به ملکوت آسمانها وارد  
 نخواهید شد. ۴ پس کسی که خود را مانند

f- پسران یعنی عیسی و شاگردانش شرعاً آزاد هستند که بر طبق اصولی که در ابتدای آیه ذکر شده مالیات نپردازند.

s- «سقوط» ر. ک ۲۹:۵ توضیح e.

t- یک استاتر. واحد پول قدیم یونانی و برابر چهار درهم یعنی مالیاتی که دو نفر می بایست بپردازند.

u- کودک (ترجمه کلمه یونانی paidion که در ۸:۲-۱۱:۱۱ و ۱۶:۱۱-۱۳:۱۹ نیز به کار رفته است). این کلمه به مفهوم  
 کودک خردسال نیست (شاید به استثنای ۱۳:۱۹-۱۴) زیرا در ۲۵:۱۱ و ۱۶:۲۱ کلمه یونانی دیگری (nepios) به کار برده  
 شده که می توان کودک خردسال ترجمه کرد. در اینجا موضوع مربوط به کودکی است که می تواند به ندای عیسی پاسخ دهد.  
 ضمناً این کودک به عنوان نماد بی گناهی، پاکی و فضیلت اخلاقی ارائه نشده و بر خلاف شاگردان عیسی ادعایی ندارد بلکه  
 در وابستگی و تابعیت دیگران زندگی می کند.

v- دگرگونی به معنی بازگشت (مت ۷:۶) و توبه (لو ۱۳:۳).

w- در اینجا موضوع بحث تغییر داده شده بدین معنی که تا کنون شاگردان تشویق می شدند خود را بمانند کودکان کوچک  
 شمارند و اکنون توصیه می شود کودکان را بپذیرند.

x- ر. ک ۲۹:۵ توضیح f.

y- ر. ک مر ۹:۴۲ توضیح y.

z- در اینجا و در ۴:۸؛ ۵:۱۴؛ ۲۶:۱۳ کلمه دنیا شامل مجموعه افراد بشر است و منظور طبیعت جهان و کیهان یا چنانکه در انجیل  
 یوحنا ذکر شده بشریت در مقابل ظهور الهی نیست. بر این بشریت شیطان تسلط دارد (۴:۱-۱۱) و بنابراین بیچاره است و در  
 آن افراد کوچک ممکن است دچار لغزش شوند، البته در مورد شاگردان عیسی دیگر وضع بدین گونه نیست.

a- ر. ک ۲۹:۵ توضیح e.

b- منظور از وارد شدن به زندگی در اینجا تولد و به دنیا آمدن نیست بلکه سهم شدن در نجات و بهره گرفتن از زندگی جاویدان  
 است. این کلمه در ۷:۱۴؛ ۱۶:۱۹؛ ۲۹:۲۵؛ ۴۶:۲۵ نیز همین معنی را دارد.



کوه‌ها رها نمی‌کند تا برود و گمشده را جستجو کند؟<sup>۱۳</sup> و اگر اتفاقاً آن را پیدا کند، آمین به شما می‌گویم به خاطر آن یکی بیشتر خوشحال می‌شود تا به خاطر نود و نه تایی که گم نشده‌اند.<sup>۱۴</sup> همچنین خواست پدر شما که در آسمانهاست آن نیست که حتی یکی از این کوچکان از بین برود.<sup>f</sup>

### تفاهم برادرانه

<sup>۱۵</sup> «اگر برادرت گناهی کرده<sup>g</sup> برو و در <sup>۱۷:۱۷</sup> ۳:۱۷ بین خودت و او در تنهایی او را سرزنش کن، اگر به تو گوش بدهد برادرت را به دست آورده‌ای.<sup>h</sup> <sup>۱۶</sup> اگر به تو گوش ندهد باز با خودت یک یا دو نفر برادر تا همه <sup>۱۷:۱۹</sup> ۱۵:۱۹ چیز با گفتن دو یا سه شاهد قرار گیرد. <sup>۱۷:۱۳</sup> ۱۱:۱۳-۲-۱۹:۵-۱۹ اگر به ایشان گوش ندهد آن را به کلیسا

افکنده شوی.<sup>۹</sup> و اگر چشم تو تو را می‌لغزاند، آن را بر کن و از خود دور انداز: برای تو بهتر است با یک چشم به زندگی وارد شوی تا این که با دو چشم در جهنم آتش افکنده شوی.

### گوسفند گمشده

(لوقا ۱۵: ۱-۷)

<sup>۱۰</sup> «زنهار هیچیک از این کوچکان را خوار بشمارید زیرا به شما می‌گویم که فرشتگان ایشان در آسمان مدام چهره پدرم را که در آسمانها است می‌نگرند.<sup>c</sup> <sup>۱۱</sup> زیرا پسر انسان آمده تا آنچه را از بین رفته بود نجات دهد.<sup>d</sup> <sup>۱۲</sup> چه می‌پندارید؟ اگر انسانی صد گوسفند داشته باشد و فقط یکی از آنها گم شود آیا نود و نه تا را بر

c- در اینجا فرشتگان به خدمت کوچکترین گمارده شده‌اند. این نظر در آیین یهود دوران عیسی وجود ندارد. ضمناً افراد حقیر و کوچک در خور بزرگترین مراتب احترام هستند زیرا فرشتگانی که از آنان مراقبت می‌کنند در سلسله مراتب آسمانی بالاترین مقام را دارند و می‌توانند در حضور خدا قرار گیرند، در صورتی که برای فرشتگان دیگر مجاز نیست.

d- این آیه در تعداد زیادی از نسخه‌های خطی وجود ندارد، ر.ک لوقا ۱۰:۱۹.

e- در لوقا ۱۵: ۴، ۶ سخن از گوسفندی است که از دست رفته در صورتی که در انجیل متی موضوع گوسفندی است که گم شده است (آیات ۱۲، ۱۳، ۱۴). لوقا درباره کسانی می‌اندیشد که از دست رفته‌اند و عیسی می‌آید تا آنان را نجات دهد در صورتی که متی ظاهراً به اعضای حقیر و ناچیز جامعه (آیه ۱۰) می‌اندیشد که ممکن است به سبب تحقیر (آیه ۱۰) یا بر اثر سخت‌گیری شدید (آیه ۲۱) که بر آنان وارد می‌شود از دست بروند. در انجیل متی نظیر عقاید یهودیان معاصر او خطر گم شدن مختص دوران آمدن مسیح می‌باشد و این گم شدن بیش از آنکه اخلاقی باشد جنبه عقیدتی دارد (مت ۲۴: ۴، ۱۱، ۲۴: ۲-۲- تیمو ۳: ۱۳: ۱- یو ۸: ۱۰: ۲۶: ۲: ۷: ۳؛ مکا ۱۲: ۹: ۱۹: ۲۰).

f- ر.ک حرق ۱۱: ۳۳: ۱۱: ۳۹: ۶: ۱۰: ۲۸-۲۹.

g- این عبارت را می‌توان به طریق دیگری ترجمه کرد که تعدادی از نسخه‌های خطی آن را تأیید می‌کنند: هرگاه برادر تو بر ضد تو گناه کند (ر.ک لوقا ۱۷: ۳). در مقررات فرقه قمران مطالبی وجود دارد که قسمتی از آنها نظیر مطالب آیات ۱۵ و ۱۷ است ولی در حالی که مقررات فرقه مذکور سختگیر و غیر قابل انعطاف هستند چنین به نظر می‌رسد که این آیات به منظور آن است که تعصب مسیحیان را در اخراج و طرد فوری گناهکاران تقلیل دهد. در اینجا عیسی توصیه می‌کند پیش از آنکه موضوع به تمام جمعیت مسیحیان اطلاع داده شود بایستی گناهکاران را برادرانه و به تکرار نکوهش و اصلاح کرد. هرگاه کلمات «بر ضد تو» که در تعدادی از نسخه‌های خطی وجود دارد به این آیه افزوده شود موضوع جنبه فردی و شخصی خواهد داشت که احتمالاً درست نیست (ر.ک لوقا ۱۷: ۱۹: ۱۷: ۱۹: ۱۵).

h- به دست آوردن. (همین فعل در ۲۶: ۱۶ و مخصوصاً در ۱۶: ۲۵-۱- قرن ۹: ۱۹-۲۲ به همین مفهوم به کار برده شده است). منظور این نیست که کسی را به عنوان دوست شخصی حفظ کرده یا او را به ایمان هدایت نمود بلکه یکی از اعضا را که در شرف ترک جماعت یا طرد از جماعت باشد حفظ کرد.

بار؟»<sup>۲۲</sup> عیسی به او گفت: «به تو نمی‌گویم تا هفت بار بلکه تا هفتاد هفت بار<sup>m</sup>.

### بدهکار بی‌رحم

<sup>۲۳</sup> «بنابر این ملکوت آسمانها مانند

پادشاهی است که خواست حساب خود را با خدمتکارانش<sup>n</sup> تسویه کند.<sup>۲۴</sup> هنگامی که

شروع به تسویه می‌کرد، یکی را نزد وی آوردند که ده هزار تالان<sup>o</sup> بدهکار بود.

<sup>۲۵</sup> چون چیزی نداشت که باز دهد خداوند دستور داد او و زنش و فرزندانش و هر چه

داشت بفروشد تا [بدهی] پس داده شود.<sup>۲۶</sup> خدمتکار به پاهای او افتاده در برابرش

سجده می‌کرد و می‌گفت: با من صبر کن و من همه را به تو پس خواهم داد.<sup>۲۷</sup> خداوند

این خدمتکار ترحم نموده گذاشت برود و بدهی او را بخشید.<sup>۲۸</sup> این خدمتکار به لو<sup>۲۹:۷۰</sup>

هنگام خارج شدن، یکی از هم‌قطاران خود را یافت که به او صد دینار<sup>p</sup> بدهکار بود و

بگو، اگر به کلیسا<sup>i</sup> نیز گوش ندهد در نظر تو مانند مشرک و خراج‌گیر باشد.<sup>j</sup>  
<sup>۱۸</sup> آمین به شما می‌گویم هر چه بر زمین ببندید در آسمان بسته خواهد شد و هر چه بر زمین باز کنید در آسمان<sup>k</sup> باز خواهد شد.

### با هم دعا کنید

<sup>۱۹</sup> «باز [آمین] به شما می‌گویم اگر دو

نفر از بین شما برای درخواست هر چیز، بر

روی زمین تفاهم کنند از جانب پدر من که

در آسمانهاست برایشان انجام خواهد شد.

<sup>۲۰</sup> زیرا جایی که دو یا سه نفر به نام من گرد

آمده باشند آنجا در میان آنان من هستم.<sup>۱</sup>

### بخشش در بین برادران

(لوقا ۱۷: ۴)

<sup>۱</sup> آنگاه پطرس پیش آمده به او گفت:

«خداوندا! چند بار برادرم بر ضد من گناه

کند تا من براو ببخشایم؟ آیا تا هفت

i- قدرت کلیدها که قبلاً به پطرس عطا شده بود (۱۹:۱۶) در اینجا به شنوندگان این کلام یعنی جماعت مسیحیان یا به گروه رسولان

تفویض می‌شود. این آیه و ۱۸:۱۶ تنها آیاتی در چهار انجیل هستند که کلمه کلیسا ذکر شده است (ر. ک ۱۸:۱۶ توضیح n)

j- یعنی: دیگر به ایشان میرد از زیرا دیگر مسئول آنان نیستی. یا شاید فقط عیسی می‌تواند در این مورد کاری بکند.

k- آسمان، ر. ک ۱:۱۶ توضیح c: ۱۹:۱۶.

l- این گفتار عیسی اجازه‌ای برای جمعیت‌های کوچک و منزوی نیست زیرا از ترکیب عبارت بر می‌آید که این دو یا سه نفر در کلیسا (آیه ۱۷) یعنی جماعت واحد ایمانداران دور هم گرد آمده‌اند. از سوی دیگر هدف این کلمات عیسی آن نیست که وعده دهد در هر دعایی که به نام او بیان می‌شود حضور دارد (که نیازی به گفتن ندارد) بلکه هر نوع اقدامی را که در داخل کلیسا برای اصلاح دیگران و آشتی بین برادران انجام می‌شود تشویق کرده و آنان را از حضور خود مطمئن سازد.

m- در نسخه دیگری آمده است: هفتاد و هفت هفت بار. به هر صورت این عبارت به مفهوم بی‌نهایت است.

n- در روایت‌های کتاب مقدس این کلمه همواره به معنی خدمتکاران نیست بلکه در موارد زیادی افراد مهمی می‌باشند (۱- سمو<sup>۱۴:۱۴</sup>: ۲- پاد<sup>۵:۶</sup>: مت<sup>۲۷:۱۳</sup>: ۲۵:۱۴-۳۰).

o- یک تالان یعنی ۶۰۰۰ دینار و یک دینار طبق مت<sup>۲۰:۲۰</sup>: ۹، دستمزد یک روز کار بوده و بنابر این یک تالان یعنی دستمزد ۲۰ سال کار. تمام مبلغی که سالانه به عنوان مالیات از استان یهودیه گرفته می‌شد معادل ۶۰۰ تالان بود. این ارقام نشان می‌دهند که خدمتکار در وضعیتی دشوار بوده و راه‌گریزی نداشته و خلاصی خود را تنها مدیون ترحم ارباب خواهد بود (آیه ۲۷).

وضعیت انسان در برابر خدا چنین است، ر. ک آیه ۳۳ و دینی که دیگران به ما دارند در مقابل دین ما به خدا ناچیز است.

p- این مبلغ در مقایسه با مبلغ قبلی بسیار ناچیز است (ر. ک آیه ۲۴ توضیح o). در اینجا عدم تناسب بین این دو بدهی نشان داده شده است.

اردن<sup>۲</sup> آمد. و انبوه مردمان بسیاری به دنبال او آمدند و در آنجا آنان را شفا داد. و فریسیان نزد او آمده برای اینکه او را به تجربه گذارند گفتند: «آیا جایز است به هر ۱:۱۶  
علتی زن خود را طلاق داد؟»<sup>۴</sup> در پاسخ گفت: «آیا نخوانده اید که آفریدگار از آغاز آنها را نر و ماده آفرید؟<sup>۵</sup> و گفت به همین سبب مرد پدر و مادر را ترک خواهد ۳۱:۵ افس  
کرد و به زنش خواهد پیوست و آن دو یک تن خواهند شد.<sup>۶</sup> به طوری که ایشان دیگر نه دو تن بلکه یک تن هستند. پس آنچه را خدا به هم پیوسته انسان از هم جدا نکند.»<sup>۷</sup> به او گفتند: «پس چرا موسی فرمان داده است طلاق نامه ای داده طلاق دهند؟»<sup>۸</sup> به ایشان گفت: «به سبب سنگدلی شماست که موسی به شما اجازه داده زنان خود را طلاق دهید، ولی از آغاز چنین نبود.<sup>۹</sup> به شما می گویم کسی که زن خود را جز به سبب روسپی گری<sup>۷</sup> طلاق گوید و با زن دیگری ازدواج کند زنا می کند.»

بر او دست انداخته او را خفه می کرد و می گفت: آنچه به من بدهکاری پس بده. ۲۹ پس هم قطارش به پاهای او افتاد و از او درخواست کرده می گفت: با من صبر کن و به تو پس خواهم داد. ۳۰ او نخواست بلکه رفت او را به زندان انداخت تا بدهی خود را پس دهد. ۳۱ هم قطارانش که آنچه انجام شده بود دیدند بسیار غمگین شدند و رفتند تا آنچه انجام شده بود برای خداوند خود بازگو کنند. ۳۲ آنگاه خداوندش او را خوانده به او گفت: ای خدمتکار شریر! من تمام این بدهی را به تو بخشیدم<sup>۹</sup> چون که از من خواهش کرده بودی. ۳۳ آیا تو هم نمی بایست به هم قطارت رحم داشته باشی چنان که من به تو رحم کردم؟ ۳۴ و خداوند او خشمگین شده او را به دژخیمان تسلیم کرد تا آن که هر چه به او بدهکار بود پس دهد. ۳۵ پدر آسمانی من نیز با شما به همین گونه رفتار خواهد کرد اگر هر کدام از شما برادرش را از صمیم قلب نبخشد.»

۲۶:۲۵:۵  
لو ۵۸:۱۲-۵۹

۱۵:۶  
مر ۱۱:۲۵  
افس ۴:۳۲  
کول ۱۳:۳

## برضد طلاق

(مرقس ۱۰:۱-۱۲؛ لوقا ۱۶:۱۸)

پس هنگامی که عیسی گفتارهای خود را به پایان رسانید از جلیل نقل مکان کرده به قلمرو یهودیه در ماوراء

۱۹

۱:۱۱:۲۸:۷  
۱:۲۶:۵۳:۱۳

ازدواج و تجرد  
شاگردان به او گفتند: «اگر وضع مرد ۱-۷:۱-۲، ۹-۷  
با زن چنین است ازدواج کردن سودی ندارد.»<sup>۱۱</sup> به آنان گفت: «همه این سخن را درک نمی کنند مگر کسانی که به ایشان ۱-۷:۱۷

q- این کلمات که در مثل آمده یادآور کلمات پنجمین درخواست در دعای «ای پدر ما» می باشد.

r- اطلاعات جغرافیایی که در اینجا داده شده مبهم است. بر طبق اعلام هایی که درباره مصائب و صلیب عیسی شده عیسی و شاگردانش منطقه جلیل را ترک کرده به سرزمین یهودا یعنی اورشلیم «گذر می کنند». برای این کار از سرزمین سامره عبور نمی نمایند بلکه در ابتدا از قسمت ماوراء اردن یهودا عبور کرده در اریحا از رودخانه اردن گذشته و به سوی اورشلیم بالا می روند.

s- این سؤال طرز اجرای قانونی را که در تث ۲۴:۱ ذکر شده است مطرح می سازد، مسئله ای که در مدارس ربی های یهود موضوع مباحثه های ظریف و دقیق بوده است.

t- نقل قول از پید ۱:۲۷؛ ۲:۵؛ ۲۴:۲.

u- فرمانی که آفریدگار داده حتی از فرامین موسی مهمتر و ارزشمندتر است.

v- در مورد محدودیتهایی که متی ذکر کرده است ر. ک ۳۲:۵ توضیح h.

## جوان ثروتمند

(مرقس ۱۰: ۱۷-۳۱)

لوقا ۱۸: ۱۸-۳۰؛ ۱۳: ۳۰)

۱۶ و اینک کسی نزد وی آمده گفت: «ای

استاد! چه نیکوئی باید بکنم تا زندگی

لا ۱۹: ۲۹؛

لو ۱۰: ۲۵؛

جاودانی<sup>۱۷</sup> داشته باشم؟»<sup>۱۷</sup> به او گفت:«چرا درباره نیکوئی از من می پرسی؟<sup>۱۸</sup> تنها

یکی نیکو است. اگر می خواهی به زندگی

وارد شوی فرمانها را رعایت کن.»<sup>۱۸</sup> به او

لا ۱۸: ۵؛

لو ۱۰: ۲۸؛

روم ۹: ۱۳؛

گفت: «کدامین؟» عیسی گفت: «قتل

نخواهی کرد، زنا نخواهی کرد، دزدی

نخواهی کرد، شهادت دروغ نخواهی داد.

۱۹ به پدر و مادرت احترام بگذار<sup>a</sup> و

لا ۲۷: ۲۲؛

لو ۱۰: ۲۷؛

روم ۹: ۱۳؛

همسایه خود را مانند خود محبت خواهی

نمود<sup>b</sup>.»<sup>۲۰</sup> مرد جوان به او گفت: «همه

اینها را مراعات کرده ام، دیگر چه کم

دارم؟»<sup>۲۱</sup> عیسی به او گفت: «اگرمی خواهی کامل<sup>c</sup> شوی، برو اموال خود را

مر ۱۴: ۵؛

لو ۱۲: ۳۳؛

لو ۱۲: ۵؛

ا ۴۵: ۲؛

۳۷-۳۴: ۴

بفروش و به بینوایان بده و در آسمانها

عطا شده است.<sup>۱۲</sup> زیرا خواجهگانی هستند

که از شکم مادر خود چنین زاییده شده اند

و خواجهگانی هستند که به دست انسان

خواجه شده اند و خواجهگانی که خودشان

خود را به خاطر ملکوت آسمانها خواجه

کرده اند. هر آن کس که می تواند درک

کند دریابد!<sup>۱۳</sup>»

## عیسی و کودکان

(مرقس ۱۰: ۱۳-۱۶؛ لوقا ۱۸: ۱۵-۱۷)

۱۳ آنگاه کودکانی را نزد او آوردند تا

دستهایش را بر آنان بگذارد و دعا بکند و

شاگردان آنان را نهیب زدند.<sup>۱۴</sup> ولی عیسیگفت: «کودکان<sup>x</sup> را بگذارید و مانع نشوید

نزد من آیند زیرا ملکوت آسمانها از آن

چنین کسانی است.»<sup>۱۵</sup> و دستها بر ایشان

گذاشته از آنجا رفت.

W- عیسی درباره ازدواج تعلیماتی داده تا مقام و ارزش اولیه آن (که اراده پروردگار است) مجدداً برقرار گردد و اکنون به این آموزشها گفتار مرموزی افزوده و اعلام می کند که بدون موهبت خدا مفهوم آن درک نمی شود (۱۵: ۱۱؛ ۱۳: ۹). در این گفتار وضعیت تازه ای مشخص شده که بر اثر فرارسیدن ملکوت آسمانها به وجود می آید. ضمناً این گفتار انتقادی بر ازدواج نیست بلکه وضعیتی استثنایی در ارتباط با زمان آخر می باشد و اجباری در آن نیست: بدین معنی که بعضی از مردمان به اندازه ای مجذوب ملکوت آسمانها می شوند که ازدواج نمی کنند.

X- درباره کودکان ر. ک ۱۸: ۳ توضیح u.

Y- درباره این اصطلاح ر. ک ۸: ۱۸ توضیح b. تمام این قسمت در بین دو بار یادآوری از زندگی جاودان (آیات ۱۶-۲۹) قرار گرفته است. این شیوه نگارش که موضوع اصلی کلام (در اینجا زندگی جاودان) در آغاز و پایان تکرار شود و تشریح مطلب را در بین آنها ذکر کنند روشی است که «فن ادخال» نامیده می شود و متی این روش را خیلی می پسندد و به کار می برد.

Z- اصولاً هر یهودی ایماننداری می بایست بداند که هیچ چیز به خودی خود نیکو نیست و فقط خدا می تواند تصمیم گرفته به وسیله قوانین خود نیکویی را به مردمان الهام کند ولی در این مورد شاید مخاطب عیسی در جستجوی نظریات والاتری است چنانکه در آن دوران غالباً نظیر این مردمان دیده می شد.

a- ر. ک خروج ۲۰: ۱۲-۱۶؛ تث ۵: ۱۶-۲۰.

b- ر. ک لاو ۱۹: ۱۸، این نقل قول در این روایت مختص انجیل متی است.

c- کامل. این کلمه مختص روایت متی است (ر. ک ۴۸: ۵). تعدادی از مفسرین در تفسیر این قسمت کامل بودن را فقط منحصر به همکاران نزدیک عیسی می دانند. در صورتی که بنا به تعبیر بیشتر مفسران منظور از کامل بودن توصیف هر کسی است که در پیروی از عیسی قوانین را اجرا نماید (۱۷: ۵).

بود؟»<sup>۲۸</sup> عیسی به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم که شما که مرا پیروی کرده اید، در آفرینش تازه<sup>g</sup> هنگامی که پسر انسان بر تخت شکوه خود بنشیند شما نیز بر دوازده تخت خواهید نشست تا دوازده قبیلهٔ اسرائیل را داوری کنید.<sup>h</sup> و هر که خانه ها یا برادران یا خواهران یا پدر یا مادر یا فرزندان یا کشتزارها را به خاطر نام من رها کند چندین برابر بیشتر دریافت خواهد کرد و وارث زندگی جاودان خواهد شد.<sup>۱۶:۱۹</sup> ۳۰ بسیاری از نخستین ها واپسین و واپسین ها نخستین خواهند بود.<sup>۲۵:۱۰</sup>

### کارگران یازدهمین ساعت

۲۰ «زیرا ملکوت آسمانها مانند انسانی، ارباب خانه ای است که از آغاز صبح بیرون شد تا کارگرانی برای تاکستان خود اجیر کند.<sup>۲</sup> با کارگران، روزی

گنجی خواهی داشت، سپس آمده مرا پیروی کن.»<sup>۲۲</sup> مرد جوان با شنیدن این سخن بسیار اندوهگین شده برفت زیرا دارایی زیادی داشت.

۲۳ عیسی به شاگردان خود گفت: «آمین به شما می گویم که ثروتمند<sup>d</sup> مشکل وارد ملکوت آسمانها خواهد شد.<sup>۲۴</sup> باز هم به شما می گویم برای شتر آسان تر است از سوراخ سوزن<sup>e</sup> بگذرد تا اینکه ثروتمندی وارد ملکوت خدا شود.»<sup>۲۵</sup> شاگردان با شنیدن این، بسیار متحیر شده گفتند: «پس چه کسی می تواند نجات یابد؟»<sup>۲۶</sup> عیسی به ایشان نگریسته گفت: «برای آدمیان غیر ممکن است ولی برای خدا همه چیز امکان دارد.<sup>f</sup>»

۲۷ آنگاه پطرس به سخن درآمده به او گفت: «اینک ما همه چیز را گذاشته تو را پیروی کرده ایم، پس برای ما چه خواهد

d- ثروتمند. در مورد ثروتها حتی اگر از راه مشروع به دست آمده باشد انجیل چنین آموزش می دهند: ۱- عیسی به مردمان هشدار داده کسی که می خواهد به زندگی وارد شود ثروت مانعی در راهش خواهد بود. ۲- عیسی مقرر نکرده کسانی که به دنبال او می روند هر چه دارند از دست بدهند، بر خلاف فرقه اسنپان که کلیه نوآموزان خود را ملزم می کردند هر چه دارند به نفع جمعیت فرقه بدهند. ۳- عیسی مردمان ثروتمند و کسانی را که موقعیت اجتماعی مهمی داشتند دوست داشته و آنان را به سوی خود خوانده است بدون اینکه آنان را ملزم کند از موقعیت خود چشم ببوشند.

e- احتمالاً اشاره به سوراخ کوچکی است که در سوزن خیاطی وجود دارد و نه اینکه منظور در کوتاهی باشد که در باروی شهر تعبیه می کردند. این ضرب المثل کاملاً جنبه شرقی دارد و بایستی با توجه به وضعیت و ترکیب جمله تفسیر شود (ر. ک توضیح قبلی و مت ۳:۵ توضیح d). jamlā به زبان آرامی هم به معنی طناب است و هم به معنی شتر. به احتمال قوی ترجمه سخن عیسی که به زبان آرامی گفته بود این است: آسان تر است که طناب از سوراخ سوزن بگذرد... و این تعبیر با حرفه ماهیگیران جلیلی که پیرامون عیسی بودند بیشتر هماهنگی دارد.

f- ر. ک پید ۱۸:۱۴؛ ار ۱۷:۳۲؛ زک ۸:۶ ترجمه یونانی؛ ایوب ۴۲:۲.

g- در نوشته های عهد جدید این کلمه فقط در اینجا و در تبط ۵:۳ به کار برده شده است. ریشه این کلمه را در ادبیات مکاشفه ای یهودیان می توان باز یافت و به مفهوم احیاء مجدد (و نه تجدید) بشریت و جهان است که در پایان طرح کنونی جهان انجام خواهد شد. این تغییر و تحول کلی با داوری آغاز خواهد شد (ر. ک ۲۵:۳۱-۴۶) و مبنای ارزشهای جدید را برقرار خواهد کرد.

h- چنین می نماید که عیسی به دوازده رسول وعده می دهد در داوری زمان آخر شرکت می کنند (ر. ک ۱- قرن ۲:۶؛ مکا ۲:۲۰)؛ تفسیر لوقا در این مورد متفاوت است (لوقا ۳۰:۲۲ توضیح t).

i- همین سخنان در ۱۶:۲۰ و لوقا ۳۰:۱۳ آمده است. برخلاف فرقه اسنپان که به افراد خود شکوه وعده داده و مردمان دیگر را محکوم به هلاکت می دانستند. عیسی معاصران خود را به دو طبقه تقسیم نمی کند بلکه هشدار و وعده ای که می دهد مربوط به همه مردمان است.

واپسین ها فقط یک ساعت کار کردند و تو آنان را با ما برابر کرده ای، ما که سنگینی روز و گرمای سوزان را تحمل کرده ایم.<sup>۱۳</sup> او به یکی از ایشان جواب داده گفت: "رفیق! من به تو بی انصافی نمی کنم. آیا با من قرار یک دینار نگذاشتی؟<sup>۱۴</sup> مال خود را بگیر و برو! من می خواهم به این واپسین به اندازه تو بدهم.<sup>۱۵</sup> آیا اجازه ندارم با مال خودم هر چه می خواهم بکنم؟ یا چشم تو بد است چون من خوب هستم؟"<sup>۱۶</sup> بدین سان واپسین ها نخستین خواهند بود و نخستین ها واپسین k.

مر ۲۳:۶  
مر ۲۲:۷  
مر ۳۱:۱۰  
لو ۳۰:۱۳

### عیسی سومین بار رنج و مرگ و رستاخیز خود را اعلام می کند

(مرقس ۱۰:۳۲-۳۴؛ لوقا ۱۸:۳۱-۳۴)

<sup>۱۷</sup> چون عیسی به اورشلیم فراز می آمد، دوازده [تن] را جداگانه با خود برداشت و در راه به ایشان گفت:<sup>۱۸</sup> «اینک به اورشلیم فراز می آیم و پسرانسان به کاهنان اعظم و کاتبان تسلیم کرده خواهد شد و او را به مرگ محکوم خواهند کرد. لو ۲۲:۹ و او را به مشرکان تسلیم خواهند کرد تا

یک دینار قرار گذاشت و آنان را به تاکستان خود فرستاد.<sup>۳</sup> و در حدود ساعت سوم بیرون آمد و دیگرانی را دید که بیکار در میدان ایستاده بودند.<sup>۴</sup> و به آنان گفت: "شما هم به تاکستان بروید و آنچه عدالت است به شما خواهم داد."<sup>۵</sup> ایشان رفتند. باز در حدود ساعت ششم و نهم بیرون آمد و همین را کرد.<sup>۶</sup> در حدود ساعت یازدهم بیرون آمد، دیگرانی یافت که در آنجا بودند و به ایشان گفت: "چرا تمام روز را در اینجا بیکار ایستاده اید؟"<sup>۷</sup> به او گفتند: "چون کسی ما را اجیر نکرده است."<sup>۸</sup> به ایشان گفت: "شما هم به تاکستان بروید."<sup>۹</sup> همین که غروب فرا رسید، خداوند تاکستان به مباشر خود گفت: "کارگران را صدا کرده اجرت ایشان را بده. از واپسین ها شروع کن تا به نخستین ها."<sup>۱۰</sup> و یازده ساعتی ها آمده هر کدام یک دینار دریافت کردند.<sup>۱۱</sup> سپس نخستین ها آمده خیال کردند که بیشتر دریافت خواهند کرد و ایشان هم هر کدام یک دینار دریافت کردند.<sup>۱۲</sup> چون دریافت کردند بر ضد ارباب خانه زمزمه کرده <sup>۱۳</sup> می گفتند: "این

لاو ۱۹:۱۳  
مت ۲۴:۱۵

j- در اینجا احتمالاً مثل اصلی پایان یافته است. این مثل شاید نظیر مثل های باب پنجم انجیل لوقا خطاب به فریسیان است. عیسی نمی خواهد موضوع اراده مطلق را که با عدالت منافات دارد مطرح نمی کند بلکه می خواهد به فریسیان نشان دهد که احسان خداوند برتر و بالاتر از طرز پاداش بشری است که بر مبنای پرداخت اجرت می باشد و ما را دعوت می کند که در برابر بخشندگی محبت خدا حسادت نورزیم.

k- این سخنان که در جای دیگر و در وضعیت دیگری آمده (۳۰:۱۹) احتمالاً به مثل اصلی (آیه ۱۵) افزوده شده و منظور از آن تأکید بر نحوه توزیع پاداشها می باشد (۸:۲۰) و با وضعیت جدیدی که کلیسای متی داشته تطبیق می کند با علم به اینکه مشرکانی که دیرتر خوانده شده بودند پیش از یهودیان که در ابتدا دعوت شده اند آمده اند. این پاداش، نوعی حق الزحمه یعنی پاداش کار نیست که باید پرداخت نمود، بلکه بخشش رایگان است. نخستین ها قرارداد داشتند، بعدی هافقط یک قول شفاهی و آخری ها هیچ قولی هم نشنیده بودند. آیا در اینجا نوعی پیشرفت در ایمان و اطمینان دیده نمی شود؟ بنابراین برای مسیحیان تنها یک پاداش هست که خود مسیح می باشد. در بعضی نسخ خطی اضافه شده است: «زیرا بسیاری خوانده شده اند ولی اندکی برگزیده.» با توجه به این سخن که از ۱۴:۲۲ گرفته شده می توان پنداشت کسانی که در ابتدا خوانده شده بودند (یهودیان) مزد خود را نپذیرفتند و فقط کارگران ساعت یازدهم آن را قبول کردند.

او را مسخره کنند، او را تازیانه بزنند، به صلیب بکشند و در روز سوم قیام خواهد کرد.<sup>۱</sup>» ۴۶:۷، ۲۴-۱ قرن

### جاه طلبی و خدمت

(مرقس ۱۰:۳۵-۴۵؛ لوقا ۲۲:۲۵-۲۷)

آنگاه مادر<sup>m</sup> پسران زبدی با پسرانش نزد وی آمده او را سجده کرد تا از او چیزی درخواست کند.<sup>۲۱</sup> به او گفت: «چه می خواهی؟» به او گفت: «بفرما این دو پسر من، یکی به راست تو و دیگری به چپ تو در ملکوت تو بنشینند.<sup>n</sup>» عیسی در پاسخ گفت: «شما نمی دانید چه چیزی درخواست می کنید. آیا می توانید بنوشید یو<sup>۱۱:۱۸</sup> جامی<sup>o</sup> را که من خواهم نوشید؟» به او گفتند: «می توانیم.»<sup>۲۳</sup> به ایشان گفت: «جام مرا خواهید نوشید. اما برای نشستن به راست و به چپ من، اعطای آن از آن من نیست<sup>p</sup>: بلکه برای آنانی است که پدرم

آماده کرده است.»<sup>۲۴</sup> و با شنیدن [این]، ده [تن] دیگر بر آن دو برادر برآشفته شدند.<sup>۲۵</sup> عیسی ایشان را نزد خود خوانده گفت: «می دانید که رؤسای ملت ها بر آنان فرمانروایی می کنند و بزرگان اقتدار خود را بر آنان اعمال می نمایند.<sup>q</sup>»<sup>۲۶</sup> در بین شما چنین نخواهد بود<sup>r</sup>: ولی آن که در بین شما می خواهد بزرگ شود خادم شما خواهد بود.<sup>۲۷</sup> و آن که در بین شما می خواهد نخستین باشد برده شما خواهد بود.<sup>۲۸</sup> چنان که پسر انسان نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و جان خود ۱- تیمو<sup>۲:۶</sup> را به خاطر بسیاری فدیه دهد.<sup>s</sup>»

### دو نفرکور در دروازه اریحا

(مرقس ۱۰:۴۶-۵۲؛ لوقا ۱۸:۳۵-۴۳)

<sup>۲۹</sup> و چون از اریحا خارج می شدند بسیاری به دنبال او آمدند.<sup>۳۰</sup> و اینک دو کور که کنار راه نشسته بودند چون شنیدند

- ۱- در مقایسه با دو اعلام قبلی قبلاً مصائب و صلیب و رستاخیز عیسی (۱۶:۲۱-۲۳؛ ۱۷:۲۲-۲۳) این پیشگویی جزئیات دقیق تری در بردارد: مثلاً نقش مشرکان، تمسخر کردن، شلاق زدن و به صلیب کشیدن ذکر شده است.
- m- در روایت مشابهی که در انجیل مرقس آمده (۱۰:۳۵) سخنی از مادر پسران زبدی نیست بلکه این دو نفر به تنهایی نزد عیسی می روند. واکنشی عبارت «شما نمی دانید...» که در آیه ۲۲ آمده با وضعیتی که مرقس روایت کرده بهتر تطبیق می نماید و می توان تصور کرد مرقس موضوع مادر پسران زبدی را مطرح نساخته تا روایت ساده تر و پاسخ عیسی روشن تر جلوه نماید.
- n- این دو محل فقط جاهای تشریفاتی مجلس به شمار نمی آیند بلکه نشستن در این دو محل بدان معنی است که در اقتدار کسی که فرمانروایی می کند شریک هستند (ر.ک ۲۸:۱۹ توضیح h).
- o- نوشیدن جام اشاره به مصائب و مصلوب شدن عیسی است (ر.ک مت ۲۶:۳۹؛ مر ۱۰:۳۸ توضیح b).
- p- در حقیقت یعقوب در حدود سال ۴۴ میلادی در اورشلیم شهید شد (اع ۱۲:۲). به علاوه روایتی که بر مبنای این متن است و شهادت یوحنا را اعلام می کند مربوط به زمانی طولانی پس از تاریخ مذکور است. عیسی بدون اینکه به صراحت اعلام نماید می خواهد در خدمت پدرش و در خدمت مردم باقی بماند (همچنین ر.ک ۳۶:۲۴).
- q- این عبارت را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: از قدرت خود بر آنان سوء استفاده می کنند. با این همه منظور از این اعلام عیسی آن نیست که از ماهیت کلی قدرت سیاسی انتقاد نماید بلکه می خواهد به شاگردان نشان دهد که قدرت سیاسی نباید سرمشق ایشان باشد. «فرمانروائی می کنند»، تحت اللفظی: «خداوندی می کنند.»
- r- فعل یونانی که در اینجا به صورت زمان آینده به کار رفته مفهوم فعل امر را دارد.
- s- در مورد اصطلاح «فدیه دادن» ر.ک ۲۸:۲۶ توضیح u و مر ۱۰:۴۵ توضیح f. بعضی از نسخه های خطی مطالبی نظیر لو ۸:۱۴-۱۰ اضافه دارند.

که عیسی عبور می کند، فریاد برآورده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود<sup>t</sup>، بر ما ترحم فرما!»<sup>۳۱</sup> مردم آنان را نهیب زدند تا خاموش شوند ولی ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «خداوندا، ای پسر داود بر ما ترحم فرما!»<sup>۳۲</sup> و عیسی ایستاد و ایشان را فراخواند و گفت: «چه می خواهید برای شما بکنم؟»<sup>۳۳</sup> به او گفتند: «خداوندا، چشمان ما باز شود<sup>u</sup>». عیسی به ترحم آمده چشمانشان را لمس کرد و همان دم بینایی را باز یافتند و به دنبال او رفتند.

### ورود مسیحایی به اورشلیم

(مرقس ۱۱: ۱-۱۱؛ لوقا ۱۹: ۲۸-۴۰؛

یوحنا ۱۲: ۱۲-۱۶)

<sup>۱</sup> و چون به اورشلیم نزدیک شدند  
**۲۱** به بیت فاجی<sup>v</sup> در کوه زیتون  
 آمدند. آنگاه عیسی دو شاگرد را فرستاده<sup>w</sup>

<sup>۲</sup> به ایشان گفت: «به روستایی که در برابر شماست بروید و همان دم ماده الاغی را بسته خواهید یافت که کره الاغی با اوست. آنها را باز کرده نزد من آورید.<sup>۳</sup> و اگر کسی به شما چیزی گوید بگوئید خداوند<sup>x</sup> به آنها نیاز دارد» و فوراً آنها را باز خواهد فرستاد<sup>y</sup>. این انجام شد تا آنچه پیامبر گفته بود تحقق یابد: «به دختر صهیون بگوئید اینک پادشاه تو نزد تو می آید، نرمخو و سوار بر کره الاغ و بر کره حیوانی بارکش<sup>z</sup>. پس شاگردان رفتند و برابر آنچه عیسی به ایشان دستور داده بود کرده ماده الاغ و کره الاغ را آوردند و بر آنها ردهای خود را گسترده و او بر آنها نشست<sup>a</sup>. انبوهی بسیار زیاد<sup>b</sup> ردهای خود را در راه گسترده؛ دیگران شاخه های درختان را بریده در راه می گسترده. انبوهی که در جلو او می رفتند و آنان که

t- در مورد این عنوان عیسی ر. ک ۲۷: ۹ توضیح p. «ترحم فرما» از اصطلاحات مربوط به نیایش کلیسا است و متی غالباً آن را بکار می برد.

u- طبق مت ۵: ۱۱ که نقل قول از اش ۶۱: ۱-۳ است معنی تحت اللفظی شفای جسمانی مفهوم نمادین آن را که وصول به نور رستگاری است نفی نمی کند. ضمناً در روایت یوحنا که مربوط به شفای کور مادرزاد است مفهوم نمادین کاملاً روشن است (یو ۹).

v- بیت فاجی نام روستایی در دامنه شرقی کوه زیتون است (ر. ک مر ۱۱: ۱؛ لوقا ۲۹: ۱۹) که امروزه کفرالطور نامیده می شود. ذکر نام روستا در اینجا به منظور آماده کردن زمینه برای آیه ۲: ۲۱ است که در آن درباره روستا صحبت می شود.

w- نقل قولی که درباره تحقق یافتن (۴: ۲۱-۵) ذکر شده نمودار نیت متی است، بدین معنی که می خواهد نشان دهد با ورود پیروزمندانه عیسی به اورشلیم پیشگویی زک ۹: ۹ تحقق می پذیرد و شامل تهیه مقدمات (۲۱: ۱-۳)، ورود به اورشلیم (۶-۹) و اثری که بوجود آورده (۱۰-۱۱) می باشد.

x- این مورد تنها جایی در انجیل متی است که عیسی خود را خداوند می نامد.

y- تفاوتی که این متن با انجیل مرقس دارد این است که در آنجا مالک الاغ با تقاضای عیسی موافقت می کند.

z- این نقل قول از زک ۹: ۹ است که مقدمه آن تغییر یافته (و احتمالاً از اش ۶۲: ۱۱ گرفته شده است). ضمناً در بعضی از نسخه ها تفاوت های جزئی وجود دارد (مثلاً نوشته شده: بر ماده الاغی و بر کره الاغی، کره حیوانی بارکش، به جای: حیوانی بارکش و کره ای که جوان است). این توضیحات توصیف طرز ورود مسیح پادشاه به شهر خویش می باشد و اولین توقف بر روی کوه زیتون انجام می گیرد (ر. ک زک ۱۴: ۴). ضمناً ورود وی مانند ورود ثروتمندان و قدرتمندان، سوار بر اسب انجام نمی شود بلکه بر روی همان مرکب پدران اسرائیل (ر. ک پید ۴۹: ۱۱؛ داود ۵: ۱۰).

a- متی که علاقمند است پیشگویی تحقق پذیرد توجهی به عدم احتمال این موضوع ندارد. برخی منتقدان این گونه تفسیر می کنند: عیسی بر روی لباسها نشست.

b- تحت اللفظی: قسمت عمده انبوه جمعیت.



**بیرون راندن فروشندگان از معبد**  
(مرقس ۱۱: ۱۵-۱۹؛

لوقا ۱۹: ۴۵-۴۸؛ یوحنا ۲: ۱۳-۱۶)

<sup>۱۲</sup> و عیسی وارد معبد شده تمام آنانی را که در معبد خرید و فروش می کردند بیرون راند و پیشخوان های صرافان و همچنین نیمکت های کبوتر فروشان را واژگون کرد.<sup>g</sup> <sup>۱۳</sup> و به ایشان گفت: «نوشته شده است: "خانه من خانه نیایش نامیده خواهد شد" ولی شما آن را غار دزدان می کنید.<sup>h</sup>»  
<sup>۱۴</sup> و کوران و لنگان در معبد نزد وی آمدند<sup>i</sup>

۱۵:۲۱ به دنبالش او می آمدند فریاد می کشیدند: «هوشیاعنا<sup>c</sup> به پسر داود! مبارک باد آن که به نام خداوند می آید!»<sup>d</sup> هوشیاعنا در بالاترین [آسمانها].<sup>e</sup> و چون وارد اورشلیم شد تمام شهر به لرزه درآمده<sup>e</sup> می گفتند: «این کیست؟»<sup>f</sup> انبوه مردمان می گفتند: «این آن پیامبر، عیسی از ناصره جلیل است.<sup>f</sup>»

c- هوشیاعنا. این کلمه اخیراً به صورت آوانویسی hosanna نوشته می شود (به معنی نجات بده! ر.ک مز ۱۱۸: ۲۵، آیه ای که قبل از مبارک باد... آمده است). این کلمه در ابتدا فریاد و ندای دعوت بود (ر.ک ۲- سمو ۴: ۱۴، هوشیاعنا خطاب به پادشاه یهودیان) که مخصوصاً در هفتمین روز جشن خیمه ها این ندا را برآورده در حالی که شاخه های سبز را تکان می دادند (همچنین به مناسبت موقعیت های دیگر ر.ک ۲- مک ۱۰: ۶-۷) سپس این کلمه احتمالاً در آیین یهود و به هر صورت در بین مسیحیان اولیه به صورت هلهله و تحسین درآمد که احیاناً مخاطب آن معین و مشخص بود.

d- در اینجا نیز (مانند ۲۳: ۳۹) آیات ۲۵ الف و ۲۶ مز ۱۱۸ نقل شده است. ضمناً در روایت رنج و برافرازی مسیح چندین بار از این آیات یاد می شود (ر.ک مت ۲۱: ۴۲ که آیات ۲۲-۲۳ را نقل می کند). به همان گونه که یحیی تعمید دهنده بیش بینی و احساس کرده بود (مت ۱۱: ۳، ۱۱: ۲-۶) عیسی همان کسی است که می آید تا دوران مسیحایی را آغاز نماید (حب ۲: ۳ ترجمه یونانی: ر.ک عبر ۱۰: ۳۷؛ ملا ۱: ۳) که می گوید: خداوند به قدس خود درمی آید؛ ر.ک قسمت بعدی).

e- فعلی که در مورد وقوع زمین لرزه به کار می رود؛ مت ۲۷: ۵۱، ۴: ۲۸؛ ر.ک ۸: ۲۴؛ مکا ۱۳: ۶ همان فعلی است که برای توصیف آمدن روز آخر بکار می رود. وقتی عیسی به عنوان مسیح پادشاه به اورشلیم وارد می شود شهر آشفته است چنانکه به هنگام اعلام تولد او آشفته شده بود (۳: ۲) زیرا زندگی عیسی واقعه ای عمومی به شمار می رود.

f- متی تنها انجیل نگاری است که گزارش می کند انبوه مردمان درباره عیسی چه می گویند (ر.ک ۹: ۳۳، ۱۲: ۲۳). عیسی را به عنوان پیامبر شناخته اند (ر.ک مت ۱۶: ۱۴؛ مر ۶: ۱۵؛ لوقا ۷: ۱۶، ۳۹؛ ۱۹: ۲۴) بدون اینکه به اصل و نسب او که از جلیل است اعتراضی باشد چنانکه در یوحنا ۷: ۵۲ (ر.ک مت ۱۳: ۵۷) ذکر شده است. ضمناً جامعه مسیحیان اولیه او را به چشم آن پیامبر می نگریستند (اع ۲۲: ۳-۲۳ که تث ۱۵: ۱۸ را نقل می کند؛ ر.ک مت ۵: ۱۷ توضیح p؛ یوحنا ۱: ۲۱؛ ۶: ۱۴؛ ۷: ۴۰).

g- طرز رفتار عیسی را به چند نوع می توان تعبیر کرد: یکی این که عمل مقام و شخصیتی با اقتدار است که قربانی کردن ها را در معبد لغو می کند. دیگر این که عملی نمادین به نشانه پاکسازی معبد می باشد زیرا از موقعی که آنتیوخوس ایفان (در سال ۱۶۷ پیش از میلاد) و پمپی (در سال ۶۳ پیش از میلاد) به معبد بی حرمتی کرده بودند یهودیان در انتظار تطهیر معبد بودند. بالاخره عمل عیسی را می توان اعتراض برضد زیاده روی معاملات صرافان و سوداگران تعبیر نمود زیرا یهودیانی که از خارج می آمدند می توانستند بوسیله صرافان پول خود را عوض کرده با پول شرعی یهود، هدیه ای (مثلاً یک کبوتر) برای معبد خریداری کنند یا دو درهم عشریه مقرر را به معبد بپردازند. این صرافان و سوداگران در رواقهای صحن امتهای جای گرفته بودند.

h- عیسی نقش واقعی معبد را به آن برمی گرداند تا خانه دعا و نیایش باشد (اش ۵۶: ۷) نه اینکه مغاره دزدان و راهزنان شود (ارمیا نبی در ۱۱: ۷ به معبد عتاب کرده و تهدید می نماید که بمانند «شیلوه» متهدم می گردد).

i- اشخاص عللی که بوسیله عیسی شفا می یابند یعنی نابینایان و لنگان (ر.ک ۴: ۱۱) از همان نوع کسانی هستند که در آغاز فهرست علیلان در سفر لاویان ذکر شده و حق ندارند جزو کاهنان باشند (لاوی ۱۸: ۲۱) و همچنین از معبد طرد می شوند (۲- سمو ۵: ۸).

و آنان را شفا داد.<sup>۱۵</sup> کاهنان اعظم و کاتبان چون می دیدند چیزهای شگفت انجام داده و کودکان را که در معبد فریاد زده می گفتند «هوشیاعانا به پسر داود» برآشفتنند.<sup>۱۶</sup> و به او گفتند: «آیا آنچه را می گویند می شنوی؟» عیسی به ایشان گفت: «آری؛ مگر هرگز نخوانده اید: حمد و ثنای خود را به زبان بچه ها و شیرخوارگان گذاشته ای؟»<sup>۱۷</sup> و ایشان را ترک کرده از شهر به سوی بیت عنیا<sup>k</sup> خارج شد که در آنجا شب را گذرانید.

<sup>۲۰</sup> شاگردان دیده تعجب کرده گفتند: «چگونه درخت انجیر فوراً خشک شده است؟»<sup>۲۱</sup> عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید نه فقط این را به درخت انجیر توانید کرد بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: خود را برداشته به دریا بینداز، این انجام خواهد شد.<sup>m</sup> <sup>۲۲</sup> و هر چه در دعا با ایمان درخواست کنید آن را دریافت خواهید کرد.»

لوقا ۱۷:۶؛  
۱-قرن ۲:۱۳  
۷:۷-۱۱؛  
۱۸:۱۹؛  
یوحنا ۱۴:۱۳، ۱۴

### سؤال یهودیان درباره اقتدار عیسی (مرقس ۱۱: ۲۷-۳۳؛ لوقا ۲۰: ۱-۸)

<sup>۲۳</sup> و وارد معبد شده چون آموزش می داد، کاهنان اعظم و مشایخ قوم نزد وی آمده گفتند: «به چه اقتداری این را می کنی<sup>n</sup>؟ و چه کسی به تو این اقتدار را داده است؟»<sup>۲۴</sup> عیسی پاسخ داده به ایشان گفت: «من هم از شما فقط یک سخن می پرسم، اگر آن را به من بگویید من هم

### درخت انجیر بی ثمر

(مرقس ۱۱: ۱۲-۱۴، ۲۰-۲۵)

<sup>۱۸</sup> بامدادان، هنگام بازگشت به شهر لوقا ۱۳:۶ گرسنه شد.<sup>۱۹</sup> و درخت انجیری در نزدیکی راه دیده به سوی آن آمد و در آنجا جز برگ چیزی نیافت و به او گفت: «از این پس تا ابد از تو میوه ای برنیاید!» و درخت انجیر همان دم خشکید<sup>۱</sup>.

ج- نقل قول از مژ ۳:۸. در کلیسای اولیه این مزمور جزو «نوشته های مسیحائی» به شمار می آمد (مخصوصاً آیه ۵ مزمور؛ ر. ک. عبر ۲:۶-۸؛ ۱-قرن ۲:۱۵؛ افس ۱:۲۲؛ فی ۳:۲۱؛ ۱-پطرس ۳:۲۲). بنابراین ممکن است این نقل قول اشاره به کل مزمور باشد و عیسی را به عنوان آن پسر انسان با تاج جلال و اکرام تعیین می کند (و نه پسر انسان به مفهوم عام یعنی انسانی که در مزمور ذکر شده است).

k- بیت عنیا. روستایی است که در دامنه شرقی کوه زیتون و در نزدیکی جاده ای که از اورشلیم به اریحا می رود قرار دارد (مت ۲۶:۶؛ لوقا ۱۰:۳۸؛ ۲۴:۵۰؛ یوحنا ۱:۱۱). امروزه این محل العازاربه نامیده می شود. در جریان جشن های بزرگ یهود زائرانی که به اورشلیم می آمدند معمولاً شب را در خارج از دیوارهای شهر می گذرانیدند.

l- عیسی درخت انجیر را محکوم می کند زیرا میوه هایی را که می خواهد در آن نمی یابد. به هر صورت معنی این روایت مبهم است. ممکن است برگهای شاداب و درخشان درخت، نماد ساختمانهای زیبای معبد باشند که به سبب بی حاصلی مذهبی محکوم هستند. این اتفاق شبیه همان واقعه ای است که عملاً در قوم برگزیده روی داد. آن هنگام که مسیح به پایتخت آمد تا میوه روحانی پیدا کند و هیچ نیافت و همین باعث محکومیت این شهر خواهد بود (مت ۲۳:۳۷-۳۹؛ ر. ک. مژ ۱۳:۱۱ توضیح s).

m- این جمله در ۲۰:۱۷ هم آمده است (ر. ک. توضیح n) و در آنجا با اوضاع و شرایط بیشتر تناسب دارد.  
n- آیات ۲۳-۲۷ از سر نو به شیوه بحث و جدل، موضوع قطعی اقتدار عیسی را مطرح می کند (ر. ک. ۷:۲۹؛ ۹:۶؛ ۲۸:۱۸) و با کلماتی ادا می شود که به لحن خاص کتاب مقدس و سخنان یهودیان است: اقتدار او فردی و شخصی نیست که از خود او بوده و نظیر اقتدار شخصیتی استثنائی باشد بلکه اقتداری ناشی از منبع اصلی است. کاهنان سؤال می کنند: چه کسی این قنندار را به تو داده است؟ آیا خدا یا شیطان یا مردم داده اند؟ یا اینکه خودت آن را کسب کرده ای؟

اراده پدر را انجام داده است؟» به او گفتند: «نخستین.» عیسی به ایشان گفت: «آمین! به شما می گویم که خراج گیران و روسپیان پیش از شما وارد ملکوت خدا می شوند.<sup>۳۲</sup> زیرا یحیی در راه عدالت نزد شما آمد و به او ایمان نیاوردید؛ اما خراج گیران و روسپیان به او ایمان آوردند و شما با دیدن این هم بالاخره توبه نکردید تا به او ایمان بیاورید.»

### باغبانان یاغی

(مرقس ۱۲: ۱-۱۲؛ لوقا ۲۰: ۹-۱۹)

<sup>۳۳</sup> «مثل دیگری گوش کنید.<sup>T</sup> ارباب خانه ای بود که تاکستانی کاشت و آن را محصور کرد و در آنجا چرخشستی کند و برجی بنا نمود.<sup>S</sup> سپس آن را به باغبانانی اجاره داده و به سفر رفت.<sup>۳۴</sup> وقتی فصل میوه نزدیک شد خادمان خود را نزد باغبانان فرستاد تا میوه هایش را بگیرند.<sup>I</sup> و باغبانان خادمان را گرفته، یکی را

به شما خواهیم گفت به چه اقتداری این را می کنم. ۳۳:۶:۱۰ یو<sup>۲۵</sup> تعمید یحیی از کجا بود؟ از آسمان<sup>O</sup> یا از انسانها؟ ایشان در بین خود استدلال کرده می گفتند: «اگر بگوییم از آسمان، به ما خواهد گفت پس چرا به او ایمان نیاوردید؟<sup>۲۶</sup> اگر بگوییم از انسانها، از مردم می ترسیم زیرا همه یحیی را پیامبر می دانند.»<sup>۲۷</sup> و به عیسی پاسخ داده گفتند: «نمی دانیم»، او نیز به ایشان گفت: «من هم به شما نمی گویم با چه اقتداری این را می کنم.»

### دو پسر

لوقا ۱۱: ۱۵ <sup>۲۸</sup> «چه می پندارید؟ مردی دو فرزند داشت. نزد نخستین رفته گفت: "فرزند، امروز برو در تاکستان کار کن." <sup>۲۹</sup> او پاسخ داده گفت: "نمی خواهم P؛ سپس پشیمان شده<sup>۹</sup> رفت. <sup>۳۰</sup> نزد دومی رفته همین را به او گفت و این یکی پاسخ داده گفت: "بله خداوند" و نرفت. <sup>۳۱</sup> کدام یک از آن دو

O- از آسمان یعنی از خدا (ر. ک آیه ۲۳ توضیح n)

P- در بعضی از نسخه های خطی ترتیب پاسخهایی که در آیات ۲۹ و ۳۰ داده شده متفاوت است.

Q- همین کلمه در ۳۲:۲۱ و ۳:۲۷ به کار برده شده است.

T- بازسازی احتمالی از سرگذشت این مثل را می توان چنین تصور کرد: در گفتار عیسی هدف این مثل آینده تاکستان بوده (۴۱:۲۱؛ ر. ک مر ۹:۱۲) سپس در روایاتی که قبل از نگارش اناجیل نظیر نقل می شده بیشتر بر سرنوشت پسر توجه شده و از این رو قسمتی از مز ۱۱۸ و اشاراتی از نوشته های مقدس افزوده شده است. بالاخره متی تصریح می کند که پیدایش قوم جدید (۴۳:۲۱) وابسته به سرنوشت عیسی است که سخن می گوید، همان کسی که بایستی کشته شود ولی او قیام خواهد کرد. بنابراین اگر نمی خواهند در زیر سنگ زاویه خرد شوند بایستی جانب او را بگیرند. این مثل پس از مقدمه (۳۳:۲۱) از دو قسمت تشکیل می شود: صاحب تاکستان با وجود فرستادن مکرر خدمتگزاران و بالاخره پسر خود از ثمره تاکستان محروم می ماند (۳۴:۲۱-۳۹). سپس تاکستان را به باغبانان دیگری می سپارد که برای او میوه خواهند آورد (۴۰:۲۱-۴۴).

S- در نقل قول از اش ۵:۲ که از ترجمه یونانی پیروی شده توجه خواننده به علاقه مالک به تاکستان معطوف شده از اصل مطلب دور می شود و امکان دارد که این نقل قول به این صورت جزو مثل اولیه نبوده باشد (ر. ک لو ۹:۲۰).

T- متی بر طبق روش خود تأکید می کند که بایستی تمامی محصول تاکستان و نه فقط یک قسمت از آن را تحویل داد (مر ۱۲:۲؛ لو ۱۰:۲۰) و این موضوع طبق دیدگاه معمول متی است (ر. ک مت ۷:۱۶-۲۰؛ ۱۲:۳۳ با لو ۴۳-۴۴). بدین طریق وفاداری نسبت به عهد معلوم می شود (ر. ک ۲۱:۴۱-۴۳؛ مز ۱:۳).

۶:۲۲ زده، دیگری را کشتند و دیگری را سنگسار کردند.<sup>۳۶</sup> باز خادمان دیگری، بیشتر از اولی‌ها فرستاد و ایشان با آنان نیز همین کردند.<sup>۳۷</sup> بالاخره پسرش را نزد ایشان فرستاده با خود گفت: "پسر مرا حرمت خواهند کرد."<sup>۳۸</sup> اما باغبانان، با دیدن پسر بین خود گفتند: "این هم وارث؛ برویم او را بکشیم و ارثیه‌اش را تصاحب کنیم."<sup>۳۹</sup> و او را گرفته، از تاکستان بیرون انداخته او را کشتند.<sup>۴۰</sup> پس وقتی خداوند تاکستان بیاید با این باغبانان چه خواهد کرد؟<sup>۴۱</sup> به او گفتند: «این بدکاران را بد هلاک خواهد کرد و تاکستان را به باغبانان دیگری اجاره خواهد داد<sup>w</sup> که میوه‌ها را در فصل خود<sup>x</sup> به او تحویل دهند.»<sup>۴۲</sup> عیسی

به ایشان گفت: «مگر هرگز در نوشته‌های [مقدس] نخوانده‌اید: "سنگی را که بنّایان رد کرده بودند همان است که سر زاویه گردید. این از خداوند می‌آید و به چشمان ما شگفت‌انگیز است<sup>y</sup>."»<sup>۴۳</sup> بدین سبب به شما می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته شده به ملتی داده خواهد شد که آن را به ثمر برساند.<sup>z</sup> و کسی که برای این سنگ بیفتد خرد خواهد شد، و هر کسی که بیفتد او را خرد خواهد کرد.<sup>a</sup> و کاهنان اعظم و فریسیان با شنیدن مثل‌های او دانستند که از ایشان سخن می‌گوید.<sup>۴۴</sup> و

ذری دستگیری او بودند ولی از انبوه مردم می‌ترسیدند چون که وی را پیامبر دانستند.

دان ۲:۳۴، ۳۵، ۴۴  
۱۱:۴  
۷:۲-۲  
۱۴:۱۶  
۱۱:۲۱  
۱۶:۷  
۱۹:۲۴  
۱۷:۹، ۱۹:۴

u- ر. ک مت ۲۳:۳۷.

v- ترتیب وقوع رویدادها (بیرون انداختن و کشتن) مسلماً نتیجه اقدام متی و لوقا نیست که خواسته باشند متن انجیل مرقس را تصحیح کنند (زیرا در انجیل مرقس ترتیب وقایع کشتن و بیرون انداختن می‌باشد). برای اینکه متی و لوقا که معمولاً دو انجیل نگار مستقل از یکدیگر بشمار می‌آیند به نتیجه واحدی برسند می‌بایست از باوری همگانی پیروی کنند اما این فرضیه را نمی‌توان با استناد به مدارکی است که بعضی ذکر می‌کنند اثبات نمود (یو ۱۷:۱۹؛ عبر ۱۳:۱۲). لازم به یادآوری است ترتیب وقوع رویدادها همان طوری که در متن ذکر شده با ترتیب و مراسم اعدام محکومان به مرگ و مخصوصاً کفرگویان تطبیق می‌نماید (لاو ۲۴:۱۴-۱۶؛ ر. ک اع ۵۸:۷). برای تفسیر دیگری ر. ک مر ۸:۱۲ توضیح i.

w- چون منظور از تاکستان نه قوم تاریخی اسرائیل بلکه ملکوت خدا می‌باشد بنابراین به نظر می‌رسد که باغبانان رؤسای قوم نیستند بلکه مجموعه قوم اند. در مورد «دیگران» در آیه ۴۳:۲۱ تصریح خواهد شد.

x- تحت اللفظی: در زمان خودشان.

y- این جملات که کلمه به کلمه از ترجمه یونانی مز ۱۱۸:۲۲-۲۳ نقل شده معنی مثل اصلی را به موضوع شناخت راز مسیح می‌کشاند، فرد مسیحی که این مثل را می‌خواند دیگر تنها با اعلام مرگ مسیح روبرو نمی‌شود و به جای اینکه به سر نوشت ملکوت متوجه شود توجه او به عمل شگفت‌انگیز خدا معطوف می‌گردد که پسر خود را قیام بخشید.

z- این آیه مختص انجیل متی است و احتمالاً پیش از نگارش انجیل متی وجود داشته است (ملکوت خدا و ثمراتی که باید ببار بیاید). منظور از کلمه ملت که در اینجا به کار برده شده اقوام مشرک نیستند (اصولاً کلمه یونانی ethnos به ندرت به صورت مفرد به کار برده می‌شود، ر. ک ۷:۲۴؛ و این نکته نظریه متی است که کلیسا جای اسرائیل را می‌گیرد). ضمناً منظور از این کلمه «ملت مقدس» نیست (۱- پط ۹:۲) زیرا در این صورت بایستی کلمه یونانی laos بکار برده می‌شد بلکه نسل جدید ایمانداران است (ر. ک ار ۲۸:۲۹).

a- این آیه در روایت‌ها و نسخه‌های خطی مهم وجود ندارد ولی تمام نسخه‌های خطی دیگر آن را گواهی می‌کنند و صحت و اصالت آن بسیار محتمل است.

### ضیافت عروسی (لوقا ۱۴: ۱۵-۲۴)

۲۲

<sup>۱</sup> و عیسی به سخن درآمده باز به مثل<sup>b</sup>ها ایشان را خطاب کرده گفت: <sup>۲</sup> «ملکوت آسمانها مانند انسانی، پادشاهی<sup>c</sup> است که ازدواج<sup>d</sup> پسرش را برپا کرد. <sup>۳</sup> و خادمان خود را فرستاد تا خوانده شدگان<sup>e</sup> را به [ضیافت] ازدواج فراخواند و ایشان نمیخواستند بیایند. <sup>۴</sup> باز خادمان دیگری فرستاده گفت: "به خوانده شدگان بگویید اینک ناهارم را آماده کرده ام. گاوهای من و پرواری های من ذبح شده و همه چیز آماده است. به [ضیافت] ازدواج بیایید." <sup>۵</sup> اما ایشان به آن بی اعتنایی کرده رفتند، یکی به کشتزار خود، یکی به

تجارت خود. <sup>۶</sup> دیگران خادمان او را گرفته به ایشان توهین کرده و آنان را کشتند. <sup>۷</sup> پادشاه خشمگین شده لشکریان خود را فرستاد تا این قاتلان را به هلاکت رسانده شهرشان را به آتش کشند. <sup>۸</sup> آنگاه به خادمان خود گفت: "[ضیافت] ازدواج آماده است ولی خوانده شدگان شایسته نبودند. <sup>۹</sup> پس به سر راهها<sup>g</sup> بروید و تمام کسانی را که می یابید به [ضیافت] ازدواج دعوت کنید." <sup>۱۰</sup> و این بردگان به سر راهها بیرون شده تمام کسانی را که پیدا کردند، از خوب و بد جمع کردند<sup>h</sup> و [نالار] ازدواج پر از میهمان شد. <sup>۱۱</sup> پادشاه برای مشاهده میهمانان وارد شده در آنجا مردی را دید که لباس [ضیافت] ازدواج<sup>i</sup> بر تن

b- نظیر مثلی که در اینجا روایت می شود فقط در انجیل لوقا وجود دارد (لوقا ۱۶: ۱-۲۴) ولی متن این مثل در دو انجیل اندازه ای متفاوت است که عده ای تردید دارند منشأ آنها از یک روایت باشد. با این همه و با تفاوت های موجود، مثل انجیل متی و انجیل لوقا یکی است و نکات انتقادی که در آنها ذکر شده یکی هستند. کلمات خاص انجیل متی یعنی پادشاه، ازدواج و پسر معنائی مسیحائی دارند و به شباهت مثل باغبانان قاتل، فرستادن پی در پی خادمین نشانگر تعداد پیامبران و رفتار قوم یهود نسبت به آنان است. ضمناً آیات ۱۱ تا ۱۳ که مختص انجیل متی است به دشواری با مطالب قبلی پیوستگی دارند اما آیه ۱۴ به عنوان نتیجه مثل بسیار بهتر با ۱-۱۰ تطبیق می کند تا با ۱۱-۱۳.

c- در عهد عتیق و در آیین یهود اکثراً از خدا به عنوان پادشاه صحبت می شد.

d- تحت اللفظی: ازدواج ها. صورت جمع به این دلیل است که جشن های ازدواج چندین روز طول می کشید. اکثراً در کتاب مقدس، نظیر این مورد، عروسی نماد مشارکت سرورآمیز و قطعی خدا با قوم خود می باشد (ر. ک مت ۲۵: ۱-۱۲). در این مثل تکیه کلام در مورد پسر نیست بلکه امتناع نخستین میهمانان از قبول دعوت مورد توجه است.

e- قبلاً دعوت شده بودند و بایستی منتظر می ماندند تا به آنان خبر داده شود یعنی علامتی که به آنان اعلام می کرد جشن های عروسی آغاز می شود. عبارت «فراخواندن» که به صورت مکرر تکرار شده، همان عبارتی است که در خصوص پیروی شاگردان از عیسی استفاده شده است (ر. ک مت ۲۱: ۴؛ ۹: ۱۳؛ ۱۰: ۱).

f- احتمالاً اشاره به ویرانی اورشلیم به وسیله رومیان می باشد که در سال ۷۰ میلادی رخ داد. در روایت مشابهی که در لوقا ۲۱: ۱۴ آمده این نکته وجود ندارد و می توان تصور کرد که آیات ۶ و ۷ انجیل متی پس از ویرانی اورشلیم به این مثل افزوده شده یا اینکه اصولاً تمام مثل پس از سال ۷۰ میلادی صورت نهائی به خود گرفته است.

g- احتمالاً منظور چهارراهی نیست که در داخل شهر یا روستاها وجود دارد بلکه نقطه ای در خارج از شهر می باشد که جاده ها و کوره راههایی که از دهات می آیند در آنجا به یکدیگر می پیوندند. در اعد ۳۴: ۴-۶ این کلمه به معنی مرزهای یک منطقه به کار برده شده است. ضمناً این نکته جزئی تأکید می کند که آخرین دعوت به جشن های عروسی جنبه جهانی دارد.

h- این جمله ممکن است اشاره به این باشد که در ملکوت، پیش از داوری نهایی، نیکان و بدان در کنار هم حضور دارند (ر. ک ۱۳: ۳۷-۴۳) یا بیشتر محتمل است اشاره به فیض خدا باشد که همه مردمان و مخصوصاً گناهکاران را به شرکت در شادمانی ملکوت دعوت می نماید (ر. ک ۹: ۱۳).

نداشت. ۱۲ و به او گفت: "رفیق، چطور بدون لباس [ضیافت] ازدواج وارد شده‌ای؟" آن مرد دهان خود را نگشود. ۱۳ آنگاه پادشاه به خادمان گفت: "دستها و پایهای او را ببندید و او را بیرون بیندازید در ظلمات خارج؛ در آنجا گریه و فشار دندانها خواهد بود." ۱۴ زیرا بسیاری خوانده شده‌اند و اندکی برگزیده<sup>k</sup>.

### پرداخت خراج به قیصر

(مرقس ۱۲: ۱۳-۱۷؛ لوقا ۲۰: ۲۰-۲۶)

۱۵ آنگاه فریسیان رفته شور کردند تا او را با سخنی به دام اندازند. ۱۶ و شاگردان خود و هیرودیسیان<sup>۱</sup> را نزد او فرستاده گفتند: «ای استاد، می‌دانیم که تو بر حق هستی و راه خدا<sup>m</sup> را به حقیقت آموزش می‌دهی و در بند کسی نیستی زیرا به شخصیت انسانها توجهی نداری. ۱۷ پس

آنچه می‌پنداری به ما بگو. آیا دادن خراج<sup>n</sup> به قیصر مجاز است یا خیر؟» ۱۸ عیسی که شرارت ایشان را درک می‌کرد گفت: «ای ریاکاران، چرا مرا به تجربه می‌گذارید؟ ۱۹ سگه<sup>۱۰</sup> خراج<sup>o</sup> را به من نشان بدهید.» ایشان به او یک دینار نشان دادند. ۲۰ و او به ایشان گفت: «این تصویر و این نوشته از کیست؟» ۲۱ گفتند: «از قیصر.» آنگاه به ایشان گفت: «پس آنچه از آن قیصر است روم ۷: ۱۳ به قیصر باز پس دهید و آنچه از آن خداست به خدا.» ۲۲ و چون این را شنیدند حیرت کردند و او را ترک کرده رفتند.

### رستاخیز مردگان

(مرقس ۱۲: ۱۸-۲۷؛ لوقا ۲۰: ۲۷-۳۸)

۲۳ در آن روز صدوقیان که می‌گویند رستاخیز وجود ندارد<sup>p</sup> نزد او آمده سؤال ۸: ۲۳ کرده گفتند: ۲۴ «استاد، موسی گفته است:

i- در مورد آیات ۱۱-۱۴ ر. ک ۲۲: ۱ توضیح b. اکنون می‌توان پرسید آیا لباس عروسی در اینجا به عنوان نماد ایمان آمده یا شادی از وصول به نجات است یا اینکه نشانه عدالت می‌باشد یعنی نیکویی که متی دائماً درباره اهمیت آنها تأکید می‌نماید (۵: ۱۶-۲۰؛ ۲۱: ۷؛ ۲۲: ۲۲)؟ وضع و ترکیب عبارت، تفسیر اخیر را توصیه می‌کند. دعوت خدا رایگان است ولی در عین حال الزاماتی دربردارد.

j- ر. ک ۸: ۱۲ توضیح t.

k- این آیه معماگونه، احتمالاً اشاره به یهودیان نیست که در ابتدا به نجات دعوت شدند و اکنون با نپذیرفتن مسیح طرد می‌شوند بلکه می‌توان گفت به سبب آیات ۱۱-۱۳ برضد کسانی است که از دعوت رایگان خدا سوءاستفاده می‌کنند و مالا از ملکوت بیرون افکنده می‌شوند.

l- ر. ک مر ۶: ۳ توضیح g. هیرودیسیان یا طرفداران خاندان سلطنتی هیرودیس با رومیان موافقت داشتند و بنابراین با فرقه غیوران مخالف بودند. در صورتی که فرقه فریسیان حضور رومیان را به عنوان کیفر الهی به شمار می‌آوردند و در مورد پرهیزکاری شخصی تأکید می‌کردند (ر. ک مزامیر سلیمان).

m- راههایی که خدا را نشان داده یا شاید راههایی که خدا گشوده است.

n- ایالت‌های تابع روم ملزم بودند غیر از مالیاتهای غیر مستقیم (عوارض راه (مت ۹: ۹-۱۰)، حقوق گمرکی، مالیاتهای متعدد) خراجی به امپراتوری روم بپردازند. مبلغ این خراج برای همه یهودیان به یک اندازه بود. فقط کودکان و کهنسالان از پرداخت آن معاف بودند. این خراج همچون نشانه شرم آور تبعیت قوم از روم به شمار می‌آمد. فرقه غیوران طرفداران خود را از پرداخت آن منع می‌کردند (ر. ک لوقا ۲۳: ۲؛ روم ۷: ۱۳).

o- خراج [مالیات سرانه‌ای که یهودیان به اجبار به خزانه کشور اشغالگر روم می‌پرداختند. اگر حتی در جیب خود چنین سکه‌ای داشتند بدین معنی بود که نظام رومی را پذیرفته بودند].

p- فرقه صدوقیان خود را محدود به قوانین مکتوب و مخصوصاً اسفار پنجگانه (تورات) می‌دانستند و معتقد بودند که در آنها موضوع رستاخیز مردگان وجود ندارد. به طوری که از انشاء این آیه برمی‌آید عیسی و نویسندگان انجیل بیشتر به محافل فریسیان علاقمند بوده‌اند.

۳۲ "من هستم خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب<sup>u</sup>. او خدای مردگان نیست بلکه [خدای] زندگان<sup>v</sup>." ۳۳ و چون جماعت این را شنیدند از آموزش او حیرت کردند.

مت ۲۸:۵۴؛ مر ۱۸:۱۱

### بزرگترین فرمان

(مرقس ۱۲: ۲۸-۳۴؛ لوقا ۱۰: ۲۵-۲۸)

۳۴ فریسیان که شنیدند دهان صدوقیان را بسته به دور هم گرد آمدند. ۳۵ و یکی از ایشان که عالم شریعت بود برای اینکه وی را به تجربه بگذارد<sup>w</sup> از او سؤال کرد: ۳۶ «ای استاد، در تورات کدام فرمان بزرگتر است؟» ۳۷ به او گفت: «خداوند، خدای خود را با تمام قلب و تمام روان و تمام ادراک<sup>x</sup> خود محبت خواهی کرد. ۳۸ همین است بزرگترین و نخستین فرمان. ۳۹ دومی همانند آن است<sup>y</sup>: همسایه خود را

مت ۵: ۶؛ یوشع ۲۲: ۵؛ لاو ۱۹: ۱۸؛ مت ۵: ۴۳؛ لوقا ۱۹: ۱۹؛ روم ۱۳: ۹؛ غلا ۵: ۱۴؛ یح ۸: ۲

"اگر کسی بمیرد بدون اینکه فرزندی داشته باشد، برادرش به عنوان برادر شوهر، با همسر او ازدواج خواهد کرد و نسلی برای برادرش قائم خواهد ساخت<sup>q</sup>." ۲۵ باری در بین ما هفت برادر بودند و اولی بعد از ازدواج درگذشت و چون نسلی نداشت زن خود را به برادرش گذاشت. ۲۶ به همین ترتیب دومی و سومی تا هفتمی. ۲۷ آخر از همه، آن زن مُرد. ۲۸ پس در رستاخیز آن زن متعلق به کدام یک از آن هفت خواهد بود؟ زیرا همگی او را داشته اند.» ۲۹ عیسی در پاسخ به ایشان گفت: «شما خود را گمراه می کنید چون نه نوشته های [مقدس] را می شناسید و نه قدرت خدا را<sup>t</sup>. ۳۰ زیرا در رستاخیز نه زن می گیرند و نه شوهر<sup>s</sup> بلکه مانند فرشتگان<sup>u</sup> در آسمان هستند. ۳۱ و درباره رستاخیز مردگان، آیا آن کلامی را که از خدا به شما اعلام شده نخوانده اید؟

q- رسم ازدواج با بیوه برادر بر مبنای تث ۲۵: ۵-۱۰ می باشد (ولی در لاو ۱۸: ۱۶؛ ۲۱: ۲۰ ممنوع شده است) و چنین است که اگر شخصی فوت کند و از او فرزندی به جای نمانده باشد، برادرش بیوه او را به زنی می گیرد و هدف از برقراری این مقررات آن بوده که نام شخص متوفی باقی مانده وارثی داشته باشد. این رسوم را ملتهای آشوری و «حتی ها» نیز می شناختند ولی از هنگامی که دختران نیز توانستند از ارث بهره مند شوند این مقررات اهمیت کمتری یافت (اعد ۳۶). در اینجا کلمه -anasta sei بکار رفته که در جواب صدوقیان اشاره ای به رستاخیز است.

t- ر. ک مر ۱۲: ۲۴ توضیح u.

s- تحت اللفظی: ازدواج نمی کنند (هنگامی که از مرد سخن می گویند) و به ازدواج داده نمی شوند (در مورد زنان).

t- اصطلاح «مانند فرشتگان بودن» به هیچ وجه از اهمیت و ارزش ازدواج نمی کاهد (ر. ک ۱۹: ۳-۹) بلکه در اینجا فقط بدان مفهوم است که فرشتگان کاری جز خدمت خدا و ستایش او ندارند (ر. ک ۱۸: ۱۰).

u- خروج ۳: ۶، ۱۵-۱۶.

v- بر خلاف صدوقیان که موضوع زندگی پس از مرگ را مسخره می کردند خدا به زندگان علاقمند است. چنانکه نقل قول خروج ۳: ۶ نشان می دهد: خدا به عنوان خدای پدران، خدای زنده ای که تاریخ زندگان را هدایت می کند بر موسی ظاهر شده است.

w- مت ۲۲: ۳۵-۴۰ یک قسمت از مجموعه روایتهایی است که درباره مجادله عیسی با مخالفانش می باشد. در اناجیل مرقس و لوقا جنبه جدلی این روایت ها کمتر است. در این قسمت از انجیل، تورات خلاصه شده و بدیع بودن این قسمت در یادآوری محبت به خدا و محبت به دیگران نیست که در عهد عتیق هم ذکر شده است (لاو ۱۹: ۱۸؛ تث ۵: ۶) بلکه در آن است که عیسی این دو را به یکدیگر نزدیک کرده و برای آنها به یک اندازه اهمیت قائل شده است و مخصوصاً در اینکه تمامی تورات را در این دو فرمان ساده و خلاصه کرده است.

x- در مورد کلمه اخیر ر. ک لو ۱۰: ۲۷ توضیح g.

y- شباهت این دو فرمان بدان معنی نیست که یکی هستند بلکه خاصیت و اهمیت مساوی دارند و بنابراین یکی از آن دو نباید جای دیگری را بگیرد چنان که گوئی محبت به همسایه، محبت به خدا را نیز دربردارد و بالعکس (با این همه ر. ک ۲۵: ۴۰ t).

## انتقاد از فریسیان

(مرقس ۱۲: ۳۸-۴۰)

لوقا ۲۰: ۴۵-۴۷؛ ۱۱: ۳۹-۵۲)

۲۳<sup>۱</sup> آنگاه عیسی جماعت و شاگردانش  
را خطاب کرده گفت:<sup>d</sup> ۲ «کاتبان و

فریسیان بر کرسی موسی<sup>e</sup> نشسته اند. ۳ پس

هر آنچه به شما گویند عمل کنید و مراعات

نمائید ولی برابر اعمال ایشان عمل نکنید ملا ۷: ۸،

زیرا می گویند و عمل نمی کنند. ۴ بارهای

سنگینی<sup>f</sup> می بندند و بردوش مردم

می گذارند ولی خود نمی خواهند با انگشت

آنها را حرکت دهند. ۵ تمام اعمالی را که

انجام می دهند برای آن است که انسانها ۶: ۵،

مشاهده کنند. زیرا حمایل های<sup>g</sup> خود راپهن و حاشیه های لباس<sup>h</sup> خود را بزرگ اعدا ۱۵: ۳۸، ۳۹

می کنند. ۶ در ضیافت ها نخستین جای لو ۱۴: ۷

نشستن را دوست دارند و در کنیسه ها

اولین کرسی ها را. ۷ در معاشره به آنان سلام

گفته شود و مردم ایشان را ربی بخوانند.

۸ شما را ربی نخوانند زیرا فقط یک استاد

مانند خود<sup>z</sup> محبت خواهی کرد. ۴۰ تمام

تورات و [کتابهای] پیامبران وابسته به این

روم ۱۳: ۱۰ مت ۱۲: ۷  
دو فرمان هستند.»

## پسر داود و خداوند او

(مرقس ۱۲: ۳۵-۳۷؛ لوقا ۲۰: ۴۱-۴۴)

۴۱ هنگامی که فریسیان دور هم گرد آمده

بودند عیسی از ایشان سؤال کرده گفت:<sup>a</sup>

۴۲ «درباره مسیح چه می پندارید؟ او پسر

کیست؟» به او گفتند: «[پسر] داود».

۴۳ به ایشان گفت: «پس چگونه داود در روح

او را خداوند می خواند؟ چنان که گفت:

۴۴ «خداوند به خداوند من گفت به

[دست] راست من بنشین تا آنگاه که

دشمنانت را به زیر پایهای<sup>b</sup> اندازم.»

۴۵ پس اگر داود او را خداوند می خواند

چگونه پسر باشد؟» ۴۶ و هیچ کس

نتوانست به او یک کلمه پاسخ دهد و از آن

روز به بعد دیگر کسی جرأت نکرد از او

سؤال بکند.<sup>c</sup>

z- عبارت «مانند خود» بدان معنی است که همسایه خود را باید کاملاً و از صمیم قلب محبت کرد. منظور این نیست که همسایه

را به شرط اینکه اول خود را محبت کنیم دوست داشته باشیم، بلکه باید همسایه و خود را به عنوان موهبت خدا با فروتنی

محبت کنیم. البته باید مسیح را بالاتر و بیشتر از هر چیز و هر کس محبت نمود (ر. ک ۲۴: ۱۶).

a- در مورد مجموعه آیات ۴۱-۴۶ ر. ک مر ۱۲: ۳۵ توضیح f.

b- یعنی در اختیار تو (ر. ک مر ۱۱: ۱).

c- این آیه، نتیجه گیری سه مورد مجادله می باشد که قبلاً آمده است (ر. ک مر ۱۲: ۳۴؛ لو ۲۰: ۴۰).

d- انجیل نگار در باب ۲۳، گفتارهای عیسی را که در مورد مباحثه و جدل کلیسای او با کنیسه آن زمان مفید بوده یکجا جمع کرده

است. لازم به یادآوری است که در آن دوران کنیسه از فرقه فریسیان تبعیت داشت. آنچه در این باب می توان تشخیص داد از

این قرار است: تصویری از کاتبان و فریسیان (۱-۱۲)، افسوس به حال آنان (۱۳-۳۱)، نکوهش (۳۲-۳۳) و بالاخره اعلام

داوری سهمگینی که بر مخاطبان عیسی فراخواهد رسید (۳۴-۳۶).

e- کرسی موسی: یعنی اقتدار رسمی. عیسی اقتدار کاتبان را که اکثراً به فرقه فریسیان تعلق داشتند تصدیق می کند.

f- بارهای سنگین: اصطلاحی یهودی به معنی مجموعه احکام شرعی که کاتبان نگهبان آنها بودند (ر. ک ۳۰: ۱۱).

g- حمایل: کیسه های کوچکی که گفتارهای اصلی تورات را نوشته و در آنها جای می دادند (خروج ۱۳: ۱-۱۰؛ ۱۳: ۱۱-۱۶؛

تث ۴: ۹؛ ۱۱: ۱۳-۲۱). یهودیان این حمایل ها را به بازوی چپ و بر پیشانی خود می بندند.

h- حاشیه های لباس: ر. ک ۹: ۲۰ توضیح k. لباس یهودیان دارای حاشیه و ریشه بود ولی فریسیان برای ابراز تقوا در اندازه های

حاشیه و ریشه های لباس خود مبالغه می کردند.



است، طلا یا آن قدسی که طلا را مقدس می‌کند؟<sup>۱۸</sup> و اگر کسی به قربانگاه قسم خورد چیزی نیست، اگر کسی به قربانی که بر آن است قسم خورد ملزم می‌باشد.<sup>۱۹</sup> ای کوران! کدام یک بزرگتر است، قربانی یا آن قربانگاهی که قربانی را تقدیس می‌گرداند؟<sup>۲۰</sup> پس هر که به قربانگاه قسم خورد به آن و هر چه بر آن است قسم می‌خورد.<sup>۲۱</sup> و هر که به قدس قسم خورد به قدس و آن که در آن ساکن است قسم می‌خورد.<sup>۲۲</sup> و هر که به آسمان قسم خورد به تخت خدا و او که بر آن نشسته قسم می‌خورد.<sup>۲۳</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! برای نعناع، شوید و زیره عسریه می‌پردازید<sup>۲۴</sup> و چیزی را که در تورات لا<sup>۲۵</sup> و ۳۰:۲۷ وزنی عالی تر دارد یعنی عدالت، رحمت و ایمان<sup>۲۶</sup> را ترک می‌کنید. می‌بایست این را کرد و آن را ترک ننمود.<sup>۲۷</sup> ای رهبران کور! که پشه را با صافی می‌گیرید و شتر را<sup>۲۸</sup> می‌بلعید.<sup>۲۹</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! که بیرون کاسه و بشقاب<sup>۳۰</sup> مر

دارید و همه شما برادر هستید.<sup>۱</sup> و در میان خود هیچکس را بر زمین «پدر» نخوانید زیرا پدر آسمانی شما یکی است.<sup>۱۰</sup> شما را رهبر نخوانند زیرا رهبر شما یکی است یعنی مسیح.<sup>۱۱</sup> بزرگترین در بین شما خادم شما خواهد بود.<sup>۱۲</sup> هر که خود را بالا می‌برد به پایین خواهد آمد و آن که خود را سرفکنده سازد برافراشته شود.<sup>۱۳</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! ملکوت آسمانها را به روی آدمیان می‌بندید زیرا خود وارد نمی‌شوید و کسانی را که می‌خواهند وارد شوند نمی‌گذارید وارد شوند.<sup>۱۴</sup> [k...].<sup>۱۵</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! دریا و خشکی را می‌پیمایید تا یکی را نوگرویده سازید<sup>۱</sup> و چون شد او را دو بار برتر از خود پسر جهنم می‌سازید.<sup>m</sup> وای بر شما ای رهبران کور! که می‌گویید:<sup>n</sup> اگر کسی به قدس قسم خورد چیزی نیست، اگر کسی به طلای قدس قسم خورد ملزم می‌باشد.<sup>۱۷</sup> ای ابلهان و ای کوران! کدام یک بزرگتر

۲۷:۲۶:۲۰  
مر ۳۵:۹  
لو ۴۴:۴۳:۱۰  
۲۶:۲۲؛ ۴۸:۹

ایوب ۲۹:۲۲  
امث ۲۳:۲۹  
حزق ۳۱:۲۱  
لو ۱۱:۱۴  
۱۴:۱۸

۱۴:۱۵  
۲۴:۲۳  
روم ۱۹:۲

- i- این آیات شاگردان را منع نمی‌کند که خدمت استادی و تعلیم مذهبی را انجام دهند ولی مجاز نیستند اقتداری را که فقط به مسیح و خدا تعلق دارد غصب کنند.
- j- تحت اللفظی: بدبختی بر شما! این عبارت جنبه نفرت ندارد بلکه درد و رنجی شدید یا غیظ و نفرتی را بیان می‌کند که تا حد پیشگویی تهدید می‌رسد (ر. ک. ۲۱:۱۱؛ ۷:۱۸؛ ۱۹:۲۴؛ ۲۴:۲۶).
- k- در بعضی از نسخه‌های خطی در اینجا آیه ای اضافه شده که محتوای آن مر ۴۰:۱۲ و لو ۴۷:۲۰ را به یاد می‌آورد ولی برای اینجا مناسب نیست: «شما بدبخت هستید! ای کاتبان و فریسیان ریاکار! شما که اموال بیوه‌ها را می‌خورید و چنان نشان می‌دهید که مدت زیادی دعا می‌کنید، بدین سبب دچار شدیدترین محکومیت خواهید شد.»
- l- منظور از نوگرا شخص مشرکی بود که به آیین یهود می‌گروید و در اینجا منظور گرویدن به آیین یهود با رعایت دقیق موازین آن مطابق نظر فریسیان می‌باشد.
- m- تحت اللفظی: او را شایسته جهنم می‌گردانید.
- n- در آیات ۱۶ الی ۲۲ از اصل نذر کردن انتقاد نمی‌شود بلکه بر فتوای فریسیان ایراد می‌گیرد زیرا روش عبادت را ریاکارانه کرده‌اند و به جای آنکه تقوا در جهت اجرای فرمانهای اصلی شریعت باشد آن را به سوی دستورات فرعی سوق می‌دهند. معنی آیه ۲۳ چنین است.
- o- فریسیان روش مرسوم پرداخت عسریه (ر. ک. تث ۲۲:۱۴) را حتی به جزئی‌ترین محصولات زمین تعمیم داده بودند.
- p- در اینجا به مفهوم وفاداری به احکام اصلی تورات است (ر. ک. ار ۵:۱؛ روم ۳:۳؛ غلا ۲۲:۲۲).

بگریزید؟<sup>۳۴</sup> بدین سبب اینک من پیامبران، حکیمان و کاتبان<sup>v</sup> به سوی شما می فرستم. بعضی را گشته و مصلوب خواهید کرد و بعضی را در کنیسه هایتان تازیانه زده و آنان را شهر به شهر تعقیب خواهید کرد.<sup>۳۵</sup> این گونه خون عادلانی که بر زمین ریخته شده، از خون هابیل عادل تا خون زکریا پسر برخیا<sup>w</sup> که بین قدس و قربانگاه به قتل رساندید بر شما خواهد آمد.<sup>۳۶</sup> آمین! به شما می گویم که این همه بر این نسل خواهد آمد<sup>x</sup>».

### توپیخ اورشلیم (لوقا ۱۳: ۳۴-۳۵)

<sup>۳۷</sup> «ای اورشلیم، ای اورشلیم، تو که پیامبران را می گشی و کسانی را که به سوی تو فرستاده شده اند سنگسار می کنی، بارها<sup>y</sup> خواسته ام فرزندان تو را جمع کنم همچون مرغی که جوجه هایش را به زیر بالهایش جمع می کند... و نخواستید.<sup>۳۸</sup> اینک خانه شما برایتان متروک<sup>z</sup>

را پاک می کنید در حالی که درون پُر از محصول<sup>q</sup> دزدی و ناپرهیزکاری است. یوحنا ۴۰: ۲۶ ای فریسی کور! اول درون کاسه<sup>r</sup> را پاک کن تا بیرون آن هم پاک شود.<sup>۲۷</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! به قبرهای آهک اندود<sup>s</sup> می مانید که از بیرون زیبا می نمایند ولی درون پُر از استخوانهای مُردگان و هر گونه ناپاکی هستند.<sup>۲۸</sup> همچنین شما نیز از بیرون در برابر انسا<sup>۱۵:۱۶</sup>نها عادل می نمایید اما در درون پُر از ریا و بی قانونی هستید.<sup>۲۹</sup> وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! مقبره های پیامبران را می سازید و قبرهای عادلان را تزئین می کنید.<sup>۳۰</sup> و می گوید: "اگر در دوران پدرانمان بودیم با ایشان در [ریختن] خون پیامبران شریک نمی شدیم." بدین سان بر ضد خود شهادت می دهید که پسران قاتلان پیامبران هستید.<sup>۳۱</sup> و پیمانۀ پدرانتان را پُر می کنید<sup>u</sup>.<sup>۳۳</sup> ای مازان! ای افعی زادگان! مگر می توانید از محکومیت جهنم

q- پُر از محصول. با توجه به زبان یونانی «به دست آمده از» معنی می دهد.

r- در بعضی از نسخه های خطی اضافه شده است: و جام.

s- در فلسطین قبرها را با آهک به رنگ سفید درمی آوردند تا در شب مشهود باشند و با آنها برخورد نکنند و به این ترتیب مجبور نشوند رسوم تطهیر را به جا بیاورند.

t- چنین به نظر می رسد که یهودیان به یادبود نیاکان بزرگ خود که به وسیله مردم جفا دیده بودند بناهایی برای کفاره می ساختند.

u- این اصطلاح، استهزاء آمیز و احتمالاً منظور از آن مرگ عیسی می باشد.

v- عیسی با نام بردن از سه طبقه رؤسای روحانی یهود (کاهنان، کاتبان، لاویان) (ر. ک ار ۱۸: ۱۸) اشاره به فرستادگان خودش می کند.

w- این دو جنایت نخستین و آخرین جنایاتی هستند که در کتاب مقدس عبری ذکر شده و احتمالاً عیسی از آن استفاده کرده است. زکریا در حقیقت پسر «یواش» است (۲-توا ۲۴: ۲۰-۲۲) و در قدس به قتل رسید در حالی که هنوز خود را به قربانگاه نرسانده بود.

x- ر. ک ۲۳: ۱۰ توضیح k.

y- طبق این اعلام، ظاهراً عیسی در مدت رسالت خود چندین بار به اورشلیم آمده است، چنانکه انجیل چهارم نیز این موضوع را تصدیق می کند.

z- در بعضی از نسخه های خطی کلمۀ «بیابان» وجود ندارد (ر. ک ار ۷: ۱۲) ولی به هر صورت مفهوم همان است (ار ۲۲: ۵). ر. ک ۱۵: ۲۴ توضیح n.

## آغاز دردها

(مرقس ۱۳: ۵-۱۳؛ لوقا ۲۱: ۸-۱۹)

<sup>۴</sup>عیسی در پاسخ به ایشان گفت:

«هوشیار باشید که کسی شما را گمراه

نکند.<sup>۵</sup> زیرا بسیاری به نام من آمده

خواهند گفت: "من مسیح هستم" و بسیاری یوحنا ۴: ۳۳

را گمراه خواهند کرد.<sup>۶</sup> از جنگها و از

اخبار جنگها خواهید شنید. زنهار! نگران

مشوید. زیرا این بایستی انجام شود.<sup>۷</sup> اما

هنوز پایان نیست. زیرا ملتی بر ضد ملتی

و مملکتی بر ضد مملکتی برخاست،

در جاهایی قحطی ها و زمین لرزه ها<sup>۸</sup> روی

خواهد داد. تمام اینها آغاز دردهای زایمان

است.<sup>۹</sup> آنگاه شما را به مصیبت<sup>۱۰</sup> دچار

خواهند کرد و شما را خواهند گشت و به

خاطر نام من منفور همه ملت ها خواهید

شد. آنگاه بسیاری دچار لغزش خواهند

گذاشته شده است.<sup>۳۹</sup> زیرا به شما می گویم

دیگر مرا نخواهید دید تا این که بگویید:

مبارک باد او که به نام خداوند می آید.<sup>۴۰</sup>»

## اعلام ویرانی معبد

(مرقس ۱۳: ۱-۴؛ لوقا ۲۱: ۵-۷)

<sup>۱</sup>و عیسی از معبد خارج شده

۲۴

می رفت که شاگردانش پیش آمدند

تا بناهای معبد<sup>۲</sup> را به او نشان دهند. او به

سخن درآمده به ایشان گفت: «آیا همه

اینها را می نگرید؟ آمین به شما می گویم در

اینجا سنگی بر سنگی نخواهد ماند که

نابود نشود.»<sup>۳</sup> چون بر کوه زیتون نشسته

بود شاگردان در خلوت نزد او آمده به او

گفتند: «به ما بگو، اینها کی خواهد شد؟ و

نشانه آمدن تو<sup>۴</sup> و پایان زمان چه خواهدبود؟»<sup>۳۹: ۱۳؛ ۴۹: ۴۰؛ ۲۰: ۲۸</sup>

a- این عبارت که از مز ۱۱۸: ۲۶ نقل شده فریاد شادی برای مسیح است (ر. ک مت ۲۱: ۹ توضیح c) و ممکن است اشاره به رنج

و صلیب عیسی و پایان رسالت او در میان مردم با اشاره به مرگ و بازگشت پرشکوه او باشد.

b- معبد جدید اورشلیم که در سال ۶۰ میلادی افتتاح گردید در زمان عیسی رو به اتمام بود (ر. ک یو ۲: ۲۰).

c- کلمه parousia که در اصل یونانی به کار برده شده به معنی بازآمدن پسر انسان در پایان دنیاست. همین کلمه در ۲۴: ۲۷، ۳۷، ۳۹؛ ۱- قرن ۱۵: ۲۳؛ ۱- تس ۲: ۱۹ و غیره آمده است.

d- در دوران عیسی، موضوع نشانه های فرا رسیدن پایان جهان در میان یهودیان بسیار مطرح بود. در این باب سه موضوع کاملاً درهم آمیخته که عبارتند از: ویرانی اورشلیم، پایان این دنیا و آمدن شکوهمند پسر انسان. عیسی هشدار می دهد که درباره این نشانه های پیش از بازآمدن پسر انسان، خود را نگران نکنند و اصرار می کند در انتظار آن هوشیار بمانند (۲۴: ۳۰).

e- این فعل را می توان «فریفتن» یا «به اشتباه انداختن» نیز ترجمه کرد و جزو کلماتی است که در ادبیات مکاشفه ای یهود به کار می رود و اشاره به جاذبه های مختلف می باشد (مثلاً جاذبه مسیحایی: مت ۲۴: ۵، ۱۱، ۲۴؛ جاذبه های شیطانی یا سیاسی: مکا ۲: ۲۰؛ ۹: ۱۲؛ ۱۳: ۱۴ یا جاذبه های تعلیمی: ۱- یو ۸: ۱۰؛ ۲: ۲۶؛ ۷: ۳).

f- ر. ک دان ۲: ۲۸. این ضرورت (باید...) ارتباطی با قضا و قدر یا اقدامات بشری ندارد بلکه به اراده و مشیت الهی مربوط است.

g- این وقایع معمولاً در ادبیات مکاشفه ای ذکر شده است (ر. ک ۲- توا ۱۵: ۶؛ اش ۱۹: ۲-۶، ۱۷).

h- عیسی تصویر دردهای زایمان را که در عهد عتیق به کار برده شده (اش ۱۳: ۸؛ هو ۱۳: ۱۳ و غیره) ذکر می کند تا نشان دهد آنچه روی خواهد داد حتمی و اجتناب ناپذیر است. این عبارت را دقیق تر به دو گونه می توان تعبیر کرد که «ابتدای دردها، پایان دنیا نیست (آنچه احتمالاً در اینجا منظور بوده) یا اینکه ابتدای پایان، در شرف وقوع می باشد».

i- منظور از این مصیبت ها که از مختصات زمان آخر است بیش از آن که رنجهای شخصی به خاطر انجیل (۲- قرن ۴: ۴؛ ۴: ۶) یا وقایع سیاسی و اتفاقات کیهانی (مکا ۷: ۱۴) باشد در اینجا به مفهوم جفای مسیحیان است (ر. ک مت ۲۱: ۳).

شد<sup>j</sup> و عده ای یکدیگر را تسلیم کرده و عده ای از یکدیگر نفرت خواهند داشت. <sup>۱۱</sup> پیامبران دروغین<sup>k</sup> بسیاری برخوانند خاست و بسیاری را گمراه خواهند کرد. <sup>۱۲</sup> و چون بی قانونی افزون شود محبت تعداد زیادی به سردی خواهد گرایید. <sup>۱۳</sup> ولی هر که تا پایان مقاومت کند نجات خواهد یافت. <sup>۱۴</sup> و این نوید ملکوت برای <sup>۱۹:۲۸</sup> شهادت به همه ملت ها در تمام دنیای <sup>۱۸:۱۰</sup> مسکون<sup>l</sup> اعلام خواهد شد و آنگاه پایان فراخواهد رسید<sup>m</sup>.

### مصیبت عظیم

(مرقس ۱۳: ۱۴-۲۳؛ لوقا ۲۱: ۲۰-۲۴)

<sup>۱۵</sup> «پس چون مشاهده کنید کراحت ویرانگر<sup>n</sup> که دانیال نبی گفته بود در مکان

۱- مک ۱: ۵۴؛  
۷: ۶

- j- ر. ک ۵: ۲۹. e.  
k- متی اکثراً از فعالیت پیامبران دروغین یاد می کند که از پایان قرن اول میلادی، کلیسا را آشفته کرده بودند (مت ۷: ۱۵؛ ۲۴: ۲۴؛ ر. ک ۱- ۴: ۱).  
l- ر. ک روم ۱۸: ۱۰. اعلام انجیل به غیریهودیان در اینجا به عنوان دلیل هستی جهان و تحقق تاریخ ارائه شده است.  
m- یعنی پایان اوضاع کنونی و برپائی قطعی ملکوت خدا. همین کلمه با همین مفهوم در ۲۲: ۱۰ و ۲۴: ۶، ۱۳ بکار رفته است.  
n- تحت اللفظی: کراحت پیشروی بیابان. بیابان از یک دیدگاه چون دور از زندگی است، جایگاه شیطان محسوب می شود (مت ۱: ۴ c). این اصطلاح در دان ۲۷: ۹؛ ۳۱: ۱۱؛ ۱۱: ۱۲ یادآور بی حرمتی به معبد اورشلیم است که آنتیوخوس اپیفان در سال ۱۶۷ پیش از میلاد مرتکب شده بود. در دوران کلیسا این کلمات در مورد شیطان یا ضد مسیح به کار برده شده یا به مفهوم خیانت ها و ارتدادهایی است که مختص زمان آخر می باشد. این اصطلاح معنی وسیعتری نیز دارد و به احتمال قوی اشاره به بی حرمتی به سرزمین موعود توسط اشغال ارتش روم و ناپاک ساختن معبد توسط فرقه غیوران است، ر. ک مر ۱۴: ۱۳. w.  
o- این جمله معترضه اهمیت کلماتی را که قبلاً ذکر شده است تأکید می نماید و نشان می دهد که این جمله نمی خواهد ابتدا اتفاقاتی را که برای همه قابل درک است توصیف کند بلکه به ایمان داران تعلیم می دهد که در دوران آینده فقط به ایمان متکی باشند.  
p- منظور از «کسانی که در یهودیه هستند» اهالی یهودیه نیستند که در سال ۷۰ میلادی به هنگام تصرف اورشلیم در آنجا بودند یا یهودیانی که در موقع آمدن پسر انسان در یهودیه سکونت دارند بلکه منظور پیروان عیسی یعنی مسیحیان به هنگام داوری نهایی می باشد. بنابراین کلمه یهودیه مفهوم نمادین دارد و بدین معنی است که حتی سرزمین وعده (کلیسا؟) از داوری بر کنار نخواهد بود.  
q- ذکر روز سبت در اینجا مختص انجیل متی است و نشان می دهد که خطاب این آموزش به مسیحیان یهودی تبار بوده است.  
r- ر. ک دان ۱: ۱۲.  
s- تحت اللفظی: هیچ تنی.  
t- این موضوع در ادبیات مکاشفه ای یهود آمده است (کتاب خنوخ) و گفته می شود دوران ذلت و بدبختی نهایی کوتاه خواهد شد تا پیام انجیل به برگزیدگان برسد (ر. ک آیه ۱۴) یا این که بتوانند از انهدام کامل بر کنار بمانند. بر طبق تفسیر دیگری که بیشتر محتمل است تمام بشریت به خاطر برگزیدگان از این فاجعه در امان خواهند ماند. ضمناً این برگزیدگان فقط منحصر به یهودیانی نیستند که مسیحی شده اند بلکه مسیحیانی که در سرتاسر دنیا پراکنده می باشند (مر ۱۳: ۲۷). ر. ک مت ۵: ۱۳. l.

کسی به شما بگوید: اینک مسیح در اینجا  
یا در آنجا است باور مکنید.<sup>۲۴</sup> زیرا  
مسیح‌های دروغین<sup>u</sup> و پیامبران دروغین قیام  
خواهند کرد که نشانه‌های بزرگ و کرامات  
انجام خواهند داد تا اگر ممکن می‌بود حتی  
برگزیدگان را گمراه سازند.<sup>۲۵</sup> اینک از  
پیش به شما گفتم.

## آمدن پسر انسان

(مرقس ۱۳: ۲۴-۳۱؛

لوقا ۱۷: ۲۳-۲۴؛ ۲۱: ۲۵-۳۱)

<sup>۲۶</sup> «پس اگر به شما بگویند: اینک او در  
صحراست، بیرون نروید. یا اینک در  
مخفیگاه است باور مکنید.<sup>۲۷</sup> زیرا به همان  
گونه که آذرخش از خاور می‌آید و تا باختر  
می‌درخشد، آمدن پسر انسان به همین گونه  
خواهد بود.<sup>۲۸</sup> هر جا که مردار باشد در  
آنجا کرکس‌ها جمع می‌شوند.<sup>۲۹</sup>  
<sup>۲۹</sup> بلافاصله پس از مصیبت این روزها،  
۱- یو: ۲۸: ۲۴، ۳۷: ۳۹؛  
۲- تس: ۱۵: ۲۳؛  
۱- تس: ۱۹: ۱۹؛  
۳- تس: ۱۵: ۴؛  
۲- تس: ۸: ۱؛  
۳- یو: ۷: ۸؛  
۴- یو: ۱۲: ۱۲؛  
۵- یو: ۲۸: ۲۸

خورشید تاریک خواهد شد و ماه روشنایی  
خود را نخواهد داد و ستارگان از آسمان  
خواهند افتاد و قدرتهای آسمانها<sup>w</sup> متلاطم  
خواهند شد.<sup>۳۰</sup> و آنگاه نشانه پسر انسان<sup>x</sup>  
در آسمان پدیدار خواهد شد و آنگاه تمام  
قبایل زمین به سینه خود خواهند زد و پسر  
انسان را خواهند دید که با قدرت و شکوه  
بسیار بر ابرهای آسمان می‌آید.<sup>۳۱</sup> و  
فرشتگان خود را با کرنای بزرگ فرستاده و  
برگزیدگان او را از بادهای چهارگانه از  
کرانه‌ها تا کرانه‌های آسمان جمع خواهند  
کرد.<sup>۳۲</sup> از درخت انجیر این مثل را  
بیاموزید. همین که شاخه‌اش نرم شد و  
برگها روید می‌دانید که تابستان نزدیک  
است.<sup>۳۳</sup> همچنین شما نیز وقتی همه اینها  
را ببینید بشناسید که او نزدیک به  
دروازه‌ها<sup>b</sup> شده است.<sup>a</sup> آمین به شما  
می‌گویم که این نسل نخواهد گذشت پیش  
از آن که این همه انجام شده باشد.<sup>c</sup>

<sup>u</sup> - چنین به نظر می‌رسد که در این دورانی آشفته تعداد مسیح‌های دروغین کم نبوده است (ر. ک. اع: ۵: ۳۶ تیودا [و یهودای جلیلی]  
در سال ۱۳۵ میلادی، پایان دومین جنگ یهود، کاهنی که سرپرست کنیسه عقبیه بود اعلام کرد بار کویا مسیح موعود است).  
<sup>v</sup> - درباره این ضرب‌المثل ر. ک. لو: ۱۷: ۳۷. آیات ۲۷ و ۲۸ فکر واحدی را بیان می‌کنند بدین معنی که هنگام آمدن پسر انسان  
هیچ شک و تردیدی نخواهد بود و بنابراین نباید نگران شده در این فکر بود که آمدن او در چه موقع و در چه شرائطی روی  
خواهد داد. البته کرکس به زبان یونانی، به معنی عقاب نیز هست. در این صورت آیا در اینجا به ارتش روم که علامت عقاب  
داشتند اشاره شده است؟ ر. ک. ایوب: ۳۹: ۲۷، ۳۰.

<sup>w</sup> - ر. ک. اش: ۱۳: ۱۰ و ۴: ۳۴. منظور از قدرتهای آسمانها، ستارگان و نیروهای آسمانی هستند. در محیط یهودیت دوران عیسی  
این نوع کلمات جزو مجموعه اصطلاحاتی بود که در متون سنتی به کار برده می‌شد تا احساس کنند که دخالت نهایی خدا در  
تاریخ جنبه کیهانی و قطعی دارد.

<sup>x</sup> - این نشانه احتمالاً خود پسر انسان است.

<sup>y</sup> - این اصطلاح در دان: ۱۳: ۱۴ آمده و مجدداً در مت: ۲۶: ۶۴ به کار برده می‌شود. اکثراً در نوشته‌های عهد عتیق آمدن خدا و  
تجلی او بدین گونه نشان داده شده است (خروج: ۱۹: ۱۶؛ ۵: ۳۴؛ حزق: ۱: ۴؛ ۱۰: ۳-۴ و غیره).

<sup>z</sup> - طبق این مطالب که ترکیب ماهرانه‌ای از متون عهد عتیق است (تث: ۳۰: ۴؛ زک: ۲: ۱۰؛ ۸: ۱-۶؛ ر. ک. نح: ۱: ۹؛ حزق: ۳۷: ۹) و  
در مر: ۲۷: ۱۳ هم آمده است اجتماع برگزیدگان در سرتاسر روی زمین انجام خواهد شد: این نکته که جنبه جهان‌گرایی دارد  
مورد توجه و علاقه متی است و با نظریه ویژگی‌گرایی که برخی از فرقه‌های یهود نظیر اسیانیان مراعات می‌کردند تفاوت دارد.

<sup>a</sup> - یعنی پسر انسان یا نشانه پسر انسان (ر. ک. آیه ۳۰ x) یا استقرار قطعی پادشاهی خدا.

<sup>b</sup> - یعنی: به دروازه‌های شهر. مانند پادشاهی که به شهر خود وارد می‌شود تا اقتدار قانونی خود را که مدتی نپذیرفته بودند در  
آنجا برقرار سازد [اصطلاح ورود به دروازه معنای پیروزی را به همراه دارد].

<sup>c</sup> - درباره این آیه ر. ک. مر: ۱۳: ۳۰. h.

خانه‌اش را نقب بزنند<sup>f</sup>.<sup>۴۴</sup> بدین سبب شما هم آماده باشید زیرا در ساعتی که نمی‌پندارید پسر انسان می‌آید.

<sup>۳۵</sup> آسمان و زمین خواهند گذشت ولی سخنان من البته نخواهند گذشت.

۱۸:۵  
لوقا: ۱۷

کسی آن روز را نمی‌داند:  
بیدار باشید!

(مرقس ۱۳: ۳۵-۳۲؛ لوقا ۱۷: ۲۶-۲۷،  
۳۴-۳۵؛ ۱۲: ۳۹-۴۰)

خادم وفادار  
(لوقا ۱۲: ۴۲-۴۶)

<sup>۴۵</sup> «کدام خادم وفادار و فهمیده‌ای است که خداوند بر اهل خانه قرار داده تا به آنان به موقع غذا بدهد. <sup>۴۶</sup> خوشا بر این خادم! که چون خداوندش بیاید او را این چنین مشغول بیابد. <sup>۴۷</sup> آمین به شما می‌گویم او را ۲۳: ۲۱-۲۵ بر تمام اموالش قرار خواهد داد. <sup>۴۸</sup> ولی اگر خادم بد در قلب خود بگوید: "خداوند من دیر می‌آید." <sup>۴۹</sup> و شروع به زدن هم خدمتانش بکند و با مستان بخورد و بنوشد <sup>۵۰</sup> خداوند این خادم خواهد آمد در روزی که انتظار ندارد و در ساعتی که نمی‌داند. <sup>۵۱</sup> و او را منقطع ساخته<sup>g</sup> و حق او را با ریاکاران خواهد داد<sup>h</sup>، در جایی که صدای گریه و فشار دندانها باشد.

۱۶: ۷-۲  
تسا: ۱، ۲

بید: ۱۲، ۹  
۳۹: ۲۷-۲۴  
۲۳: ۱۵-۱۳  
۱-۲: ۲۳  
۱۳: ۳  
۲۳: ۵  
۲-۲: ۲۳  
۸: ۱  
۵: ۷  
۱۲: ۴  
۲۸: ۲  
۱-۲: ۲۴  
بید: ۶-۲  
۲۴: ۷-۱۳  
۲-۲: ۲۴

۱۲: ۸  
۵۰: ۴۲-۱۳  
۱۳: ۲۲  
۵۱: ۲۴  
۳۰: ۲۵  
۲۸: ۱۳

ده باکره

<sup>۱</sup> «در آن وقت ملکوت آسمانها

۲۵

مانند ده باکره خواهد بود که ۳۶، ۳۵: ۱۲-۱۰ چراغهای خود را برداشته به استقبال داماد بیرون رفتند<sup>i</sup>. آنان پنج ابله و پنج فهمیده

چون نمی‌دانید خداوند<sup>e</sup> شما چه روزی می‌آید. <sup>۴۳</sup> این را خوب بدانید: اگر صاحب‌خانه می‌دانست دزد در چه پاسی از شب می‌آید بیدار مانده نمی‌گذاشت

۲-۲: ۲۳  
۱۰: ۳  
۱۵: ۱۶  
۳: ۳

d- درباره این کلمات ر. ک مر ۱۳: ۳۲. i. ضمناً متی با افزودن کلمه «تنها» مفهوم عبارت مرقس را تشدید نموده است.  
e- متی کلمه «خداوند» را که مرقس به کار برده (مر ۱۳: ۳۵) تغییر داده و «خداوند شما» به کار برده است تا مثل اصلی جنبه تمثیلی داشته باشد (ر. ک مت ۱۳: ۲۵).  
f- ر. ک مت ۱۹: ۱۱.

g- تحت اللفظی: او را به دو نیم خواهد برید: این اصطلاح ممکن است اشاره به شکنجه‌ای باشد که در عهد عتیق ذکر شده (دان ۱۳: ۵۵، ۵۹ و غیره) ولی به احتمال زیاد اصطلاح مخصوصی است که به معنی اخراج از جمعیت ایمانداران یا دور کردن و جدا کردن موقتی از آن باشد. مفهوم اخیر در نوشته‌های قمران نیز تأیید شده است.

h- ر. ک ۲: ۶ توضیح v.

i- این مثل همانند مثل قبلی بر موضوع تأخیر در آمدن خداوند متمرکز شده (۴۸: ۲۴؛ ۵: ۲۵)، با این همه توجهی به طرز رفتار ناشایست خدمتگزاران نمی‌شود بلکه بر ضروری بودن آمادگی به هنگام اعلام ندای آمدن داماد تأکید شده است (۴۴: ۲۴؛ ۱۰: ۲۵). در اینجا دختران فهمیده یا ابله هستند، نظیر کسانی که خانه خود را بر صخره یا بر شن بنا می‌کنند (۲۷-۲۴: ۷).

بودند. <sup>۳</sup> و [دختران] ابله چون چراغهای خود را برداشتند روغن با آنها برنداشتند. <sup>۴</sup> ولی [دختران] فهمیده در روغن دانه‌ها روغن با چراغ خود برداشتند. <sup>۵</sup> چون داماد دیر کرد همه چرت زده به خواب رفتند. <sup>۶</sup> در نیمه شب فریادی برخاست: "اینک داماد! به استقبالش بیرون شوید." <sup>۷</sup> آنگاه همه باکره‌ها قیام کردند و چراغهای خود را آراستند. <sup>۸</sup> [دختران] ابله به [دختران] فهمیده گفتند: "از روغن خود به ما بدهید چون چراغهای ما خاموش می‌شود." <sup>۹</sup> [دختران فهمیده] پاسخ دادند: "البته برای ما و شما کافی نخواهد بود. بهتر است بروید برای خود از فروشندگان بخرید." <sup>۱۰</sup> چون ایشان رفتند بخرند داماد آمد و آنان که آماده بودند با او به عروسی وارد شدند و در بسته شد. <sup>۱۱</sup> سرانجام دیگر باکره‌ها نیز آمدند و گفتند: "خداوندا، خداوندا، برای ما باز کن." <sup>۱۲</sup> ولی او پاسخ داده گفت: "آمین به شما می‌گویم که نمی‌دانم شما که هستید." <sup>۱۳</sup> پس بیدار باشید! زیرا شما آن روز و ساعت را نمی‌دانید. <sup>k</sup>

### مثل تالان‌ها

(لوقا ۱۹: ۱۲-۲۷)

<sup>۱۴</sup> «این همانند مردی است که عازم سفر شده خادمان خود را خواند و اموالش را به

ایشان سپرد. <sup>۱۵</sup> به یکی پنج تالان <sup>m</sup>، به دیگری دو، به دیگری یک، برابر ثروت هر کدام داد و به سفر رفت. <sup>۱۶</sup> همان‌دم آن که پنج تالان دریافت کرده بود آنها را به کار انداخت و پنج [تالان] دیگر سود بُرد. <sup>۱۷</sup> همچنین آن که دو تالان داشت دو تالان دیگر سود بُرد. <sup>۱۸</sup> آن که یک تالان دریافت کرده بود رفته زمین را کند و پول خداوندش را پنهان کرد. <sup>۱۹</sup> پس از مدتی دراز خداوند این خادمان آمد و حساب خود را با ایشان تسویه نمود. <sup>۲۰</sup> آن که پنج تالان دریافت کرده بود پیش آمده پنج تالان دیگر ارائه کرده گفت: "ای خداوند، این پنج تالان که به من سپرده بودی. اینک پنج تالان دیگر که سود برده‌ام." <sup>۲۱</sup> خداوندش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! برای چیز اندک وفادار بوده‌ای؛ تو را بر چیز بسیار قرار خواهم داد؛ در شادی خداوندت وارد شو." <sup>n</sup> <sup>۲۲</sup> همچنین آن که دو تالان دریافت کرده بود پیش آمده گفت: "خداوند این دو تالان که به من سپرده بودی. اینک دو تالان دیگر که سود برده‌ام." <sup>۲۳</sup> خداوندش به او گفت: "آفرین ای خادم خوب و وفادار! برای چیز اندک وفادار بوده‌ای، تو را بر چیز بسیار قرار خواهم داد؛ در شادی خداوندت وارد شو." <sup>۲۴</sup> همچنین آن که تنها یک تالان دریافت

لوقا ۱۹: ۱۲-۲۷

مکا ۹: ۱۹

لوقا ۲۷: ۲۵

مر ۳۵: ۱۳  
لوقا ۴۰: ۱۲

j- پایان این مثل نظیر ۲۳: ۷ و در انجیل لوقا نظیر ۱۳: ۲۵-۲۷ می‌باشد.

k- اگر دستور بیداری به معنی آن است که نخوانند، این عبارت به مثل اصلی افزوده شده زیرا همه دختران به خواب رفته بودند (۵: ۲۵) ولی ممکن است این توصیه به معنی آماده بودن باشد (ر. ک. ۲۴: ۴۲، ۴۴).

l- این مثل که در طی آن رفتار خدمتگزاران خوب و بد توصیف می‌شود نظیر مثل خدمتگزار وفادار است (۲۴: ۴۵-۵۱). اما وفاداری که از خادمان انتظار می‌رود منحصر به آن نیست که آماده باشند یا در صورت تأخیر خداوند که در اینجا ذکر نشده رفتار خوبی داشته باشند بلکه بایستی تالان‌هایی را که به آنان سپرده می‌شود برابر اهمیت آنها به ثمر برسانند. بنابراین محتوای مثل با آموزشی که بعداً می‌آید کاملاً ارتباط دارد (۲۵: ۳۱-۴۶). ضمناً لوقا مثلی را که درباره قنطارها روایت کرده (۱۹: ۱۲-۲۷) ممکن است از منبعی نزدیک به این مثل گرفته باشد.

m- تالان، واحد پول طلا. هر تالان معادل دستمزد ۶۰۰۰ روز کار بوده است، ر. ک. ۲۴: ۱۸.

n- به این نکته عجیب توجه نمایید که مبلغ مهمی را که سپرده بود «چیز اندکی» توصیف می‌کند.

## داوری

کرده بود پیش آمده گفت: "ای خداوند، تو یو:۴:۳۷ را می شناسم که انسان سختی هستی، در جایی که نکاشته ای درو می کنی و جایی که نپراکنده ای جمع می کنی.<sup>۲۵</sup> و ترسیده رفتم و تالان تو را در زمین پنهان کردم. اینک مال توست اینجاست."<sup>۲۶</sup> خداوندش در پاسخ او گفت: "ای خادم بد و بی قید، تو می دانستی که من در جایی که نکاشته ام درو می کنم و در جایی که چیزی نپراکنده ام جمع می کنم.<sup>۲۷</sup> پس می بایست پول مرا نزد صرافان می گذاشتی و چون برمی گشتم آنچه را که مال من است با بهره اش باز می یافتم.<sup>۲۸</sup> پس آن تالان را از او برداشته به آن که ده تالان دارد بدهید.<sup>۲۹</sup> زیرا به هر که دارد داده خواهد شد و او به فزونی خواهد داشت<sup>۳۰</sup> ولی آن که ندارد حتی آنچه دارد از او گرفته خواهد شد.<sup>۳۱</sup> اما خادم بی فایده، او را به بیرون ظلمت بیندازید؛ در جایی که صدای گریه و فشار دندانها باشد<sup>P</sup>."

<sup>۳۱</sup> «چون پسر انسان با شکوه خواهد آمد و تمام فرشتگان با او، آنگاه بر تخت نشیند<sup>۳۲</sup> و تمام شکوه خود خواهد نشست<sup>۳۳</sup>. و تمام ملت ها در برابر او جمع خواهند شد و آنان زک:۱۴:۵؛ یهو:۱۴-۱۵ را از یکدیگر سوا خواهد کرد همچون شبانی که گوسفندان را از بزها<sup>۳۴</sup> سوا حرق:۳۴:۱۷ می کند.<sup>۳۵</sup> و گوسفندان را به راست خود و بزها را به چپ خود قرار خواهد داد.<sup>۳۶</sup> آنگاه پادشاه به آنان که در راست او هستند خواهد گفت: "بیایید ای برکت یافتگان از پدرم و ملکوت را که از بنیاد جهان برای شما آماده شده است به ارث<sup>۳۷</sup> لو:۲۲:۳۰ دریافت کنید.<sup>۳۸</sup> زیرا گرسنه بودم و به من اش:۵۸:۷ خوراک دادید، تشنه بودم به من نوشیدنی دادید، بیگانه بودم و مرا پناه دادید.<sup>۳۹</sup> برهنه، و مرا پوشانیدید، بیمار، و مرا عیادت کردید، در زندان بودم و نزد من آمدید<sup>۴۰</sup>.<sup>۴۱</sup> آنگاه عادلان به او پاسخ داده خواهند گفت: "خداوند کی تو را گرسنه دیده ایم تا به تو خوراک داده باشیم یا تشنه

O- عیسی تصمیمی را که در آیه ۲۸ ذکر شده است به وسیله ضرب المثلی توجیه نموده و بدین وسیله هم شدت محکومیت و هم بخشش لایتنای خدا را نشان می دهد.

P- ر.ک ۱۲:۸ توضیح f.

Q- این نوشته مثل نیست بلکه تشریح پیامبرانه داوری نهایی می باشد. پسر انسان در «شکوه» خود (۲۷:۱۶؛ ۲۸:۱۹) همچون پادشاه می آید تا همه ملت ها را داوری کند و رفتار آنان را بر مبنای اعمال ترحم آمیزی که نسبت به نیازمندان انجام داده اند ارزیابی نماید. آنگاه به آنان اظهار می کند که اعمال و رفتارشان مفهوم عمیقی داشته که نمی دانسته اند. در اینجا عیسی آموزشهایی را که در بابهای ۲۴-۲۵ داده شده است تکمیل نموده آنچه را قبلاً فقط به شاگردان گفته بود (۱۰:۴۰؛ ۵:۱۸) به تمام آدمیان تعمیم می دهد و خود را با تمام بیچارگانی که برادرانش به شمار می روند یکی می داند. بعضی معتقدند منظور از «کوچکتران» پیروان ستمدیده عیسی می باشند که غیر مسیحیان به آنان کمک کرده اند.

T- معنی کلمه یونانی همین است (ر.ک خروج ۱۲:۵؛ لاو:۱۰؛ لو:۲۹:۱۵).

S- اعمالی که عیسی آنها را تمجید می کند همان اقدامات پرهیزکارانه ای هستند که در آیین یهود و عهد جدید ستوده شده اند: تغذیه گرسنگان (۱۰:۴۲؛ لو:۱۱:۳؛ ۱۴:۱۲-۱۴؛ اع:۱-۳؛ روم:۱۲:۲۰؛ ۱-قرن:۱۱:۳۳)، میهمان نوازی (۱۰:۴۰-۴۲؛ روم:۱۲:۱۳؛ ۱-کول:۱۰:۴؛ ۱-پطرس:۹؛ عبر:۱۳:۲؛ ر.ک مت:۱۴:۱۰؛ لو:۹:۵۳-۵۴)، لباس پوشاندن به نیازمندان (لو:۱۱:۳۶؛ ۳۹؛ یع:۱۵-۱۶)، عبادت بیماران (لو:۱۰:۳۳-۳۵؛ یع:۱۴). در اینجا تفاوتی که با دستورات آیین یهود وجود دارد عیسی از تربیت یتیمان و از تدفین مردگان چیزی نمی گوید (ر.ک ۱۰:۲۶ توضیح d)، ولی ملاقات زندانیان را افزوده است (ر.ک ۲-تیمو:۱۶-۱۸؛ عبر:۱۳:۳).



یا تشنه یا برهنه یا بیگانه یا بیمار یا در زندان دیده ایم و به تو خدمت نکرده ایم؟"<sup>۴۵</sup> پس در پاسخ ایشان خواهد گفت: "آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از اینها که کوچکترین هستند نکرده اید به من نکرده اید." <sup>۴۶</sup> و ایشان به کیفر ابدی خواهند رفت ولی عادلان به زندگی ابدی. « دان ۱۲:۲؛ یو ۵:۲۹

### توطئه بر ضد عیسی

(مرقس ۱:۱۴-۲:۲۲؛ لوقا ۱:۲-۲۰؛

یوحنا ۱:۱-۴۷؛ ۴۹-۵۳)

<sup>۱</sup> باری<sup>۲</sup> چون عیسی همه این سخنان<sup>۳</sup> را به پایان رسانید به شاگردانش گفت: <sup>۴</sup> «می دانید دو روز دیگر [جشن] گذر فرا می رسد<sup>۵</sup> و پسرانسان تسلیم کرده می شود<sup>۶</sup> تا مصلوب گردد. « مر ۲۶:۲۷؛ ۱۵:۱۵؛ لوقا ۲۰:۷؛ یو ۱۶:۱۹

۲۶

تا به تو نوشیدنی داده باشیم؟<sup>۳۸</sup> کی تو را بیگانه دیده ایم تا پناه داده باشیم یا برهنه تا تو را پوشانیده باشیم؟<sup>۳۹</sup> کی تو را بیمار یا در زندان دیده ایم تا نزد تو آمده باشیم؟"<sup>۴۰</sup> و پادشاه به ایشان پاسخ داده خواهد گفت: "آمین به شما می گویم همین قدر که به یکی از این کوچکترین ها که برادران من هستند چنین کرده اید، به من کرده اید." <sup>۴۱</sup> آنگاه به آنان که در چپ او هستند نیز خواهد گفت: "ای ملعونان، از من دور شوید! به آتش ابدی که برای ابلیس و فرشتگان او آماده شده است." <sup>۴۲</sup> زیرا گرسنه بودم و به من خوراک ندادید؛ تشنه بودم و به من نوشیدنی ندادید. <sup>۴۳</sup> بیگانه بودم و مرا پناه ندادید؛ برهنه، و مرا نبوشانیدید؛ بیمار و در زندان و مرا عبادت نکردید." <sup>۴۴</sup> آنگاه ایشان نیز پاسخ داده خواهند گفت: "خداوندا، کی تو را گرسنه

امت ۱۷:۱۹؛ مر ۴۱:۹

مر ۲۳:۷؛ ۴۸:۹؛ یهو ۷:۱۰؛ مکا ۲۰:۱۰

خروج ۱۲:۲۷-۱۹؛ ۱۸:۲۰؛ ۲۶:۲۷؛ مر ۱۵:۱۵؛ لوقا ۲۰:۷؛ یو ۱۶:۱۹

T- ملاحظه کنید آموزش مشابهی که در ۴۲:۱۰ آمده فقط خطاب به شاگردان یعنی «کوچکان» بوده (در صورتی که در اینجا برای همه آدمیان صفت «کوچکترین ها» به کار برده شده است). همچنین به جای اصطلاح «به عنوان شاگرد» (۴۲:۱۰) عبارت «که برادران من هستند» ذکر شده و این امر نه برای آن است که عنوان برادر (که در ۴۵:۲۵ ذکر نشده) فقط منحصر به شاگردان باشد بلکه تا ارتباط هر فرد نیازمندی را با عیسی اعلام کند. بالاخره حرف اشاره «این» که در ۴۰:۲۵ کلمه تأکیدی و زائد است در آیه ۴۲:۱۰ ارزش واقعی دارد و به آیه قبلی ارجاع می دهد.

U- تحت اللفظی: و چنین روی داد، وقتی که... (ر. ک. ۲۸:۷؛ ۱:۱۱؛ ۵۳:۱۳؛ ۱۹:۱۹).

V- این «سخنان» (جمع logos) را انجیل نگار اساساً از نظر عملی در یک جا جمع کرده است (ر. ک. ۲۸:۷ توضیح J).

W- عیسی دیگر در برابر تهدید عقب نشینی نمی کند (ر. ک. ۱۵:۱۲؛ ۱۳:۱۴) بلکه با سرنوشتی که مستقیماً پیشگویی می کند روبرو می شود. ضمناً با ارتباط دادن با عید فصح یهودیان به سرنوشت خود معنی و مفهوم می دهد (ر. ک. مر ۱۴:۱؛ توضیح K). X- فعلی که در اینجا به کار رفته به صورت زمان حال می باشد در صورتی که قبلاً در اعلام رنج مسیح فعل آینده به کار رفته بود (۱۷:۲۲؛ ۱۸:۲۰) و بنابراین رنج و مرگ با این سخن عیسی آغاز می شود و می توان چنین ترجمه کرد: «بدانید که...» و به این ترتیب ارتباط بین عید فصح و مصلوب شدن را نشان داد. کلمه «تسلیم کردن» که معمولاً به معنی بدی به کار برده شده (۴:۱۲؛ ۵:۲۵؛ ۱۰:۱۷؛ ۱۶) در اینجا که سخن از رنج و مرگ مسیح است به صورت فعل مجهول می باشد (۱۷:۲۲؛ ۲۰:۱۸) و از این طرز ترکیب عبارت که قدیمی است چنین برمی آید که خدا پسر خود را به آدمیان تسلیم می کند (روم ۴:۲۵؛ ۱-قرن ۱۱:۲۳). بعداً تأکید خواهد شد که عیسی شخصاً خود را تسلیم نمود تا ما را نجات دهد (غلا ۲:۰؛ افس ۵:۲).

Y- این تغییر موضوع از نظر ترتیب وقوع حوادث ارزشی ندارد ولی از لحاظ علم الهی دارای اهمیت است (ر. ک. مر ۱۴:۳۱). شورای یهودیان احتمالاً همان است که یوحنا در ۴۷:۱۱-۵۳ ذکر کرده و تاریخ تجمع آنان را بیش از یک هفته قبل از عید فصح تعیین نموده است.

Z- به همان گونه که یوحنا در ۴۹:۱۱ و ۱۴:۱۸ ذکر کرده، متی نقش قیفا، داماد حنا را در این وقایع صریحاً یادآوری و نمایان می کند (لوقا ۲:۳؛ ۱۳:۱۸). این شخص از سال ۱۸ تا ۳۶ میلادی کاهن اعظم یعنی رئیس کل مقامات مذهبی یهود و رئیس دادگاه عالی یهود (سانهدرین) بوده است. متی بعضی از مشایخ قوم را نیز در این وقایع شریک کاهنان اعظم قلمداد کرده، یعنی

است.<sup>۱۱</sup> زیرا همواره درماندگان را با خود تث:۱۵  
دارید<sup>e</sup>؛ ولی مرا همیشه ندارید<sup>f</sup>.<sup>۱۲</sup> چون با  
پاشیدن این عطر بر بدن من، درواقع به  
منظور تدفین من کرده است.<sup>۱۳</sup> آمین به  
شما می گویم در تمام جهان<sup>h</sup>، هر جایی که  
این نوید اعلام شود<sup>g</sup> آنچه را این زن نیز  
کرده است به یاد او گفته خواهد شد.»

### خیانت یهوذا

(مرقس ۱۴: ۱۰-۱۱؛ لوقا ۲۲: ۳-۶)

<sup>۱۴</sup> آنگاه یکی از آن دوازده [تن] به نام  
یهودای اسخریوطی<sup>i</sup> نزد کاهنان اعظم رفته یو:۱۱  
<sup>۱۵</sup> گفت: «به من چه خواهید داد و من او را  
به شما تسلیم خواهم کرد.» ایشان برایش  
سی سکه نقره وزن کردند<sup>j</sup>.<sup>۱۶</sup> و از آن پس  
در پی فرصتی بود تا او را تسلیم کند<sup>k</sup>.

مز:۳۱ مشورت کردند که عیسی را به حيله دستگیر  
کرده بکشند. <sup>۱۵</sup> ولی می گفتند: «نه در زمان  
جشن<sup>a</sup>، تا هیاهویی در قوم ایجاد نگردد.»

### تدهین در بیت عنیا

(مرقس ۱۴: ۳-۹؛ یوحنا ۱۲: ۱-۸)

<sup>۱۶</sup> هنگامی که عیسی در بیت عنیا در خانه<sup>e</sup>  
شمعون جذامی بود<sup>b</sup>،<sup>۱۷</sup> زنی نزد وی آمد که  
شیشه ای عطر گران بها داشت و چون او بر  
سر سفره بود<sup>c</sup> آن را بر سرش ریخت.  
<sup>۱۸</sup> شاگردان با دیدن این برآشفته شده  
گفتند: «این اتلاف برای چیست؟<sup>۱۹</sup> زیرا  
می شد آن را خیلی گران فروخته به  
درماندگان داد.» <sup>۲۰</sup> عیسی دانسته به ایشان  
گفت: «چرا این زن را زحمت می دهید؟  
حال آن که کار نیکی<sup>d</sup> برای من انجام داده

شریک بعضی از اعضای سانهدرین که در بین جامعه مذهبی یهود مشاغل عالی داشته اند (ع:۴). ضمناً توجه نمایید که در  
روایت رنج و مرگ عیسی، از فریبیان صحبتی نمی شود.

a- این عبارت را می توان به دو گونه درک کرد: «در زمان عید» یا «در میان مردمی که عید گرفته اند» ولی چون دستگیری عیسی  
در زمان عید روی داد تعبیر دومی ارجحیت دارد.

b- متی همانند مرقس صحنه تدهین بیت عنیا را در داخل روایت رنج عیسی آورده است، در حالی که در یو:۱۲-۸ این واقعه  
شش روز پیش از عید فصح روی داده است. متی بدین وسیله نه فقط توطئه برضد عیسی را توصیف می کند (ر. ک ۱۶:۲۶؛  
لوقا ۱:۲۲-۶) بلکه نشان می دهد که عیسی بر اوضاع مسلط بوده و به آینده انجیل اطمینان دارد (۱۲:۲۶-۱۳). در مورد  
شمعون ر. ک مر:۱۴:۳ توضیح n.

c- تحت اللفظی: بر سر سفره دراز کشیده بود (ر. ک مر:۱۴:۳ o). روایت متی در این مورد ساده تر از روایت مرقس است و در آن  
نه نام عطر و نه موضوع شکستن عطردان ذکر شده است. در مورد شیشه عطر ر. ک لوقا ۳۷:۷ b.

d- اقدام به تدفین مردگان جزو کارهای نیک مذهبی است که در دورانی متاخر جزو فرائض مذهبی آیین یهود توصیه شده است  
(ر. ک طو: ۱۷-۱۹؛ ع: ۳۶:۹). به نظر ربی ها تفاوتی که این فرائض با پرداخت صدقه دارند در این است که مستلزم تعهد  
شخصی بوده و منحصرأ مربوط به بینوایان و زندگان نبوده بلکه شامل مردگان ثروتمند نیز می شود (ر. ک مت: ۲۵:۳۵-۴۴ و  
توضیح: ۱۵:۴۲-۴۷؛ ع: ۲:۸).

e- افعال یونانی که در اینجا به کار برده شده زمان حال و به صورت مضارع می باشند یعنی عملی که تمام نشده و کماکان ادامه دارد.  
f- عیسی نظریه معمول آیین یهود را یادآوری می کند که بر طبق آن اعمال خیر برتر از صدقه دادن است. در این موقعیت عمل خیر  
تدهینی است که انجام آن بعداً مقدور نخواهد بود. ضمناً درباره وضعیت بینوایان نسبت به خودش قانونی مقرر نمی کند.

g- نوید. ر. ک مر: ۱: a.

h- ر. ک مت: ۲۴: ۱۴ l.

i- اسخریوطی. ر. ک مت: ۱۰: a.

j- سکه خاص یهودیان که هر کدام ۱/۴ گرم وزن داشت. طبق خروج ۳۲:۲۱ برای ارزش و خون بهای یک برده این مبلغ تعیین  
شده بود، شبان نیکو را به بهای ناچیزی تسلیم کرده اند (زک: ۱۱:۱۲).

k- تسلیم کردن. ر. ک مت: ۲۶: x.

## آماده کردن سفرهٔ فصح

(مرقس ۱۴: ۱۲-۱۶؛ لوقا ۲۲: ۷-۱۳)

خروج ۱۲: ۱۴-۲۰

۱۷ نخستین [روز] فطیر<sup>۱</sup> شاگردان نزد عیسی آمده گفتند: «کجا می خواهی جهت خوردن فصح<sup>m</sup> برایت آماده کنیم؟»<sup>۱۸</sup> وی گفت: «به شهر نزد فلانی بروید و به او بگویید: استاد می گوید وقت من نزدیک است<sup>n</sup>، در خانهٔ تو فصح را با شاگردانم بر پا می کنم.»<sup>۱۹</sup> و شاگردان همان کردند که استادشان دستور داده بود و فصح را آماده کردند.

معرفی خائن<sup>o</sup>

(مرقس ۱۴: ۱۷-۲۱؛ لوقا ۲۲: ۱۴؛

یوحنا ۱۳: ۲۱-۳۰)

۲۰ شامگاه که فرارسید با دوازده [شاگرد] بر سر سفره نشست. ۲۱ و چون [غذا] می خوردند گفت: «آمین به شما می گویم که یکی از بین شما مرا تسلیم خواهد کرد.»<sup>۲۲</sup> و ایشان به شدت غمگین شده تک تک شروع کردند به او بگویند: «خداوندا، آیا من باشم؟»<sup>۲۳</sup> پاسخ داده گفت: «آن که با من دست در سینی<sup>p</sup> خیس کند همان است که مرا تسلیم خواهد کرد.

۲۴ پسر انسان برابر آنچه درباره اش نوشته مز ۸۷: ۲۲؛  
اش ۱۸: ۱۶؛  
شده می رود، اما وای بر آن مردی<sup>q</sup> که پسر اش ۹: ۵۳

۱- فطیر. ر. ک مر ۱۴: ۱۲. ۱ نخستین روز از هفت روزی که نان فطیر می خوردند و طبق اناجیل نظیر برابر با ۱۵ ماه نisan، اولین ماه سال قمری یهودیان است.

m- فصح. این کلمه مفاهیم متعددی دارد: ۱- در اینجا با توجه به اوضاع تاریخی این روایت به مفهوم عید فصح یهودیان است. ۲- عید گذر عیسی مسیح که مسیحیان برگزار می کنند. ۳- و بنابراین یگانه فصح عیسی که با صلیب و رستخیز خود از این دنیا به سوی پدر گذر می کند. متخصصین در این مورد تفسیرهای مختلفی در نظر می گیرند: الف) چنان که از اناجیل نظیر برمی آید عیسی ضیافت عید فصح را بر طبق رسوم یهودیان برگزار کرده است ولی این نکته با اطلاعاتی که از انجیل یوحنا استنباط می شود منافات دارد و برابر اطلاعات مذکور یهودیان غذای عید فصح را در غروب روز جمعه صرف کردند (یو ۱۸: ۲۸؛ ۱۹: ۱۴، ۳۱، ۴۲). ب) ممکن است عید فصح را برابر یک تقویم غیر رسمی (قمران) برگزار کرده باشد که در این صورت مرگ او با ذبح بره های قربانی همزمان بوده است (یو ۱۹: ۳۶). ج) عیسی که به دشواری می توانسته رسم یهودیان را پیش از موعد مقرر انجام دهد در طی شام وداع، ترتیب نیایش سپاسگزاری را مقرر کرده است و هرگاه مراسم عید یهودیان را به انجام می رساند بدین معنی نیست که مراسم دیگری به جای آن مقرر داشته بلکه با مرگ خود که جنبهٔ قربانی شدن دارد آن را به تحقق رسانیده است. در این صورت بایستی چنین فرض کنیم که انجیل نگاران ایمان خود را در مورد جشن گذر، با عید فصح یهودیان منطبق کرده اند. به هر صورت شام آخر عیسی در شرایط عید فصح یهودیان برگزار شده است.

n- این عبارت از نظر علم الهی یادآور مشیت خداست که در وقت معین تحقق می پذیرد (ر. ک ۲۹: ۸)؛ در اینجا زمان مرگ و جلال عیسی است که نزدیک می شود و یوحنا با کلمه «ساعت» از آن یاد می کند (یو ۷: ۳۰؛ ۱۳: ۱). متی برخلاف مرقس علاقه ای به ذکر جزئیات ندارد (انتخاب قاصدان مخصوص، وضع سفره خانه، توصیف مالک منزل): خلاصه هیچ نکته ای ما را از موضوع شناخت مسیح منحرف نمی نماید. «فلانی»: اسم شخص و مکان ذکر نشده است. آیا چون در زمان نگارش انجیل، مسیحیان اورشلیم در خطر بودند و می بایست اسم و مکان خاصی مخفی بماند؟ (ر. ک ۱۴: ۱۲ y).

o- موضوع این روایت در سه مرحله پیش می رود: عیسی خیانت را اعلام می کند (۲۱-۲۲)؛ جمع شاگردان محدود می شود (۲۳-۲۴) و یهودا خود را آشکار می سازد (۲۵). بدین طریق عیسی که به خوبی می داند به کجا می رود خائن را معرفی می کند.

p- سینی. سخن عیسی بدین معنی است: مردی که ظاهراً در یگانگی با دیگران زندگی می کند و شرکت در غذای سینی مشترک نشانهٔ این یگانگی است تصمیم گرفته خیانت نماید (در مورد کاربرد این کلمه و دربارهٔ مز ۴۱: ۱۰ که متی آن را ذکر نکرده ر. ک مر ۱۴: ۲۰ توضیح c).

q- در اصل یونانی این کلمه در ضدیت با «پسر انسان» آمده است. به هر صورت عیسی موقعیت فلاکت بار یهودا را بیان می کند (ر. ک ۱۳: ۲۳ j) و ضمناً او را لعنت نمی کند و محکوم نمی سازد.

ایشان داد و گفت: «همه شما از آن بنوشید،<sup>۲۸</sup> زیرا این خون من است، [خون] خروج ۸:۲۴؛ ارا ۳۱:۳۱؛ زک ۱۱:۹؛ عبر ۲۰:۹ پیمان که به خاطر بسیاری برای بخشایش گناهان ریخته شده است.<sup>۲۹</sup> به شما می گویم: از این پس دیگر از این محصول مو نخواهم نوشید تا آن روزی<sup>۷</sup> که با شما آن را در ملکوت پدرم تازه بنوشم.<sup>۳۰</sup>»

### اعلام انکار پطرس

(مرقس ۱۴:۲۶-۳۱؛ لوقا ۲۲:۳۳-۳۴، ۳۹؛ یوحنا ۱۳:۳۷-۳۸)  
<sup>۳۰</sup> و پس از خواندن سرودها<sup>x</sup> به سوی کوه زیتون بیرون شدند.<sup>۳۱</sup> آنگاه عیسی به ایشان گفت: «امشب همه شما درباره من

انسان بوسیله او تسلیم می شود! برای آن مرد بهتر می بود زابیده می شد.»<sup>۲۵</sup> یهویدا که او را تسلیم می کرد جواب داده گفت: «ربی<sup>۱</sup>، آیا من باشم؟» به او گفت: «خود گفتی.»

شام آخر. برپایی آیین سپاسگزاری (مرقس ۱۴:۲۲-۲۵؛ لوقا ۲۲:۱۵-۲۰؛ ۱-قرن ۱۱:۲۳-۲۶)

<sup>۲۶</sup> هنگامی که غذا می خوردند<sup>s</sup> عیسی نانی را گرفت و [دعای] برکت خوانده آن را پاره کرد و به شاگردان داد و گفت: «بگیرید بخورید، این تن<sup>t</sup> من است.»  
 ۱-قرن ۱۶:۱۰ و جامی گرفته، شکرگزاری کرد و به

۱۹:۱۴  
 ۳۶:۱۵  
 مر ۶:۸؛ ۴۱:۶؛  
 لوقا ۱۶:۹

<sup>t</sup> عنوان ربی کلمه ای است که دشمنان عیسی خطاب به او بکار می برد (۷:۲۳؛ ۸:۲۳؛ ۴۹:۲۶)، اما شاگردان او را خداوند می گویند. تمام این آیه مختص انجیل متی می باشد.

<sup>s</sup> متی آئینی کلیسایی را در روایت رنج و مرگ عیسی گنجانیده و بدین ترتیب نشان می دهد که عیسی مرگ خود را چگونه درک می کرده است. این روایت به خاطر شکل آیین نیایشی خود دعوت می کند که اعمال عیسی را در طی آخرین شام او تکرار کنند. بدین وسیله مرگ عیسی بر روی صلیب فعلیت یافته و شام آخر پیشاپیش برگزار می گردد.

<sup>t</sup> تن. این گفتار را به سبب کلمات «بگیرید بخورید» نمی توان فقط مقایسه ساده ای به شمار آورد (به همان گونه که نان پاره شده، تن من نیز پاره خواهد شد). از سوی دیگر فعل «است» (که برابر آن در ترکیب عبارات زبانهای سامی وجود ندارد بلکه مفهوم آن مستتر است) برای بیان یکی بودن نان و تن کافی نیست. برای این که موضوع یکی بودن نان و تن دقیقاً روشن شود بایستی سخنانی که درباره نان و شراب گفته شده به کسی که آنها را بیان کرده و به غذایی که در آن معنی این کلمات ابراز گردیده ارتباط داده شود. ضمناً بایستی شرایط و محیط صرف این غذا که در عید فصح بوده (ر.ک خون عهد یا طبق لوقا ۲۰:۲۲؛ عهد جدید) و اهمیت موضوع قربانی شدن (خونی که به خاطر بسیاری ریخته شده) در نظر گرفته شود.

<sup>u</sup> عیسی با ریختن خون خود بر روی صلیب، پیمانی را که در گذشته با ریختن خون قربانیها منعقد شده بود به اتمام می رساند (خروج ۲۴:۴-۸) و به طور ضمنی اعلام می کند پیمان جدیدی که پیامبران نبوت کرده بودند به تحقق پیوسته است (ارا ۳۱:۳۱-۳۴) و همچنین ارزش جهانی قربانی شدن خود را «به خاطر بسیاری» اعلام می کند، اصطلاحی که در زبانهای سامی به معنی مجموع آدمیان است (اش ۳۵:۱۲). متی به روایاتی که در انجیل نظیر آمده عبارت «برای بخشایش گناهان» را افزوده تا تصریح کند چه مفهومی برای مرگ عیسی قائل است.

<sup>v</sup> روز آخر، ر.ک اش ۲۵:۶؛ مت ۸:۱۱؛ لوقا ۲۹:۱۳؛ ۱۴:۱۵-۱۶؛ ۲۲:۱۶؛ مکا ۱۹:۹.

<sup>w</sup> در آیه ۲۹ که ضمیمه این روایت به شمار می رود و لوقا آن را قبل از روایت آیین نیایش ذکر کرده (لوقا ۱۵:۲۲-۱۸) متنی وجود دارد که احتمالاً ارتباطی با آیین نیایش ندارد (ر.ک مر ۱۴:۲۵؛ لوقا ۲۲:۲۴-۳۸؛ یوحنا ۱۳:۳۴-۳۶) و نشان می دهد شام آخر عیسی هدف فرجامین را داشته و امیدواری قطعی به شرکت در خوان آسمانی را بیان می کند (ر.ک مت ۸:۱۱؛ مر ۱۴:۲۵). با در نظر گرفتن یکی از معانی شراب در کتاب مقدس (مز ۱۰۴:۱۵؛ زل ۱:۲؛ ۴:۱۰؛ هوی ۱۰:۲۰...) و نیز معنای مستی روحانی (۱ سمو ۱۴:۱۴؛ ارا ۲۳:۹؛ اع ۱۵:۲؛ افس ۵:۱۸) و بالاخره اهمیت شراب در ضیافت ملکوت خدا (اش ۲۵:۶؛ یو ۱۰:۲؛ لوقا ۱۷:۲۲) آیا می توان در نظر گرفت که شراب تازه ای که با شاگردانش در ملکوت خواهد نوشید، نماد روح القدس است؟

<sup>x</sup> مزامیر هلولیا (مز ۱۱۳-۱۱۸) که با خواندن آنها غذای عید فصح به پایان می رسید.

زبدی را برداشته غم و اضطراب او شروع ۱۷:۱  
 شد. ۳۸ آنگاه به ایشان گفت: «جان من تا ۳۷:۵  
 به سرحد مرگ اندوهگین است<sup>b</sup>، در اینجا ۳۳:۱۴  
 بمانید و با من بیدار باشید.» ۳۹ و اندکی  
 پیش رفته به روی افتاده<sup>c</sup> دعا می کرد و ۸:۷  
 می گفت: «ای پدر من! اگر ممکن است  
 این جام از من بگذرد! اما نه چنان که من  
 می خواهم بلکه چنان که تو.» ۴۰ و نزد  
 شاگردان آمده آنان را خوابیده یافت و به  
 پطرس گفت: «پس نتوانستید حتی یک  
 ساعت با من بیدار بمانید! ۴۱ بیدار باشید  
 و دعا کنید تا در وسوسه وارد نشوید: روح ۱۳:۶  
 راغب است ولی تن ضعیف<sup>d</sup>.» ۴۲ باز بار ۴:۱۱  
 دوم رفته دعا می کرد و می گفت: «ای پدر  
 من، اگر ممکن نیست که بگذرد بدون  
 اینکه آن را بنوشم، اراده تو انجام شود<sup>e</sup>.» ۱۰:۶  
 ۴۳ و باز آمده آنان را خوابیده یافت زیرا  
 چشمانشان سنگین شده بود. ۴۴ و ایشان را  
 گذاشته باز رفت و برای سومین بار دعا  
 کرده همان سخن را گفت. ۴۵ آنگاه نزد ۸:۱۲

لغزش خواهید خورد<sup>y</sup> چنان که نوشته شده  
 زک ۱۳:۷: است: «شیان را می زنم و گوسفندان رمه  
 پراکنده می شوند» ۳۲ ولی پس از آن که  
 قیام کردم پیش از شما به جلیل خواهم  
 رفت<sup>z</sup>. ۳۳ پطرس به سخن درآمده به او  
 گفت: «حتی اگر همه درباره تو لغزش  
 خورند من هرگز لغزش نخواهم خورد.»  
 ۳۴ عیسی به او گفت: «آمین به تو می گویم  
 همین امشب پیش از آن که خروسی بانگ  
 زند تو مرا سه بار انکار خواهی کرد.»  
 ۳۵ پطرس به او گفت: «حتی اگر بایستی با  
 تو بمیرم تو را هرگز انکار نخواهم کرد.» و  
 همه شاگردان چنین می گفتند.

### در جتسیمانی

(مرقس ۱۴:۳۲-۴۲؛ لوقا ۲۲:۴۰-۴۶)

۳۶ آنگاه عیسی با آنان به ملکی موسوم به  
 جتسیمانی آمد و به شاگردان گفت: «در ۱:۱۸  
 مدتی که برای دعا به آنجا می روم، در همین  
 جا بنشینید<sup>a</sup>.» ۳۷ و با خود پطرس و دو پسر

- y- مسیح که شاگردانش برعکس در انتظار پیروزی او بودند (۲۲:۱۶؛ ۲۱:۲۰) با مرگ خود سنگ لغزشی می شود که همگی با آن برخورد خواهند کرد (ر. ک. ۲۹:۵ e). در اینجا عیسی زک ۱۳:۷ را نقل می کند.
- z- در روایت های اناجیل نظیر، سخنانی که فرشته در روز جشن گذر اعلام می کند (۱۷:۲۸) در اینجا گنجانیده شده تا اعلام لغزش شاگردان تعدیل شود (۳۱:۲۶).
- a- مرقس با ذکر ساعت مسیح (مر ۱۴:۳۵) معنی روایت خود را روشن می سازد و تفاوت بین عیسی و شاگردان را نمایان ساخته است (مر ۱۴:۴۰). برعکس، متی قبل از هر چیز جنبه شناخت مسیح را در این صحنه در نظر می گیرد که عبارت از اطاعت مطلق مسیح (مت ۲۶:۴۲) و در درجه دوم نمونه دعا کردن به هنگام وسوسه می باشد (ر. ک. لو ۲۲:۴۰، ۴۶؛ ۳۹:۲۲ توضیح e) و اگر سه بار دعا کردن ذکر شده برای آن است که شدت آن یادآوری شود (ر. ک. لو ۲۲:۴۴).
- b- عیسی در مقابل همان شاگردانی که قبلاً شاهد تجلی او بوده اند (۱۷:۹-۱۱) به چنان حالت افسردگی و اندوهی درمی آید که با مرگ برابر است (ر. ک. ۱-پاد ۱۹:۴) و همان حالت عادل رنجور می باشد (ر. ک. مز ۳۱:۲۳، ۳:۶۱، ۳:۱۱۶). گفتار عیسی در اینجا مز ۴۲:۶ و یون ۹:۴ به زبان یونانی را به یاد می آورد.
- c- منظور این نیست که نقش بر زمین شده (مر ۱۴:۳۵) یا زانو زده (لو ۲۲:۴۱) بلکه به حالت پرستش درآمده است (ر. ک. پید ۱۷:۳).
- d- ر. ک. مر ۱۴:۳۸ توضیح w. در مورد وسوسه ر. ک. مت ۱۳:۶ i و j.
- e- همان دعائی که پدر به ما تعلیم داده است، ر. ک. ۱۰:۶ e.

شاگردان آمده به ایشان گفت: «دیگر

بخوابید و آرام بگیرید.<sup>f</sup> اینک ساعت نزدیک است که پسرانسان به دست گناهکاران تسلیم می شود.<sup>۴۶</sup> قیام کنید برویم. اینک آن که مرا تسلیم می کند نزدیک است.»

### دستگیری عیسی

(مرقس ۱۴: ۴۳-۵۲؛ لوقا ۲۲: ۴۷-۵۳؛ یوحنا ۱۸: ۲-۱۱)

<sup>۴۷</sup> هنوز سخن می گفت که اینک یهو، یکی از دوازده آمد و با او انبوه [مردمان] بسیار با شمشیرها و چماقها از نزد کاهنان اعظم و مشایخ قوم.<sup>۴۸</sup> آن که او را تسلیم می کرد نشانه ای داده گفته بود: «هر که را ببوسم<sup>g</sup>، هم اوست. او را دستگیر کنید.»<sup>۴۹</sup> و همان دم نزد عیسی آمده گفت: «سلام، ربّی<sup>gg</sup>» و او را بوسه ای طولانی داد.<sup>۵۰</sup> عیسی به او گفت: «رفیق، برای همین اینجا هستی<sup>h</sup>.» آنگاه نزدیک آمده دستها بر عیسی دراز کرده و او را دستگیر کردند.<sup>۵۱</sup> و اینک یکی از کسانی که با

عیسی بود دست برده شمشیرش را کشید و

برده کاهن اعظم را زد و از گوش او برید.<sup>۲۶: ۱۸</sup>

<sup>۵۲</sup> آنگاه عیسی به او گفت: «شمشیرت را

بجای خود برگردان زیرا همه کسانی که

شمشیر برگیرند به شمشیر هلاک شوند.<sup>۶: ۹</sup>

<sup>۵۳</sup> یا می پنداری نمی توانم پدرم را بخوانم و

در دم بیش از دوازده فوج از فرشتگان را

حاضر گرداند؟<sup>۵۴</sup> پس چگونه نوشته های

مقدس انجام شود که بر طبق آنها

می بایست همچنین شود؟<sup>۵۵</sup> در آن ساعت

عیسی به جماعت گفت: «گویا بر ضد یک

راهزن<sup>j</sup> با شمشیرها و چماقها برای گرفتن

من بیرون آمده اید! من هر روز در معبد

نشسته آموزش می دادم و مرا دستگیر

نکردید.»<sup>۵۶</sup> همه اینها فرارسید تا

نوشته های پیامبران تحقق یابد. آنگاه همه

شاگردان او را گذاشته گریختند.<sup>۷: ۱۳</sup>

### عیسی در برابر سانهدرین

(مرقس ۱۴: ۵۳-۶۵؛ لوقا ۲۲: ۵۴-۵۵)

(۶۳، ۵۵-۷۱؛ یوحنا ۱۸: ۱۲-۱۸)

<sup>۵۷</sup> آنانی که عیسی را دستگیر کرده بودند

او را نزد قیاقا، کاهن اعظم بردند<sup>k</sup>، جایی

<sup>f</sup>- شاگردان که برای دعا کردن بیدار نمانده بودند نشان داده اند هنگامی که ساعت وسوسه فرامی رسد آمادگی ندارند. ضمناً عدم مقاومت و تسلیم شدن در برابر خواب بدین معنی است که از این پس از مبارزه بازایستاده اند.

<sup>g</sup>- در اینجا بوسه به هیچ وجه نشانه ای از محبت نیست بلکه سلامی است که به عنوان احترام به ربی ادا می شود. «سلام»، تحت اللفظی: «شاد باش.»

<sup>h</sup>- این جمله اصطلاحی مختصر و معمولی است که بایستی قبل از آن فعل امر: «بکن...» یا فعل دیگری که بیان پذیرفتن مشیت خداست گذاشته شود مثلاً: «تا تحقق یابد...» (ضمناً عیسی سلام و تعارف را کوتاه کرده و نشان می دهد که همه چیز را می داند و بر اوضاع مسلط است).

<sup>i</sup>- عیسی با استفاده از اصطلاحی که در نوشته های ربی ها تأیید شده اقتدار کاملی را که از پدر خود دریافت نموده و نیز اطاعت از اراده و مشیت الهی را بیان می کند.

<sup>j</sup>- احتمالاً منظور یکی از رؤسای دسته شورشیان نظیر باراباس می باشد (یو ۱۸: ۴۰)؛ در اینجا وضع عجیب و شگفت انگیزی پیش آمده است بدین معنی که با عیسی بمانند یکی از افراد فرقه غیوران رفتار می کنند و او را به این عنوان (۳۸: ۲۷، ۴۴) بین دو راهزن به صلیب می کشند (۳۷: ۲۷).

<sup>k</sup>- احتمالاً متی تنها حضور عیسی در برابر سانهدرین در صبح روز بعد (لو ۲۲: ۶۶) را با بازجویی شبانه در خانه حنا کاهن اعظم قبلی (یو ۱۸: ۱۲-۲۷) ادغام کرده است.

که کاتبان و مشایخ گرد آمده بودند.  
<sup>۵۸</sup> پطرس تا حیاط کاهن اعظم از دور به دنبال او می آمد و به اندرون وارد شده با نگهبانان نشست تا انجام را ببیند.  
<sup>۵۹</sup> کاهنان اعظم و تمام دادگاه در جستجوی شهادتی دروغ بر ضد عیسی بودند تا او را به کشتن دهند.<sup>۶۰</sup> و آن را نیافتند، هر چند شاهدان دروغین زیادی پیش آمدند. سرانجام دو نفر پیش آمدند <sup>۶۱</sup> که گفتند: «این گفته است می توانم قدس خدا را نابود کرده<sup>m</sup> در سه روز آن را دوباره بنا کنم.» <sup>۶۲</sup> و کاهن اعظم برخاسته به او گفت: «جوابی نمی دهی! اینها بر ضد تو چه شهادت می دهند؟» <sup>۶۳</sup> عیسی خاموش ماند<sup>n</sup> و کاهن اعظم به او گفت: «تو را به

خدای زنده سوگند می دهم به ما بگو آیا تو مسیح، پسر خدا هستی؟» <sup>۶۴</sup> عیسی به او گفت: «تو آن را گفتی، و نیز به شما می گویم از این پس پسر انسان را خواهید دید به دست راست قدرت نشسته<sup>o</sup> و بر ابرهای آسمان می آید.» <sup>۶۵</sup> آنگاه کاهن اعظم رخت خود را دریده گفت: «کفر گفت<sup>p</sup>. دیگر چه نیازی به شاهدان داریم؟ همانا اکنون کفر را شنیدید! <sup>۶۶</sup> چه می پندارید؟» در پاسخ گفتند: «مستوجب مرگ است<sup>q</sup>.» <sup>۶۷</sup> آنگاه به صورتش تَف انداخته او را زدند، دیگران او را سیلی زده <sup>۶۸</sup> می گفتند: «ای مسیح، برای ما پیامبری کن چه کسی تو را زده است<sup>r</sup>؟»

۱- اعضای سانهدرین که قبلاً در خانه قیافا جمع شده بودند از همان ابتدای امر در جستجوی شهادتی دروغ بودند. بنا به نوشته متی (ر. ک مر ۵۵:۱۴) محاکمه ای ساختگی آغاز می شود (ر. ک ۶۶:۲۶ q) که حداقل باید دو نفر شهادت دهند.

m- در نوشته های عهد جدید هرگز عیسی نقش ویران کننده معبد را برای خود قائل نشده است (مت ۲۴:۲-۳؛ یو ۱۹:۲۰؛ اع ۱۴:۶). متی اختلاف معبد سنگی را که با دست آدمیان ساخته شده با معبدی که به دست آدمیان ساخته نشده باشد ذکر نمی کند، همچنین پیشگویی درباره رستاخیز عیسی را ذکر نمی نماید ولی مقام منحصر به فرد عیسی را یادآوری می کند که با کمال تهور، خود را مالک معبد (می توانم) خدا اعلام می نماید.

n- همچون خدمتگذار خدا که هرگز زبان نگشود (اش ۷:۵۳؛ اع ۳۲:۸).

o- عیسی به سؤال صریح و قاطع کاهن اعظم با همان کلماتی که در بیان ایمان پطرس آمده است (۱۶:۱۶) پاسخی می دهد که نظیر مر ۱۴:۶۲ منحصر به کلمه «آری» نیست بلکه پاسخی غیر مستقیم است. عیسی نمی پذیرد که در مورد مسیح بودن خود در وضع مبهمی باقی بماند بلکه آمدن پسر انسان یعنی شخصیت آسمانی را اعلام می کند (دان ۱۳:۷) و بدین وسیله معنی واقعی پاسخ خود را اظهار می نماید، همچنان که امتیاز پسر داود را یادآوری می کند که بایستی به دست راست خدا جلوس نماید (مز ۱۱۰:۱؛ مت ۲۲:۴۴).

p- گرچه عیسی صریحاً نام خدا را ذکر نکرده (بلکه با کلمه «قدرت» از او نام برده) پاسخ او را کفرآمیز قضاوت کرده اند زیرا مدعی مقامی برابر با خدا شده است. سکوت عیسی باعث می شود که دادگاه به بن بست برسد و کاهن اعظم را مجبور می کند به صورتی کاملاً رسمی از او جواب بخواهد و با فشار آوردن بر عیسی، راهی برای این موضوع بیابد. عیسی با جوابی که عالمی و عامد می دهد، دلیلی برای محکومیت خود به آنها می دهد.

q- حاضر شدن عیسی در برابر سانهدرین، که یوحنا آن را ذکر نکرده، احتمالاً توجیه قانونی ندارد (شب هنگام). متی برخلاف مر ۱۴:۶۴ حکم واقعی دایر به محکومیت را ذکر نکرده و لوقا نیز از آن سخنی نگفته است. حضور عیسی در برابر سانهدرین که به صورت محاکمه ای ساختگی درآمده بود این حقیقت عمیق را بیان می کند که معاصران عیسی او را طرد می کردند زیرا ادعا می کرد مسیح و پسر خداست.

r- طبق انجیل های لوقا و یوحنا کسانی که به عیسی توهین می کنند نگهبانان هستند که چشم او را بسته اند و این نکته در متی ذکر نشده است. متی این صحنه را نفرت انگیزتر ساخته و این عمل را به تمام اعضای دادگاه عالی یهود نسبت می دهد. در این روایت از اش ۵۰:۵-۷ الهام گرفته شده است.

## انکارهای پطرس

(مرقس ۱۴: ۶۶-۷۲؛ لوقا ۲۲: ۵۶-۶۲؛  
یوحنا ۱۸: ۱۷، ۲۵-۲۷)

<sup>۶۹</sup> پطرس بیرون، در حیاط نشسته بود<sup>s</sup> و کنیزی نزد او آمده گفت: «تو هم با عیسی جلیلی بودی.»<sup>۷۰</sup> اما او در برابر همه انکار کرده گفت: «نمی دانم چه می گویی.»<sup>۷۱</sup> چون به طرف درگاه بیرون می رفت [کنیزی] دیگری او را دید و به کسانی که در آنجا بودند گفت: «این یکی با عیسی ناصری<sup>t</sup> بود!»<sup>۷۲</sup> و باز هم با سوگند انکار کرد: «من این مرد را نمی شناسم.»<sup>۷۳</sup> اندکی بعد آنان که در آنجا ایستاده بودند نزدیک آمده به پطرس گفتند: «به راستی تو هم از آنان هستی، وانگهی گفتارت<sup>u</sup> آشکار می کند.»<sup>۷۴</sup> آنگاه با نفرین شروع به قسم خوردن کرد: «من این مرد را نمی شناسم.» و همان دم خروسی بانگ زد.<sup>۷۵</sup> و پطرس به یاد سخن عیسی افتاد که گفته بود: «پیش از آن که خروسی بانگ زند سه بار مرا انکار خواهی کرد.»<sup>۳۴:۲۶؛ ۳۰:۱۴؛ ۳۴:۲۲؛ ۳۸:۱۳</sup> و بیرون آمده به تلخی گریست.

## تسلیم عیسی به پیلاتس

(مرقس ۱۵: ۱-۲؛ لوقا ۲۲: ۶۶؛  
۱: ۲۳؛ یوحنا ۱۸: ۲۸)

<sup>۱</sup> بامدادان که فرا رسید تمام کاهنان اعظم و مشایخ قوم بر ضد عیسی شورا کردند تا او را به کشتن دهند.<sup>۷</sup> و او را بسته<sup>w</sup> آوردند به پیلاتس حکمران تسلیم کردند.

## مرگ یهودا

<sup>۳</sup> آنگاه یهودا که او را تسلیم کرده بود ۱۵، ۱۴: ۲۶ چون دید که محکوم شده است پشیمان شده سی سکه نقره را نزد کاهنان اعظم و مشایخ قوم آورده گفت: «من گناه کرده و خون بی گناهی را تسلیم کرده ام.» آنان گفتند: «به ما چه؟ خودت ببین.»<sup>۵</sup> او ۲۴: ۲۷ سکه های نقره را در قدس انداخته، کنار کشید و رفت خود را حلق آویز کرد.<sup>x</sup> کاهنان اعظم سکه های نقره را برداشته گفتند: «چون خون بها است جایز نیست آن را در خزانه گذاشت<sup>y</sup>.» پس شورا کرده، کشتزار کوزه گر را برای دفن خارجیان با آن خریدند.<sup>۸</sup> بدین سبب این کشتزار تا به

S- روایت حضور عیسی در برابر سانهدرین که در بین دو قسمت از روایت مربوط به انکار پطرس آمده است (۵۸: ۲۶، ۶۹-۷۵) خواننده را وادار می کند وضع خود را در برابر خداوند روشن نماید: زیرا در مقابل عیسی که شهادت می دهد پطرس ایمان خود را انکار می نماید.

t- Nazoreen ر. ک ۲۳: ۲ توضیح b.

u- لهجه اهالی جلیل را نسبت به اهالی یهودیه از روی نکات جزئی مخصوصی که از نظر دستور زبان و طرز تلفظ داشتند می توانستند تشخیص دهند.

v- بر طبق سیاست کلی دولت روم، حکمرانان آزادی عمل زیادی برای سانهدرین قائل بودند (ر. ک ۵: ۲۲ توضیح x). سانهدرین در حدودی که دولت اشغالگر تعیین کرده بود زندگی مذهبی و سیاسی یهودیان را اداره می کرد. آیا در زمان عیسی سانهدرین مجاز بوده که حکم محکومیت به مرگ صادر کند و آن را به اجراء بگذارد؟ تا کنون تاریخ نگاران نتوانسته اند در این مورد به توافق برسند. روایتهای اناجیل با تفاوت های قابل ملاحظه ای نشان می دهند که سانهدرین چنین اختیاری داشته ولی اجازه حکمران برای اجرای حکم ضروری بوده است.

w- عین این عبارت در یوحنا ۱۸: ۱۲ آمده است. برابر انجیل یوحنا عیسی را از همان موقع بازداشت با بند بسته بودند ولی بر طبق اناجیل نظیر وی را پس از محکومیت بستند.

x- روایت مرگ یهودا با آنچه در اع ۱۸-۱۹ ذکر شده دقیقاً تطبیق نمی کند و مفسرینی که خواسته اند این دو متن را با هم هماهنگ سازند موفقیت چندانی نیافته اند.

y- ر. ک مر ۷: ۱۱ x.



امروز «کشتزار خون» نامیده شده است. آنگاه آنچه ارمیای نبی گفته بود تحقق یافت: «و سی سکه نقره را گرفته اند؛ قیمت آن قیمت گذاری شده که پسران اسرائیل قیمت گذاری کرده اند؛<sup>۱۰</sup> و آنها را برای کشتزار کوزه گر داده اند، برابر آنچه خداوند به من دستور داده بود.<sup>z</sup>»

### عیسی در برابر پیلطس

(مرقس ۱۵: ۲-۱۵؛ لوقا ۲۳: ۲-۵،

۱۳-۲۵؛ یوحنا ۱۸: ۲۸-۱۹: ۱۶)

<sup>۱۱</sup> عیسی در برابر حکمران ایستاد و

حکمران از او پرسیده گفت: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟<sup>a</sup>» عیسی گفت: «تو خود آن را می گویی.<sup>b</sup>»<sup>۱۲</sup> و چون کاهنان اعظم و مشایخ او را متهم می کردند هیچ پاسخی نمی داد.<sup>c</sup> آنگاه پیلطس به او گفت: «این همه شهادت بر ضد خود را نمی شنوی؟»<sup>۱۴</sup> و به او هیچ پاسخی حتی یک کلمه نداد چنان که حکمران بی نهایت

۲:۲  
مر ۲۹: ۳۷، ۱۵: ۹، ۱۲: ۲۶، ۲۳: ۳۸، ۱۸: ۳۹  
لوقا ۲۳: ۳۸، ۱۸: ۳۹  
اش ۵۳: ۷  
مت ۲۶: ۶۳  
لوقا ۲۳: ۱۴، ۱۹: ۹

تعجب کرده بود.<sup>۱۵</sup> در هر عید رسم حکمران بر این بود که یک زندانی را که مردم تقاضا می کردند آزاد کند.<sup>d</sup> در آن هنگام زندانی مشهوری به نام باراباس<sup>e</sup> داشتند.<sup>۱۷</sup> پس چون جمع شده بودند پیلطس به ایشان گفت: «چه کسی را می خواهید برایتان آزاد کنم، باراباس<sup>f</sup> یا عیسی مشهور به مسیح را؟»<sup>۱۸</sup> زیرا می دانست که او را از روی حسادت تسلیم کرده اند.<sup>۱۹</sup> چون بر مسند داوری نشسته بود زنش فرستاد به او بگویند: «بین تو و این عادل<sup>g</sup> هیچ نباشد زیرا امروز در رویا به علت او رنج بسیار کشیده ام.»<sup>۲۰</sup> ولی کاهنان اعظم و مشایخ، جماعت را وادار کردند که باراباس را درخواست کنند و عیسی را هلاک سازد.<sup>۲۱</sup> حکمران به سخن درآمده به ایشان گفت: «از این دو کدام را می خواهید برایتان آزاد کنم؟» گفتند: «ع ۱۴: ۳» «باراباس.»<sup>۲۲</sup> پیلطس به ایشان گفت: «پس عیسی را که مسیح می خوانند چه

- z- این قسمت نقل قولی تقریبی از زک ۱۲: ۱۱-۱۳ است که با عباراتی از ۱۸: ۲-۳؛ ۱۹: ۱-۲؛ ۳۲: ۵-۱۶ تلفیق شده است. انجیل نگار با دو نام «کشتزار کوزه گر» و «کشتزار خون» [معروف به حقل الدما] که احتمالاً در جامعه او این دو نام را می شناخته اند اعلام های پیامبرانه را در این متون مختلف عهد عتیق یافته است.
- a- مفهوم این سؤال را که پیلطس از عیسی می کند نمی توان درک کرد مگر بوسیله مطالبی که در لوقا ۲۳: ۱-۲ تصریح شده است و نشان می دهد که سانهدرین عیسی را به عنوان مدعی سلطنت متهم می کرده است.
- b- این کلمات که در انجیل های متی، مرقس و لوقا مشترک هستند می توان به مفهوم مثبت درک کرد: «تو آن را می گویی و حق داری». یهودیان در مورد مسیح موعود انتظار داشتند پادشاهی دادگر و آزادی بخش باشد: «خداوند، بنگر و پادشاهشان پسر داود را برانگیز» (مزامیر سلیمان ۱۷: ۳).
- c- درباره سکوت عیسی ر. ک ۲۶: ۶۳ n.
- d- رسم آزاد کردن یک زندانی در عید فصح مقرون به حقیقت می نماید ولی در هیچ جای دیگری ذکر نشده است.
- e- در بعضی نسخ نام این تبهکار عیسی باراباس ذکر شده ولی در اغلب نسخ خطی نام عیسی قبل از باراباس حذف شده چون نمی خواستند نام عیسی را برای باراباس بکار ببرند، هر چند این نام در آن زمان بسیار رایج بود.
- f- باراباس به زبان آرامی به معنی «پسر پدر» است، یعنی پدرش ناشناخته بود، ر. ک یوحنا ۱۸: ۴۰ f.
- g- نمی توان گفت که همسر پیلطس پیشاپیش مسیحی بوده است. این زن که بر اثر رویایی ناراحت و پریشان شده بود عیسی را به مفهوم یهودیان یا متی عادل نمی شمرد (یعنی کسی که به مشیت خدا وفادار باشد: ر. ک ۱۹: ۱، ۴۵: ۵، ۱۳: ۹) بلکه او را به معنی یونانی کلمه «آدم خوب» می داند که در عین حال جالب توجه و ناراحت کننده است.

سربازان<sup>m</sup> نزد او جمع شدند.<sup>۲۸</sup> پس از اینکه لباس او را کردند روپوشی قرمز رنگ<sup>n</sup> بر او انداختند<sup>۲۹</sup> و تاجی از خار بافته بر سرش گذاشتند، و نیز با شاخه نی در دست راست او و در برابر او زانو زده او را مسخره کرده<sup>o</sup> می گفتند: «درو، ای پادشاه یهودیان!»<sup>۳۰</sup> و بر او تَف انداخته، نی را گرفته با آن بر سرش می زدند.<sup>۳۱</sup> و بعد از آنکه او را مسخره کردند روپوش را از او برگرفته دوباره لباسهایش را به او پوشانیدند. و او را بردند تا مصلوب کنند.

۲:۲  
۳۷:۱۱:۲۷  
۱۲:۹:۱۵  
۲۶:۱۸  
لو:۳۸:۳۷:۲۳  
یو:۳۹:۱۸  
۲۱:۱۹:۳:۱۹  
اش:۵۰:۶

بکنم؟» همگی گفتند: «مصلوب شود!»<sup>h</sup>  
۲۳ وی اظهار کرد: «او چه بدی کرده است؟» و ایشان بلندتر فریاد زده می گفتند: «مصلوب شود!»<sup>۲۴</sup> پیلطس چون می دید هیچ فایده ای ندارد و بیشتر موجب هیاهو می شود آب خواست و در برابر مردم دست های خود را شسته گفت: «من از این خون بی گناه هستم،<sup>۱</sup> خودتان ببینید.»<sup>۲۵</sup> و تمام قوم پاسخ داده گفتند: «خون او بر ما و بر فرزندان ما باد!»<sup>۲۶</sup> آنگاه باراباس را برایشان آزاد کرد و در مورد عیسی، پس از اینکه [دستور] داد او را تازیانه زدن<sup>k</sup> تسلیم کرد تا مصلوب شود.

دان:۴۶:۱۳  
(یونانی):  
اع:۱۸:۶  
۲۶:۲۰  
۳:۲۷  
حزق:۵:۳۳  
اع:۲۸:۵

### مصلوب شدن عیسی (مرقس ۱۵: ۲۱-۳۲)

لوقا ۲۳: ۲۶-۴۳؛ یوحنا ۱۹: ۱۶-۲۴)  
۳۲ چون بیرون می آمدند مردی قیروانی<sup>p</sup> به نام شمعون را یافته او را وادار کردند صلیب او را بردارد.<sup>۳۳</sup> و چون به محلی به

### عیسی به عنوان پادشاه یهودیان تمسخر می شود (مرقس ۱۵: ۱۶-۲۰؛ لوقا ۲۳: ۱۱؛ یوحنا ۱۹: ۲-۳)

۲۷ آنگاه سربازان حکمران، عیسی را با خود به داخل دیوانخانه<sup>۱</sup> برده، تمام دسته

h- شکنجه صلیب که احتمالاً ریشه شرقی دارد در قوانین یهود ناشناخته بود و معمولاً رومیان آن را اعمال می کردند.  
i- طرز رفتار و سخنان پیلطس در نظر کسانی که به نوشته های مقدس آشنا هستند مفهوم دقیقی می گیرد (ر.ک تث ۲۱: ۶-۸؛ مز ۲۶: ۶؛ ۷۳: ۱۳) بدین معنی که پیلطس قصد دارد تمام مسئولیت وقایعی را که بعداً پیش می آید بر عهده یهودیان بگذارد.  
j- این اعلام یهودیان نیز ریشه در عهد عتیق دارد (۲ سمو ۱۳: ۱۶-۲۹؛ ۳؛ ۵: ۱۸؛ ۳؛ ۵: ۱۸؛ ۳؛ ۵: ۱۸). یهودیان علاوه بر آنکه شاید موضعی سیاسی اتخاذ کنند مجبورند از نظر مذهبی یکی از این دو راه را بپذیرند: یا در شخص عیسی، مسیح موعود را بشناسند یا به عنوان کسی که کفر می گوید مرگ او را تقاضا نمایند. ضمناً هرگونه یهود ستیزی که بر مبنای مطالب این آیه تصور شود چیزی جز انحراف و خطا نیست.  
k- تازیانه زدن. تازیانه های رومیان دارای تکه های استخوان و قطعات سرب بوده است. محکوم به مرگ را پیش از به صلیب کشیدن تازیانه می زدند تا ضعیف شده مدت رنجهایش کوتاه گردد. این نوع شکنجه که اصلاً منشأ رومی داشته ظاهراً در حدود دوران عیسی بوسیله یهودیان پذیرفته شده بود (ر.ک ۱۷: ۱۰ و ۳۴: ۲۳ که در آنها کلمه یونانی که بکار برده شده یکی نیست؛ ر.ک اع ۴۰: ۵؛ ۱۹: ۲۲).

l- دیوانخانه [یا مقر حاکم رومی]. ر.ک مرقس ۱۵: ۱۶ توضیح e.

m- در مورد دسته سربازان ر.ک مرقس ۱۵: ۱۶ توضیح e.

n- منظور روپوش سرباز رومی است و این تعبیر از نظر تاریخی بیش از آنچه در مر ۱۷: ۱۵ ذکر شده به حقیقت نزدیک است، زیرا پارچه ارغوانی مورد نظر مرقس گرانباتر از آن بوده که در چنین مورد و چنین جایی به کار برده شود.

o- ر.ک ۳۱: ۲۷. موضوع ریشخند و مسخره اکثراً در عهد عتیق دیده می شود؛ مرد عادل و مرد بینوا مورد سخریه و استهزای مردمان هستند (مز ۸: ۲۲؛ ۸: ۴۴؛ ۱۴: ۵۲).

p- قیروان. یکی از مهاجرنشین های یونانی در شمال آفریقا که تعداد زیادی از یهودیان در آنجا اقامت داشتند؛ ر.ک اع ۲: ۱۰؛ ۲۰: ۱۱. عیسی را از پایتخت مقدس بیرون می برند و متی با کلمه «بیرون» بر ارزش قربانی کفار تأکید می کند (لاو ۲۷: ۱۶؛ مت ۲۱: ۳۹؛ عبر ۱۳: ۱-۱۳).

اسرائیل است! اگر هم اکنون از صلیب  
پایین بیاید به او ایمان خواهیم آورد.  
۴۳ خود را به خدا سپرده است، اگر [خدا]  
به او علاقمند است او را رهایی دهد؛ زیرا  
گفته است: "من پسر خدا هستم X." ۱۸:۵۰  
۴۴ همچنین راهزنانی که با او مصلوب شده ۳۶:۱۰  
بودند او را ناسزا می گفتند. ۷:۱۹

### مرگ عیسی

(مرقس ۱۵: ۳۳-۳۹؛

لوقا ۲۳: ۴۴-۴۸؛ یوحنا ۱۹: ۲۸-۳۰)  
۴۵ از ساعت ششم تا ساعت نهم<sup>۷</sup> سرتاسر  
زمین را ظلمات فراگرفت. ۴۶ در حدود  
ساعت نهم عیسی با صدای بلند فریاد  
برآورده گفت: «الی، الی، الی، لما سبقتنی»<sup>۸</sup>  
یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا رها  
کرده ای؟» ۴۷ بعضی از آنان که در آنجا  
ایستاده بودند شنیده گفتند: «اینک الیاس

نام «جلجتا» یعنی محل جمجمه<sup>۹</sup> رسیدند،  
۳۴ به او شرابی آمیخته به زرداب<sup>۱۰</sup> دادند تا  
بنوشد و آن را چشیده نخواست بنوشد.  
۳۵ پس از اینکه او را به صلیب کشیدند،  
قرعه انداخته<sup>۱۱</sup> لباسهای او را تقسیم کردند.  
۳۶ و در آنجا به نگهبانی او نشستند. ۳۷ و  
تقصیر نامه<sup>۱۲</sup> او را بالاس سرش قرار دادند که  
۲۹:۲۷ چنین نوشته بود: این است عیسی پادشاه  
اش ۱۲:۵۳ یهودیان<sup>۱۳</sup>. ۳۸ آنگاه دو راهزن<sup>۱۴</sup> با او  
مصلوب شدند، یکی به راست و یکی به  
چپ. ۱۵:۲۱ ۳۹ عابران بر ضد او کفر گفته با تکان  
دادن سر<sup>۱۵</sup>، ۴۰ می گفتند: «تو که قدس را  
نابود و در سه روزه دوباره بنا می کنی<sup>۱۶</sup>،  
خود را نجات بده، اگر پسر خدایی از  
صلیب پایین بیا.» ۴۱ همچنین کاهنان  
بزرگ با کاتبان و مشایخ نیز او را ناسزا  
می گفتند: ۴۲ «دیگران را نجات داده است؛  
خودش را نمی تواند نجات دهد! پادشاه

q- احتمالاً نه اشاره به جمجمه آدم ابوالبشر (چنانکه اوریجن گفته) یا جمجمه اعدام شدگان، بلکه این نام به سبب شکل  
صخره ای است که شبیه جمجمه می باشد.

t- «هنگامی که کسی می بایست اعدام شود به او اجازه می دادند کندر حل شده در جام شراب را بنوشد تا از خود بی خود شود...  
بانوان محترم اورشلیم اجرای این وظیفه را بر عهده داشتند» (نقل از تلمود بابلی درباره سانهدرین، ۴۳). متی اضافه بر این  
افزودن زرداب را ذکر کرده که شراب را تلخ و غیر قابل شرب می سازد (ر.ک مز ۶۹:۲۲). زرداب مایعی لزج، تلخ، تهوع آور و  
زرد رنگ است.

s- در بعضی از نسخه های خطی افزوده شده است: «تا سخن پیامبر تحقق یابد: لباسهای مرا بین خود تقسیم کرده اند و برای ردای  
من قرعه انداخته اند» (مز ۲۲:۱۹). احتمالاً این الحاق از یو ۱۹:۲۴ گرفته شده است.

t- این کتیبه (به زبان لاتین titulus) جزو مقررات و ترتیبات مربوط به اعدام های رسمی بود. نگارش و انشاء کتیبه را که البته  
جنبه تمسخرآمیز دارد احتمالاً پیلطس دستور داده بود (ر.ک یو ۱۹:۱۹-۲۲ که این قسمت را بیشتر تشریح کرده است).

u- راهزن یا یاغی. در مورد این کلمه ر.ک ۵۵:۲۶ j.

v- ر.ک مز ۲۲:۸؛ ۱۰۹:۲۵.

w- ر.ک ۶۱:۲۶ m.

x- ر.ک مز ۲۲:۹؛ حک ۱۳:۲، ۱۸-۲۰.

y- یعنی از ظهر تا ساعت سه عصر. این ظلمات (ر.ک خروج ۱۰:۲۲؛ عا ۹:۸-۱۰) که از لحظه صلیب سرتاسر زمین را فرا گرفته  
بود احتمالاً نمادی از داوری خداست. ضمناً می توان ترجمه کرد: «بر روی تمام مرز و بوم».

z- ر.ک مز ۲۲:۲. این فریاد، فریاد نومی نیست بلکه فریاد اندوه و اضطراب است زیرا با سخنانی از نوشته های مقدس خطاب  
به خدا گفته می شود. بعضی از مفسران با یادآوری اینکه همین مزمور ۲۲ با دعای توکل و اعتماد پایان می یابد جنبه واقعی این  
عبارت را مورد تأکید قرار می دهند.

### تدفین عیسی

(مرقس ۱۵: ۴۰-۴۷؛ لوقا ۲۳: ۴۹-۵۶؛  
یوحنا ۱۹: ۲۵، ۳۸-۴۲)

۵۵ در آنجا زنان بسیاری بودند که از دور لوقا ۲۳: ۵۵  
نگاه می کردند، هم آنان که از جلیل به  
دنبال عیسی آمده بودند تا به او خدمت  
نمایند. ۵۶ از جمله مریم مجدلیه و مریم مادر  
یعقوب و یوسف و مادر پسران زبدی. ۲۰: ۲۰  
۵۷ چون شب فرا رسید، مرد ثروتمندی از  
اهالی رامه به نام یوسف که او هم شاگرد  
عیسی شده بود<sup>f</sup> آمد. ۵۸ وی به نزد پیلاتس  
رفته جسد عیسی را طلبید. پس پیلاتس  
دستور داد آن را باز پس دهند. ۵۹ و یوسف  
جسد را گرفته آن را در کفنی پاک پیچید؛  
۶۰ و آن را در قبری نو که در صخره کنده  
بود نهاد؛ و سنگ بزرگی به درِ قبر  
غلطانیده رفت. ۶۱ در آنجا مریم مجدلیه و  
مریم دیگر در مقابل قبر نشسته بودند.  
مر ۲۸: ۴، ۳: ۱۶  
مر ۲۸: ۱، ۲: ۲۸  
مر ۲۸: ۱، ۲: ۲۸  
لوقا ۲۴: ۱، ۲: ۲۸  
یوحنا ۲۵: ۱۹

را صدا می کند<sup>a</sup>. ۴۸ و همان دم یکی از  
ایشان دویده اسفنجی برداشت و آن را به  
سرکه<sup>b</sup> آغشته کرده بر سر یک نی گذاشت  
و به او نوشانید. ۴۹ ولی دیگران می گفتند:  
«بگذار ببینیم آیا الیاس می آید او را نجات  
دهد.» ۵۰ عیسی باز به صدای بلند فریاد  
برآورد و روح<sup>c</sup> را تسلیم کرد. ۵۱ و اینک  
پرده<sup>d</sup> قدس از بالا تا پایین به دو قسمت  
شکافته شد و زمین متزلزل گردید و  
صخره ها شکافتند. ۵۲ و قبرها باز شدند و  
اجساد بسیاری از مقدسین که خوابیده  
بودند قیام کردند ۵۳ و پس از قیام او، از  
قبرها خارج شده به شهر مقدس وارد شدند  
و به تعداد زیادی از مردمان ظاهر  
گردیدند<sup>e</sup>. ۵۴ سنتوریون و کسانی که با او  
عیسی را نگهبانی می کردند با دیدن  
زمین لرزه و آنچه انجام شده بود، بسیار  
ترسیده گفتند: «به راستی، این پسر خدا  
بود.»

۵: ۴  
مکا ۱۱: ۲  
۱۰: ۲، ۲۱  
۱۹: ۲۲

a- در مورد انتظار برای الیاس طبق نوشته های مکاشفه ای یهودیان ر. ک ۱۰: ۱۷ توضیح J.

b- سرکه. آشامیدنی ای که سربازان رومی با آن به خوبی آشنا بودند. در اینجا اشاره به مز ۶۹: ۲۲ به این عمل جنبه غیر انسانی می دهد در صورتی که شاید چنین نبوده است (ر. ک یوحنا ۱۹: ۲۸-۳۰).

c- در اینجا منظور از روح، نه روح القدس است و نه آن روح که طبق تفکر یونانی در برابر جسم مادی انسان قرار دارد و خدا به انسان داده است (ر. ک لوقا ۲۳: ۴۶ m؛ یوحنا ۳۰: ۱۹ k)، بلکه منظور روح زندگی به معنایی است که در عهد عتیق آمده است (پید ۳۵: ۱۸؛ بنسی ۳۸: ۲۳؛ حک ۱۶: ۱۴).

d- منظور پرده ای است که صحن جلو معبد را از معبد جدا می کرد (در این صورت مرگ عیسی دسترسی مشرکان را به حضور خدا مقدور می سازد) یا پرده ای که قدس را از قدس الاقداس مجزا می سازد (در این صورت با مرگ عیسی دوران کاهنان عهد عتیق پایان می یابد. در این معنی ر. ک عبر ۹: ۱۹؛ ۱۰: ۲۰). نیز به این معنی که قدس الاقداس معبد از بین رفته و جای آن را تن مسیح گرفته است (ر. ک یوحنا ۱۹: ۲ e). در هر صورت با توجه به ترکیب عبارات نمی توان یکی از این سه تفسیر را ترجیح داد.

e- شرح و تفصیلاتی که در آیات ۵۱-۵۳ آمده قسمتی از پیشگوییهای هستند که در روایات، فرا رسیدن روز داوری نهایی را اعلام می کردند (عا ۳: ۸؛ اش ۲۶: ۱۹؛ حزق ۳۷: ۱۲؛ دان ۱۲: ۲).

f- این جمله را می توان این گونه نیز ترجمه کرد: «که او هم شاگردی عیسی را کرده بود» یا اینکه: «از آموزش عیسی تعلیم یافته بود» (همین فعل در مت ۱۳: ۵۲، ۲۸: ۱۹ به کار برده شده است). بیشتر گمان می رود که این شخص اصلاً اهل آرماتیه بوده که از شهرهای ناحیه یهودیه در شمال شرقی «لده» می باشد که یا اصالتاً از آن شهر می آمده یا موقعی که مصلوب را دیده به اورشلیم وارد می شده است. در هنگام دفن مسیح، هیچ کدام از رسولان حضور نداشتند. قبل از این متی مرتب درباره آنان صحبت می کرد و حال فرصتی پیش آمده تا به زنانی اشاره کند که از قبل عیسی را پیروی و خدمت می کردند.

## نگهبانی مقبره

گذاشتند و از حفاظت مدفن خاطر جمع شدند.

## عیسی دیگر در قبر نیست

(مرقس ۱۶: ۱-۸؛ لوقا ۲۴: ۱-۱۱؛

یوحنا ۲۰: ۱، ۱۱-۱۸)

۲۸ پس از سبت، به هنگام شروع

روشنایی<sup>k</sup> روز اول هفته، مریم

مجدلیه و مریم دیگر<sup>l</sup> آمدند تا از مدفن

دیدن کنند<sup>m</sup>.<sup>۲</sup> و اینک زمین لرزه عظیمی

روی داد<sup>n</sup> زیرا فرشته خداوند<sup>o</sup> از آسمان

فرود آمده پیش آمد، سنگ را غلطانیده بر

آن نشست. <sup>۳</sup> منظر او مانند آذرخش و

لباسش همچون برف سفید بود. <sup>۴</sup> نگهبانان

در برابر او ترسان شده بر خود لرزیدند و

<sup>۶۲</sup> فردای آن روز یعنی پس از تدارک<sup>g</sup>

[عید]، کاهنان اعظم و فریسیان نزد

پیلاطس گرد آمده گفتند<sup>h</sup>: <sup>۶۳</sup> «خداوند،

به یادمان آمد که این گمراه کننده<sup>i</sup> وقتی

هنوز زنده بود گفت: بعد از سه روز قیام

می کنم<sup>j</sup>. <sup>۶۴</sup> پس دستور بده که مدفن تا روز

سوم به طور مطمئنی محافظت شود مبادا

شاگردانش بیایند و او را بدزدند و به قوم

بگویند از میان مردگان قیام کرده است:

آخرین گمراهی که از اولی بدتر خواهد

بود. <sup>۶۵</sup> پیلاطس به ایشان اظهار کرد:

«این هم نگهبان، بروید هر طور می خواهید

بکنید تا خاطر جمع شوید.» <sup>۶۶</sup> پس آنان

رفتند سنگ را مهر و موم کرده، نگهبان

۴۰:۱۲

۲۱:۱۶

۲۳:۱۷

۱۹:۲۰

۳۱:۹؛ ۳۱:۸

۳۴:۱۰

لو: ۲۲:۹

۳۳:۱۸

۷:۲۴

۴۵:۱۲

لو: ۲۶:۱۱

۲- پطرس: ۲۰

g- تدارک. این کلمه در مورد روز جمعه به کار برده می شد که در آن روز یهودیان برای سبت تهیه و تدارک می دیدند.

h- آیات ۶۲ تا ۶۶ که مختص انجیل متی است انعکاسی از جدال بین یهودیان و مسیحیان می باشد. منظور آن نیست که قیام عیسی ثابت شود بلکه پاسخی به اعتراض یهودیان است که می گفتند جسد او دزدیده شده است.

i- یعنی کسی که مردمان را به اشتباه می اندازد.

j- اشاره به اعلامهای مربوط به رنج عیسی و رستخیز اوست که انجیل نگاران نوشته اند. چنین به نظر می رسد در موقعی که متی انجیل خود را می نوشت محافل یهودی از این موضوع اطلاع داشته اند.

k- این اصطلاح احتمالاً اشاره به پیدا شدن ستاره غروب است که آغاز شبانه روز جدیدی را اعلام می نماید (ر. ک. لو: ۲۳: ۵۴) و موقع فرارسیدن شب است. برخلاف انجیل دیگر که به طلوع آفتاب اشاره می کنند، متی طبق تقویم یهودیان، از آغاز شبانه روز یعنی بعد از غروب آفتاب اشاره می کند. در هر دو تعمق موضوع شروع هفته جدید و از این رو خلقت جدید است.

l- احتمالاً مادر یعقوب و یوسف (۵۶: ۲۷).

m- این زنان مقدس نه برای تذهین جسد (مر: ۱۶: ۱) بلکه برای دیدار (زیارت) مقبره می آیند. ممکن است آداب و رسوم یهودیان که به زیارت قبر مقدسان می رفتند بر این روایت تأثیر کرده باشد؛ ضمناً با توجه به علاقه ای که نسبت به محل مقبره ابراز می شود (۶: ۲۸) بیابید ... بنگرید) می توان این فرضیه را تأیید نمود.

n- در روایات، زمین لرزه یکی از علائم ظهور الهی است (ر. ک. خروج: ۱۸: ۱۹؛ مز: ۱۱۴: ۷؛ عبر: ۱۲: ۲۶؛ مت: ۲۷: ۳۵ توضیح e). [قانون ایمان رسولان اعلام می کند: «او به هاویه فرو رفت.»] باید یادآوری نمود که یهودیان چگونه عاقبت مردگان را تصور می کردند (مت: ۱۸: ۱۸؛ لو: ۲۳: ۱۶؛ مز: ۱۱: ۸۸؛ ی: ۱۲: ۱۲). مردگان در عالم زیر زمین در تاریکی و فراموشی کامل بودند، بدون هیچ امیدی که از آنجا به بالا برگردند و بدون ارتباط با خدا و زمین زندگان. این زندان نمی توانست مسیح، کلمه زنده را در بند نگاه دارد. او زنجیرها را گسسته عادلان را آزاد می سازد (افس: ۴: ۷؛ ۱- پطرس: ۱۹ و w و x). این تعمق بر پیروزی مطلق عیسی و لرزیدن دنیای کهنه برای شروع خلقت تازه، در کلیسای شرق اهمیت خاصی دارد. [

o- در اینجا فرشته ای نیست که مأمور باشد واقعه شکفت انگیزی را توضیح دهد (ر. ک. ۵: ۲۸) بلکه فرشته خداوند است (ر. ک. پید: ۲۲: ۱۱-۱۵؛ خروج: ۲-۶) فرشته ای که عمل می کند (۲: ۲۸) و با اقتدار خداوند سخن می گوید (۵: ۲۸، ۷؛ ر. ک. ۱: ۲۰: i).

را که انجام شده بود به کاهنان اعظم خبر دادند. <sup>۱۲</sup> اینان با مشایخ جمع شده مشورت کردند. <sup>۱۳</sup> گفتند: «شب هنگام شاگردانش آمده <sup>۱۴</sup> و اگر چون خوابیده بودیم او را ربودند. <sup>۱۵</sup> و اگر حکمران این را بشنود ما او را قانع خواهیم کرد و برای شما جای نگرانی نخواهد بود.» <sup>۱۶</sup> آنان نقره را گرفتند و برابر آنچه به ایشان تعلیم داده بودند رفتار کردند و این سخن <sup>۱۷</sup> تا به امروز در بین یهودیان شایع شده است.

### عیسی قیام کرده شاگردانش را به مأموریت می‌فرستد

<sup>۱۸</sup> اما یازده شاگرد، به جلیل بر کوهی <sup>۱۹</sup> رفتند. <sup>۲۰</sup> و او را دیده سجده نمودند ولی بعضی شک کردند. <sup>۲۱</sup> و عیسی پیش آمده این سخنان را به ایشان گفت: «هر

چون مردگان شدند. <sup>۲۲</sup> فرشته به سخن درآمد به زنان گفت: «ترسان نباشید؛ می‌دانم که عیسی مصلوب را می‌جویید. <sup>۲۳</sup> او در اینجا نیست زیرا همان گونه که گفته بود، <sup>۲۴</sup> قیام کرده است؛ بیایید جایی که او را گذاشته بودند بنگرید. <sup>۲۵</sup> و زود رفته به شاگردانش بگویید که از مردگان قیام کرده است؛ و اینک پیش از شما به جلیل رفته و در آنجا او را خواهید دید. اینک به شما گفتم!» <sup>۲۶</sup> و آنان، شتابان از قبر رفته با ترس و شادی بزرگ دویدند تا آن را به شاگردانش مژده دهند. <sup>۲۷</sup> و اینک عیسی به آن زنان برخورده گفت: «شادمان باشید!» زنان نزدیک رفته پاهای او را گرفتند و در برابرش سجده کردند. <sup>۲۸</sup> و آنگاه عیسی به آنان گفت: «مترسید، بروید به برادران من <sup>۲۹</sup> مژده دهید که به جلیل بروند و در آنجا مرا خواهند دید.» <sup>۳۰</sup> چون می‌رفتند اینک بعضی از نگهبانان به شهر آمده تمام آنچه

۲۱:۱۶  
۲۳:۱۷  
۱۹:۲۰  
مر: ۳۱:۸  
۳۱:۹  
لو: ۲۲:۹  
۳۳:۱۸  
۷:۲۴  
۳۲:۲۶  
مر: ۲۸:۱۴  
۱۷:۱۰:۲۸  
یو: ۲۱:۱-۲۳

۳۲:۲۶  
۱۶:۷:۲۸  
مر: ۲۸:۱۴  
یو: ۲۱:۱-۲۳

p- متی برخلاف روایت‌های جعلی و تصورات عامیانه، عیسی را در حال قیام و برخاستن از مرگ توصیف نمی‌نماید بلکه با روش نگارش ادبیات مکاشفه‌ای آثار عمل خدا را ارائه می‌کند.

q- آنچه عیسی اعلام می‌کند در وهله اول وعده ملاقات در جلیل نیست (مر: ۱۶:۷) بلکه درباره خود رستاخیز است. این موضوع در بشارت‌های خاص کلیسای اولیه (مصلوب شده... از مرگ برخاسته) بیشتر دیده می‌شود (ر. ک. اع: ۲۳-۲۴، ۳۶: ۴: ۱۰:۴...).

r- این نکته با روایت مر: ۱۶:۸ تفاوت دارد.

s- «شادمان باشید» ر. ک. لو: ۲۸:۱ توضیح Z. «پاهای او را گرفته...» زنان با این عمل نمی‌خواهند معاینه کنند که آیا عیسی تنی دارد بلکه امیدواری خود را ابراز کرده (ر. ک. ۲-۲۷:۴) احترام و ستایش خود را نشان می‌دهند (مت: ۲:۲، ۸:۱۱، ۲:۸: ۱۴:۳۳، ۱۵:۲۵، ۲۸:۱۷).

t- در انجیلها ذکر «برادران من» در مورد شاگردان فقط در اینجا و در یو: ۲۰:۱۷ دیده می‌شود، جایی که عیسی بر مریم مجدلیه پدیدار می‌گردد.

u- این عبارت، در انجیل متی متداول و معمول است: ۱۴:۱۲، ۱۵:۲۲، ۱:۲۷، ۷.

v- این روایت که در دفاع از مسیحیت است شایعه‌ای را که یهودیان در زمان متی رواج داده بودند تکذیب می‌نماید (ر. ک. مت: ۲۷:۶۲-۶۶) و نشان می‌دهد که حتی اگر می‌توانستند چنین تصویری بکنند بودن جسد عملاً روی نداده است.

w- بر کوهی در جلیل که تعیین آن غیر ممکن است ولی متی آن را احتمالاً نزدیک به کوهی که در وسوسه عیسی ذکر شده (۸:۴) یا کوهی که بر آن تجلی کرد (۱:۱۷) می‌داند.

x- تذکر درباره اینکه شک کرده بودند موجب شگفتی است، زیرا پس از پرستش شاگردان ذکر شده و از سوی دیگر چنان که معمولاً در طرح عادی روایت‌های پدیدار شدن مسیح دیده می‌شود (لو: ۲۴:۱۱، ۳۷-۴۴؛ یو: ۲۵:۲۰-۲۷؛ مر: ۱۶:۱۱، ۱۳-۱۴) این نکته با شناختن خداوند هماهنگی ندارد. بدین سبب بعضی از مفسرین این عبارت را توضیحی الحاقی می‌دانند که

یو:۳:۳۵؛ ۳:۱۳؛ ۲۷:۱۱

اقتداری در آسمان و بر زمین به من داده شده است. <sup>۱۹</sup> پس رفته همه ملت‌ها را شاگرد سازید <sup>Z</sup> و آنان را به نام <sup>a</sup> پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید. <sup>۲۰</sup> به ایشان

۲:۱۷  
افس:۱:۲۰-۲۲

آموزش دهید که هر آنچه به شما دستور یو:۲۳:۱۴ داده ام رعایت کنند. و اینک هر روز تا حجی:۱:۱۳؛ یو:۲۴:۱۷ انجام زمان من با شما هستم <sup>b</sup>.  
۳:۲۴؛ ۴۹:۳۹



به روایت ملاقات خداوند زنده با شاگردانش اضافه شده است و این ملاقات نوعی «ظهور الهی» است نظیر آنچه در مورد اعلام زمان آخر در دان:۷:۱۴ گفته شده. ضمناً این عبارت را می‌توان ترجمه کرد: ایشان که شک کرده بودند (و این تردید درباره عیسی نیست بلکه درباره سخنان زنان است).

<sup>Y</sup>- آن کسی که بر کوه وسوسه، تسلط بر سلطنت‌های دنیا را از ابلیس نپذیرفته بود (۴:۹-۱۰) صریحاً اعلام می‌کند که آن را از خدا دریافت کرده است. (ر. ک دان:۷:۱۴؛ به پسر انسان اقتدار، افتخار و سلطنت داده شد و تمام اقوام، ملت‌ها و زبانها او را پرستش کردند)؛ و حتی بیشتر از این، در اینجا سخن از «زمین و آسمان» است چنان که اعتقاد کلیسای اولیه بر این بود (اع:۱۳:۳۳؛ روم:۱:۴؛ فی:۲:۵-۱۱؛ ۱- تیمو:۱۶:۱۳).

<sup>Z</sup>- یا اینکه: «رفته از تمام ملت‌ها شاگرد بسازید» (ر. ک ۲:۸؛ ۹:۱۳؛ ۱۰:۶؛ ۱۱:۴؛ ۲۷:۶۶؛ ۲۸:۷). در اینجا منظور از ملت‌ها منحصر به مشرکان نمی‌باشد بلکه یهودیان را نیز در بر می‌گیرد (ر. ک ۹:۲۴، ۱۴، ۳۲:۲۵). اقدام عیسی با رفتاری که در دوران زندگی زمینی خود داشته (۱۰:۵-۶، ۲۳؛ ۱۵:۲۴) تفاوت دارد و حال پیشگویی را به تحقق می‌رساند (اش:۴۲:۶؛ ۴۵:۱۸-۲۰؛ ۴۹:۶).

<sup>a</sup>- وقتی گفته می‌شود: «به نام...» بدین معنی است که رابطه‌ای شخصی (ر. ک ۱- قرن:۱۳:۱۰؛ ۲:۱۰) بین کسی که تعمید می‌یابد با پدر، پسر و روح القدس برقرار می‌گردد؛ ذکر «سه گانه مقدس» از همان آغاز در کلیسای اولیه شناخته شده بود (۱- قرن:۱۲:۳-۵؛ ۲- قرن:۱۳:۱۳). طبق کتاب دیداکه ذکر این عبارت در آئین کلیسای اولیه مرسوم بوده است.

<sup>b</sup>- عیسی برخاسته از مرگ با این کلمات به چهره و وعده حضور الهی در عهد عتیق اشاره کرده و آن را به تحقق می‌رساند (خروج:۱۲:۳؛ ارا:۸؛ اش:۴۱:۱۰؛ ۴۳:۵؛ مت:۲۳:۱). او نه فقط فراهم آورنده موهبت‌های مخصوص است (لو:۲۴:۴۸؛ یو:۲۰:۲۲) و حضور مداوم خود را اطمینان می‌دهد (مت:۲۰:۱۸) بلکه یاری مؤثر «هر روزه» را نیز حتی در موقعی که تحت جفا باشند فراهم می‌کند. بدین گونه این حضور مشابه حضور روح مدافع است که متون یوحنا قبلاً به آن اشاره کرده بودند (یو:۱۴:۱۶؛ ۱۶:۷-۱۱؛ ر. ک ۱- یو:۱).